

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ و سیاست

سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱

✽ ایران و قرقیزستان در چشم انداز تعامل و گفت و گوی فرهنگی

طاهره جهان پرور؛ محمد علی ربانی

✽ بررسی عوامل اثرگذار در همگرایی و واگرایی افغانستان و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی

جمهوری اسلامی ایران

احسان خادمی بهابادی

✽ مولفه های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و کردهای فیلی عراق

علیرضا زرگر؛ علی مولایی؛ محمد رضا رفیعی دولت آبادی

✽ تکنولوژی های نوین و جایابی قدرت در روابط بین الملل

علی باقری زاده؛ غلام مرتضی خاشع؛ محمد عالم همت

✽ سیاست خارجی هند در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۱۳)؛ با تأکید بر نقش افغانستان در تأمین منافع

ملی هند

عبدالله خاوری؛ سید امیر نیاکویی

✽ رژیم صهیونیستی و راهبرد ایران هراسی

محمد پورقربان

✽ اعتمادسازی رابط قدرتی در روابط بین الملل

ارسلان قربانی شیخ نشین، مهدی انصاری



صاحب امتیاز: انجمن ایرانی روابط بین الملل با همکاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی و گروه پژوهشی فرهنگ دیپلماسی و گفتگو

مدیر مسئول: دکتر غلامرضا کریمی

سر دبیر: دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین

دستیار سردبیر: دکتر نیما رضایی

گروه دبیران (هیئت تحریریه) به ترتیب حروف الفبا:

دکتر سید داوود آقایی.....
استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی.....
استاد گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر حسین دهشیار.....
دپارتمان روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر رضا سیمبر.....
سیاسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

دکتر محمود سریع القلم.....
استاد گروه سیاست جهانی و منطقه ای دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی.....
دانشیار گروه سیاست جهانی و منطقه ای دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر سید سعید میرترابی.....
دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

دکتر غلامرضا کریمی.....
دانشیار



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
فهرست مطالب

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی
دکتر حسین رفیع.....دانشیار



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
فهرست مطالب

اصول اخلاقی انتشار مقاله

این منشور تعهدنامه‌ای است که برخی حدود اخلاقی و مسئولیت‌های مربوط به انجام فعالیت‌های علمی و چاپ آن‌ها در نشریه را ترسیم می‌کند تا از بروز تخلفات پژوهشی آگاهانه یا ناآگاهانه توسط نویسندگان مقالات پیشگیری نماید. این منشور برگرفته از «منشور و موازین اخلاق پژوهش» مصوب معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، موازین انتشاراتی پذیرفته شده بین‌المللی، و تجربیات موجود در حوزه نشریات علمی است.

نویسندگان، داوران، اعضای هیئت تحریریه و سردبیران نشریات موظف هستند تمام اصول اخلاق پژوهشی و مسئولیت‌های مرتبط در زمینه چاپ را محترم دانسته و به آن متعهد باشند. ارسال مقاله توسط نویسندگان، داوران مقالات و تصمیم‌گیری در مورد قبول یا رد مقاله توسط اعضای هیئت تحریریه و سردبیر به منزله دانستن و تبعیت از این حقوق می‌باشد. در همین راستا اهم مسئولیت‌هایی که برای افراد فعال در نشر مجله همانند: نویسنده(گان)، مدیر مسئول، سردبیر، اعضای هیئت تحریریه و مدیر داخلی (مسئول دفتر نشریه) در نظر گرفته شده به اختصار بیان شده است:

وظایف و تعهدات نویسندگان (Authors Responsibilities)

- مقالات ارسالی باید در زمینه تخصصی مجله بوده و به صورت علمی و منسجم، مطابق استاندارد مجله آماده شده باشد.

- قبل از ارسال مقاله، هرگونه تضاد منافع احتمالی که بر نتیجه یا تفسیر یافته‌های پژوهش و یا انتخاب سردبیران و داوران تاثیر گذار است، مطرح و منابع مالی حامی پژوهش در مقاله ذکر شود.

- مقالات ارائه شده بایستی پژوهش اصیل (Original Research) نویسنده/ نویسندگان مقاله باشد. دقت در پژوهش، گزارش صحیح داده‌ها و دارای منبع و استناددهی (Citation) دقیق دربردارنده تحقیقات سایر افراد، در مقاله الزامی است.

- نویسنده/ نویسندگان مسئول صحت و دقت محتوای مقالات خود هستند. شایسته است یافته‌های مقاله به طور کامل گزارش شود و در ارائه یافته‌ها و تفسیر و تحلیل آن‌ها دقت کامل به عمل آید، مقاله حاوی جزئیات و منابع کافی باشد به نحوی که امکان دسترسی سایر پژوهشگران به مجموعه داده‌های یکسان جهت تکرار پژوهش وجود داشته باشد.

- چاپ مقاله به معنی تأیید مطالب آن توسط مجله نیست.



- نویسندگان حق «ارسال مجدد» (Duplicate Submission) یک مقاله را ندارند. به عبارت دیگر، مقاله یا بخشی از آن نباید در هیچ مجله دیگری در داخل یا خارج از کشور چاپ شده یا در جریان داوری و چاپ باشد.

- نویسنده/ نویسندگان موظف اند در صورت نیاز به استفاده از مطالب دیگران، آن ها را با ارجاع دهی (Citation) دقیق و در صورت نیاز پس از کسب اجازه کتبی و صریح از منابع مورد نیاز استفاده نمایند. هنگامی که عین نوشته های پژوهشگر دیگری مورد استفاده قرار میگیرد، باید از روش ها و علائم نقل قول مستقیم، نظیر گذاشتن آن داخل گیومه (" ")، استفاده شود.

- نویسنده مسئول مقاله می بایست نسبت به وجود نام و اطلاعات تمام نویسندگان (پس از اخذ تأیید از نامبردگان) و نبودن نامی غیر از پژوهشگران درگیر در انجام پژوهش و تهیه مقاله اطمینان حاصل کند.

- نویسنده/ نویسندگان موظف اند به هنگام وجود هر گونه خطا و بی دقتی در مقاله خود، متولیان نشریه را در جریان آن قرار داده، نسبت به اصلاح آن اقدام و یا مقاله را بازپس گیرند.

- نویسنده/ نویسندگان ملزم به حفظ نمونه ها و اطلاعات خام مورد استفاده در تهیه مقاله، تا یک سال پس از چاپ آن در نشریه مربوط، جهت پاسخگویی به انتقادات و سؤالات احتمالی خوانندگان نشریه هستند.

- فرآیند محرمانه ارزیابی و جلوگیری از هرگونه آشکارسازی هویت نویسنده برای داوران و برعکس محترم شمرده شود. به عبارتی، مقاله عاری از هر گونه اطلاعات مشمول خودافشایی بوده، به طوری که داور قادر به شناسایی نویسنده نباشد.

وظایف سردبیر و اعضای هیئت تحریریه (Editorial Board Responsibilities)

- سردبیر و اعضای هیئت تحریریه باید در جهت معرفی هرچه بیشتر نشریه در جوامع دانشگاهی و بین المللی بکوشند و چاپ مقالات از دانشگاه های دیگر و مجامع بین المللی را در اولویت کار خود قرار دهند.

- اختیار و مسئولیت انتخاب داوران و قبول یا رد یک مقاله پس از کسب نظر داوران بر عهده سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله است.

- سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله بایستی از نظر حرفهای صاحب نظر، متخصص و دارای انتشارات متعدد، و همچنین دارای روحیه مسئولیت پذیری، پاسخگویی، حقیقت جویی، انصاف و بیطرفی، پایبندی به اخلاق حرفهای و رعایت حقوق دیگران باشند و به صورت جدی و مسئولانه در راستای نیل به اهداف مجله و بهبود مداوم آن مشارکت نمایند.

- سردبیر مجله باید از داوری های عمیق و مستدل استقبال، از داوریهای سطحی و ضعیف جلوگیری، و با داوریهای مغرضانه، بی اساس یا تحقیرآمیز برخورد کند.

- سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله باید نسبت به ثبت و آرشیو اسناد داوری مقالات به عنوان اسناد علمی و محرمانه نگاه داشتن اسامی داوران هر مقاله اقدام لازم را انجام دهند.

- سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله موظف به اعلام سریع نتیجه تصمیمگیری نهایی در مورد پذیرش یا رد مقاله به نویسنده مسئول هستند.

- سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله باید کلیه اطلاعات موجود در مقالات را محرمانه تلقی نموده و از در اختیار دیگران قرار دادن و بحث درباره جزئیات آن با دیگران احتراز نمایند.

- سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله موظفند از بروز تضاد منافع (Conflict of interests) در روند داوری، با توجه به هرگونه ارتباط شخصی، تجاری، دانشگاهی و مالی که ممکن است به طور بالقوه بر پذیرش و نشر مقالات ارائه شده تأثیر بگذارد، جلوگیری کنند.

- سردبیر مجله موظف است آثار متهم به عدول از اخلاق انتشاراتی و پژوهشی که از سوی داوران یا به هر نحو دیگر گزارش میشود را با دقت و جدیت بررسی نموده و در صورت نیاز در این خصوص اقدام نماید.

- سردبیر مجله موظف است نسبت به حذف سریع مقالات چاپ شدهای که مشخص شود در آنها «رفتار غیر اخلاقی انتشاراتی و پژوهشی» رخ داده است و اطلاع رسانی شفاف به خوانندگان و مراجع نمایه نمایی مربوطه اقدام نماید.

- سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله موظفاند نسبت به بررسی و چاپ سریع اصلاحیه و اطلاع رسانی شفاف به خوانندگان، برای مقالات چاپ شدهای که در آنها خطاهایی یافت شده است، اقدام نمایند.

- سردبیر و اعضای هیئت تحریریه مجله باید به طور مستمر نظرات نویسندگان، خوانندگان و داوران مجله در مورد بهبود سیاست های انتشاراتی و کیفیت شکلی و محتوایی مجله را جویا شوند.

وظایف داوران (Reviewers Responsibility)

داوران در بررسی مقالات، می بایست نکات ذیل را در نظر داشته باشند:

- بررسی کیفی، محتوایی و علمی مقالات به منظور بهبود، ارتقاء کیفی و محتوایی مقالات

- اطلاع رسانی به سردبیر نشریه مبنی بر پذیرفتن یا نپذیرفتن داوری (به لحاظ

۱- رعایت الزامات ساختاری و روش شناسانه: مقاله باید دارای بخش‌های مختلف شامل عنوان، پدیدآورنده(گان) و وابستگی سازمانی آن‌ها، چکیده(حداکثر ۲۵۰ کلمه)، کلیدواژه‌ها(۳ تا ۵ کلمه)، مقدمه و طرح مسأله (شامل توضیحات مقدماتی، بیان مسأله، هدف اصلی، پرسش‌ها و/یا فرضیه‌ها، و مرور پیشینه‌ها)، روش‌شناسی، بحث و تحلیل یافته‌ها، نتیجه‌گیری و منابع باشد.

۲- رعایت اصل کاربردی بودن: مقاله ارسالی باید با متناسب با نیازمندی‌های علمی-فکری کشور و جامعه بین‌الملل تنظیم گردد.

۳- برخورداری مقاله از چارچوب نظری: مقاله ارسالی باید دارای چارچوب نظری مشخص باشد و مفاهیم و اصطلاحات علمی و تخصصی در آن به کار برده شود.

۴- رعایت نکات ماهوی:

الف) لازم است که بخش‌های مختلف مقاله ارسالی دارای ارتباط منطقی باشد و از انسجام و هماهنگی برخوردار باشد.

ب) موضوع و محتوای مقاله ارسالی دارای خلاقیت و نوآوری باشد.

۵- رعایت اصل اصالت: مقاله باید حاصل مطالعات، تجربه‌ها و پژوهش‌های نویسنده/نویسندگان مقاله باشد و در صورت اقتباس از متن آثار و منابع دیگر، ارجاع دقیق به منبع اصلی رعایت شود.

۶- رعایت اصل مرتبط بودن: مقاله ارسالی باید با حوزه موضوعی فصلنامه یعنی حوزه روابط بین‌الملل مرتبط باشد و در یکی از حوزه‌های پژوهشی دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی ایران، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی علم و فناوری، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی آموزشی، سیاست بین‌الملل، نظریه‌های روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، امنیت بین‌الملل، مسائل نظامی استراتژیک، مطالعات منطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی قرار داشته باشد.

۷- استفاده از منابع معتبر: در تنظیم مقاله باید از منابع معتبر و اصلی (با ذکر منابع) استفاده شود.

۸- عدم ارسال مقاله برای فصلنامه‌های دیگر: پیش یا پس از ارسال مقاله به فصلنامه، مقاله نباید برای فصلنامه دیگری ارسال گردد یا در همایش‌ها و کنفرانس‌ها ارائه شود.

۹- ارسال مقاله از طریق سامانه: ارسال مقاله برای فصلنامه تنها از طریق سامانه الکترونیکی نشریه به آدرس ir.sjcds.www امکان‌پذیر می‌باشد.

۱۰- رعایت قواعد نگارش (نکات صوری یا شکلی):

الف) حجم مقاله حداکثر میتواند ۸۵۰۰ واژه باشد.

ب) معادل غیرفارسی «واژگان تخصصی» و «اسامی خاص» و همچنین توضیحات اضافی در موارد ضروری، در پانویست هر صفحه قرار گیرند.

ج) شیوه نگارش منابع در کتابنامه فارسی به شرح ذیل می باشد:

* مقاله مندرج در فصلنامه

نام خانوادگی نویسنده اول، نام نویسنده اول و نام خانوادگی نویسنده دوم، نام نویسنده دوم (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان فصلنامه [عنوان فصلنامه ایتالیکی شود- بولد نشود- گیومه هم به کار نرود]، دوره انتشار، (شماره انتشار)، XX-XX.

* کتاب

نام خانوادگی نویسنده اول، نام نویسنده اول و نام خانوادگی نویسنده دوم، نام نویسنده دوم (سال انتشار). عنوان کتاب [عنوان کتاب ایتالیکی شود - بولد نشود- گیومه هم به کار نرود]. شهر محل انتشار: نام انتشارات.

* فصلی از یک کتاب:

نام خانوادگی نویسنده اول، نام نویسنده اول و نام خانوادگی نویسنده دوم، نام نویسنده دوم (سال انتشار). عنوان فصل [بدون تغییر- گیومه هم به کار نرود]. در نام نویسنده اول، نام خانوادگی نویسنده اول و نام نویسنده دوم، نام خانوادگی نویسنده دوم. عنوان کتاب [عنوان کتاب ایتالیکی شود - بولد نشود- گیومه هم به کار نرود]. شهر محل انتشار: نام انتشارات.

* تارنما (وبسایت)

نام خانوادگی نویسنده اول، نام نویسنده اول و نام خانوادگی نویسنده دوم، نام نویسنده دوم (سال انتشار). عنوان مقاله. بازبایی شده در تاریخ روز ماه سال، از منبع سایت_ [در پایان نیازی به درج نقطه نیست]

د) شیوه نگارش منابع در کتاب نامه انگلیسی به شرح ذیل می باشد:

Journal article

Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Name*, vol no. (issue no.), xx-xx

Book*

.Author, A. A. (year). *Book title*. Location: Publisher

Chapter in book*

Author, A. A., & Author, B. B. (year). Chapter title. In A. Editor, B. Editor, & C. Editor (Eds.). *Book title*. Location: Publisher

Website*

Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Online article title. *Online Journal*, xx, xxx-xxx. Retrieved from <http://xxxx.xxxx.xx.xx/xxxx/xxxxxx>

:Or

Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Online article title. Retrieved from *Online Journal* Website: <http://xxxx.xxxx.xx.xx/xxxx/xxxxxx>

ه) ارجاع به منابع درون متنی باید به شکل ذیل باشد:

فارسی: (نام خانوادگی نویسنده اثر، سال انتشار اثر، شماره صفحه). به عنوان نمونه (حسینی، ۱۳۸۴، ص. ۵۳).

(English: (Author, Year, p. XX). For Example: (Nye ,2008, p. 29

و) فونت بخشهای مختلف مقاله مطابق جدول ذیل تنظیم گردد:

ردیف	عنوان	فونت	اندازه
۱	عنوان فارسی	B Titr	Bold 13
۲	عناوین کلی (نظیر مقدمه، چارچوب نظری، نتیجه گیری، منابع و ...)	B Nazanin	Bold 13
۳	چکیده و واژگان کلیدی فارسی	B Nazanin	10
۴	چکیده و واژگان کلیدی انگلیسی	Times New Roman	9
۵	متن مقاله	B Nazanin	12
۶	منابع فارسی	B Nazanin	11



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
فهرست مطالب

10	Times New Roman	منابع انگلیسی	۷
10	B Nazanin	پاورقی فارسی	۸
9	Times New Roman	پاورقی انگلیسی	۹

فهرست مقالات

- ایران و قرقزیستان در چشم انداز تعامل و گفت و گوی فرهنگی ۱۳
محمد علی ربانی، طاهره جهان پرور
- بررسی عوامل اثرگذار در همگرایی و واگرایی افغانستان و پاکستان و تاثیر آن بر امنیت
جمهوری اسلامی ایران..... ۳۸
احسان خادمی بهابادی
- مؤلفه های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و کردهای فیلی عراق..... ۵۲
علیرضا زرگر، علی مولایی، محمد رضا رفیعی دولت آبادی
- تکنولوژی‌های نوین و جابجایی قدرت در روابط بین‌الملل ۷۵
علی باقری زاده، غلام مرتضی خاشع، محمد عالم همت
- سیاست خارجی هند در افغانستان ؛ با تأکید بر نقش افغانستان در تأمین منافع ملی هند
(۲۰۰۱-۲۰۱۳)..... ۹۹
سید امیر نیاکویی، عبدالله خاوری
- رژیم صهیونیستی و راهبرد ایران هراسی ۱۲۵
محمد پور قربان
- اعتمادسازی بر اساس قدرت رابطه‌ای در روابط بین‌الملل..... ۱۴۵
ارسلان قربانی شیخ‌نشین، مهدی انصاری



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
فهرست مطالب

Cultural relations between Iran and Kyrgyzstan

Mohammad ali Rabbabni¹

Tahererh Jahanparvar²

Abstract

Central Asia is one of the regions with the potential for regional convergence. The collapse of the Eastern superpower and the independence of the Central Asian states can be seen as a new era in the region that exposes them to the processes of globalization. In the meantime, Iran, given its historical ties and geographical and cultural affinity with the Central Asian republics, has a good opportunity to develop relations, especially political and economic relations with these countries, but what should be considered in this interaction more than before. The situation is with Iran's cultural relations with Central Asian countries, especially Kyrgyzstan. The Kyrgyz Republic has faced various challenges to nation-building since independence; In the meantime, it exacerbated challenges, high ethnic and racial diversity, and a lack of nationalization and state-building experience in the country; Of course, the legacy of the Soviet era in Kyrgyzstan, together with the influence of the policies, interests and goals of regional and supra-regional actors in the development of the country and the whole of Central Asia and the Caucasus, made it impossible for governments in the region to Overcome their problems for a certain period of time; Russia, Iran, Turkey, Saudi Arabia, China, the European Union, and the United States should be considered the most important players in Central Asia and, consequently, the Kyrgyz Republic in the post-independence years. From the conflict to the cooperation between the countries of Central Asia with the mentioned actors in different periods to be formed. The Islamic Republic of Iran has a key role in terms of culture, economy and even politics. And its history with Kyrgyzstan, as well as explaining the damage done to the two countries in this regard. The research findings are summarized in the fact that Iran's cultural relations in Kyrgyzstan have benefited from different results due to the different interactions between the two countries with the international system, the method and application of cultural strategies and the efficiency of responsible institutions in developing cultural relations

Keywords: Cultural Relations, Relations, Iran, Kyrgyzstan, Cultural Dialogue

¹Researcher of cultural studies of Islamic Culture and Communication Organization
rabbanimohammadali@yahoo.com

²PhD student in Cultural Sociology, Faculty of Social Science, Media and Communication, Islamic Azad University, Tehran Markazi
jparvar@yahoo.com



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فهرنگی

ایران و قرقیزستان در چشم‌انداز تعامل و گفت‌وگوی فرهنگی

محمدعلی ربانی^۱

طاهره جهان پرور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

چکیده:

آسیای مرکزی یکی از مناطق دارای پتانسیل همگرایی منطقه‌ای است و فروپاشی ابرقدرت شرق و استقلال کشورهای آسیای مرکزی عصری نوین در این منطقه محسوب شده، این منطقه را در معرض فرایندهای جهانی شدن قرار داده است. در این میان، ایران با توجه به ارتباطات تاریخی و قرابت جغرافیایی و فرهنگی با جمهوری‌های آسیای مرکزی، فرصت مناسبی برای توسعه روابط بویژه روابط فرهنگی با این کشورها به دست آورده است. لذا آنچه که مباحث در این تعامل بیش از گذشته مد نظر قرار گیرد وضعیت مناسبات فرهنگی ایران با کشورهای آسیای مرکزی بویژه قرقیزستان است. هرچند جمهوری قرقیزستان بعد از استقلال با چالش‌های مختلفی برای دولت - ملت‌سازی مواجه بوده؛ ولی منافع و اهداف بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در روند تحولات این کشور و در کل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز ترسیم چشم‌انداز گسترده‌ای از درگیری تا همکاری میان کشورهای آسیای مرکزی با بازیگران مهم منطقه‌ای و بین‌المللی در مقاطع مختلف را دشوار ساخت. پرسش اساسی این پژوهش این است که ضعف و قدرت جمهوری اسلامی و کشور قرقیزستان در روابط خود با استفاده از ابزار دیپلماسی فرهنگی چیست و گفت‌وگوی فرهنگی چه تاثیری بر توسعه گسترده روابط دو جانبه دارد؟ در این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با شیوه اسنادی ضمن تأکید بر ضرورت‌ها و کارکردهای گفت‌وگوی فرهنگی نخبگان ایران با کشورهای مختلف به ویژه قرقیزستان، با برشمردن فرصت‌های موجود جهت شکل‌گیری گفت‌وگوهای فرهنگی تلاش شده تا پس از بررسی شرایط فرهنگی حاکم بر دو کشور، به شناخت و بررسی اولویت‌ها، جهت‌گیری‌ها و نیز رویکردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با توجه به سوابق فرهنگی و تاریخی آن با قرقیزستان و همچنین تبیین آسیب‌هایی که در این زمینه متوجه دو کشور است. یافته‌های پژوهش در این نکته خلاصه می‌گردد که مناسبات فرهنگی ایران در قرقیزستان به دلیل نحوه تعامل متفاوت دو کشور با نظام بین‌الملل، شیوه و کاربست راهبردهای فرهنگی و نیز میزان کارآمدی نهادهای مسئول امر در امر توسعه روابط فرهنگی از نتایج متفاوتی بهره‌مند شده است.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم‌انداز تعامل
و گفت‌وگوی
فرهنگی

۱. پژوهشگر مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

rabbanimohammadali@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
jparvar@yahoo.com

مقدمه

هر ملتی براساس تاریخ، فرهنگ، میراث فرهنگی، آداب و رسوم، ادبیات و فرهنگ عامیانه خود ارزیابی و مطالعه قرار می‌شود. ایرانیان و قرقیزها به عنوان ملت‌های کهن همراه با تاریخ چندهزار ساله و میراث غنی فرهنگی می‌باشند و مراجعه به فرهنگ و ادبیات دو ملت بما یاد آور می‌شود که سهم میراث برجسته به عنوان میراث معنوی مشترک حایز اهمیت می‌باشد. اشتراکات فرهنگی اجتماعی دو ملت ایران و قرقیز به دوره باستان بر می‌گردد. بعد از کسب استقلال جمهوری قرقیزستان، از طرف سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های مطرح بین‌المللی، ۲۲۰۰ سالگی دولت قرقیزی برگزار شد. قدمت شهر اوش واقع در جنوب قرقیزستان از طرف یونسکو سه هزار ساله اعلام و کوه سلیمان اثر باستانی این شهر نیز در فهرست میراث فرهنگی یونسکو ثبت شده است. (کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوریهای بالتیک، ۱۳۷۹، ص ۹۶-۹۷)

علاوه بر اشتراکات و شباهت فرهنگی و ادبی قرقیزها و ایرانیان، مشترکات دینی آنها یادآور می‌شود که در قرن پنجم و ششم ایرانیان همراه با حضرت علی ع برای ترویج دین اسلام به مناطق آسیای مرکزی کنونی به منطقه باتکن شهر قدم جای آمدند. این مکان در مرکز استان در کنار شهر پولگان واقع شده است. پس می‌توان گفت که ایرانیان در پذیرش اسلام توسط قرقیزها سهم عمده‌ای بر عهده داشتند. پژوهشگران در برخی منابع نوشته‌اند که قرقیزها مجبور به پذیرش دین اسلام شدند. ولی در همایش علمی که در دانشگاه آرابایف برگزار شد، پروفیسور حسن ارموشف، دانشمند و تاریخ دان قرقیزی راجع به این تحریف تاریخی اظهار داشت: هیچگاه پذیرش اسلام برای قرقیزها اجباری نبوده و بر عکس اختیاری بوده است و این نظر را دانشمندان دیگر هم تایید می‌نمایند. در سال ۱۹۹۱ بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که ۷۰ سال سابقه حکومت داشت، ۱۵ کشور و از جمله قرقیزستان به استقلال دست یافتند و جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری بشمار می‌رفته است که استقلال جمهوری قرقیزستان را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۹۲ سفارت جمهوری اسلامی ایران در شهر بیشکک فعالیت خود را آغاز نمود و روابط و همکاریها و فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تجاری دوجانبه میان این دو کشور برقرار گردید. در سالهای اخیر دور جدید روابط دیپلماتیک کشورهای قرقیزستان و ایران آغاز شده است و هیأت‌های مختلف در سطوح مقامات و مسئولین جمهوری قرقیزستان به جمهوری اسلامی

ایران سفر نموده اند. این ارتباطات دوجانبه نشان دهنده دوره جدیدی از همکاری‌ها و ارتباطات جدید بین ایران و قرقیزستان بشمار می‌رود.

مبنای همکاری فرهنگی بین دو کشور سند موافقت‌نامه فرهنگی است که در سال ۱۳۷۲ برابر با ۱۹۹۳ به امضای دولت رسیده و از تصویب مجلس نیز گذشته است. از این رو میتوان گفت اراده ایران در رابطه با قرقیزستان بر توسعه همکاریهای دو جانبه در همه زمینه‌های فرهنگی، علمی و گسترش همکاریهای فیما بین در اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان همکاری‌های شانگهای و بسط همکاری‌ها در سطح مجامع و سازمان‌های بین‌المللی شکل گرفته است. روابط فرهنگی دو کشور نیز از ابتدا تا کنون نیز شاهد روند رو به رشدی بوده است. هدف از طرح موضوع بررسی روابط فرهنگی گذشته دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قرقیزستان و نحوه بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود برای توسعه روابط فرهنگی مطلوب دو کشور در حال حاضر است. لذا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به شیوه اسنادی و توصیف و تحلیل پژوهش پیش رو انجام شده است.

چهارچوب نظری

سازه‌انگاری: هر فرهنگ براینده ایفای نقش خاص دولتها در قبال یکدیگر است که در چهارچوب هنجارهای رفتاری معینی صورت می‌گیرد. به نظر ونت، فرهنگ‌ها بزی تا قرن هفدهم میلادی بر سیستم بین‌المللی حکمفرما بود و دولتها در قالب آن یکدیگر را دشمن تلقی میکردند. در این فرهنگ، «دیگری» خصمی تلقی میشود که یک دولت باید به هر شکل ممکن خود را در مقابل آن حفظ کند. طبیعی است که در این فرهنگ زور مادی، بدون محدودیت و کاربرد خشونت به معنای واقع‌گرایانه آن، سودمندترین وسیله برای دستیابی به بالاترین ارزش یعنی بقاست. به نظر ونت، متعاقب تحول و تکامل سیستم، شق دیگری از آنارشی تکوین یافته که شاخصه نظام بین‌الملل مدرن از پیمان و ستفالی به بعد است. ونت این صورتبندی را آنارشی لاکمی مینامد که بر اساس آن تلقی دولتها از یکدیگر به مثابه رقیب است. گرچه زور و خشونت در اینجا نیز برای تقویت منافع کاربرد دارد، اما به نظر ونت دولتها در فرهنگ آنارشی لاکمی از حذف یکدیگر خودداری میکنند. ونت صورت سوم آنارشی و الگوی تعامل دولتها را آنارشی کانتی میداند که به نظر وی اخیراً در روابط دولتهای دموکراتیک حاکم شده است. در این فرهنگ، دولتها به عنوان دوست در قبال یکدیگر عمل میکنند و از زور برای پیشبرد اهداف فردی خود استفاده نمیکنند، بلکه به‌مثابه یک مجموعه یا تیم در مقابل تهدیدات امنیتی ظاهر میشوند (ونت، ۱۹۹۹: ۲۷۰-۲۶۰). به نظر ونت، هنجارها در هر فرهنگ



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در چشم انداز تعامل و گفت و گوی فرهنگی

در سطح خاصی بین همگان مشترک هستند و در سه سطح یا درجه درونی شده‌اند: در سطح اول، که با مفروضات واقع‌گرایی نیز سازگار است، دنباله‌روی از هنجارها برآیند اعمال زور و قدرت هژمون است؛ در سطح دوم و متناسب با مبانی نولیبرالها، تعهد به هنجارها ناشی از مشروعیت و منافع حاصل از آنهاست؛ و در سطح سوم، که رویکرد سازه‌انگاران را به نمایش می‌گذارد، هنجارها اساساً شکل‌دهنده منافع و هویت بازیگران هستند. از نظر ونت، بالاترین درجه همکاری نیز در سطح اخیر از درون‌سازی هنجارها در میان دولت‌ها اتفاق می‌افتد که مختص حاکم شدن فرهنگ آنارشی کانتی در سیستم بین‌المللی است. لذا پاسخ به این پرسش که چرا دولت‌ها به شکل تضادآمیز و یا احیاناً همکاری‌جویانه در قبال یکدیگر رفتار میکنند و یکدیگر را دشمن، رقیب، یا دوست تلقی میکنند؟ نیز برگرفته از کردارهای اجتماعی است که به واسطه آن به تعریف خود و دیگری می‌پردازند.

روابط فرهنگی: بارنو، مرزهای فرهنگی و نیز رویکرد درونی را از ممیزات ارتباطات میان فرهنگی برشمرده است. فرآیند ارتباطات در طول مرزهای فرهنگی با قبول این تصور که فرهنگ بیان یک کلیت وحدت‌آفرین است و بهترین راه فهم آن نیز نگرستن از منظر خود کنشگران می باشد قابل درک خواهد بود» (بارنو، ۱۹۸۹: ۳۳۰) کاسمیر، ارتباطات میان فرهنگی را زمانی صادق میدانند که انسان‌ها از فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر در تعامل بوده و به کنش متقابل می‌پردازند و سعی در حل مسائل خود از طریق روابط درونی می‌نمایند (کاسمیر، ۱۹۸۹: ۲۷۸) سامووار، نیز در هنگام تعریف بر دو عامل نژاد و قومیت تکیه می‌کند و بر این باور است که ارتباط میان فرهنگی بین مردمی شکل می‌گیرد که ادراکات فرهنگی و سیستم‌های نمادینشان به اندازه کافی متمایز هستند تا رویداد ارتباطی را تغییر دهند و این زمانی رخ میدهد که منبع و دریافت‌کننده پیام از نژاد یا قومیت متفاوتی باشد (سامووار، ۱۳۷۹: ۱۰۴)

مناسبات فرهنگی: مناسبات فرهنگی و تاریخی ایران با آسیای مرکزی، ریشه در ادوار گذشته تاریخی دارد. آداب و رسوم مشترک، دین مشترک، مرزهای مشترک جغرافیایی و زبان مشترک، با کشورهای بی‌از منطقه آسیای مرکزی را می‌توان از مؤلفه‌های اصلی همگرایی و مناسبات فرهنگی ایران در دوره‌های تاریخی قلمداد نمود. هرچند ممکن است جدایی مرزها، مسائل بین‌المللی، نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های جهانی که از جمله آن کمونیست بشمار می‌آید، برای مدت زمانی چرخه این مناسبات را کندساخته است اما باگذشت زمان، و در پی فروپاشی دولت شوروی و مستقل شدن کشورهای آسیای مرکزی مناسبات ایران و کشورهای آسیای مرکزی روبه پیشرفت شایانی نهاد (حسن نیا

و همکار، ۱۳۹۸: ۱۱۲-۱۱۱).

ارتباطات میان فرهنگی: چگونگی نقش ارتباطات میان فرهنگی در «تنش‌زدایی از پایین» از طریق ایجاد و افزایش شناخت ملتها از یکدیگر و رفع سوءبرداشت‌ها و سوءتفاهم‌ها صورت می‌گیرد یعنی ارتباطات میان فرهنگی زمینه را برای آشنایی و شناخت مردم دو کشور از تاریخ، فرهنگ، آداب و رسوم، اهداف و نیات یکدیگر فراهم کرده و مانع از شکل‌گیری سوءتفاهم میان آنها می‌گردد، یا سوءتفاهماتی که در گذشته شکل گرفته را رفع می‌نماید (ریوز، ۱۳۸۷، ۶۰-۵۳) فیلیپسن (۱۹۸۱) که شالوده مطالعه ارتباطات فرهنگی را پی ریزی کرده است اینگونه استدلال میکند که کارکرد ارتباطات در ارتباطات فرهنگی عبارت است از حفظ موازنه سالم بین نیروهای فردگرایی و اجتماع و ایجاد احساس هویت مشترک که حافظ منزلت، آزادی و خلاقیت فردی است. این کارکرد از طریق حفظ موازنه یا تعادل بین دو فرآیند فرعی ارتباطات فرهنگی یعنی آفرینش، و تایید هویت مشترک انجام میپذیرد (رویوز، ۱۳۸۷، ۵).

پیشینه پژوهش

مقاله جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز از علی اکبر جعفری و محمد براریان از دانشگاه مازندران (۱۳۹۸) به تبیین استراتژی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشورها و نیز بررسی نقش عوامل تاثیرگذار حاکم بر مناسبات میان کشورها پرداخته است. در این پژوهش تلاش شده تا پس از بررسی شرایط فرهنگی حاکم بر این کشورها، به شناخت و بررسی اولویت‌ها، سیاست‌ها و نیز رویکردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با توجه به سوابق فرهنگی و تاریخی آن با واحدهای نوپدید در این منطقه و همچنین تبیین آسیب‌هایی که در این زمینه متوجه ایران هست پردازد. یافته‌های پژوهش در این نکته خلاصه می‌گردد که عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل نحوه تعامل متفاوت دو کشور با نظامات بین‌المللی و منطقه‌ای، شیوه و کاربست راهبردهای فرهنگی و نیز میزان کارآمدی نهادهای مسئول در امر دیپلماسی فرهنگی از نتایج متفاوتی برخوردار می‌باشد.

مقاله دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصتها و چالشها - از عارف بیژن از دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۹۶) نیز به تبیین استراتژی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشورها و نیز بررسی نقش عوامل تاثیرگذار حاکم بر مناسبات فرهنگی دو کشور



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قریزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فهرنگی

پرداخته است. این پژوهش یادآورمی شود که فرهنگ از لحاظ تأثیر وثیق آن بر حیات سیاسی اجتماعی ملتها از جایگاه ویژه ای بهره مند میباشد. در این میان جمهوری اسلامی ایران و مناطق آسیای مرکزی و قفقاز که دارای میراث فرهنگی و تمدنی مشترکی بسیاری هستند، از بیشترین امکانات و ظرفیت های لازم برای برقراری توسعه روابط فرهنگی برخوردار هستند. سوالی که مطرح است اینکه، رویکرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به چه صورت است و در این راستا چه فرصت‌ها، چالش‌ها و آسیب‌هایی پیش روی سیاست خارجی ایران وجود دارد؟ آنچه محتمل است اینکه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷، با وجود برخی اقدامات مثبت در توسعه مبادلات فرهنگی در این منطقه، به دلیل شرایط امنیتی - حاکم بر منطقه و همچنین دیگر عوامل، عملکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران علیرغم پتانسیل بالای فرهنگی که در این منطقه وجود دارد، با موفقیت زیادی همراه نبوده و چالش‌های گوناگونی را متحمل شده است.

مقاله از برخورد تمدن‌ها به سوی گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از آداس تکتوسون آوا از دانشگاه شرقی محمود کاشغری، قرقیزستان (۱۳۹۶) با اشاره به برخوردهای قومیتی و دینی، دین‌هراسی، افراط‌گرایی، تروریسم، بحران‌های انسانی و بلایای زیست‌محیطی و غیره را عمده چالش‌های انسان عصربرمی شمرد که مقابله با آن مستلزم گفتگوی سازنده و تشریح مساعی کلیه دولت‌ها و مجامع بین‌المللی می‌باشد. آغاز قرن بیست و یکم با ادامه سیاست همگرایی تشکل‌های ژئوپلیتیک، قومیتی، اقتصادی و غیره جهان همراه بوده است. در شرایط ناشی از سیاست‌های تک بعدی سلطه‌جویانه آمریکا و تلاش این دولت برای تحمیل اراده خود بر دیگر کشورهای جهان وضعیت پیچیده و پرتنش در منطقه آسیای مرکزی و ایران ایجاد گردیده است. لذا ضروری است نسبت به تدوین استراتژی قاره‌ای اوراسیایی در کنار همگرایی اقتصادی، فرهنگی، تمدنی و نهایتاً سیاسی نظامی اقدام مناسب بعمل آید. در این پژوهش جواب و مقابله با سیاست‌های سلطه‌جویانه غرب را گسترش متقارن افکار، ایده‌ها، فرهنگ و ارزش‌های مشترک شرقی می‌داند که می‌تواند نه تنها قدرت تأثیر گذاری و نفوذ فرهنگی ایران را در منطقه احیا کند بلکه ابزار اصلی جهت ارتباطات شرقی بر مبنای گفتگو و تعامل در قرن 20 شود. از موضوعات مهم دیگر برقراری گفتگو و تعاملات در زمینه همکاری‌های بین‌المللی است. جهان اسلام باید به سطح مطلوبی از تکنولوژی رسیده و تبادل‌ات فرهنگی، گردشگری، علمی، فناوری، آموزشی، میان خود را با هدف گسترش ارزش‌های دموکراتیک و رشد و توسعه تقویت نمایند تا مسلمانان را

از توان بالاتری در گفتگو در برابر با غرب برخوردار نماید.

در مقاله سید هادی زرقانی، ابراهیم احمدی و مرتضی فیروزی از دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۹۶) دیپلماسی فرهنگی به عنوان حلقه گم شده روابط همگرای ایران آسیای مرکزی اشاره شده که کشورها برای دست یابی به مقاصدشان، عمدتاً و به طور سنتی نوعی دیپلماسی مبتنی بر رویکردها و ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی را در پیش می گیرند؛ با این همه در سالهای پایانی قرن بیستم، رویکرد نسبتاً جدیدی در دیپلماسی، تحت عنوان «دیپلماسی فرهنگی» مطرح شد که توجه افزون تر و تاکید بیشتر بر راهکارها و ابزارهای فرهنگی را به مسئولان و طراحان سیاست خارجی توصیه می نموده است. هدف این رویکرد، ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی (ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات و...) از ارزش‌های یک ملت و در عین حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از یکدیگر جهت دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل یعنی دیپلماسی فرهنگی «میان ملت‌ها و کشورهاست. فرض این مقاله بر این است؛ از آنجایی که جمهوری‌های آسیای مرکزی (وبه طور خاص جمهوری ازبکستان) امتداد و عقبه‌های تمدنی و فرهنگی ایران‌بشمار می روند، ایران می‌تواند با استفاده از این ظرفیت فرهنگی غنی، ضمن خنثی کردن زمینه‌های تهدید، روابط همگرا و روبه رشدی را با این جمهوری‌ها پی گیری نماید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در روابط و تعاملات فرهنگی ایران و ازبکستان برخی مولفه‌های فرهنگی تمدنی، همچون اسلام به عنوان دین مشترک، زبان فارسی، مفاخر مشترک نظیر - امیرعلی شیر نوایی و حضور فرهنگ ایرانی در ازبکستان، جذابیت‌های میراث تمدنی، تاریخی و طبیعی و... وجود دارد که می‌تواند موجب تقویت روابط دو کشور گردد.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

در مقاله بازتاب فرهنگ مردم آسیای مرکزی در تعدادی از متون کهن فارسی و اهمیت آن‌ها در دیپلماسی فرهنگی از مریم سیدان و عباس ملکی (۱۳۹۶) از دانشگاه صنعتی شریف با اشاره به اینکه آسیای مرکزی برای برخی دولت‌های جهان به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و انرژی اهمیت دارد، یادآور می‌شود این منطقه برای ایران، علاوه بر ابعاد سیاسی و اقتصادی، به دلیل پیشینه فرهنگی نیز مهم‌حائز اهمیت است. چرا که این سرزمین‌ها بخشی از حوزه فرهنگی و تمدنی ایران کهن به شمار می‌رفته و اشتراکات فرهنگی بسیاری با یکدیگر دارند. در بعضی متون کهن فارسی، به ویژه آن دسته که در منطقه خراسان قدیم نگاشته شده‌اند، فرهنگ مردم ماوراءالنهر مثل بخارا و سمرقند و سایر شهرهایی که امروز جزو آسیای مرکزی قرار گرفته‌اند، در آن بازتاب یافته است. زبان، دین، مشاغل، هنرها، جشن‌ها، سرودخوانی و... از

آن جمله فرهنگ‌هایی است که دارای ریشه‌های مشترک با ایران است. نکته دیگر اینکه؛ برای تعامل با جهان خارج راه‌های مختلفی وجود دارد که دیپلماسی فرهنگی یکی از آنهاست.

در مقاله جمهوری اسلامی ایران و ضرورت بهره‌گیری از مؤلفه‌های فرهنگی مشترک در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جهت مقابله با تهدیدات آمریکا، نوشته مجید عباس زاده مرزبالی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۹۶) به بررسی وضعیت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز که در همسایگی شمال ایران قرار دارند پرداخته است. در مقاله با اشاره به اهمیت این منطقه یادآور می‌شود آسیای مرکزی و قفقاز، منطقه‌ای حیاتی برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و کشورهای آن، از جایگاه ویژه‌ای برای ایران برخوردار می‌باشند. چرا که این منطقه از دیرباز در حوزه تمدن ایرانی قرار داشته و همواره از آثار این تمدن تأثیر می‌پذیرفته است. در طی گذشت دو دهه استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز این منطقه همچنان مورد توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییرات ژئوپلیتیک رخ داده در این منطقه به همراه موقعیت استثنایی و استراتژیک، منابع غنی انرژی، و... زمینه مساعدی را برای حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم آورده است. بخش مهمی از شکل‌گیری و تداوم بازی بزرگ در آسیای مرکزی و قفقاز را باید نتیجه حضور آمریکا برشمرد. این کشور فروپاشی شوروی را فرصت مغتنمی برای حضور خود در این ناحیه دانسته و از آن زمان، نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را در آن جا گسترش داده است. از جمله مهم‌ترین اهداف استراتژیک آمریکا در این منطقه را می‌توان تسلط بر منابع انرژی، تنگ کردن فضا برای روسیه و چین، و محروم کردن ایران از منافع منطقه‌ای و محدود ساختن آن، دانست. اما نکته مهم این است که حضور آمریکا در منطقه مذکور، تهدید جدی برای امنیت ایران و تحول هشداردهنده‌ای از نظر این کشور در خصوص تکمیل ضلع شمالی حلقه محاصره پیرامونی و محصور شدن در حلقه متحدین و دولت‌های وابسته به آمریکا می‌باشد. هرچند در برابر سیاست‌ها و تهدیدهای آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، تاکنون اقداماتی از سوی ایران صورت گرفته است، اما این اقدامات کافی نبوده و از این رو نیاز به اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای مناسب‌تر و کارآمدتر در عرصه‌های مختلف منطقه از جمله در حوزه فرهنگی می‌باشد. ضروری است که در راهبرد سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، به مسئله دیپلماسی فرهنگی توجه بیشتری صورت گیرد.

علی کریمی از دانشگاه مازندران در مقاله حافظه تاریخی، امکانی بنیانی برای گفتگوهای فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز (۱۳۹۶) با

الهام از ایده و چارچوب نظری قدرت نرم و با اتکا به شواهد و مستندات تاریخی، بر متغیر حافظه تاریخی به عنوان یکی از پایه های همکاری در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تاکید دارد و این ایده را دنبال میکند که حافظه تاریخی جمعی به عنوان میراث مشترک منطقه ای که محصول سرنوشت دامنه‌دراز و تاریخی مردم منطقه است به منزله یک عنصر قدرت نرم در کنار سایر مؤلفه‌های قدرت نرم در مناسبات ملل و دولت‌های منطقه این امکان را دارد تا عامل پیوستگی و همکاری بازیگران منطقه‌ای محسوب شود. این امکان امری تصادفی نیست بلکه اقتضایی است و فعلیت آن که همان ایجاد تعامل بین گذشته و حال است، فرایندی که محصول عاملیت یا کارگزاری و کنشگری بازیگران منطقه‌ای است و بر این نکته راهبردی دلالت دارد که کاربست عنصر حافظه تاریخی به مثابه قدرت نرم در مناسبات منطقه‌ای مستلزم نهادسازی‌های گفتگو محور بر مبنای ژئوکالچر خواهد بود.

با بررسی پژوهش‌های انجام شده و در خصوص پیشنهادی‌های ارائه شده جهت نحوه اقدام دولت ایران در منطقه که با تاکید بر آسیای مرکزی و قفقاز بطور کلی است نتیجه می‌گیریم که اغلب تحقیقات بطور کلی بر پیشینه فرهنگی ایران در منطقه تاکید مکرر داشته و یا به معرفی ابزارها و روش‌های گوناگون مظاهر فرهنگی یا رفتارهای سیاسی - فرهنگی همچون زبان و ادبیات فارسی، دین و مفاخر فرهنگی یا بعضاً زبان مشترک؛ ارتقاء سطح تکنولوژی و ابزارهای فناوری؛ دیپلماسی مجازی؛ نقش پررنگ آمریکا در برخی از کشورهای منطقه و شرایط امنیتی منطقه با هدف پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه تاکید دارند. این پژوهش‌ها در بررسی‌های خود به شیوه تعامل ایران با هر کشور منطقه بطور خاص پرداخته نشده و در خصوص راهکارهای ایجاد زمینه لازم برای ترغیب کشورهای منطقه به برقراری ارتباط فرهنگی با ایران نیز ایده‌های مناسبی ارائه نشده است. در این مقاله بطور خاص به معرفی ظرفیتهای فرهنگی کشور قرقیزستان و زمینه همکاری‌های فرهنگی متناسب در هر دو کشور پرداخته می‌شود.

جایگاه و اهمیت قرقیزستان در روابط فرهنگی با ایران

در مطالعه و بررسی زمینه‌های قرابت، دوستی و ارتباطات منطقه‌ای، گذشته از همه اشتراکات و پیوستگی‌های دینی، تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی ایرانی‌ها و ساکنان آسیای میانه بویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، زبان فارسی را می‌بایستی یکی از مهمترین محورهای همگرایی و وحدت فرهنگی ایران و آسیای مرکزی برشمرد. در جمهوری قرقیزستان نیز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تلاش‌هایی به منظور احیا مجدد این زبان از جانب

علاقمندان در این جمهوری به عمل آمد که از جمله آنها می توان به تأسیس کرسی زبان فارسی در سال ۱۹۹۲ در دانشکده شرق شناسی دانشگاه علوم انسانی بیشکک اشاره نمود که کار خود را با پذیرش ۹۷ دانشجو شروع کرد. در حال حاضر تعداد دانشجویان زبان فارسی در این دانشکده به حدود ۳۵ نفر می رسد. که در مقاطع سالهای اول تا چهارم مشغول به تحصیل می باشند. مرکز دیگری نیز که به امر تعلیم و ترویج زبان فارسی در قرقیزستان اشتغال دارد، دانشکده شرق شناسی دانشگاه ملی قرقیزستان می باشد که در سال ۱۹۹۵ با پذیرش ۸ نفر دانشجوی دختر فعالیت خود را شروع نموده است. در ضمن لابراتوار زبان فارسی این دانشگاه در روز ۷۵/۲/۱۹ در محل این دانشکده با حضور اعضای سفارت و نماینده فرهنگی کشورمان در آلماتی افتتاح شد. (معظمی گودرزی، ۱۳۷۷: ۱۶۰-۱۵۹) پس از گذشت نزدیک به سه دهه از برقراری ارتباطات و مناسبات ایران با قرقیزستان، امروز می توان ارزیابی دقیق تری از سطح روابط فرهنگی بین دو کشور حداقل در طول یک دهه اخیر ارائه کرد. اولین ارزیابی و نکته قابل ذکر در این زمینه را می بایستی ناشی از اراده جدی مسئولان عالی رتبه دو کشور برای بسط و توسعه روابط در حوزه های مختلف فرهنگی برشمرد که بر برگزاری هفته های فرهنگی و فیلم، تبادل هیأت های فرهنگی هنری، برگزاری نمایشگاه ها و جشنواره ها، شرکت در جشنواره های فرهنگی و هنری و نمایشگاه های کتاب، ترجمه و نشر، برگزاری همایش های مشترک و همکاری بین دانشگاه های دو کشور تاکید داشته اند.

دومین گام اساسی نیز که شالوده اصلی روابط فرهنگی دو کشور بشمار می رود همانا عبارت است از تنظیم و امضای موافقتنامه فرهنگی بین دو کشور. همچنین امضاء یادداشت تفاهم نامه هایی میان بخش های ذیربط فرهنگی دو کشور بر اساس موافقتنامه فوق تنظیم و امضا شده است. در راستای اجرای مفاد تفاهم نامه های امضا شده؛ اتاق های ایران و زبان فارسی در برخی دانشگاه ها و مدارس قرقیزستان راه اندازی شده و یا اتاق های موجود مورد حمایت قرار گرفته اند. زبان و ادبیات فارسی از محوری ترین فعالیت های فرهنگی ایران در قرقیزستان بشمار می رود، لذا این حوزه هر ساله مورد توجه بیشتر نمایندگی فرهنگی بوده و همواره برای گسترش زبان فارسی و ایجاد گروه های آموزش زبان فارسی در مدارس و دانشگاه های این کشور تلاش می شود. همکاری های خوبی نیز بین دانشگاه های قرقیزستان با برخی دانشگاه های ایران برقرار شده و زمینه های بیشتری برای همکاری ها در این حوزه وجود دارد. و تلاش می گردد پُل واسطی برای لینک و اتصال مراکز علمی دانشگاهی دو کشور بشمار آید. همچنین، انتظار می رود هر دو طرف در اجرایی کردن مفاد توافقات و یادداشت تفاهم ها جدیت بیشتری داشته باشند.

قرقیزستان و روابط فرهنگی این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران

جمهوری قرقیزستان پس از استقلال با چالشهای مختلفی بویژه برای دولت - ملتسازی مواجه بوده؛ در این بین، آن جه باعث تشدید چالشها شد، تنوع زیاد قومی و نژادی و نیز فقدان تجربه ملتسازی و دولتسازی در این کشور بوده است؛ البته میراث دوران اتحاد جماهیر شوروی در قرقیزستان همراه با تاثیرگذاری سیاستها، منافع و اهداف بازیگران منطقهای و فرامنطقهای در روند تحولات این کشور و در کل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز کواجه بوده و این امر موجب گردید، حکومتهای این منطقه، نتوانند در یک دوره مشخص بر مشکلات خود فائق آیند. روسیه، ایران، ترکیه، عربستان، چین، اتحادیه اروپا و آمریکا را باید مهمترین بازیگران منطقه آسیای مرکزی و بالتبع جمهوری قرقیزستان در سالهای بعد از استقلال برشمرد که نحوه تعامل و یا تقابل بین آنها، موجب شده تا چشمانداز گستردهای از درگیری تا همکاری میان کشورهای آسیای مرکزی با بازیگران یاد شده در مقاطع مختلف شکل گیرد.

در میان این بازیگران، جمهوری اسلامی ایران دارای نقشی کلیدی از نظر فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی می باشد؛ نقطه تمرکز تعامل سازنده ایران با قرقیزستان دارای ماهیت اقتصادی است. گسترش همکاریهای تجاری، سرمایه گذاری در بخش صنعت و افزایش ظرفیت اقتصادی قرقیزستان منجر به ایجاد شرایطی می گردد که به موجب آن جمهوری اسلامی ایران میتواند به حداکثر مطلوبیتهای استراتژیک مورد نظر خود نایل گردد. این امر بنیانهای لازم برای توسعه روابط و تأثیرگذاری مرحله‌ای را فراهم می سازد. (منوچهر محمدی، ۱۳۸۵: ۳۷-۳۵)

ساختار فرهنگی قرقیزستان متشکل از مراکز و نهادهای فرهنگی دولتی همچون وزارت فرهنگ و گردشگری است که در حوزه حفظ میراث تاریخی، فرهنگی و معنوی و توسعه‌ی هنر و فرهنگ ملی قرقیزستان و تأمین دسترسی مردم به پیشرفتهای فرهنگی، هنری و علمی در قالب ایجاد آکادمی ملی هنر، موسسه فیلم قرقیز کینو و موسسه فیلم دولت پرداخته است. جمهوری قرقیزستان را می‌بایستی کشور سازمانهای غیردولتی نامید، زیرا اکنون در قرقیزستان بنا بر برخی آمار بالغ بر ۵ هزار سازمان غیردولتی با کارکردها، برنامه‌ها و اسامی مختلف فعالیت می‌کنند. اما اکثر قریب به اتفاق این سازمان‌ها تحت پوشش اقدامات بشر دوستانه فعالیت می‌نمایند هرچند در

واقع اهداف و مقاصد سیاسی را با حمایت های مالی کشورهای خارجی دنبال می نمایند. در این خصوص تعدادی از سازمانهای غیردولتی در عرصه دفاع از حقوق زنان میباشند و تعدادی هم در مقام دفاع از حقوق شهروندی فعال هستند. تعدادی نیز قصد دارند نقشی فعال تر و مستقیم در عرصه سیاست بر عهده گیرند. این در حالی است که اکثر این سازمانها یک وجه مشترک دارند و آن عبارت است از تأمین منابع مالی و تدارکاتی این گروهها از سوی بنیادها و نهادهای کشورهای خارجی به ویژه غربی. بیش از ۵۰۰ رسانه اعم از تصویری و انتشاری در وزارت دادگستری قرقیزستان به ثبت رسیده است. ۸ آژانس خبری در قرقیزستان فعالیت می نماید که عبارتند از آژانس دولتی خبر، آژانس آکی پرس، آژانس قرقیز پرس، آژانس اینفو بیشکک، آژانس خوش خبر، و تعداد دیگر. تعدادی روزنامه به زبانهای قرقیزی و روسی منتشر میشود که مشهورترین آنها عبارتند از روزنامه ویچرنی بیشکک، روزنامه اسلاوا قرقیزستان، روزنامه مایا استالیتسا مخالف، روزنامه قرقیز توسو قرقیزی، روزنامه اریکین تو قرقیزی، روزنامه آگم و... مجلات معروف این کشور شامل مجله تحلیلی پروفی، مریم، آکی پرس، بازار سرمایه، اخبار تجارت، ادبیات قرقیزستان و چالکان است. امواج رادیوی داخلی و خارجی قرقیزستان رادیو پرامیدا، اروپا پلوس، رادیو روسیه، رادیو اباندورو قرقیزستان، اتو رادیو، رادیو آلماز، رادیو اوکی، رادیو کو بیشکک، رادیو میر، رادیو ماناس و چند رادیوی استانی؛ و رادیو آزادی، رادیو بی بی سی و رادیو آمریکا قرقیزی از فعال ترین رادیوهای خارجی محسوب می گردند. در قرقیزستان ۵ شبکه محلی فعال می باشد و علاوه بر آن یک شبکه کابلی بنام آلا تی وی نیز وجود دارد که ۶۰ شبکه تلویزیونی را (عمدتاً روسی زبان/ البته کانالهای عربی زبان، چینی، ترکی، انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و فرانسوی نیز در آن وجود دارد) با هزینه ماهیانه حدود ۱۰ دلار به مکانهای مورد درخواست منتقل می کنند. حدود ۸ شبکه رادیویی نیز در قرقیزستان وجود دارد. برخی شبکه های رادیویی و تلویزیونی آلماز (رادیو)، ماکس (رادیو)، پیرامید (رادیو/ تلویزیون)، NBT (ان.ب.ت تلویزیون)، کوورت (تلویزیون)، آسیاسنتر (رادیو)، رادیو اروپا، هیت اف ام (رادیو)، اوکی رادیو، ماناس (رادیو) وابسته به دانشگاه ترکی ماناس)، اتو رادیو، رادیوشانسون، رادیو رترو، میر (رادیو/ تلویزیون). به علت سلطه طولانی فرهنگ روس بر مطبوعات قرقیزستان، این رسانه های گروهی هنوز شدیداً تحت تاثیر آن فرهنگ قرار دارند. نخستین روزنامه قرقیز زبان این جمهوری «کوهستان آزاد» نام داشت که در سال ۱۹۲۴ در تاشکند منتشر می شد. روزنامه قرقیز روخو به معنی «روح مردم قرقیز» در ۱۹۹۱ فعالیت خود را آغاز کرده است. یکی از فعالتهای جالب توجه این روزنامه، ترجمه قرآن به زبان قرقیزی و همچنین انتشار زندگینامه حضرت محمد(ص) در این روزنامه است.

هنرهای سنتی و مدرن رایج این کشور شامل نقاشی روی چرم، نقاشی روی ساقه نی، کلاه بافی قرقیزی، نمد ملی، گلیم بافی و مجسمه سازی می باشد. قبل از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی ساختار آموزشی به طور تمام و کمال تابع سیستم آموزش و پرورش دولتی مرکزی بود بعد از استقلال حرکت به سمت اصلاحات بر اساس نیاز و ضرورت شهروندان آغاز گردیده و تاکنون محوریت را بر اساس تشکیل کلاس های آموزشی به زبان و فرهنگ قرقیزی قرار داده است. طبق قانون اساسی این کشور، تحصیل تا کلاس نهم اجباری و رایگان می باشد. شایان ذکر است وزارت آموزش و پرورش قرقیزستان در سال ۱۹۹۲ تاسیس گردید و تا کنون چند زبان خارجی از جمله انگلیسی، آلمانی و فرانسه را در داخل دروس گنجانده است. تعداد دانش آموزان در ۲۰۰۰ مدرسه نیز بالغ بر ۱/۲۰۰ میلیون نفر می باشد و درصد بی سوادی تقریباً صفر است.

نهادهای دولتی متولی امر آموزش عبارت از وزارت آموزش و پرورش برای دوره تحصیلی قبل از دانشگاه و وزارت علوم و آکادمی علوم دو نهاد متولی امور تحصیلات عالی هستند. آموزش عالی در دانشگاه های قرقیزستان به سطوح مختلف تقسیم شده و به مدت پنج سال متوالی ادامه می یابد. پس از پایان موفقیت آمیز تحصیل در سطوح پایه و کامل آموزش عالی در دانشگاهها، دانش جویان با مدارک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب فارغ التحصیل می گردند.

از بیش از ۲۰ کشور جهان دانشجو در دانشگاههای این کشور مشغول به تحصیل می باشند که عمده ترین دانشجویان خارجی در دانشگاههای قرقیزستان شامل دانشجویانی از کشورهای پاکستان، ترکیه، قزاقستان، تاجیکستان، هند و .. میباشند.

جمهوری قرقیزستان دارای ۳۲ دانشگاه دولتی و ۲۰ دانشگاه غیر دولتی است که مجموعاً در حدود ۲۰۰ هزار دانشجو در آنها مشغول به تحصیل می باشند.

در این کشور دانشگاه اسلامی قرقیزستان به ریاست عبدالشکور نارماتاف مشغول به فعالیت می باشد که معتبرترین دانشگاه در این زمینه است. شایان ذکر است این دانشگاه تحت نظارت اداره مفتیات اداره می شود. این دانشگاه در رشته های حقوق، زبان و علوم اسلامی دارای کرسی بوده و دارای ۳۰۰ دانشجو و ۳۴ استاد می باشد. شایان ذکر است حوزه های علمیه دیگری نیز به صورت خصوصی مشغول به فعالیت می باشند.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فهنگی

روابط جمهوری اسلامی ایران و قرقیزستان طی سالهای گذشته بر پایه دوستی و احترام متقابل شکل گرفته و اراده مسئولان دو کشور نیز برگسترش روابط فی مابین استوار بوده است. پس از فروپاشی شوروی سابق، نخستین ارتباط قرقیزستان با جمهوری اسلامی ایران سفر وزیر امور خارجه آن کشور به ایران در سال ۱۳۷۰ ه. ش به مناسبت سالگرد رحلت امام خمینی (ره) بود. در ۱۳۷۱/۲/۲۰ موافقت نامه برقراری روابط بین دو کشور به امضا معاونین وزارت خارجه دو طرف رسید. در مهرماه همان سال سفارت جمهوری ایران در بیشکک (پایتخت قرقیزستان) فعالیت خود را آغاز نمود. سفر عسگرآقایف (رئیس جمهور اسبق قرقیزستان) در اواخر خرداد ماه ۷۲ به ایران نقطه عطف و سرفصل جدیدی در روابط سیاسی دو کشور بشمار می رود که از دستاوردهای آن امضا ۷ سند در زمینه های مختلف اقتصادی و سیاسی می باشد.

حمایت قرقیزستان از موضع ایران در خصوص حقوق بشر در سازمان ملل متحد نمونه دیگری از همکاری های دو کشور می باشد. اراده جدی جمهوری اسلامی ایران در برقراری رابطه با قرقیزستان، مبتنی بر توسعه همکاری های دوجانبه در زمینه های سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، علمی و همچنین گسترش همکاری های فی مابین در اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان همکاری های شانگهای و بسط همکاری ها در سطح مجامع و سازمان های بین المللی بوده است. (رواق الحجاج، ۱۳۹۳: ۴۷-۳۴)

آلتین بیک مقصدوف، وزیر فرهنگ، گردشگری و اطلاع رسانی قرقیزستان ضمن تمجید از پیشرفتهای ایران در عرصه علمی و فرهنگی از جمله در بخش فیلم و سینما اظهار داشت کشورش نیازمند و علاقه مند به همکاری با ایران در این زمینه ها است.

قرقیزستان در مقام مقایسه با کشورهای منطقه از سطح دموکراسی و تعامل بیشتری برخوردار می باشد. همین امر سبب شده که کشورهای مختلفی علاقه مند به گسترش همکاری به ویژه در زمینه آموزش عالی با قرقیزستان باشند. به گونه ای که کشورهای چین، ترکیه، آمریکا، روسیه، آلمان، کویت و ... در قرقیزستان دانشگاه داشته و این کشور فضای لازم را به آنها به طور رایگان اختصاص داده است.

قرقیزستان در صورت آمادگی نهادهای ایرانی؛ از جمله وزارت علوم، کتابخانه ملی، وزارت فرهنگ، سازمان میراث فرهنگی، صدا و سیما علاقه مند به توسعه روابط با آنها می باشد. این در حالی است این استقبال از طرف جمهوری اسلامی ایران خیلی جدی گرفته نمی شود. به عنوان نمونه در

سال‌های اخیر تعدادی از کارشناسان کتابخانه ملی قرقیزستان با سفر به جمهوری اسلامی از امکانات کتابخانه ملی آگاهی یافتند و علاقه‌مند شدند که این دیدارها تداوم داشته باشد. همچنین، با وجود زمینه‌های مناسب جهت توسعه همکاری‌های گردشگری، در سال‌های اخیر هیچ مقام سازمان میراث فرهنگی و گردشگری از این کشور بازدیدی بعمل نیاورده است.

خبرگزاری فارس تنها سازمان مردم‌نهادی است که در بیشکک مستقر می‌باشد و دولت قرقیزستان نیز از فعالیت آن ابراز رضایت کرده است. (علی حکیم پور، ۱۳۹۷: ۱۹۱۷۸۸۶)

به‌رغم سابقه و پیشینه مشترک تاریخی و فرهنگی غنی میان ایران و آسیای مرکزی، چالش‌های عمده‌ای بر سر راه ارتباطات فرهنگی میان دو طرف وجود داشته است. آسیای مرکزی که در محل تقاطع فرهنگی میان شرق و غرب واقع شده و با فرهنگ ترکی و اسلامی پیوند خورده است محل تلاقی فرهنگ‌های متفاوت غرب و شرق بشمار می‌رود. شاید این امر در بادی امر از ظواهر این کشورها مشخص باشد، معجونی از سنت ریشه‌دار در تاریخ و آداب و رسوم گذشته و مدرنیته غربی در همه این کشورها به چشم می‌خورد. اما آنچه در وهله اول به عنوان چالش بر سر راه گسترش مناسبات فرهنگی با این منطقه به چشم می‌خورد خوشبینی و عدم واقع‌بینی مسئولان جمهوری اسلامی و عدم وجود طرح و برنامه مناسب برای حضور و نفوذ فرهنگی گسترده، به‌رغم همه قریب‌ات‌های فرهنگی-تاریخی با این منطقه بوده است. در ابتدای استقلال این کشورها جمهوری اسلامی ایران با نگاهی ایدئولوژیک و البته خوشبینانه این کشورها را مستعد شکل‌گیری نظام‌های اسلامی به سبک و سیاق نظام خود میدانست که فعالیت‌هایی نیز در این راستا در آن سالها انجام گرفت که نتیجه‌ای معکوس داد و موجبات بدبینی سران و نخبگان این منطقه را موجب شد. در واقع عملکرد جمهوری اسلامی و درک این کشور از منطقه آسیای مرکزی با واقعیت‌های موجود و شرایط اجتماعی و اولویت این کشورها تناسبی نداشت. پس از این عامل بایستی به عدم هم‌پوشی زبانی و مذهبی ایران و این کشورها اشاره کرد. اشتراکات فرهنگی ترکیه و نفوذ فرهنگی این کشور در این منطقه نیز عاملی مزید بر علت شده است تا آنچنان که باید و شاید، جمهوری اسلامی نتواند نقشی مؤثر در مناسبات فرهنگی این منطقه ایفا نماید. مفاخر فرهنگی و ادبی ایران بزرگ نیز عاملی واگرا در مناسبات فرهنگی دو طرف است که هر کدام از طرفین این مفاخر را متعلق به خود میدانند. (امیررضا حجتی و ایرج حجتی، ۱۳۹۵: ۷)

گفت‌وگوی فرهنگی، رویکرد شایع در قرقیزستان



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت‌وگوی
فرهنگی

در کشور قرقیزستان فرهنگ‌های متنوعی حضور دارند که روی فرهنگ عمومی این کشور تاثیر گذاشته‌اند. در این کشور مراکزی نیز در زمینه گفت‌وگوی فرهنگی فعال می‌باشند که از میان آنها فعالیت «نماینده‌گی یونسکو» و «مرکز پیشگیری از بحران‌ها» چشمگیرتر بوده است. مرکز پیشگیری از بحران‌ها به عنوان سازمانی مردم‌نهاد در سال ۱۹۹۷ تأسیس شده و در وزارت دادگستری قرقیزستان نیز به ثبت رسمی رسیده است. این مرکز با مشارکت سازمان یونسکو بیش از ۱۰ همایش بین‌المللی و داخلی در موضوع گفت‌وگوی فرهنگی، دینی و تمدنی با حضور مقامات و محققان سرشناس کشورهای خارجی و به ریاست چنگیز آیت‌ماتوف، نویسنده مشهور قرقیزی و جهانی برگزار نموده است. این مرکز همچنین نشریه علمی «آسیای مرکزی و فرهنگ صلح» از سال ۱۹۹۸ الی ۲۰۱۰ با پرداختن به موضوع گفت‌وگوی فرهنگی در این مرکز و با حمایت سازمان یونسکو منتشر می‌کرد.

یکی از اولویت‌های سازمان یونسکو در قرقیزستان توسعه فرهنگ صلح و پیشگیری از بحران‌ها از طریق گفت‌وگوی فرهنگی است. اهداف این مرکز احترام به حقوق بشر، مدارا و رعایت اصول دموکراسی، توسعه گفت‌وگوی میان فرهنگی و تنوع فرهنگی، تضمین آزادی بیان و کلام، مبارزه با هرگونه تبعیض و منع خشونت، تجدید سازمانی زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی در راستای تحکیم صلح و توسعه پایدار، تلاش برای رفع بحران‌ها و اختلافات خشونت طلب، تشویق از گفت‌وگوی سازنده در شرایط تنش‌های اجتماعی و سیاسی است.

برای اجرای این اهداف در سال ۱۹۹۶ سازمان غیر دولتی مرکز بردباری و پیشگیری از بحران‌ها در آسیای مرکزی تأسیس گشت که به دنبال انجام مجموعه اقدامات در راستای توسعه بردباری، پیشگیری از بحران‌ها و توسعه تفکر فرهنگ صلح و گفت‌وگوی فرهنگی در منطقه بوده است.

این مرکز در سه حوزه ذیل در داخل و خارج از کشور به موفقیت‌هایی رسیده است:

آموزش (تدوین جزوات درسی، برنامه ریزی دوره های آموزشی دموکراسی، بردباری، مدیریت بحرانها، فرهنگ صلح و برگزاری کارگاه های آموزشی)

اطلاع رسانی و انتشار نشریه ترویج موضوع دموکراسی، بردباری و پیشگیری از بحرانها، انتشار نشریه «آسیای مرکزی و فرهنگ صلح»

پژوهشی (تحقیقات در زمینه بحران‌ها و اختلافات قومیتی و دینی در آسیای

مرکزی، مدارا، فرهنگ صلح با توجه به ویژگی‌های منطقه)

این مرکز با هدف دعوت به مدارا، دموکراسی و پیشگیری از بحران‌ها منبع مهم برای دستیابی به ثبات در جامعه بوده و دوره‌های آموزشی برای دانشگاه‌ها تحت عنوان «مبانی بحران‌شناسی»، «مدیریت بحران‌ها»، «فرهنگ صلح و مدارا» طراحی کرده است که در تعدادی از دانشگاه‌های بیشکک مانند دانشگاه قرقیزی-روسی اسلاویانی، دانشگاه ملی قرقیزستان و... تدریس می‌شود. در سال ۱۹۹۹ کتاب‌های درسی «مبانی بحران‌شناسی» و در سال ۲۰۰۰ «مبانی سیاست‌شناسی امنیت» به زبان‌های روسی و قرقیزی منتشر شده است. کنفرانس‌ها و سمینارهای آموزشی با موضوع «فرهنگ صلح و بردباری» در سال ۱۹۹۸ با انتشار مجموعه مقالات این همایش برگزار شده بود.

این مرکز چند کارگاه آموزشی در موضوع بحران‌شناسی برای گروه‌های مختلف (اعضای سازمان‌های غیر دولتی و خبرنگاران) برگزار کرده است. به عنوان مثال در ماه می ۲۰۰۱ سمیناری تحت عنوان مدیریت دموکراتیک در جامعه کثیرالملیتی قرقیزستان برگزار کرد. این سمینار به مباحث نظری و عملی مدیریت جوامع کثیرالملیتی و سیاستگذاری داخلی در این جوامع پرداخته است. نیز مسایل آموزش در شرایط فرهنگ‌های متنوع و متعدد در این سمینار مطرح و در نتیجه مجموعه مطالب تحلیلی منتشر شد.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

این مرکز پروژه‌های سازمان یونسکو «گفت‌وگویی فرهنگی شرق و غرب در آسیای مرکزی» و «تقارب معنوی و گفت‌وگویی فرهنگی» را دنبال کرده و نیز همکاری نزدیک با کمیسیون ملی قرقیزستان در امور یونسکو داشته است. با مشارکت کمیسیون ملی یونسکو در برگزاری همایش‌های بین‌المللی فرهنگ و دین در آسیای مرکزی (۱۹۹۹)، صلح و وفاق مدنی در قرقیزستان (۲۰۰۰)، گفت‌وگویی فرهنگی و دینی به عنوان بخشی از گفت‌وگویی تمدنی (۲۰۰۱) مشارکت داشته و نیز مجموعه‌های مقالات این همایش‌ها را منتشر نموده است.

برگزاری این همایش‌ها گام‌های مثبت در راستای برقراری گفت‌وگویی فرهنگی و تمدنی در آسیای مرکزی با میراث معنوی غنی و تاریخ کهن بشمار می‌رفته است. بحث‌های انجام شده در این دیدارها می‌تواند به عنوان الگوی فرهنگ گفت‌وگو قرار گیرد.

در اواسط ۱۹۹۰ ضرورت تبادل اطلاعات از طریق دانش‌های آکادمیک در میان محققان و اساتید آسیای مرکزی احساس می‌شد. مرکز مدارا و پیشگیری از بحران‌ها با درک این موضوع نشریه علمی-آموزشی «آسیای مرکزی

و فرهنگ صلح» را منتشر نمود. در این نشریه تلاش‌های نخبگان و روشنفکران بومی و خارجی در توسعه ایده فرهنگ صلح، بررسی منشا اختلافات و خشونت، ابعاد بردباری و پیشبرد ایده گفت‌وگو بین فرهنگ‌ها و ادیان بصورت مقاله منعکس کرده بود. محور اصلی این نشریه مسائل توسعه منطقه و مسائل معنویت، فرهنگ و تاریخ آسیای مرکزی بوده است.

هدف نشریه ترویج ایده‌های دموکراسی، فرهنگ صلح، بردباری، همگرایی، گفت‌وگوی بین ادیان، گفت‌وگوی شرق و غرب، بررسی عوامل خشونت و پیشگیری از اختلافات در منطقه آسیای مرکزی و قلمرو کشورهای پسا شوروی بوده است. موضوعات مهم اجتماعی - سیاسی توسعه منطقه آسیای مرکزی و نیز مسائل معنوی، فرهنگ، تاریخ، آموزش و محیط زیست همواره در کانون توجه این نشریه بوده است. با این حال این نشریه همیشه گرایش خاص داشته و مخاطب آن اقشار وسیعی روشنفکران بوده‌اند. ریاست هیات تحریریه بین المللی این نشریه را چنگیز آیت‌ماتوف نویسنده مشهور قرقیزستان، تا پیش از درگذشتش بر عهده داشت. محققان و نویسندگان برجسته بومی و خارجی با این نشریه همکاری داشتند. این نشریه به کتابخانه‌های مهم کشورهای شوروی سابق و نیز دفتر یونسکو در پاریس ارسال می‌شد از سال ۱۹۹۷ یازده شماره این نشریه منتشر شده است.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

در سال ۲۰۰۸ این مرکز به نام «مرکز گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها» تغییر نام یافت. به دلیل کمبود بودجه انتشار نشریه آن متوقف شد. خانم تکتوسونوا مبتکر و مروج ایده گفت‌وگوی فرهنگی و دینی در قرقیزستان و رئیس اسبق نمایندگی یونسکو در قرقیزستان است. وی صاحب ۶۰ مقاله علمی و دو کتاب با عناوین «هویت ملی و فرهنگی و گفت‌وگو در شرایط جهانی شدن» و «جزیره‌های کوهستانی در راه ابریشم» است. او هم اکنون روی کتاب «تاریخ ادیان قرقیزها و قرقیزستان» کار می‌کند.

بنیاد بین المللی خیریه گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و جهان واحد در سال ۲۰۰۵ تاسیس شده است و تاکنون بیش از ۵۰۰ طرح در ۵۰ کشور جهان به اجرا رسانده است. اهداف این بنیاد:

- ایجاد فضاهای مناسب برای برقراری گفت‌وگوی زنده فرهنگی بین اقوام در محیط طبیعت
- حفظ و ترویج فرهنگ‌های سنتی و میراث فرهنگی ملت‌های جهان
- ایجاد صلح در جهان از طریق اجرای برنامه‌های تعامل و تحکیم دولتی بین اقوام

این بنیاد دفاتر نمایندگی در کشورهای روسیه، قرقیزستان، قزاقستان و چک دارد و ریاست آن بر عهده ولادیمیر ماروسیچ است.

به غیر از مراکز دانشگاه‌های مختلف از جمله اسلاوینی و علوم انسانی و نیز سازمان‌های مردم نهاد این کشور چندین همایش با موضوع گفت‌وگوی فرهنگی را در سال‌های مختلف برگزار کردند.

همایش علمی بین‌المللی «تقارب فرهنگ‌ها، بنیان صلح و توسعه» که از سوی موسسه بین‌المللی تقارب فرهنگ‌ها و با مشارکت دانشگاه بین‌المللی قرقیزستان و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۸-۷ آذرماه ۱۳۹۶ در بیشکک با حضور نهادهای دولتی، دانشمندان و فعالان مدنی قرقیزستان، ایران، چین، روسیه، قزاقستان، ازبکستان، ترکیه، هند، لیبی، تاجیکستان و همچنین اساتید و دانشجویان در آکادمی ملی علوم قرقیزستان برگزار شد و با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد.

در این همایش دو روزه نخبگان و دانشمندان، خواستار تلاش مشترک در راستای تحقق همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های علمی، فرهنگی و تشریک مساعی در مبارزه با هرگونه افراط‌گرایی و تروریسم به منظور حفظ میراث دینی، فرهنگی و تمدنی در برای رسیدن به صلح عادلانه شدند.

در این همایش، ضمن توجه به قرابت و اشتراکات ادیان توحیدی و اسلام که زیر بنای میانی گفت‌وگو و تعامل است، بر گسترش گفتمان هم‌افزایی فرهنگی برای اجرایی شدن جهان‌علیه خشونت و افراط‌گرایی تأکید کردند و ضمن اعلام بر اینکه جمهوری اسلامی ایران نقش و سهم قابل توجهی در مبارزه با تروریسم دارد بر گفت‌وگوی فرهنگی با استفاده از تجربیات مثبت ایران در مباحث و حوزه‌های دینی، علمی و اجتماعی اتفاق نظر داشتند.

در این نشست اندیشه‌ورزی، مجموعه مقالات پس از ترجمه به زبان‌های روسی، فارسی و انگلیسی در قالب یک کتاب منتشر و به دیگر مراکز علمی و فرهنگی کشورهای دیگر ارسال شد. در نتیجه این همایش توافق شد مرکز تقارب فرهنگ‌ها در محل دانشگاه بین‌المللی قرقیزستان تاسیس و نیز نشریه گفت‌وگوهای فرهنگی ایران و آسیای مرکزی منتشر شود، اما بنابر دلایلی این توافقات تا کنون عملی نشده است.

نتیجه‌گیری

گفت‌وگوهای فرهنگی ایران و قرقیزستان، یکی از راهکار مناسب جهت شناخت ظرفیت‌های فرهنگی دو کشور و شکل‌گیری فضای لازم برای توسعه همکاری‌های فرهنگی دو جانبه محسوب می‌گردد. اهمیت این موضوع را می‌توان در سخنان «ماکان شیرمکول‌اف» رئیس سابق پارلمان قرقیزستان و سفیر سابق این کشور در جمهوری اسلامی ایران پی‌برد که اظهار داشت؛ در مرحله اول عدم شناخت و ارتباط اطلاعاتی مستقیم بین دو کشور مشکل جدی است که به این دلیل مردم تصور واقعی از یکدیگر ندارند. به گفته وی، اغلب قرقیزها از تأمین امنیت در ایران در سطح بالا و دستاوردهای این کشور در زمینه مبارزه با تروریسم اطلاعی ندارند و به دلیل وجود بی‌ثباتی در خاورمیانه تصور میکنند این بی‌ثباتی نیز در ایران جریان دارد.

امروزه ظرفیت‌های مناسبی در دو کشور جهت تعامل و گفت‌وگوی فرهنگی وجود دارد. در قرقیزستان همچون دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی ایران‌شناسانی وجود دارند که برخی از آنها صاحب آثار و تالیفات و ترجمه‌های گرانسنگ و خدمات شایان در معرفی فرهنگ و تاریخ و ادب ایران و زبان فارسی می‌باشند. در قرقیزستان مراکز فعال زبان فارسی فرصت مناسب دیگری جهت همکاری‌های فرهنگی فراهم آورده است. فعالیت‌های مناسبی نیز در حوزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی روس و قرقیز زبان برای ارائه تصویری درست از ایران امروز و دستاوردهای انقلاب اسلامی و معرفی مفاخر و مواریت فرهنگی ایران؛ شکل گرفته و تعاملات و همکاری‌های خوب و اثربخش با برخی رسانه‌های محلی به‌منظور انعکاس فعالیت‌های رایزنی فرهنگی و گزارش‌های فرهنگی، ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی قرقیزستان؛ وجود دارد. علاوه بر آن تلاش برای ایجاد تحول جدی در فعالیت‌ها از طریق عرضه کتب و آثار یکی از انتشاراتی‌های موفق ایرانی در حوزه روس زبان؛ برنامه‌ریزی برای توسعه گفتگوهای فرهنگی ایران و آسیای مرکزی در بیشکک و بالعکس و نیز فعالیت‌هایی در حوزه‌های دیگری همچون ترجمه و نشر؛ رصد و پایش و ... نیز از دیگر فرصت‌ها و ظرفیت‌های همکاری و توسعه روابط فرهنگی دو کشور بشمار می‌آید.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم‌انداز تعامل
و گفت‌وگوی
فرهنگی

منابع و ماخذ:

اژدری، لیلا؛ علی اکبر فرهنگی؛ سیدرضا صالحی امیری؛ محمد سلطانی فر (۱۳۹۶)؛ «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»؛ مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۳۸ - شماره پیاپی ۷۰، تابستان، ۱۰۲-۶۷.

اصغریان کاری، زینب (۱۳۸۹)؛ «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه»؛ پایان نامه، دانشگاه شهید بهشتی.

یاقری مقدم، غلامرضا (۱۳۹۴)؛ «آسیب شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی: مطالعه موردی قرقیزستان»؛ وزارت امور خارجه، ۱۴۶ ص.

بصیری، محمد علی و فهیم خوانساری فرد (۱۳۹۵)؛ «تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی»؛ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۵، تابستان، ۱۰۴-۷۹.

بیژن، عارف (۱۳۹۶)؛ «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۴۴.

تکتوسوناوا، آداس (۱۳۹۶)؛ «از برخورد تمدنها به سوی گفتگوی فرهنگها و تمدنها»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۴۵.

جعفری، علی اکبر و محمد براریان (۱۳۹۸)؛ «جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»؛ ماهنامه پژوهش ملل؛

حجتی، امیررضا و ایرج حجتی (۱۳۹۵)؛ «طرح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»؛ فصلنامه سیاست؛ سال سوم، شماره ۱، بهار، ۴۱-۵۲.

دهشیری، محمدرضا؛ مهدی طاهری (۱۳۹۵)؛ «دیپلماسی آموزشی جمهوری



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز؛ دوره ۲۲، شماره ۹۴، تابستان، ۴۲-۱

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)؛ «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس»؛ فصلنامه سیاست؛ دوره ۴۰، شماره ۴، زمستان ۱۲۲-۱۰۳.

زرقانی، سیدهادی؛ ابراهیم احمدی و مرتضی فیروزی (۱۳۹۷)؛ «دیپلماسی فرهنگی حلقه گمشده روابط همگرای ایران و آسیای مرکزی»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ موسسه فرهنگی - هنری انتشارات بین المللی الهدی؛ ۴۰۳-۴۳۵.

سیدان، مریم و عباس ملکی (۱۳۹۷)؛ «بازتاب فرهنگ مردم آسیای مرکزی در تعدادی از متون کهن فارسی و اهمیت آن‌ها در دیپلماسی فرهنگی»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ موسسه فرهنگی - هنری انتشارات بین المللی الهدی؛ ۵۱۷-۵۴۶.

شاهعلی یوا، نرگیس (۱۳۹۶)؛ «سهراب شاعری در راستای گفتگوی تمدنها»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۷۶.

شهرام نیا، امیرمسعود و نازنین نظیفی نائینی (۱۳۹۲)؛ «تاثیر جهانی شدن بردیپلماسی فرهنگی با تاکید بر نظریه صلح سازی»؛ راهبرد فرهنگ؛ شماره ۲۴، زمستان، ۱۶۲-۱۴۱.

کرمی، جهانگیر؛ علیرضا کریمیان (۱۳۹۷)؛ «ایران و آسیای مرکزی: روندهای منطقه‌ای و چشم‌انداز آینده»؛ فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی؛ دوره ۶، شماره ۳، پاییز؛ ۶۳-۴۱.

کریمی، علی (۱۳۹۶)؛ «حافظه تاریخی امکانی بنیانی برای گفتگوهای فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۸۸.



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در چشم انداز تعامل و گفت و گوی فرهنگی

کمالی زاده، محمد(۱۳۹۴)؛ «گفتگو، ابزاری برای وفاق اجتماعی»، فصلنامه علمی تخصصی حبل المتین؛ سال چهارم - شماره دهم - بهار، ۱۳۵-۱۱۸.

صالحی، مختار(۱۳۹۶)؛ «مقاله دیپلماسی مجازی و سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۷۸.

عباس‌زاده مرزبالی، مجید(۱۳۹۶)؛ «جمهوری اسلامی ایران و ضرورت بهره‌گیری از مؤلفه‌های فرهنگی مشترک در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جهت مقابله با تهدیدات آمریکا»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ دانشگاه مازندران؛ ۸۰.

مارک، سیمون(۲۰۰۹)؛ «نقش اثرگذار دیپلماسی فرهنگی»؛ مقالات کاربردی درباره دیپلماسی فرهنگی، موسسه روابط فرهنگی کلینگدال هلند؛ ۵۱-۱.

محمدی، منوچهر(۱۳۸۵)؛ «دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی کشور»، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۴، ۱۹۰-۱۳۹.

میرفخرایی، سید حسن؛ مجید فیروز مندیندپی (۱۳۹۵)؛ «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»؛ مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، ش. ۲، پاییز زمستان، ۴۴۸-۴۳۳.

وفایی، عباسعلی و سهیل‌رضایی مهر (۱۳۹۷) «تحلیل گفتمان معنا مبنایی آموزش زبان فارسی در گسترش دیپلماسی فرهنگی: حوزه تمدن مشترک(ت) ر کمستان، ازبکستان، گرجستان)»؛ مجموعه چکیده مقالات گفت‌وگوی فرهنگی ایران و آسیای مرکزی و قفقاز؛ موسسه فرهنگی - هنری انتشارات بین المللی الهدی؛ ۲۷۸-۲۶۹.

یوسفی جویباری، محمد؛ نجات محمدی فر(۱۳۹۲)؛ «فرهنگ و تمدن ایرانی وجهانی شدن؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»؛ مجله مطالعات جامعه‌شناسی؛ دوره ۴، شماره ۱۲، پاییز، ۳۸-۲۳.

_____ (۱۳۷۹)؛ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری های بالتیک، ۹۶-۹۷

Barnouw, Erik (1989); *International Encyclopedia of Communications*, Oxford, ford

Gudykunst, William (2002); *Handbook of International and Intercultural Communication*, Sage Publications

Gudykunst, William (2005); *Theorizing about Intercultural Communication*, Sage Publications

Longxi, Zh. (2009); *Openness and the Dialogue of Civilizations - a Chinese Example*, in Michális, S. M, and F. Petito. (eds); *Civilizational Dialogue and World Order*. Palgrave Macmillan

Lustig, M. W. and J. Koeßer. (1999); *Intercultural competence*. New York: Addison-Wesley Longman. Mitchell, J. M. (1986); *International cultural relations*. London: Allen and unwin Publishers

Philipsen, G. (1981); *The prospect for cultural communication*. Paper presented at the Seminar on Communication Theory from Eastern and Western Cultural Perspectives, Honolulu. (A revised version is published in D.L.Kincaid [Ed.], *Communication theory from Eastern and Western perspectives*. (New York: Academic Press, 1987

Smith, L.R. (1999); Intercultural network theory. *International Journal of Intercultural Relations*, 23, 629-658

Wendt, Alexander (1999). *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press

رواق الحجاج (۱۳۹۳)؛ آشنایی با کشورهای اسلامی، قابل دسترسی در:

[/countries-islamic/sects-and-countries-islamic/fa/com.hajjj.www//:http47-34-06-01-04-1393-1914/item](http://countries-islamic/sects-and-countries-islamic/fa/com.hajjj.www//:http47-34-06-01-04-1393-1914/item)

خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۵)؛ تعامل تهران - بیشکک در همه حوزه‌ها گسترش می‌یابد، قابل دسترسی در:

[95100301260/news/ir.isna.www//:https](https://news.ir.isna.www//:https95100301260/news/ir.isna.www//:https)

خبرگزاری مهر (۱۳۹۸)؛ فعالیت مراکز گفت‌وگویی فرهنگی در قرقیزستان؛ گفت‌وگوهای فرهنگی در قرقیزستان و نشریه‌ای با سردبیری آیت‌ماتوف، قابل دسترسی در:

<https://www.mehrnews.com/news/4685325> گفت‌وگوهای فرهنگی - در - قرقیزستان - و - نشریه - ای - با - سردبیری - آیت‌ماتوف



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
ایران و قرقیزستان در
چشم انداز تعامل
و گفت و گوی
فرهنگی

Investigate the influencing factors in the convergence and divergence of Afghanistan and Pakistan and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran

Ehsan KhademiBahabadi¹

Abstract

The history of Afghanistan-Pakistan relations shows that several convergent and divergent factors and components have been effective in the relations between the two countries for about 73 years. Therefore, the nature of the relations between the two countries has not gone through a steady process due to the existence of areas of convergence and divergence affected by these factors, and the relations between the two countries have always been based on chaos and tension, and this has caused the two countries to mistrust each other. Now, the Taliban regaining power, which Pakistan is one of its main supporters, could be the beginning of a new crisis on the relations between the two countries in the region in general and its impact on the security of the Islamic Republic of Iran in particular. According to this perspective, in the current research, the most important influencing factors in the convergence and divergence between the two countries of Afghanistan and Pakistan are analyzed on the one hand and the impact of their relations on the security of the Islamic Republic of Iran on the other hand. In fact, the purpose of this research, in addition to explaining the relations between Afghanistan and Pakistan, is to answer the basic question that Afghanistan's relations with Pakistan in general and considering the recent events and the Taliban's resurgence of power, what effect does it have on the national interest of the Islamic Republic of Iran? Based on this, it is hypothesized that the most important factors of divergence, border disputes, political structure and lack of strategic depth of Pakistan, and the main factors of convergence of the two countries are cultural-religious commonalities, economic and political cooperation. And due to the location of these two countries in the peripheral environment of the Islamic Republic of Iran, it is of special importance

.Keywords: Afghanistan, Pakistan, Durand, Pashtunistan, Iran



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
بررسی عوامل اثرگذار
در همگرایی و
واگرایی افغانستان و
پاکستان و تاثیر آن
بر امنیت جمهوری
اسلامی ایران

¹Assistant Professor, Islamic Azad University - Bahabad Branch Farhangian university_yazd
e.khademi70@gmail.com

بررسی عوامل اثرگذار در همگرایی و واگرایی افغانستان و پاکستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

احسان خادمی بهابادی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

چکیده

تاریخ روابط افغانستان و پاکستان نشانگر آنست که چندین عامل و مؤلفه همگرا و واگرا طی حدود ۷۳ سال در روابط دوکشور مؤثر بوده است. از این رو، ماهیت روابط دوکشور به دلیل وجود زمینهای همگرایی و واگرایی متأثر از این عوامل، روند ثابتی را طی نکرده و روابط دو کشور همواره مبتنی بر آشوب و تنش بوده است و باعث بی اعتمادی این دوکشور نسبت به یکدیگر شده است. اکنون قدرت گیری دوباره طالبان که پاکستان از حامیان اصلی آن است می تواند سرآغاز بحران جدیدی بر روابط فیما بین دوکشور در منطقه به طور عام و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران به طور خاص باشد. با توجه به پژوهش ذیل که به صورت توصیفی تحلیلی انجام شده در واقع هدف آن علاوه بر تشریح روابط افغانستان و پاکستان، پاسخ به این پرسش اساسی است که روابط افغانستان با پاکستان به طور کلی و با توجه به اتفاقات اخیر و قدرت گیری دوباره طالبان چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ بر این اساس، این فرضیه مطرح است که مهم ترین عوامل واگرایی، اختلافات مرزی، ساختار سیاسی و فقدان عمق استراتژیک پاکستان، و اصلی ترین عوامل همگرایی دو کشور عبارت از اشتراکات فرهنگی - دینی، همکاری های اقتصادی و سیاسی می باشد.

کلیدواژه: افغانستان، پاکستان، امنیت ملی، همگرایی، واگرایی.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
بررسی عوامل اثرگذار
در همگرایی و
واگرایی افغانستان و
پاکستان و تأثیر آن
بر امنیت جمهوری
اسلامی ایران

۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهاباد دانشگاه فرهنگیان یزد

پاکستان و افغانستان طی دهه اخیر، در روابط خود با فرازو نشیب های زیادی مواجه بوده اند. حمله نظامی آمریکا و نیروهای ائتلاف به افغانستان در 2001، به نوعی تحولی جدید را در روابط دو کشور سبب شد. روابط میان این دو کشور از سال های دور تا کنون همواره خصمانه بوده و یک وضعیت واگرایی بین دو کشور را نشان داده است. افغانستان و پاکستان در محیط پیرامونی ایران قرار دارند و افزون بر نزدیکی جغرافیایی، بخشی از حوزه فرهنگی و تمدنی ایران نیز به شمار می آیند. از این رو ثبات در این دو کشور، برای ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

. این که چه عواملی باعث شده است تا روابط دو کشور در مقاطعی حسنه و نزدیک و در مقاطعی خصمانه و دور تعریف شود و این روابط و مسائل داخلی آنها چه ارتباط با امنیت ملی ایران می تواند داشته باشد، مساله اصلی این تحقیق را تشکیل می دهد با نگاهی به روابط افغانستان و پاکستان، می توان گفت که این روابط همواره از چند عامل اصلی تأثیر می گرفته است. البته عوامل دیگری نیز حائز اهمیت زیادی شده اند. در مجموع، چند عامل اصلی بیشتر بر روی روند واگرایی دو کشور تأثیرگذار بوده اند. اختلافات ارضی مهمترین عامل در این روابط بوده است اختلافاتی که دو کشور را به سمت واگرایی سوق می دهد و در این مقاله بیشتر از آن بحث می شود. نبود قرارداد مرزی میان افغانستان و پاکستان، و عدم تمایل افغانستان به شناسایی مرزهایش با پاکستان که حتی در مقاطعی تا انکار موجودیت سیاسی پاکستان نیز پیش رفته است، به منزله تهدیدی جدی برای تمامیت ارضی پاکستان محسوب گردیده است. دولت پاکستان نیز همواره تلاش کرده تا با مهار افغانستان مانع از هر گونه خطری از جانب این کشور شود.

روابط افغانستان و پاکستان از ابتدای شکل گیری پاکستان همواره خصمانه و بیشتر نشان دهنده ی موجود بودن یک وضعیت واگرایی بین دو کشور بوده است. این وضعیت از آنجا که هر دوی این کشورها از همسایگان جمهوری اسلامی ایران بوده و کل مرزهای شرقی ایران محدود به این دو کشور است، به نوعی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز مهم و با اهمیت تلقی می شود. بنابراین با اهمیت و ضروری است تا محققان و پژوهشگران ایرانی در قالب تحقیق ها، پژوهش ها و حتی مقاله های درسی خود به این مساله پرداخته و عوامل واگرایی بین این دو کشور را به طور دقیق بررسی کرده و نیز عواملی که می توانند به ایجاد یک وضعیت همگرایی کمک کنند را پیشنهاد نمایند. در این میان نقش جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان میانجی در کلیه مسائل مورد اختلاف می تواند مهم باشد..

مبانی نظری

نظریه رئالیستی - نئورئالیستی

این نظریه که ریشه در اندیشه و فلسفه مورخان و فیلسوفان مغرب زمین، مانند توسیدید، ماکیاولی و هابز دارد، بعد از جنگ جهانی دوم به صورت منظم توسط «هانس مورگنتا» در حوزه روابط بین الملل ارائه شد. فلسفه بدبینانه ماکیاولی و هابز، انسان را موجودی شرور، خودخواه و منفعت طلب تعریف می کرد که شرارت، پرخاش گری، خودپرستی و خشونت را در ذات خود دارد. رئالیست ها نیز به همین نحو، انسان را بدذات می دانستند که خشونت و منازعه در سرشت وی امری طبیعی و غریزی است. پس کشورها نیز چون انسان ها مهم ترین دغدغه شان بقا و ادامه حیات است. کشورها حتی از افراد نیز بیشتر احساس ناامنی می کنند، چون در نظامی قرار دارند که فاقد هرگونه مرجع و اقتدار مرکزی مشروع است که از به کارگیری زور و خشونت جلوگیری کند. در چنین وضعیتی کشورها ارجحیتی بالاتر از امنیت و قدرت ندارند. در نتیجه قدرت طلبی امری طبیعی در روابط بین الملل است و تأمین آن حتی با توسل به زور و جنگ نیز جایز است. در وضعیت آنارشی حاکم بر روابط بین الملل کلیه دولت ها باید در پی کسب قدرت باشند، زیرا دولت ها تنها به وسیله قدرت می توانند از خود محافظت کرده و رفاه اتباع خود را ارتقا بخشند. به عبارت دیگر به خاطر محروم بودن نظام سیاسی بین المللی یا اجتماع دولت ها از وجود هرگونه مرجع مرکزی برای حل و فصل اختلافات و تخصیص منابع کمیاب، این به عهده یکایک اعضا است که برای کسب و حفظ هر آن چه می توانند دست یازند و برای حفظ خود در مقابل تهدیدات خارجی روی پای خود بایستند. (دویچ و دیگران، (1395: 245) اعتقاد رئالیست به ناهماهنگی منافع در جهان، و تأکید آنان بر منازعه آمیز بودن

روابط بین الملل، چشم انداز همکاری را در این دیدگاه ضعیف نموده است. در زمینه تفکری رئالیسم، همکاری برای بهره مندی مشترک بسیار مشکل است، زیرا اعتماد وجود ندارد، افق های زمانی محدودند

و دولت ها نسبت به نیات آینده یکدیگر نامطمئن هستند. از دید رئالیست ها، ترس از استثمار شدن توان وابستگی متقابل را به برانگیختن همکاری و شکل گیری هویت جمعی محدود می سازد. با افزایش وابستگی متقابل، کنشگران در مقابل یکدیگر آسیب پذیرتر می شوند و در نتیجه دلیل عینی تری برای احساس عدم امنیت دارند. (ونست، (1393: 60) پس دو عامل عمده در چشم انداز رئالیست ها مانع همکاری می شود: ملاحظات مربوط به دستاوردهای نسبی و نگرانی از فریب. در دنیای رئالیست ها، کشورها نگران تعادل قوا هستند و نه تنها در مورد امکان همکاری در میان خود، بلکه از نحوه

توزیع دستاوردهای ناشی از همکاری به منزله مهم ترین موضوع نیز نگران
اند. در حالی که تمام کشورها مایلند

سود مطلق خود را به حداکثر برسانند ولی به این نیز می اندیشند که در
یک قرارداد، منفعت او بیشتر از دیگران باشد یا حداقل بدتر از دیگران نباشد.
اگر سود نسبی مورد توجه قرار گیرد، کشورها باید مراقب باشند که سود
چگونه تقسیم می شود و این تلاش ها، همکاری را پیچیده می کند. باید
یادآور شد که مسائل مربوط به دستاوردهای نسبی بیشتر در حوزه امنیت
مطرح اند تا دیگر موارد. در نتیجه، همکاری امنیتی از همکاری در دیگر حوزه
ها بسیار مشکل تر خواهد بود. (Jones, 2015: 60)

نظریه نورثالیسم نیز تلاشی برای علمی کردن رئالیسم و هم چنین
توجه به مسائل اقتصادی و ساختار بین الملل است. اگر چه نورثالیسم یک
نظریه رئالیستی است که بسیاری از مفروضه های رئالیسم کلاسیک مانند
دولت محوری، قدرت محوری، یک پارچه و عاقل بودن دولت ها را قبول دارد،
اما استدلال می کند که علیرغم اعتقاد رئالیسم کلاسیک، ریشه جنگ و صلح
در ساختار نظام بین الملل نهفته است، نه سرشت انسان و ماهیت کشورها.
نورثالیست ها معتقدند که نظام بین الملل آنارشیک است. آنارشیک بودن نظام
بین الملل به معنای نبود نظم و نسق و رفتار الگومند نیست، بلکه منظور نبود
یک اقتدار مرکزی در نظام بین الملل است. آنارشی بین المللی پیامدهای
مهمی برای رفتار کشورها و روابط بین الملل دارد. به طور کلی، آنارشی سه
الگوی رفتاری را برای کشورها در روابط بین الملل ایجاب می کند:

اولاً، کشورها نسبت به یکدیگر بی اعتماد هستند و سوء ظن دارند. آن ها
همواره از خطر بروز جنگ نگران هستند. اساس این ترس، این واقعیت است
که در جهانی که کشورها قادرند به کشوری دیگر حمله کنند، آن ها برای
حفظ بقای خود حق دارند که نسبت به دیگران بی اعتماد باشند. علاوه بر
این، در نظامی که هیچ مرجع قانونی وجود ندارد که یک کشور تهدیدشده
برای کمک گرفتن به آن مراجعه کند، کشورها انگیزه بیشتری برای سوءظن
می یابند. ثانیاً، مهمترین هدف کشورها در نظام بین الملل، تضمین بقا و
ادامه حیات است. به کلام دیگر، چون نظام بین الملل خودیار است، هریک
از کشورها باید به تنهایی امنیت خود را تأمین کند و اتحادها و پیمان های
نظامی اموری موقت و متغیر هستند ثالثاً، کشورها در نظام بین الملل تلاش
می کنند قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند. دلیل این رفتار نیز ساده
است. هر چه قدرت و مزیت نظامی یک کشور بر دیگران بیشتر باشد، ضریب
امنیتی آن بیشتر و بالاتر خواهد بود. نورثالیسم، ماهیت و امکان و احتمال
همکاری های بین المللی را نیز بر اساس ساختار آنارشیک بودن این نظام
تجزیه و تحلیل می کند. پیامدهای آنارشیک بودن نظام بین الملل دو مانع
را بر سر راه همکاری های بین المللی ایجاد می کند که دست یابی به آن
را بسیار مشکل می سازد: نخست این که، بر اثر جو بی اعتمادی حاکم
بر روابط بین الملل، کشورها از ترس استثمار شدن و فریب خوردن توسط

شرکای خود در آغاز و ادامه همکاری با کشورهای دیگر محتاط هستند. دوم این که، دولت‌ها از آن‌جا که در یک نظام غیرمتمرکز و خودیار قرار گرفته‌اند، ماهیتی تدافعی دارند و حتی در شرایطی که همکاری متضمن سود مطلق نیز می‌باشد، محتاطانه عمل می‌کنند. با وجود این که دولت‌ها ممکن است از همکاری سود اقتصادی ببرند، اما عواید اقتصادی تحت الشعاع منافع سیاسی قرار می‌گیرد. (مشیرزاده، «۱۱۶: ۱۳۸۴ کنت والتز» به عنوان یکی از نظریه پردازان اصلی نورثالیسم به نقل از «ژان ژاک روسو»، «تمثیل شکار گوزن» را مطرح می‌نماید. بر اساس این تمثیل، تعدادی شیر گرسنه ممکن است برای شکار گوزن و سیر کردن شکم خود با یک دیگر توافق نمایند، اما چنان چه یکی از شیرها در مسیر شکار گوزن به یک خرگوش برخورد کند، ترجیح می‌دهد به خرگوش برای سیر کردن شکم خود اکتفا نماید. بنابراین از این منظر دولت‌ها در روابط خود با دیگر بازیگران، خودخواه هستند و صرفاً به منافع خود می‌اندیشند (Waltz, 2014: 106).

عوامل مؤثر در واگرایی افغانستان و پاکستان

الف) اختلافات مرزی

خط دیورند

اشتراکات مرزی و جغرافیایی دو کشور اگر به شیوه درس مدیریت شود به تعامل و همگرایی میانجامد و در صورت عکس آن، منجر به ایجاد تعارض و واگرایی میان آنان میگردد. به این ترتیب، مسایل مرزی از جمله اساسیترین عوامل تعیین‌کننده روابط ژئوپلیتیکی واحدهای سیاسی به شمار میرود. بنا براین قرار دادن مطلب فوق و آرایه شواهدی که در ذیل می‌آید، میتواند مرز دیورند را به عنوان یکی از علت‌های پایدار ایجادکننده تعارض و واگرایی میان افغانستان و پاکستان در نظر گرفت. افغانستان، یک مرز مشترک به امتداد ۲۴۳۰- کیلومتر که به دیورند مشهور است - با پاکستان دارد و مسئله حقوقی آن هنوز مورد مناقشه میان دو طرف است (کالینز، ۱۳۹۶: ۱۹). همچنین در این رابطه آریانفر می‌نویسد که از سال ۱۸۹۳م که قرارداد دیورند میان سر تیمور دیورند نماینده اعزامی انگلیس به هند و عبدالرحمن خان امیر وقت افغانستان در کابل به امضا رسید، تا به امروز هیچ صاحب قدرتی در افغانستان این قرار داد را که قبایل پشتون را به دابخش نامساوی تقسیم کرده، به رسمیت نشناخته است این خط مرزی در زمان حکمرانی امیر عبدالرحمن خان در افغانستان، طی معاهده ای با هند تحت استعمار بریتانیا تعیین شد. اما بعد از به وجود آمدن کشور پاکستان، حکومت وقت افغانستان، این خط را به رسمیت نشناخت و هنوز بین دو کشور افغانستان و پاکستان بر سر مسایل مرزی (خط دیورند) اختلافاتی وجود دارد که گاهی باعث بروز مشکلات جدی بین دو کشور گردیده است. حکومت افغانستان خواستار حل این مسئله از طریق سازمان ملل متحد و رأی اقوام دو طرف مرز است ولی حکومت پاکستان خواستار به رسمیت شناختن این خط از طرف حکومت افغانستان می‌باشد. مردم افغانستان امیر عبدالرحمن را به علت امضای این پیمان خائن می

دانند. یکی از مخالفین سرسخت این خط مردم پکتیا بودند و در حال حاضر هم مسئله به رسمیت نشناختن این خط مرزی توسط ایشان مطرح می گردد که می توان از جمله به دکتر نجیب الله اشاره کرد. (محمدغبار، ۱۳۹۵: 59).

ب) چالش هویتی پاکستان

پاکستان یکی از کشور های اسلامی است که با مشکل هویت تاریخی مواجه می باشد. این کشور هویت تاریخی و ملی خویش را از اسلام می گیرد. چون نام کشور به گذشته ی تاریخی و یا هویت قومی ساکنانش پیوند نمی یابد. اما پاکستان با نام و هویت برگرفته از اسلام به عنوان سرزمین مسلمانان شبه قاره ی هند در آگست 1947 با جدایی از پیکر هند در حالی ایجاد شد که ده ها میلیون مسلمان شبه قاره خارج از جغرافیای پاکستان، در داخل کشور هندوستان باقی ماندند. و این واقعیت، معنی و مفهوم نام پاکستان را به عنوان نامی که معرف هویت اسلامی آن باشد و یگانه وطن مسلمانان شبه قاره ی هند به شمار آید مورد پرسش و تردید قرار می دهد. از سوی دیگر نگاه به هویت قومی مردم در داخل جغرافیای پاکستان معضل هویت تاریخی و ملی کشور را پیچیده تر و آسیب پذیرتر می نمایاند. پاکستان از چهار ایالتی تشکیل شده است که نه تنها بسیاری از ساکنان این ایالات از لحاظ قومی و زبانی هویت جدا از هم دارند؛ بلکه بخش بزرگی از جمعیت های این اقوام هم زبان در بیرون از جغرافیای پاکستان در کشورهای مجاور و منطقه به سر می برند. ایالت پنجاب که بزرگترین ایالت چهارگانه ی پاکستان است در واقع نصف همان پنجاب قدیمی می باشد که بخش شرقی آن در کشور هندوستان موقعیت دارد. ایالت سند دارای وضعیت مشابه است. ایالت سرحد شمال غربی و ایالت بلوچستان متشکل از پشتون ها و بلوچ ها می باشد که یک ثلث جمعیت پشتون با هویت قومی، زبانی و مذهبی واحد بخشی از مردم افغانستان را تشکیل می دهند. و بلوچ ها نیز در حالیکه یکی از ایالات چهارگانه ی پاکستان شمرده می شوند با هویت یکسان فرهنگی در دو کشور ایران و افغانستان پراکنده اند. (اندیشمند، 1386: 132)

پ) تشکیل پاکستان واکنش افغانستان

شبه قاره ی هند در سوم جولای 1947 میلادی از سلطه ی استعماری بریتانیا آزاد شد و دو کشور مستقل هندوستان و پاکستان عرض وجود کردند. پاکستان و هندوستان په تأیید و حمایت بریتانیا از 3 تا 17 جولای 1947 در مناطق شمال غربی، عمدتاً مناطق پشتون نشین شبه قاره ی هند دست به برگزاری یک همه پرسسی یا رفراندوم زدند. میر غلام محمد غبار مؤلف افغانستان در مسیر تاریخ اقدام پاکستان را در برگزاری این همه پرسسی ناشی از جلسه ی قبایل و گروه های پشتون در آن سوی خط دیورند و مطالبه ی تشکیل کشور مستقل پشتون تلقی می نماید. او می نویسد: «بعد از آنکه دولت انگلیس در 3 جون

1947 اعلامیه تخلیه ی هند را منتشر نمود، در 21 همین ماه جلسه بزرگ بنو در پشتونستان تشکیل شد، و نمایندگان تمام «پشتونستان» آزاد و بلوچستان و احزاب بزرگ از قبیل: خدایی خدمتگاران، جمعیت

العلمای سرحد و زلمی پشتون در آن شرکت و تصویب کردند که: «پشتون ها نه هند می‌خواهند و نه

پاکستان، بلکه می‌خواهند در این کشور یک حکومت آزاد پشتون بر اساس جمهوریت اسلامی تشکیل

شود.» به دلیل تصویب این قانون در این جلسه بود که پاکستان دست به یک فرماندم جعلی زد ...»

(رشتیا، 1395: 215) روی هم‌رفته منظور طراحان همه پرسی این بود تا مردم این مناطق که عمدتاً متشکل از قبایل پشتون در آن سوی دیورند بودند تصمیم بگیرند که به کدام یکی از دو دولت تازه تشکیل شده ی هندوستان و پاکستان می‌پیوندند. در این فرماندم انتخاب سوم و چهارم در مورد الحاق شان به افغانستان و یا ایجاد یک کشور مستقل دیگر گنجائیده نشده بود. رأی دهنده گان تنها دو راه در پیش داشتند: پیوستن با پاکستان به عنوان کشوری که از مسلمانان شبه قاره ی هند به نام وطن مسلمان ها تأسیس می شد و یکجا شدن با هندوستان، سرزمینی که عمدتاً از هندوها متشکل بود. جالب این بود که حزب مسلم لیک پاکستان که تشکیل دهنده ی دولت پاکستان محسوب می شد بالای صندوق های رأی خود قرآن کریم و حزب کانگریس هند، کتاب مذهبی هندوها «گرنده» را گذاشتند. طبیعی محسوب می شد که رأی دهندگان در مناطق شمال غربی پاکستان در انتخاب این دو، جانب پاکستان را بگیرند. (رشتیا، 1395: 218)

(ت) سایه رقابت با هند بر چگونگی روابط با افغانستان

مشکلات میان هند و پاکستان نیز یکی از عوامل سیاست و اگرایانه پاکستان نسبت به افغانستان است. پاکستان از انحصار سیاسی توسط هند هراس دارد. یکی از عوامل و فاکتور های جدی در سیاست هند در قبال پاکستان این است که از طریق افغانستان پاکستان را محصور نماید. این مهم از مجرای نفوذ در افغانستان ممکن می گردد. به همین خاطر، هند همیشه رویکرد همگرایانه نسبت به حکومت کابل داشته است و تلاش نموده تا یک حکومت با ثبات و مخالف پاکستان در کابل شکل گیرد. بنابراین، نفوذ هند در افغانستان یکی از عواملی است که منجر شده است پاکستان همیشه سعی در بی ثبات ساختن افغانستان داشته باشد.

(ج) پشتونستان و ناهمسویی در میان حاکمان افغانستان

پس از نخستین مذاکره ی ناکام در مورد مرز دیورند و سرنوشت مردم آن سوی دیورند، نارضایتی از نتایج مذاکره در درون دولت و در میان جامعه ی روشنفکری کشور تشدید یافت. در حالیکه صدراعظم شاه محمود به گونه ی آرام و مسالمت آمیز در جستجو و تعقیب راه حل این منازعه با پاکستان بود، بسیاری از روشنفکران کشور در آن دوره، حل سریع منازعه را به سود افغانستان مطالبه داشتند. افزون بر تفاوت دیدگاه ها و خواسته های جامعه ی روشنفکری با دولت، در داخل دستگاه قدرت و میان سرداران حاکم نیز تفاوت نظر وجود داشت. سردار محمد داود که وزیر دفاع در کابینه ی سردار شاه محمود بود، موضوع دیورند را به عنوان یک موضوع ملی مطرح می کرد. اما پادشاه و صدراعظم در این مورد سیاست انعطاف پذیر و آرامی را تعقیب می کردند. نکته ی دیگری که در این سیاست آنها قابل توجه بود عدم صراحت بیان و موضع روشن در مطالبات شان بر سر پشتونستان و آنسوی دیورند می شد. چنین شفافی در موضع و دیدگاه عناصر سخت گیر و قاطع دستگاه حاکمیت و خانواده ی شاه بر سر این موضوع نیز به چشم نمی خورد. (رشتیا، 38) 1397: سیدقاسم رشتیا از رجال حکومتی دوران سلطنت محمدظاهرشاه در افغانستان نیز از اختلاف نظر و دیدگاه های متفاوت بر سر منازعه ی دیورند و پشتونستان حتی پس از انجام مذاکرات رسمی میان افغانستان و پاکستان بر سر این موضوع در داخل دستگاه حکومت سخن می گوید: «بعضی اظهار نظر می کردند که مسئله پشتونستان باید از روز اول به این شکل مطرح نمی شد و باید از اول ادعای ارضی می کردیم و این آسان تر و معقول تر بود. من از جمله اشخاصی بودم که ادعای ارضی را درست نمی دانستم و اکثریت مجلس (جلسه ای که در آن بسیاری از وزراء و مقامات عالی رتبه ی حکومتی سهم داشتند) هم طرفدار ادعای ارضی نبودند ...». بعد از اینکه مذاکرات بی نتیجه تمام شد، روابط با پاکستان همچنان تیره باقی ماند. (رشتیا، 40): 1397

د) طالبان

این گروه از قوم پشتون، با حمایت سیا و سازمان اطلاعاتی پاکستان، در مقابله با هجوم شوروی تأسیس شد. از نظر فقهی از آموزه های وهابی در عربستان سعودی تغذیه شده است. رهبری شورایی این گروه در کویته پاکستان مستقر هستند. شبکه حقانی نیز که از مؤتلفان این گروه است در رهبری سیاسی و نظامی آن نقش دارد. (Maizland, 2021) اوج گیری طالبان «بی شک مرتبط با پاکستان» است. همانطور که بسیاری از مردم افغانستان، قدرت گرفتن طالبان را حاصل اقدامات پاکستان و زلمای خلیل زاد، دیپلمات افغانستانی تبار آمریکایی که مذاکرات با طالبان را در دولت ترامپ رهبری کرد، می دانند.

کشوری که قریب نیم قرن برای مصارف «عمیق راهبردی» خود، از «عناصر پیکار جو در افغانستان» حمایت کرده است. گروه‌های تشکیل دهنده طالبان روابط لجستیکی و تاکتیکی با نهادهای دولتی پاکستان دارند و خیلی از آن‌ها ریشه در «جهانی از تعلقات قومی و قبیله‌ای دارند که در هر دو سوی مرز افغانستان و پاکستان» موجود است. وجود همین «شبکه‌ها» بود که باعث شد اسامه بن لادن، رهبر سازمان القاعده، بتواند سال‌ها در پایگاه بزرگی در پاکستان پنهان شود که فاصله چندانی با آکادمی نظامی اصلی آن کشور نداشت. حتی پس از همکاری نزدیک اسلام‌آباد با واشنگتن در جنگ علیه تروریسم که با اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ آغاز شد، طالبان برای متحدان خود در دستگاه‌های امنیتی پاکستان «هم جاذبه سیاسی داشت، هم جاذبه تاکتیکی». ایدئولوژی مشترک اسلام‌گرایی از یک سو و استفاده بالقوه مقابل هند از سوی دیگر، از جمله «جاذبه‌ها»یی هستند که مقاله‌ای در روزنامه «فایننشال تایمز» لندن هم اخیراً از آن‌ها نام برده بود. «موسسه صلح آمریکا» نیز در گزارشی، از «رابطه نزدیک» شبکه حقانی، از سازمان‌های همکار با طالبان، با دستگاه اطلاعاتی پاکستان خبر داده است. این نزدیکی «مدت‌ها رازی آشکار» بوده است. حمید گل، رئیس سابق سازمان اطلاعات پاکستان در سال ۲۰۱۴ در مصاحبه‌ای تلویزیونی گفت: «تاریخ را که بنویسند، خواهند گفت که سازمان اطلاعات پاکستان با کمک آمریکا، شوروی را در افغانستان شکست داد. و بعد، جمله‌ای دیگر می‌افزایند: همین سازمان با کمک آمریکا، آمریکا را شکست داد.» (Tharoor, 2021) به قدرت رسیدن طالبان، می‌تواند عواقب وخیمی نیز برای پاکستان داشته باشد: افزایش پناهجویان افغانستانی و تشویق جنبش‌های افراطی و جدایی طلبان قوم پشتون در پاکستان. ناراحتی غربی‌ها از ارتباط پاکستان با طالبان افغانستان نیز احتمالاً تشدید می‌شود. خروج غیر مسئولانه آمریکا از افغانستان، این کشور را می‌تواند بار دیگر به محلی برای گسترش ناامنی و تروریسم در غرب آسیا بدل سازد. به همین دلیل نوع تعامل همسایگان این کشور با طالبان باید مبتنی بر حفظ امنیت مرزها و جلوگیری از فعالیت گروه‌های تروریستی و تکفیری باشد.

عوامل مؤثر در همگرایی افغانستان و
 پاکستان

الف) امنیت منطقه‌ای

خروج ایالات متحده فرصتی را برای بهبود تحرک امنیت منطقه‌ای افغانستان فراهم می‌کند؛ زیرا ایران، پاکستان، چین، روسیه و دیگر بازیگران منطقه‌ای، دیگر نگران تهدید بالقوه ناشی از حضور بلند مدت آمریکا در افغانستان

خواهند بود؛ این امر، ممکن است امکان تغییر تمرکز از امنیت را به ادغام اقتصادی فراهم کند. در صورت پیگیری و تعقیب، جداسازی احتمالی مسئله افغانستان از هند توسط پاکستان امیدوار کننده است. رویکرد روسیه به پاکستان از سال ۲۰۱۳ م، در صورت ادامه، احتمالاً خطر تنش‌های منطقه‌ای را پس از خروج ناتو به طور قابل توجه کاهش می‌دهد.

ب) بازگرداندن مهاجران افغان

در حال حاضر پاکستان در خاک خود میزبان حدود سه میلیون مهاجر ثبت و راجستر شده و ثبت نشده است. این امر یک عامل مهم در روابط دو جانبه آینده میان دو کشور است هر دو کشور با در نظر گرفتن همکاری و راه حل‌های موثر می‌توانند جهت بازگرداندن مهاجران افغان تدوین کنند.

ج) ادغام اقتصادی و تجارت

پاکستان، برای حل مشکلات داخلی خود به ویژه صرفه جویی اقتصادی، کمبود انرژی، تغییر اقلیم و انکشاف زیرساخت‌ها - نیازمند استقرار ثبات در افغانستان می‌باشد. این امر، امکان اتصال اقتصادی، از جمله راه اندازی و اعمار پروژه‌های کلیدی انرژی مانند خط لوله گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند (TAPI)، پروژه برق آسای مرکزی - آسیای جنوبی (CASA-1000) و پروژه‌های راه‌آهن فراهم می‌کند.

د) مبارزه با تروریسم

پاکستان تحت فشارهای بین‌المللی و داخلی از جمله گروه‌های تروریستی که از قرار گرفته است، تا به شبه‌نظامی اسلامگرا و گروه‌های تروریستی که از خاک این کشور فعالیت می‌کنند، رسیدگی کند. اولین شرط توافق ایالات متحده با طالبان تعهد به مبارزه با تروریسم است. از نظر عملی، هم دولت افغانستان و هم طالبان سال‌ها با دولت اسلامی خراسان (ISKP) جنگیده‌اند. مقابله با ISKP می‌تواند علاوه بر پاکستان و بازیگران منطقه‌ای، نقطه مهم همگرایی برای هر دو طرف جنگ باشد.

ه) ویزای سرمایه‌گذاری و سیاحت طبی

پاکستان همچنان یکی از مقصدهای اصلی معالجه برای بسیاری از افغان‌ها است. سهولت بیشتر در شرایط ویزا برای همه افغانها، به ویژه ویزا‌های بلند مدت و چند بار، به بهبود بیشتر روابط بین دو کشور کمک می‌کند. ایجاد چنین سهولت‌ها، برای مردم شرط لازم ایجاد روابط دوستانه بین دو کشور

است.

اهداف و منافع ایران در تعامل با پاکستان و افغانستان

افغانستان در محیط پیرامونی ایران قرار دارد و افزون بر نزدیکی جغرافیایی، بخشی از حوزه فرهنگی و تمدنی ایران نیز به شمار می آید. از این رو ثبات در این کشور، برای ایران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ایران در منطقه ای واقع شده است که در پیرامون خود با بحران هایی مواجه است که نه تنها در آینده نزدیک امید چندانی به بهبود وضعیت آن نمی رود، بلکه برخی از تحلیل گران معتقدند آینده این منطقه تاریک تر از گذشته خواهد شد. در حقیقت، بیشاتانی در افغانستان، آنگونه که از دهه 1980 تاکنون شاهد بوده ایم، چالش های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در مرزهای شرقی برای ایران به همراه داشته است. مسائلی از قبیل ورود مهاجران به ایران، افزایش تولید و ترانزیت قاچاق مواد مخدر، افراط گرایی، ناامنی و ناهنجاری های اجتماعی و پیامدهای منفی آن به عرصه اقتصادی و اجتماعی کشور و سرریز بخشی از ناامنی های موجود در افغانستان به مناطق مرزی ایران را می توان از اثرات بی ثباتی افغانستان بر ایران برشمرد. از این رو، اگر دولت افغانستان نتواند بر شرایط بحرانی داخل کشور مسلط شود، ناکارآمدی دولت و تسری مشکلات از این کشور به ایران، افزایش بیشتری خواهد یافت. از سوی دیگر با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، بازیگران منطقه ای بخصوص ایران را نگران ساخته است، ساختار مبهم و غیرشفاف طالبان و پیش بینی ناپذیری آن است. از جمله نگرانی های ایران می تواند نفوذ رقبای منطقه ای شامل پاکستان و عربستان شود و این از سوی دیگر می تواند به سواستفاده این بازیگران از برخی اقلیت های مذهبی و قومی داخل ایران و انجام عملیات های تروریستی و خرابکاری منجر شود. در عین حال با تشکیل کابینه طالبان، نگرانی های ایران نسبت به انحصارگرایی و استبداد در افغانستان افزایش یافته، همچنان به نظر می رسد رویکرد سیاست خارجی ایران مبنی بر گفتگو با طالبان و تأکید بر تشکیل دولت فراگیر، ناگزیر و در عین حال نزدیک ترین رفتار به منافع ملی ایران است.

از سوی دیگر، ایران نگرانی های خاص خود را در مقابل پاکستان نیز دارد. پاکستان یکی دیگر از بازیگران تأثیرگذار در مرزهای شرقی ایران است که نفوذ و نقش زیادی در تحولات افغانستان دارد. همسایگی ایران با پاکستان، با توجه به شرایط داخلی این کشور، پیوسته وقایع و تحولاتی را رقم می زند که امنیت و منافع ملی ایران را با تهدید مواجه ساخته است. شیوع افراطی گرایی در پاکستان در ترکیب با دولت ضعیف، آینده نامعلومی را پیش روی این

کشور می‌گذارد و براساس شواهد موجود، به نظر می‌رسد این بی‌ثباتی تداوم داشته باشد. در حقیقت، در مجاورت ایران طیفی از دولتهای ضعیف تا بی‌ثبات واقع شده‌اند که در این میان، تحولات و شرایط داخلی دو کشور افغانستان و پاکستان، می‌تواند تهدیداتی را متوجه توسعه و امنیت ایران نماید. در حقیقت، سیاست خارجی ایران در قبال دو همسایه شرقی یعنی افغانستان و پاکستان، با توجه به تجربه گذشته، از یک سو در معرض برخی آسیب‌ها و مشکلات قرار داشته و از سوی دیگر، از برخی زمینه‌ها و فرصت‌های مساعد برخوردار است. استراتژی ایران در افغانستان، مبتنی بر توسعه و امنیت است. توسعه در افغانستان، ارتباط مستقیمی با منافع ملی ایران دارد و به میزانی که در افغانستان ثبات و توسعه پدیدار شود، به همان نسبت منافع ملی ایران در آن منطقه نیز تأمین خواهد شد. لذا رویکرد ایران در جهت تقویت و توسعه زیربنایی، رشد اقتصادی و کمک به برقراری ثبات و امنیت در افغانستان است. در این راستا، تدوین یک استراتژی مناسب، مستلزم توجه به هر دو وجه این مولفه می‌باشد. علاوه بر این، به منظور ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان، ضرورت برقراری تعامل بیشتر میان ایران و دیگر بازیگران ذی‌نفع و کاهش حوزه‌های اختلاف که در نهایت منافع ملی را به خطر می‌اندازد، کاملاً احساس می‌شود.

منابع و ماخذ

اسناد وزارت امور خارجه، اسناد نمایندگی کابل، کارتن 207، از پرونده 174 تا 268،
از شماره 9 تا / 770 خ/م، / 7/22/ 1329 الی 1345/7/22.

اندیشمند، محمد اکرام. (1386) ما و پاکستان. کابل: قلم.

جی کالینز، جوزف. (۱۳۹۶). بازشناسی جنگ در افغانستان. کابل: نشر عرفان.

دویچ کارل و دیگران. (1395) نظریه های روابط بین الملل، ترجمه وحید بزرگی،
تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی

رشتیا، سید قاسم. (1395) افغانستان در قرن نوزدهم. کابل: فرهنگ.

_____ (1397) خاطرات سیاسی سید قاسم رشتیا؛ از 1311 تا 1371
خورشیدی. کابل: محسن.

رشید احمد. (1394) طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ. ترجمه اسد الله شفای و
صادق باقری، تهران: دانش هستی

فرهنگ، میرمحمد صدیق. (1392) افغانستان در پنج قرن اخیر. تهران: انتشارات
عرفان.

لارنس زایرینگ و بورک س.م. « (1391) تاریخ روابط خارجی پاکستان.
» ترجمه ایرج وفایی. تهران: کویر.

محمد غبار، میر غلام. « (۱۳۹۵) تاریخ مختصر افغانستان. » کابل: جمهوری.

مشیرزاده حمیرا. « (۱۳۸۴) تحول در نظریه های روابط بین الملل » تهران: انتشارات
سمت.

ونت، الکساندر. « (۱۳۹۳) جامعه و همکاری در روابط بین الملل. » ترجمه بهرام
مستقیم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

Maizland, Lindsay. The Taliban in Afghanistan

<https://www.cfr.org/backgrounder/taliban-afghanistan>

Tharoor, Iahaan. (2021). Pakistan's hand in the Taliban's victory

<https://www.washingtonpost.com/world/2021/08/18pakistan-hand-taliban-vi>



سال اول، شماره ۴،

زمستان ۱۴۰۱

بررسی عوامل اثرگذار

در همکاری و

واگرایی افغانستان و

پاکستان و تاثیر آن

بر امنیت جمهوری

اسلامی ایران

The components of public diplomacy of the Islamic Republic of Iran and the Kurds of Fili Iraq

Alireza zargar¹

Ali Moulai²

Mohammad Reza Rafiei Dolatabadi³

Abstract

Public diplomacy is the effort of the government to communicate with other societies in order to transfer the values, culture, policies, etc. of its society to facilitate the provision of national interests. It is obvious that the Islamic Republic of Iran has many sources of public diplomacy among the countries of the region, especially the people and ethnic groups of the Iraqi Fili Kurds. The research method is historical-qualitative (thematic analysis) and its statistical population includes first-hand documents and historical sources, as well as interviews with informed people or informed gatekeepers, and the sampling method was purposeful. To collect data in this study, semi-structured interviews and face-to-face interviews were used. The findings of the research indicate that among the most important opportunities for Iran's public diplomacy in Iraq are cultural, historical and religious commonalities, geographical proximity, the presence of Iranians and Shiites, Iran's cultural capacity and capabilities, the development of cultural trade, and prioritizing cultural development. It can be counted in this country. The result of the research shows that the Kurds of Fili are the cultural promoters of Islamic Iran and are considered part of the civilization body of Iran. And despite the severe strictures of the Baath regime and the cultural invasion of foreign and western media, they have been able to preserve many components of Iranian culture. In any case, Akrad Fili has a favorable potential in the direction of providing Iran's national interests and they have a lot in common. Whose indicators and examples will be discussed under the title of diplomacy tools in the research description?

Key words: Philly Kurds, Iraq, Iran, public diplomacy.

1Ph.D. in political science and faculty member of Amin University of Police Sciences
a.zargar.1976@gmail.com

2PhD student of political science at Hamadan Islamic Azad University
molicalik@gmail.com

3 Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Ideology,
Amin University of Police Sciences
raf.mohamad21@gmail.com



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
مؤلفه های
دیپلماسی عمومی
جمهوری اسلامی
ایران و کردهای فیلی
عراق

مؤلفه های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و کردهای فیلی عراق

علیرضا زرگر^۱

علی مولایی^۲

محمد رضا رفیعی دولت آبادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

چکیده

دیپلماسی عمومی تلاش دولت جهت برقراری ارتباط با دیگر جوامع به منظور انتقال ارزش ها، فرهنگ، سیاست ها و .. جامعه خویش جهت تسهیل تامین منافع ملی می باشد. بدیهی است جمهوری اسلامی ایران دارای منابع متعدد دیپلماسی عمومی در بین کشورهای منطقه، خصوصا مردم و قومیت کرد های فیلی عراق می باشد. روش پژوهش از نوع تاریخی-کیفی (تحلیل تماتیک) است و جامعه آماری آن شامل اسناد دستاورد و منابع تاریخی و همچنین، مصاحبه با افراد مطلع یا دروازه بان بااطلاع بوده است، روش نمونه گیری از نوع هدفمند بوده است. برای جمع آوری داده ها در این بررسی از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته و مراجعه حضوری بوده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که از مهمترین فرصت های دیپلماسی عمومی ایران در عراق، مشترکات فرهنگی، تاریخی و دینی، قرابت و نزدیکی جغرافیایی، حضور ایرانیان و شیعیان، ظرفیت و قابلیت های فرهنگی ایران، توسعه تجارت فرهنگی، اولویت یافتن توسعه فرهنگی در این کشور قابل احصا می باشد. نتیجه پژوهش نشانگر این مطلب است که کردهای فیلی به عنوان مروجان فرهنگی ایران اسلامی بوده و جزء پیکره تمدنی ایران محسوب می شوند. و علیرغم سخت گیری های شدید رژیم بعث و تهاجم فرهنگی رسانه های بیگانه و غربی تاکنون توانسته اند بسیاری از مؤلفه های فرهنگ ایرانی را حفظ کنند. به هر صورت اکراد فیلی دارای پتانسیل مطلوبی در راستای تامین منافع ملی ایران بوده و درای اشتراکات فراوانی با هم هستند؛ که شاخص ها و مصادیق آن تحت عنوان ابزارهای دیپلماسی در شرح پژوهش بدان پرداخته خواهد شد.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
مؤلفه های
دیپلماسی عمومی
جمهوری اسلامی
ایران و کردهای فیلی
عراق

واژگان کلیدی: کردهای فیلی، عراق، ایران، دیپلماسی عمومی.

۱ دکترای علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین
نویسنده مسئول

a.zargar.1976@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی همدان

molicalik@gmail.com

۳ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده عقیدتی سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین

مقدمه

در واقع اگر دیپلماسی عمومی را تلاش دولت جهت برقراری ارتباط با مردم دیگر جوامع به منظور انتقال ارزش ها، فرهنگ، سیاست ها و عقاید جامعه خویش با ایجاد بستری جذاب و مطلوب بدانیم، که کشورها جهت تسهیل سیات ها و تامین منافع ملی از آن بهره براداری می کنند. بدیهی است جمهوری اسلامی ایران دارای منابع متعدد دیپلماسی عمومی در بین کشورهای منطقه و خصوصا مردم عراق می باشد. یکی از قومیت های کشور عراق کرد های فیلی می باشند. اکراد فیلی؛ ایرانی تباران شیعه مذهبی هستند که مقطعی از تاریخ به کشور عراق هجرت نمودند. در یک نگاه می توان آنان را به دو گروه تقسیم کرد. دسته ای که با تحدید مرزهای ایران و عثمانی در دوره صفویه از ایران جدا شده و به تابعیت دولت عثمانی در آمده و در شهرهای خانقین، مندلی، بدره، جسان و رزبایطیه ساکن شدند. گروهی دیگر در دوره قاجار تا اوایل دهه ۱۳۴۰ شمسی به دلایل سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی به عراق مهاجرت کردند.

بیان مسئله

به بیان پل شارپ؛ دیپلماسی عمومی فرایندی است که به وسیله آن ارتباطات مستقیم با مردم در یک کشور برای پیش بردن منافع و رواج ارزش هایی که معرفی می شمند؛ پیگیری می شود (توکلی و نژاد زندیه ۱۳۹۱: ۲۵۳)



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
مولفه های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و کردهای فیلی عراق

دیپلماسی عمومی تلاش دولت برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی در خارج از کشور و بهبود تصویری خود نزد مردم ایران است. هدف اصلی دیپلماسی عمومی تلاش برای ایجاد ذهنیت تصویری مناسب از کشور است. این امر از راه جذابیت یا همان قدرت نرم ممکن است (اطهری و دیگران ۱۳۹۳: ۱۵۰) از این رو کشورها و از جمله آنها جمهوری اسامی ایران در راستای استخدام و بکارگیری دیپلماسی عمومی اهتمام ویژه دارند. یکی از جوامع مورد نظر کردهای شیعه (فیلی) در عراق می باشند. کردهای شیعه (فیلی) اکراد ایرانی تباری هستند که سالیان متمادی ساکن غرب کشور بوده و در ادوار تاریخ به کشور عراق مهاجرت و در شهرهای مختلف این کشور ساکن شدند. به تدریج بر اثر سخت کوشی، هوش و ذکاوت بالا نبض بازار اقتصاد عراق را در دست گرفتند. این مسئله برای سران حزب بحث قابل تحمل نبود. این موضوع از یک طرف و تحرکات عملی و حمایت های مالی از مخالفان رژیم بعث (همچون: عضویت در حزب الدعوه و کمک به مراجع عظام نجف، احزاب کردی و جنبش های استقلال طلبانه، راه اندازی و ایجاد تشکیلات اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی و..... از طرف دیگر باعث شد که سران بعث کردهای شیعه فیلی را تهدید جدی علیه استمرار حکومت خویش را پنداشته و آنان را مورد شدیدترین ظلم ها و سیستم ها از تحریم و تبعید گرفته تا شکنجه و کشتار جمعی قرار دهند. در خصوص تعداد و میزان جمعیت آمار رسمی قابل اتکایی وجود ندارد محققان تعداد آنان را بین یک و نیم تا چهار میلیون نفر تخمین زده اند. علیرغم وجود اشتراکات فراوان اکراد شیعه با

ایران، این مردمان مورد غفلت مسئولان حکومتی و محققان علمی قرار گرفته و تعداد اندکی از اندیشمندان به صورت موردی در این راستا قلم فرسایی نموده اند: مرادی مقدم و بصیرت منش (۱۳۹۹ و ۱۳۹۸) مقالاتی به حوزه تا بعیت و تاثیرپذیری آنها از انقلاب اسلامی ورود کردند. اخوان کاظمی و عزیززی (۱۳۹۸) به تشریح وضعیت سابق و کنونی آن اشاراتی داشتند. وصالی (۱۳۹۵) نیز به کنش اکراد شیعه در نظام سیاسی پس از صدام پرداخته است. وجه افتراق پژوهش حاضر با تحقیقات قبلی این است که ضمن اشاره به وجوه مشترک ایران و کردهای شیعه خیلی فرصت ها و قابلیت های طرفین را در عرصه دیپلماسی عمومی نموده و در پی آن است که به چه طریق می توان از این بستردر راستای تامین منافع ملی و تاثیر سیاست جمهوری اسلامی ایران در عراق بهره گرفت. استفاده از آراء در فعالیت های سیاسی، ساماندهی و سازماندهی آنان در راستای منافع ملی، بسیج ایشان جهت مقابله با دشمنان و خنثی نمودن فعالیت گروه های تروریستی، مشارکت اکراد در امور مذهبی و شعائر اسلامی نظیر پیاده روی اربعین، توریسم سلامت و مباحث بهداشتی پزشکی، وجود بازار مصرف برای کالا و محصولات ایرانی و... از یک سو و نیز علیرغم وجود اشتراکات تعلق خاطر و تاثیرپذیری آن از ایران به علت وجود فقر مالی، اقتصادی فرهنگی در منطقه، عدم سرمایه گذاری مناسب دولتی، حل نشدن مسئله تابعیت بسیاری از آنان، میزان بیکاری بالا با وجود جمعیت نسبتاً جوان (که به راحتی توسط دشمنان تحریک و تهییج می شوند) نیز سرمایه گذاری عظیم مادی و معنوی دشمنان نظام اسلامی و... از سوی دیگر بسترهایی را فراهم نموده که در صورت عدم توجه مناسب جمهوری اسلامی ایران امکان گسیل یا متمایل شدن برخی از آنان به سمت دشمنان ایران متصور است. شایان ذکر است آنچه اهمیت دیپلماسی عمومی ایران در عراق را بیش از پیش سوی فواید مترتب برآن، با اهمیت می سازد؛ تبلیغات منفی و ارئه چهره ای مخدوش از فرهنگ و اعتقادات مردم ایران در زمان صدام و دروان حاکمیت حزب بعث بود که در مدارس ابتدایی و حتی محافل روشنفکری معمول بود. که از بین بردن این تصویر خغیر واقعی اهتمام ویژه مسولان سیاسی و اندیشمندان و صاحبان قلم را می طلبد. به هر جهت مزایا، مواهب، تهدیدات و معایب احتمالی ضرورت مطالعه دقیق و بررسی بیشتر موضوع جهت استفاده از فرصت ها و از بین بردن تهدیدات یا به حداقل رساندن آن در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش ضروری می سازد.

سوال اصلی و فرضیه تحقیق

سوال مقاله این است که عناصر اصلی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در بین اکراد شیعه (فیلی) کدامند؟

پاسخ اولیه که می توان به این پرسش داد این است: که با توجه به اشتراکات فراوان ایران و کردهای فیلی عناصر دیپلماسی عمومی متنوع بوده و می تواند جلوه های مختلفی داشته باشد و به تبع شرایط زمانی و مکانی قابلیت قبض و بسط دارد.

در این راستا ضمن ابتدا لازم است که نگاهی به مبانی و چارچوب نظریه تحقیق داشته باشیم و بر اساس آن به بررسی ارزیابی عناصر دیپلماسی عمومی ایران در بین

ویکردهای نظری تحقیق

دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی از قابلیت های بیشتری برای گسترش ارتباط اجتماعی بین کشورها برخوردار است چرا که از این راه می توان زمینه انتقال هنجارهای سیاسی و ایدئولوژیک را به سایر کشورها فراهم کرد (متقی ۱۳۸۹: ۱۲۰)

دیپلماسی عمومی تلاشها و اقدامات حکومت یا دولت برای تاثیرگذاری بر اذهان و افکار نخبگان و عامه مردم کشورهای دیگر ارزیابی می شود با این نیت صورت می گیرد که کشور هدف سیاست ها، ایده ها و آرمان های کشور عامل را خودی تلقی کرده و با آن احساس این همانی احساس داشته باشد. (التیامی نیا، تقوایی نیا ۱۳۹۵: ۱۷۴) دیپلماسی عمومی تلاش دولت برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی در خارج از کشور و بهبود تصویری خود نزد مردم ایران است. هدف اصلی دیپلماسی عمومی تلاش برای ایجاد ذهنیت تصویری مناسب از کشور است. این امر از راه جذابیت یا همان قدرت نرم ممکن است (اطه‌ری و دیگران ۱۳۹۳: ۱۵۰)

سطوح دیپلماسی عمومی

نای دیپلماسی عمومی را به سه سطح تقسیم می نماید: «ارتباطات روزانه» که توسط روزنامه نگاران سیاستمداران و رسانه ها انجام می پذیرد، اولین سطح این مقوله را در بر میگیرد. در این سطح بازیگران مذکور می کوشند ارزشها و هنجارهای خود را به مخاطبان کشورهاییگر انتقال دهند. «روابط استراتژیک» سطح دوم دیپلماسی عمومی را تشکیل می دهد. در این سطح پیام های استراتژیک از طریق ابزارهای رسانه ای به مخاطبان خارجی انتقال داده می شود. مهمترین مؤلفه در انتقال پیامهای استراتژیک، حفظ انسجام و استحکام است. اما مهمترین سطح دیپلماسی عمومی که در واقع، می توان آن را در حکم قلب این مفهوم در نظر گرفت، «گسترش روابط بلندمدت» است که حول مبادالت، همایش ها، بورسیه ها و دسترسی به شبکه های رسانه ای صورت می پذیرد. این سطوح از دیپلماسی عمومی در کنار تلاش های حکومتی به صورت غیرمستقیم انجام میپذیرد (ایزدی و ماه پیشانیان ۱۳۹۰: ۴۱-۴۰)

مؤلفه های دیپلماسی عمومی

الف) غیر رسمی بودن- ب) آشکار و علنی بودن- ج) تعاملات در سطح افراد و مردم به جای تعامل میان سیاستمداران- د) فراگیرتر بودن مخاطبان شامل عموم جامعه- ه) تنوع ابزار و امکانات دیپلماسی عمومی- و) انتقال عقاید و ارزشها- ز) ایجاد اقناع و جذابیت در حالی که دیپلماسی یک دستگاه ارتباطی میان دولت هاست- ح) دیپلماسی به معنای مدیریت روابط بین «کشورها» و «عناصر دیگر» از طریق روشهای صلح آمیز یک ابزار است در حالی که دیپلماسی عمومی مدیریت افکار عمومی و تاثیر گذاری

بر نرم افزارهای کشورها است (خسروی و جباری ثانی ۱۳۹۰: ۸۶)

کردهای فیلی

کردهای فیلی خود را از لحاظ تاریخی ایرانی می‌دانند (الخیون ۲۰۰۵: ۴۴۵) کردهای شیعه مذهب ایرانی زبانی که سالیان متمادی ساکن غرب کشور بوده و در ادوار تاریخ به اجبار ساکن عراق شده‌اند (مرادی مقدم و بصیرت منش ۱۳۹۸) اولین دوره عزیمت آنان مصادف با جنگ چالدران و شکست سپاه صفوی از امپراتوری عثمانی؛ دوره دوم نیز مربوط به سال‌های ۱۳۴۳ شمسی در پی وقوع قحطی، افزایش بیکاری و بالا بودن میزان مالیات، ظلم و ستم والی رخ داد (مرادی مقدم ۱۳۸۵) و نهایتاً در دوره رضاخانی و سیاست تحمیل فقر شدید اقتصادی آن را مجبور کرد که جهت امرار معاش راهی وادی بیگانه شوند این زمان قرین سالهای ۱۳۰۴ شمسی تا سال ۱۳۱۷ شمسی بود (اخوان کاظمی و عزیز ۱۳۹۷).

کردهای مهاجر پشت‌کوه که جذب بازار کار و فعالیت‌های اقتصادی در شهرهای عراقی شدند، به تدریج پیشرفت کردند و بر بخش‌های مختلف اقتصادی عراق مسلط شدند، کردهای ساکن عراق، کردهای مهاجر پشت‌کوه را «کردهای فیلی» می‌نامیدند و علت این نام‌گذاری آن بود که کردهای مهاجر پشت‌کوه قبل از مهاجرت به عراق زیر سیطره والیان فیلی بودند. آنها به استخدام ادارات عراق درآمدند، همچنین بسیاری از کردهای مهاجر فیلی که در جستجوی کار به شهرهای مختلف عراق آمده بودند، بسیاری از کسانی که از پشت‌کوه به عراق مهاجرت می‌کردند در بغداد ساکن می‌شدند و محله آنها در این شهر به «محله فیلی» معروف بود. (مرادی مقدم، ۱۳۸۵: ۹۰) در جنگ جهانی اول حدود پنجاه تا شصت هزار نفر کارگر ایرانی در عراق به ویژه در قسمت جنوبی عراق مشغول به کار بوده‌اند. براساس گزارش وزارت امور خارجه ایران در این عصر بیش از نیم میلیون نفر ایرانی در شهرهای عراق زندگی می‌کردند، پس از جنگ عده زیادی از ایرانی‌ها به وطن برگشتند. (اکبری، یاری، ۱۳۹۴: ۷۷) بدرفتاری عراقی‌ها با ایرانیان مقیم عراق و اخراج آنان یکی از عوامل مهم تیرگی در روابط ایران و عراق بوده است (اکبری ۱۳۹۳: ۱۵۳) دولت عراق از وجود ایرانیان مقیم آن کشور به عنوان ابزاری برای فشار علیه دولت ایران استفاده می‌کرد. دولت عراق، ایرانیان [مقیم آن کشور] را متهم به «ستون پنجم» ایران می‌کرد. تابعیت یا ترک آنان از عراق بود. دولت عراق پروانه کار ایرانی‌هایی را که حاضر به پذیرفتن این دستور نبودند، لغو و اموالشان را مصادره می‌کرد. دولت ایران به این اقدام اعتراض کرد و حتی در سال ۱۳۴۵ هـ.ش، تلاش زیادی کرد که ایرانیان مقیم عراق را به بازگشت به ایران تشویق نماید و وعده داد که برای استقرار آنها، زمین و کمک مالی در اختیارشان قرار دهد. (جعفری ولدانی ۱۳۷۶: ۳۰۹) در سال ۱۳۰۷ حدود شش هزار خانوار ایلامی در شهر بغداد و در محله معروف به فیلی زندگی می‌کردند و نزدیک به پانصد خانوار نیز در اطراف مندلی عراق و دویست خانوار در اطراف خانیقین زندگی می‌کردند که به ملکشاهی و ارکوازی معروف بوده‌اند. (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۳-۱۸۵)

چارچوب نظری پژوهش

مکتب سازه انگاری

مکتب سازه انگاری جهان را ساخته دولت‌ها بر مبنای هویت زمینه بخش دانسته است که بر این اساس دست به کنش زده و سیاست خارجی را عملی بر ساخت تعریف می نماید. به تعبیر اسمیت سیاست خارجی آن چیزی است که توسط دولت‌ها ساخته می شود (آقایی و رسولی ۱۳۸۸). سازه انگاران، کنش دولتی را وابسته به جایگاه قدرت یک کشور نمی داند بلکه آن را هدایت شده از سوی هنجارها تلقی می کند (احدی ۱۳۹۹: ۲۹۰)

اصولاً تقسیم بندی زیر بین اندیشمندان در مورد مکتب سازندگان نگاران معمول است

- ۱- سازه انگاران جتماعی که عرصه فعالیت آن را صحنه بین‌المللی می دانند.
- ۲- سازه انگاران سطح واحد که شیوه اثرگذاری قواعد و منابع داخلی در شکل گیری و هویت دولت‌ها را بررسی می کند.
- ۳- سازه انگاری کل نگرانه در سطوح داخلی و سیستماتیک به هنجارها و قواعد، رفتار و هویت دولت‌ها توجه می نماید (دانش نیا ۱۳۹۴)

استدلال سازه انگاران اجتماعی بر این است که هویت مشترک احتمالاً به کاهش یا حذف پندار تهدید ملت‌ها از همدیگر می انجامد (لطفیان ۱۳۹۰) وجه تمایز میان مکتب کپنهاگ و سازه انگاری با سایر مکاتب امنیتی در این است که در رویکرد سازه انگاری با تعدیل خواسته‌های حد اکثری دو رویکرد رئالیسم و لیبرالیسم کیفیت زندگی اجتماعی، نظامی، اقتصادی و ... نظام بین‌الملل را به منظور درک مطلب و نزدیک به حقیقت دوباره بازخوانی می کند (دهشیری و همکاران ۱۳۹۸) سازه انگاران در پی آنند که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آن اشاعه یابد و از آنجایی که منافع از روابط اجتماعی حادث می‌شود لزوماً نباید نسبت به تعامل میان دولت‌ها پیش‌داوری داشت. به این معنا به نوع برخورد دولت‌ها با هم، چه به صورت همکاری تعامل و تعاون یا به روش تعارض و تقابل بین آنها نمی‌توان خوشبین بود و نه بدبین (هادیان ۱۳۹۲)

صاحب نظران نظریه سازه انگاری نقش مهمی در سیاست جهانی را به هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ می دهند و نقش این عوامل را اساس بازی نظام بین‌المللی تلقی می نمایند که در جهت گیری ویژه دولت را مانع ایجاد، و باید منطقی عقلانی برای محبوبیت عملکرد خود مهیا کرده و فراهم آورند (دهقانی فیروزآبادی و جدیدی ۱۳۸۲) در این نظریه به بازگشت فرهنگ و تاثیر آن بر سیاست‌های داخلی و خارجی روابط بین‌الملل توجه شده است. بر این اساس، عملکرد اجتماعی منجر به تشکیل هویت داخلی شده که بر هویت، منافع و رفتار دولتها در خارج از کشور تاثیر

گزار بوده و در نتیجه هویت دولت ها در عرصه سیاست جهان مشخص می‌گردد) بلیس و اسمیت (۱۳۸۳)

شایان ذکر است که تعامل دو سویه سیاست بین‌المللی و داخلی کشورها به خلق فضا و منجر به هویت جدید شده که در این ترسیم، و منافع جدید در رابطه با همین هویت به وجود خواهد آمد (سیمبر و مقیمی ۱۳۹۴) همان طور که به اختصار اشاره شد وجه تمایز نظریه سازه انگاری با سایر نظریه که به موضوع پژوهش ما نزدیک بوده و سنخیت و هم پوشانی دارد اتکاء این نظریه به هویت و منابع نرم افزاری قدرت یا به تعبیری قدرت نرم است که در ادامه به مهترین مولفه های هویت کرد های فیلی که با سرزمین مادر ی شان ایران دارای اشتراک می باشند و نیز برخی تاثیرات قدرت نرم خواهیم پرداخت.

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع تاریخی-کیفی (تحلیل تماتیک) است و جامعه آماری آن شامل اسناد دست‌اول و منابع تاریخی و همچنین، مصاحبه با افراد مطلع یا دروازه بان اطلاع بوده است، روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند بوده است با توجه به موضوع و حساسیت آن محقق به ناچار از نمونه گیری غیر احتمالی با روش عمدی یا قضاوتی و روش نمونه گیری انباشتی استفاده کرده است. نمونه گیری عمدی یا قضاوتی که یکی از روش‌های رایج در نمونه گیری غیر احتمالی است. در این بررسی چند کاربرد داشت. از آنجایی که شناسایی این جمعیت خاص غیر ممکن و پرهزینه بود و فهرستی از عناصر جمعیت در دسترس نبود؛ بنابراین از طریق تماس و ارتباط در محیط طبیعی و خصوصی مربوط به افراد مورد تحقیق انجام گرفت. همچنین از روش نمونه گیری انباشتی، با عناوین نمونه گیری شبکه‌ای، مراجعه زنجیری یا نمونه گیری از نام آشنائی نیز شناخته می‌شود، استفاده گردید. از این جهت به بهمن تشبیه شده، حجم بهمن همراه با غلتیدن در برف (جلو رفتن در هر گام) بیشتر می‌شود. این روش در جمعیت‌هایی که شناسایی آن دشوار است؛ کاربرد دارد. در روش انباشتی برای یافتن نمونه‌های جدید می‌توان از افراد قبلی درخواست کرد یکی از آشنائیان یا افراد دیگری را معرفی کنند. در نهایت با این روش نمونه گیری انتخاب شدند. برای جمع آوری داده‌ها در این بررسی از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده، مصاحبه‌ها از طریق مراجعه حضوری و رودر رو بوده است.

یافته های پژوهش

مهمترین فرصت های دیپلماسی عمومی ایران در عراق در هیچ کشوری آثار تمدن و فرهنگ ایرانی، خواه در روزگاری که آن را ایران باستان می نامند و خواه از عصر اسلامی به اندازه آنچه در عراق دیده می شود، وجود ندارد. آثار تمدن و فرهنگ و هنر ایرانی در همه جای این کشور دیده می شود. علیرغم کوشش های بسیاری که حکومت های عثمانی و در پی آن حکومت های استعمارگر در برانداختن آثار ایرانی در عراق به کار برده اند. هنوز جلوه و جلال این آثار در همه جای خاک عراق گذشته از طاق کسرا بازمانده است و در هر گوشه نیز دیده می شود (نیکروش رستمی ۱۳۹۲):

از مهمترین فرصت های دیپلماسی عمومی ایران در عراق [می توان از] : مشترکات فرهنگی، تاریخی و دینی، قرابت و نزدیکی جغرافیایی، حضور ایرانیان و شیعیان، ظرفیت و قابلیت های فرهنگی ایران، توسعه تجارت فرهنگی، اولویت یافتن توسعه فرهنگی در این کشور [نام برد] (اطه‌ری و دیگران ۱۳۹۳: ۱۵۴) که مختصراً به برخی از آنان اشاره می کنیم:

۱- پیشینه تاریخی و تمدنی

به هر حال پیشینه تمدنی و تاریخی عاملی برای جذابیت بوده و می توان از عناصر تمدنی برای بازتولید مولفه های قدرت نرم و در عین حال با اشتراک گذاری مولفه های تمدنی و تاریخی ایران با سایر ملت ها می توان بستر اشاعه فرهنگ و ارز شهای مندرج در تاریخ ایران را فراهم آورد و نوعی وابستگی و همدلی آموزه های تاریخی ایرانیان در عرصه جهانی را فراهم آورد (حیدری، قربی ۱۳۹۵: ۵۲) سرزمین تاریخی، جایی است که در آنجا زمین و چندین نسل مردم، تأثیری مفید و دوطرفه برهم می گذارند. وطن، جایگاه ارتباطات و حافظه های تاریخی است و جایی است که متفکرین، قدیسان و قهرمانان در آنجا کار می کردند و نیایش می کردند و می جنگیدند. همه این ویژگی ها باعث می شود یک وطن مهم و منحصر به فرد بشود (کریمی مله و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۷۴) از این حیث در خصوص عراق باید یادآور شد که این سرزمین به لحاظ تاریخی و فرهنگی ارتباط قوی و گسترده با ایران داشته است. بین النهرین به مدت هزاران سال تاریخ از حوزه تمدنی ایران محسوب شده و ایرانیان این سرزمین را ((آسورستان)) نام نهاده بودند (محمدی ملابری ۱۳۷۵: ۵۷) در دوران باستان عراق (بین النهرین) همواره جزیی از سرزمین امپراطوری های ایران باستان و همواره در امتداد حوزه فرهنگی- تمدنی ایران محسوب شده است (الاعظمی ۱۳۵۰: ۱۵۱)



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
مولفه های
دیپلماسی عمومی
جمهوری اسلامی
ایران و کردهای فیلی
عراق

نیمی از کردهای فیلی عراق ساکن در مناطق شرقی این کشور، ایرانیانی هستند که از جنگ چالدران و براساس معاهدات میان ایران و عثمانی در دوره صفویه از ایران جدا و ضمیمه خاک عثمانی شده اند. (اخوان کاظمی، عزیزی، ۱۳۹۷: ۶۴-۶۳) ایرانی بودن کرد های فیلی و وجود تمایلات ایرانی در میان آنها موجب شده که همواره در تأثیر پذیری از تحولات ایران باشند و از سوی حکومت عراق نیز مورد سوءظن واقع شوند (مرادی مقدم و بصیرت منش ۱۳۹۸: ۶)

۲- میراث فرهنگی مشترک

شاید بتوان میراث فرهنگی مشترک گسترده و فراگیر را در بین شهروندان یک کشور از مهمترین اجزای هویت ملی دانست که سبب توافق و فرهنگی می شود. در تعریفی گسترده کلیه ابعاد فرهنگی هر نظام اجتماعی را در بر می گیرد که به نحوی خود خودآگاه یا ناخودآگاه ما را تحت تأثیر قرار می دهد. شاخص های این بعد عبارتند از: ۱- جشن ها و اعیاد و فرهنگ عامه ۲- لباس و طرز پوشش ۳- موسیقی ۴- اماکن تاریخی ۵- هنرهای ملی و بومی (مقیمی، امینی ۱۳۹۱: ۱۶۰) میراث فرهنگی از

دو بخش تشکیل شده است: الف- آداب و رسوم ایرانی نظیر: نوروز، سیزده بدر، چهارشنبه سوری، جشن مهرگان و در دوره جدیدتر آیین مبین اسلامی(نساجی ۱۳۸۸: ۱۳۷) آیین ها و رسوم ملی به واسطه دیرینگی (تاریخی) و فراگیری (جغرافیایی) از اهمیت بالایی برخوردارند از شاخص های کلیدی در نگرهبانی و معرفی هویت ایرانی هستند. بعضی از انسان ها جشن های مختلف در تاریخ ایران ماندگار شده اند مانند های عید نوروز و شب یلدا امروز نیز برگزار می شوند (پناهی توانا معروفی ۱۳۹۵: ۹۲) سنن و آداب کنونی هر قوم قدیمی یادمانی از گذشته دور دارد بسیاری از آداب و رسوم در جریان تحول خود به عنوان عناصر پیوند دیگر اعضای یا افراد ملت نقش خود را حفظ کرده است. نوروز به عنوان یک جشن کهن از اقوام کهن منطقه به میراث رسیده و با رنگ و ویژه خود شناسنامه ایرانی گرفته و به نماد پیوند افراد، اقوام ایرانی و ملت ایران تبدیل شده است(حافظ نیا، کاپوانی راد ۱۳۸۵: ۲۶-۲۵) امروزه نموده های اسطوره ای و آیین های باستانی را در جشنها و مراسم که برپا می کنیم، به روشنی می توان دید اگرچه دیگر اصل و علت انجام آنها به دست فراموشی سپرده شده است. اسطوره ها در فرهنگ های امروز و به طور فراگیر فراموش نشده بلکه در ژرف های وجود انسان، در خیالها و رویاهایش در پوششی کهن الگوهای زید و در شاخه های گوناگون هنر و بازتاب پیدا می کند (روحانی، عنایتی قادیکلایی ۱۳۸۹: ۱۱۶) به گفته انور عباس استاد زبان فارسی دانشگاه بغداد: عید نوروز در همه مناطق عراق به دلیل تنوع قومی در این کشور، به یک صورت جشن گرفته نمی شود، به گفته وی؛ کرد های شمال عراق، نوروز را با اسطوره کاوه آهنگر و پیروزی بر ضحاک گره زده و باشکوه برگزار می کنند و معمولا یک هفته شمال عراق تعطیل است. در بغداد و استان های دیاله، کوت و بخشی از استان میسان که کردهای فیلی سکونت دارند. نیز به این مناسبت اهتمام ویژه می دهند. و در این روز به دامن دشت و صحرا می روند. از قدیم ایام در بغداد رسم بر این بود که کردهای فیلی در پایتخت، اول نوروز را به سلمان پاک (۲۵ کیلومتری جنوب بغداد) در بگیرنده مرقد سلمان فارسی و اثر تاریخی طاق کسرا است. می رفتند. (نوروز در عراق از گذشته تا امروز خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخه ۱۳۹۶/۱۲/۲۹) عنوان مدائین که با نوروز گره خورده در برند دارنده دو نماد اسلامی و تاریخی است که هر دوی آنها با فرهنگ و هویت ایرانی پیوند دارد زیباترین جلوه های نوروز در منطقه کردستان عراق به چشم می خورد و هزاران نفر از اهالی این مناطق در حالی که لباس کردی رنگارنگ معروف خود را بر تن کرده اند با نوای نشاط آور کردی دوشادوش هم به رقص کردی (هل پرگه) می پردازند (نیکروش رستمی ۱۳۹۲: ۷۲)

شهبروندان عرب و کرد های فیلی عراق همچنین در روز اول نوروز به زیارت مرقد امیر مومنان (ع) و سرکشی به قبور بستگان در وادی السلام نجف اهتمام می ورزند (نوروز در عراق از گذشته تا امروز خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران مورخه ۱۳۹۶/۱۲/۲۹)

ب- میراث مکتوب؛ هرچند برخی اقوام ایرانی مانند آذری ها کردها و عربها در زمان خاص خود هستند زبان فارسی هموار زبان ملی این اقوام بوده است. زبان میراث مکتوب زبان فارسی است (نساجی ۱۳۸۸: ۱۳۷) وجود میراث غنی مکتوب وجود میراث

فرهنگی و مکتوب گذشتگان پیوندها و الفت میان اعضای آن خرده فرهنگ و محتوا و زبان آن را تقویت می‌کند. این میراث هرچه غنی‌تر باشد دل‌بستگی شدید به فرهنگ و زبان محلی پدید می‌آورد و مقاومت بسیار شدیدتر می‌شود و ممکن است مانع ادغام و اضمحلال زبان این میراث شود. مثلاً شاهنامه فردوسی، اشعار حافظ سعدی، مولوی سنایی و آثار بسیاری دیگر از اندیشمندان ایرانی که به زبان فارسی نگاشته شده، سبب می‌شود که زبان فارسی بتواند مقاومت فراوانی در برابر فرهنگ مسلط غرب از خود نشان دهد (نساجی ۱۳۸۸: ۱۴۷) آثار و ادبیات را در ظرف برزگری را تحت عنوان ادبیات می‌توان در نظر گرفت

۳- شعر و ادبیات

برجسته‌ترین عنصر و ویژگی فرهنگی ایران که نقش بسیار مهمی در تمدن ایرانی دارد، ادبیات و به ویژه شعر و شاعری است. شعر فارسی از مهمترین و بارزترین عناصر فرهنگی ایران به شمار می‌آید (اخوان کاظمی، عزیزی ۱۳۸۹: ۸۳) شعر ایران بیشترین منعکس‌کننده بینش و نگرش جامعه ایرانی می‌باشد. مشحون از آرزوها و آمال است که همگی در پی جهان ایده‌آل و آرمانی هستند جهانی که در آن انصاف، عدل، تساوی، و برادری، برابری و معنویت شاخص‌های اصلی آن هستند (سجادپور ۱۳۸۶: ۷)

۴- مشاهیر و ادیبان

ایران دارای مشاهیر و اندیشمندان بسیار در حوزه‌های مختلف است که دارای برد جهانی

هستند. معرفی آثار آنها در جهان به زبانهای مختلف تاثیر بسزایی در تصویر سازی از ایران برای

افکار عمومی جهان خواهد داشت (جباری ثانی ۱۳۸۹: ۱۵) از نظر فکری و تاریخی کردها به مناطق ایرانی کردنشین وابستگی دارند. بدین معنا که شعرا و ادبای بزرگ کرد عمدتاً در مناطق کردنشین ایران رشد کرده‌اند. (طایبی، ۱۳۹۵/۷/۴)

۵- همزیستی تاریخی- فرهنگی

خیتال^۱ از کردهای فیلی و مسولین استانداری ایلام در این زمینه گفت:

در هنگام تبعید کردهای فیلی توسط رژیم بعث عراق بسیاری از آنان در استان ایلام و در اردو گاه‌ها اسکان داده شدند. به زندگی ادامه با ایلامیان وصلت قومی نموده و بسیاری از آنان جذب بازار کار عمدتاً مکانیکی شده و تعدادی نیز عضو سپاه بدر شدند. البته بسیاری از اکراد فیلی به سایر شهرها از جمله کرمانشاه، قم و ... عزیمت نمودند (خیتال ۱۳۹۹).



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
مولفه‌های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و کردهای فیلی عراق

پروانه عزیزی^۱ نیز اذعان داشت:

بسیاری از کردها از جمله جلال طالبانی رییس جمهور فقید عراق سالها در استان البرز، شهرستان کرج زندگی می‌کردند و حتی نچيروان بارزانی نخست وزیر اقلیم کردستان در دانشگاه تهران تحصیل نموده است (عزیزی ۱۳۹۹).

محرمی طور دیگری این حکایت را بیان می‌نماید:

مشکلات خودمان را داشتیم، این مشکلات با ضریب ده برای عراقی‌های مهاجری که به ایران آمده بودند وجود داشت، مشکلات بوروکراسی، حساسیت‌های نژادی، جا و مکان، امکانات آموزشی، پذیرش در دانشگاه‌ها، ازدواج و ... هم وجود داشت. چنین مشکلاتی بخصوص در زمان جنگ برای یک ایرانی وجود داشت، چه برسد به یک عراقی، این‌ها متأسفانه به علت بی‌توجهی ایران به توجیه آنها برای این مسائل باعث شد که فکر کنند چون عراقی هستند، با آنها این‌طور رفتار می‌شود و اغلب با این برداشت منفی به عراق برگشتند. ایران انصافاً آنچه در توان داشت برای عراقی‌ها انجام داد، ولی مشکلات زیادی وجود داشت که مانع می‌شد تا اینجا به تاریخ حساسیت میان ایران و عراق، حساسیت‌های جنگ، اسرا، کشته‌شدگان، معلولان و مهاجران نیز اضافه شد. (محرمی ۱۳۹۶: ۱۵۹-۱۵۸)

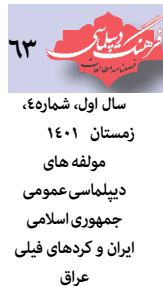
۶- مذهب تشیع

از آنجایی که عقیده مشترک دینی و مذهبی نقش بنیادین در ایجاد همبستگی میان پیروان هر دین ایفاء می‌کند یکی عوامل بنیادین ملت‌سازی در ایران و عراق مذهب تشیع است. که ایران هسته اصلی جهان تشیع محسوب می‌شود (زین العابدین ۱۳۸۶: ۳۶-۳۳) مسئله تشیع و عراق پیوندی ناگسستنی با هم دارند. عراق در تاریخ تشیع از جایگاه رفیعی برخوردار است با خلافت امیرالمومنین در کوفه این سرزمین از همان سالهای اولیه گسترش اسلام دارای اهمیت ویژه شد (کشاورز شکری ۱۳۹۳: ۲۲۵)

تشیع مهم‌ترین مولفه جنبه قدرت نرم ایران در عراق جریان تشیع است. اکثریت مردم ایران و عراق مسلمان و پیرو مذهب تشیع می‌باشند این امر تاثیر زیادی بر نوع نگرش مردم عراق نسبت به سیاست‌ها و اقدامات ایران دارد. و تا حدود زیادی موجب به وجود آمدن درک و اعتماد متقابل میان دولت-ملت ایران و دولت-ملت عراق شده است (صادقی، عسکرخانی ۱۳۹۰: ۹۳۹) مذهب شیعه در مناطق پیرامونی ایران از عوامل اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آیند (درخشه و غفاری ۱۳۹۰: ۱۹) شیعیان بزرگ‌ترین فرصتی که با فروپاشی رژیم بعثی در عراق برای ایران شکل گرفته ایجاد حکومتی مبتنی بر حاکمیت شیعیان است (یزدانی و صادقی ۱۳۸۸: ۳۴)

کردهای فیلی وابستگی شدید زبانی و مذهبی با کردهای ایلام و کرمانشاه دارند. به سبب داشتن مذهب تشیع اثناعشری، دولت عراق آنها را از نواحی کردنشین شافعی مذهب شمالی جدا کرده و در استان‌های عربی (عرب‌نشین) دیاله و واسط

۱ مصاحبه نویسنده با خانم پروانه عزیزی مورخه ۱۳۹۹/۳/۲۰



قرار داده که بر مذهب تشیع‌اند. (کندل، وانلی، نازدار، ۱۳۷۰: ۱۷۵ به نقل از عظیمی چلونگر، ۱۳۹۱) کردهای فیلی شیعه مذهب عراق که به کردهای فیلی معروف هستند، در مناطق شرقی و شمال شرقی این کشور به خصوص در استان دیاله، شهرهای خانقین، مقدادیه، بدره، رزباطیه، کوت، جصان، عزیزیه، نعمانیه، بعقوبه، علی شرقی، علی غربی، شیخ سعد، کوفه، بصره و عماره سکونت دارند (کندل و دیگران، ۱۳۷۰: ۷۵)

بنابراین مجموعه عوامل مذکور، یعنی شیعه، کرد بودن و هویت ایرانی باعث شد که حکومت بعث از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بیشترین محرومیت‌ها و آسیب‌ها را برای اقلیت فراهم نمایند. به همین جهت کردهای فیلی نیز دوشادوش کردهای سنی و اعراب شیعه عراق، در ردیف معارضین حکومت صدام قرار گرفته بودند و صدمات و تلفات زیادی را در این راه متحمل شدند. (اخوان کاظمی، عزیز، ۱۳۹۷: ۶۵)

[خلاصه اینکه] همگرایی مذهبی، دینی، فرهنگی و تمدنی حضور و بازگشت مهاجران عراقی از ایران به عراق و همچنین کردها می‌تواند زمینی نفوذ و حضور ایران را در عراق فراهم سازد. وجود اماکن مذهبی و مرجعیت شیعی بیش از پیش می‌تواند به افزایش نقش ایران در عراق بیانجامد (رضایی ۱۳۸۴: ۱۶۶)

۷- رسانه

رسانه به عنوان یکی از بهترین ابزار ایجاد و نمایش قدرت نرم نقش مهمی در اقناع و جذب مخاطب ایفا می‌کند (کریمی فرد ۱۳۹۹: ۷۶)

در واقع دیپلماسی فرهنگی از بستر رسانه جهت رسیدن به اهداف خویش استفاده می‌نماید. رسانه وظیفه دارد با هدایت افکار عمومی آرمان، ارزش‌ها و ایده‌های خود را در سطح‌های مختلف ارزش‌ها و الگوهای جامعه ایرانی را به عنوان الگوی غالب در منطقه ترویج دهد (کشاوری و دیگران ۱۳۹۳) امروز افکار عمومی از اهمیتی وافر برخوردار بوده و از ارکان مهم اثرگذار در فرآیند تصمیم‌گیری دولت‌ها در حوزه‌های متعدد محسوب می‌شود. از این رو جهت هدایت و تاثیرگذاری بیشتر در این عرصه دولت‌ها نیازمند برقراری ارتباط با توده‌های مردم به عنوان مخاطب عمومی هستند (صفویه و حاتم‌ی ۱۳۹۵)

رسانه‌ها معمولاً تسهیل‌کننده سیاست کشورها و ارائه‌دهنده دیپلماسی عمومی باشند (صادقی و عسکر خانی ۱۳۹۲) جهت تاسیس و راه‌اندازی شبکه‌ها و کانال‌های ماهواره‌ای به زبان عربی مانند العالم و الکوثر قابل توجه است این شبکه‌ها باید با گسترش حوزه فعالیت و شعاع عملیاتی خود توانایی مقابله و رویارویی با



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
مؤلفه‌های
دیپلماسی عمومی
جمهوری اسلامی
ایران و کردهای فیلی
عراق

رقبای منطقه‌ای را مخصوصاً در کشورهای عرب زبان داشته باشند (درویشی و حاجی هاشمی ۱۳۹۵)

راهبرد اساسی ایران در عراق در این زمینه بازتاب ویرانی‌های نبرد، ناتوانی اشغالگران در تامین امنیت و جلوگیری از کشتار غیرنظامیان محور قرار گرفت در این زمینه برخی رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای متعلق به مجلس اعلای انقلاب اسلامی و حزب الدعوة در عراق فعالیت می‌نمایند. که توانستند به ایجاد حس مشترک بین دو کشور و تقویت قدرت نرم ایران در عراق کمک نمایند (صادقی و عسکر خانی ۱۳۹۰)

پوشش رسانه و خصوصاً شبکه‌های رادیویی در این خطه به علت نبود ساختارهای لازم و نیز سیطره رسانه‌های زبان کردی (کردهای شمال-کردستان عراق) ضعیف است. عمده پوشش خبری توسط رسانه مجازی و شبکه‌های اجتماعی، مردم منطقه انجام می‌شود.

منیب الشوهان^۱ی در این باره گفت:

عمده شبکه‌های رسانه و پوشش دهی مربوط به شبکه‌های رسمی عراق و کردستان عراق هستند. و شبکه‌های رادیویی عمده نیز مرتبط با حزب الدعوة و.....مباشند (منیب الشوهانی ۱۳۹۹)

۸- اشتراک زبانی (زبان‌های ایرانی)

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از زبان فارسی برای دیگر ملت‌ها استفاده کند (احمدی ۱۳۹۹: ۲۹۳)

در مقطع کنونی که یکی از اهداف جمهوری اسلامی ایران بسط و اشاعه خط و زبان فارسی در جهان؛ به ویژه کشورهایی که دارای بستر و گستره تمدن ایران قدیم و به خصوص کشورهای حوزه نوروز است (دهشیری ۱۳۹۳) یکی از وجوه تمایز هر میان اقوام ایرانی و نیز نشانه سر زنده بودن آن قوم وجود زبان فارسی است (آهنگری ۱۳۹۴) ادبیات کهن نمایندگی هویت ایرانی و آیین تمام نمای فرهنگ، اندیشه، آرزو و آرمان و در یک نگاه کلی جهان‌بینی ملت ایران است. که مزین به آثار مفاخری چون حافظ، سعدی، فردوسی، خیام و..... بوده واز مضامین قوی و شهرت جهانی برخوردار است که با اقبال عمومی و استقبال دوستداران شعر و ادب مواجه شده است (سعیدی و مقدم فر ۱۳۹۲) زبان فارسی مقابل زبان دیگری نظیر عربی و.... نقطه نبوده و تاریخ و فرهنگ با این زبان قوام یافته متعلق به همه ایرانیان و لسان فردوسی، حافظ، سعدی سپهرودی و..... است (قریبی و جعفری ۱۳۹۵) زبان فارسی حلقه اتصال و اتحاد



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱

مولفه‌های
دیپلماسی عمومی
جمهوری اسلامی
ایران و کردهای فیلی
عراق

۱ مصاحبه نویسنده با آقای منیب الشوهانی مورخه ۱۵/۳/۱۳۹۹

ملت ایران فارغ از قوم و مذهب و از جمله مفاخر ناموس ملی و میراث مشترک ایرانیان است که در عرصه جهان و صحنه بین‌المللی مورد توجه بوده است (آهنگری ۱۳۹۴) از آنجایی که زبان فارسی از ابزارهای مهم این انتقال تمدن بود در میان دیگر اقوام و خاورمیانه گسترش پیدا کرد (تکمیل همایون ۱۳۷۴)

قدمت زبان فارسی در کشور عراق طولانی است بر اثر تعاملات و مراودات ایرانیان جویای کار، تجارت، زیارت و تهذیب نفس در عراق؛ مبادلات و ارتباطات مردم عراق با ایرانیان ترویج و اشاعه یافته است (خبرگزاری ۱۳۹۴)

ناصر راد در این زمینه معتقد بود:

با توجه به سنخیت زبان کرد فیلی به زبان فارسی، سابقه زیست و زندگی بسیاری از افراد طبیعی است که زبان فارسی زبان دوم این مردمان باشد (راد ۱۳۹۸)

در زمان حاکمیت حزب بعث و در راستای جنگ تحمیلی به علت استفاده رژیم بعث با انگیزه‌های جاسوسی و امنیتی دوباره این زبان در کانون توجه قرار گرفت (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۶) وجود زبان فارسی در عراق و رواج و یادگیری زبان فارسی در مناطق مرزی ایران [مناطق شرقی محل تردد و سکونت را افراد فیلی] بر قدرت نرم ایران می‌افزاید. زیرا متکلمان زبان فارسی به راحتی میتوان دیالوگ برقرار کرده و پیام جمهوری اسلامی را به آنها تحویل داد و در عین حال زبان فارسی را بهتر می‌تواند در میان مردم عراق درونی کرد (نیکروش رستمی ۱۳۹۲: ۷۷)



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
مؤلفه‌های
دیپلماسی عمومی
جمهوری اسلامی
ایران و کردهای فیلی
عراق

مضافاً این که زبان کردی که زبان محلی و دوم یا باندکی تسامح می‌توان بعد از زبان فارسی زبان سوم کردهای فیلی دانست. نیز از شاخه‌های زبان ایرانی بوده و دارای اشتراکات فراوانی با زبان فارسی است.

زبان از جمله ابزارهای مهم دیپلماسی عمومی است، هرچه این ابزار در اختیار افراد بیشتری

قرار گیرد؛ امکان بیشتری برای افزایش تفاهم و گفت و گو فراهم می‌آید. به طور کلی، با گسترش

زبان فارسی شرایط ذیل حاصل خواهد شد:

۱- دسترسی به تعداد بیشتری از افراد به منابع خبری ایرانی امکان پذیر است و وابستگی تعداد

بیشتری مخاطب به منابع خبری غیر فارسی در مورد ایران کاهش می‌یابد.

۲- بسیاری از متون ادبی و تاریخی ایران به زبانهای دیگر ترجمه نشده و شاید اساساً
۱ مصاحبه نگارنده با آقای ناصر راد مورخه ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

ترجمه آن به زبان های دیگر دشوار باشد با گسترش زبان فارسی امکان استفاده از منابع غنی فرهنگی و تاریخی ایران برای تعداد بیشتری میسر میگردد.

۳- تعامل و تفاهم بین فرهنگها و تمدنها از طریق افزایش تعداد کسانی حاصل می شود که توان فهم فرهنگها و تمدنهای دیگر را داشته باشند و این مهم بدون تسلط به زبان آن فرهنگ میسر نمی شود.

۴- این تصور که زبان انگلیسی برای شناخت دیگر فرهنگها کافی است تصویری اشتباه است. زیرا فراگیری زبان این امکان را فراهم میآورد تا شخص به طور دایم با یک فرهنگ در تماس باشد.

۵- در راستای آموزش زبان فارسی روشهای فراگیری وجود ندارد، اما ما شاهد هستیم که در

زبان انگلیسی این موضوع به خوبی مطالعه و تدوین شده است و حتی خودآموزهایی تهیه شده اما در خصوص زبان فارسی بویژه مکالمه، وضع بدین گونه نیست، بسیاری از زبان آموزهای فارسی در مکالمه و شنیداری مشکل دارند و علت آن نیز عدم وجود سیستم های سمعی و بصری مناسب و ضرورت دسترسی به منابع زبان آموزی است.

۶- آموزش استادان زبان و ادبیات فارسی در داخل کشور به زبان انگلیسی تا بتوانند در خارج از کشور به تدریس زبان فارسی بپردازند. برنامه آموزشی دانشگاهی ما در تمامی رشته های فارسی باید بازار جهانی و ایرانی را برای اشتغال هدف قرار دهد؛

۷- اعطاء بورس های یکساله، برگزاری مراسم های سخنرانی توسط اندیشمندان ایرانی در محافل فرهنگی خارج از کشور، پخش نوارهای سخنرانی اساتید و دانشمندان ایرانی با کمک به شرکت محققین و اساتید ایرانی برای شرکت در همایش های بین المللی، فرهنگی و فراهم آوردن امکانات برای فعالیت سازمانهای غیردولتی در ایران... از جمله اقداماتی است که در چارچوب دیپلماسی عمومی و تصویر سازی قابل انجام میباشد (خسروی و جباری ثانی: ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۳)

۹- ارتباطات تجاری و فرهنگی

کردهای فیلی ساکن عراق از دوره حکومت عثمانی تا روی کار آمدن حزب بعث در عراق ارتباطات فرهنگی و تجاری بسیار گستردهای با ایران داشتند زیرا مانع چندانی برای ارتباط با ایران بر سر راه شان وجود نداشت. در اسناد وزارت خارجه به کرات به همکاری کردهای فیلی با کنسولگری ایران در عراق اشاره شده است. با روی کار آمدن حزب بعث در عراق تنگناها و مصیبت کردهای فیلی شروع شد و تا امروز نیز ادامه دارد. (kurd to day : ۱۳/۶/۱۳۹۳)

نتیجه گیری

اکراد فیلی همان کردهای شیعه مذهب ایرانی تباری هستند که در ادوار مختلف

تاریخ بر اثر تحدید مرزها، تحمیل قراردادهای، جایجایی جغرافیایی و حدود بین دو کشور، بالا بودن میزان مالیات، ظلم و ستم والیان، تحریم‌های شدید رضاخان و عمال، بروز قطعی، خشکسالی و ... در مقابل عمران نسبی در آن سوی مرزها، وجود اماکن مقدسه و عتبات عالیات همیشه ملجأ و پناهگاه شیعیان و مسلمانان هستند. به امید زندگانی به سر به آن سوی مرز متواری شده یا مهاجرت نمودند. سالیان متمادی بدون هیچ مزاحمتی به زندگی خویش و مراودات با اقوام خود در ایلام ادامه دادند در پی تحدید حدود و رسمی شدن مرزها از یک سو و کار آمدن حزب بعث در عراق که ساختاری با رژیم‌های با کردهای فیلی داشت از سوی دیگر؛ آنها را بهانه ایرانی بودن، شیعه مذهبی و کردن بون مورد سخت ترین و شدیدترین ظلم ها و ستم ها تحریم‌ها و تبعیدها قرار داد. در واقع وجود اکراد فیلی در کشور عراق برگ برنده بود برای اعمال فشار بر ایران به منظور برطرف کردن ضعف ژئوپلیتیکی با هر وقت احساس زلزل در ارکان قدرت خویش می نمود، تبعید دسته جمعی و رها نمودن میلیونی کردهای فیلی بدون کمترین امکانات و نزدیکی مرزهای ایران یکی از مصادیق برخورد و صدام حسین با این و آن بوده است. این مردمان به عنوان مروجان فرهنگی ایران اسلامی بوده و جزء پیکره تمدنی ایران محسوب می شوند. و علیرغم سخت گیری های شدید رژیم بعث و تهاجم فرهنگی رسانه های بیگانه و غربی تاکنون توانسته اند بسیاری از مولفه های فرهنگ ایرانی را حفظ کنند به طوری وقتی با این گونه اشخاص مراوده می شود، آدمی حسی می کند در بین مردمان غرب کشور و مخصوصا ایلام قرار دارد. به هر صورت اکراد فیلی دارای پتانسیل مطلوبی در راستای تامین منافع ملی ایران بوده و درای اشتراکات فراوانی با هم هستند؛ که شاخص ها و مصادیق آن تحت عنوان ابزارهای دیپلماسی در شرح پژوهش بدان پرداخته شد. به منظور بهره برداری بیشتر و کمک در تصمیم سازی و فرایند سیاست گذاری موارد زیر پیشنهاد می شود.

- ۱- ایجاد تشکیلات دوستی بین جمهوری اسلامی ایران و کرد های فیلی
- ۲- کمک به توسعه سازمان های غیر دولتی و مردم نهاد در این منطقه
- ۳- توسعه رسانه های جمعی نظیر شبکه های رادیویی و تلویزیونی و...
- ۴- افزایش تبادلات فرهنگی - توریستی و احداث دانشکده توریسم
- ۵- اعطای بورس تحصیلی در مقطع دانشگاهی در ایران به دانشجویان کرد فیلی

فهرست منابع

آقایی، سید داود، رسولی، الهام (۱۳۸۸) سازه‌انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل، فصلنامه سیاست؛ دوره سی و نهم، شماره یکم، بهار.

آهنگری، فرشته (۱۳۹۴) ظرفیت‌های زبان و ادبیات فارسی در تقویت هویت ملی و گسترش فرهنگ ایرانی، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی؛ شهر یورماه.

احدی، پرویز (۱۳۹۹) مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی،

اخوان کاظمی، مسعود، عزیزی، پروانه (۱۳۹۷) تحلیلی بر وضعیت کرد‌های شیعه فیلی در عراق، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی؛ سال شانزدهم، شماره شصت و یکم.

اخوان کاظمی، مسعود، عزیزی، پروانه (۱۳۹۰) کردستان عراق هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل فصلنامه راهبرد؛ سال بیستم، شماره ۶۹، پاییز.

اطهری، سید اسدالله، عنایتی شب کلایی، علی، حسینی، سید محمد امین (۱۳۹۳) بررسی تطبیقی قدرت نظامی ایران و ترکیه در عراق و سوریه، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی؛ سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان.

اکبری، مرتضی، یاری، سیاوش (۱۳۹۵) نقش رودخانه‌های مرزی در روابط ایران و عراق از دوره پهلوی تا آغاز جنگ تحمیلی (مطالعه موردی کنگیر و کنجان چم در استان ایلام) مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام؛ شماره هجدهم، بهار و تابستان.

اکبری، مرتضی (۱۳۹۳) روابط ایران و عراق در عصر پهلوی با نگاهی به نقش مردم ایلام در روابط دو کشور، مجله فرهنگ ایلام شماره چهل سوم و چهل و چهارم؛ بهار و تابستان.

اکبری بهمن ۱۳۸۷ بحران هویت و هویت دینی، مجله پیک نور؛ سال ششم شماره



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
مؤلفه‌های

دیپلماسی عمومی
جمهوری اسلامی
ایران و کردهای فیلی
عراق

چهارم.

التیامی نیا، رضا، تقوایی نیا، علی (۱۳۹۵) تبیین جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاسی جهان اسلام؛ سال ششم، شماره سوم، پاییز.

الخیون، رشید (۲۰۰۵) احوار العراق تاریخ الما و التخفیف، بغداد: مرکز العراق لابیاحات.

الفیلی العلوی، زکی جعفر (۲۰۱۰/۱۴۳۱) تاریخ الكرد الفیلیون و آفاق مستقل؛ بیروت: موسسه البلاغ.

الطریحی، محمد سعید (۱۴۳۴) الشیعه الاکراد-الکورد الفیلیه؛ دمشق: نینوا

الاعظمی، علی ظریف (۱۳۵۰) کارنامه دولت های ایرانی در عراق؛ ترجمه محمد بدیع، تهران: میهن.

ایزدی، فواد، ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۹۰) دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه؛ تداوم یا تفاوت، دو فصلنامه دین و ارتباطات؛ سال هجدهم، شماره دوم، پاییز و تابستانستان.

بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳) جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین «ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، جلد دوم، چاپ اول، تهران: ابرار معاصر.

پناهی توانا، صادق، معروفی، یحیی (۱۳۹۵) جایگاه مولفه های هویت فرهنگی در کتابهای ادبیات فارسی (تحلیل محتوا) مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی؛ سال سیزدهم، شماره بیست و سوم، پاییز.

پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹) مفهوم شناسی گفتمان نرم با محیط راهبردی متاثر از آن، فصلنامه راهبرد دفاعی؛ سال هشتم، شماره بیست و هشتم، بهار.

تکمیل همایون فکوهی، ناصر، عیاری، آذر نوش (۱۳۸۹) اینترنت و هویت در پنج هویت قومی ایرانی در همسان سازی و تعارض در هویت و قومیت؛ تهران: گل آذین.

توکل، یعقوب، نژاد زنده، رویا (۱۳۹۱) کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فدر چارچوب اصول و ارزش های انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی؛ سال اول، شماره دوم، پاییز.

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۶) بررسی تاریخ اختلافات مرزی ایران و عراق؛ تهران: وزارت خارجه

جلود خلیل، ابراهیم (۱۳۹۶) رانده شدگان؛ تهران: سوره مهر.



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
مؤلفه های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و کردهای فیلی عراق

حافظ نیا، محمد رضا، کاویانی، مراد (۱۳۸۵) نقش هویت قومی در همبستگی ملی، مورد مطالعه: قوم بلوچ، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان؛ جلد بیستم، شماره یکم.

حیدری فر، محمد رؤوف، مرصوسی، نفیسه، پاهکیده، اقبال «جغرافیای فرهنگی و تهدیدهای نظام مهندسی فرهنگی در ایران» فصلنامه، علمی و پژوهشی، سال چهارم شماره هشتم، پاییز و زمستان، ۱۳۹۵.

جباری ثانی، عباسعلی (۱۳۸۹) عملکرد دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

خسروی، محمدعلی، جباری ثانی، عباسعلی (۱۳۹۰) ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و دیپلماسی عمومی، فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال سوم، شماره یازدهم، بهار.

خلیل زاده، مهدی (۱۳۸۹) دیپلماسی رسانه ای؛ تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها

خیتال، جعفر (-) مجموعه آرا پشتکوه؛ ایلام: کتابخانه اسماعیلی.

دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۴)، سازه‌انگاری الکساندر ونت: امتناع از گذار از بن‌بست‌های تئوریک روابط بین‌الملل و دستیابی به راهی میانه، مجله جستارهای سیاسی معاصر؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، جدیدی، علی (۱۳۸۹)، نظریه سازه‌انگاری و سازمان‌های بین‌المللی، فصلنامه حقوق عمومی؛ دوره دوازدهم، شماره بیست و هشتم.

دهشیری، محمد رضا، و همکاران (۱۳۹۶)، تأثیر امنیت منطقه‌ای بر رفتار شناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق، فصلنامه سیاست جهانی؛ دوره ششم، شماره یکم، بهار.

دهشیری، محمد رضا (۱۳۹۳) دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران کتیبه.

رشاد، افسانه (۱۳۹۰) شاخص‌ها و کارکرد های قدرت نرم در فرایند سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله نامه دفاع شماره سی و هفتم.

رضایی، محسن (۱۳۸۴) ایران منطقه ای؛ تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

روحانی، مسعود، عنایتی قادیکلایی، محمد (۱۳۸۹) مولفه های هویت ملی در شعر معاصر. مطالعه مورد شعر محمد رضا شفیعی کدکنی (فصلنامه مطالعات ملی؛ سال یازدهم، شماره دوم).

زین العابدینی، یوسف (۱۳۸۸) منافع ملی و ژئوپلتیک نوین شیعه، فصلنامه شیعه

شناسی؛ سال پنجم، شماره نوزدهم.

سجادپور، سید کاظم، وحیدی موسی الرضا (۱۳۹۰) دیپلماسی عمومی نوین؛ چارچوبی مفهومی و عملیاتی، فصلنامه نامه سیاست؛ دوره چهل و یکم، شماره چهارم.

سعیدی، روح الامین، مقدم فر، حمید رضا (۱۳۹۳) منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مجله مطالعات قدرت نرم؛ شماره یازدهم، پاییز و زمستان.

سیمبر، رضا، مقیمی، احمد علی (۱۳۹۴) منافع ملی و شاخص شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست جهانی؛ دوره چهارم، شماره اول، بهار.

سیمبر، رضا و قربانی، ارسلان (۱۳۸۸)، دیپلماسی نوین در روابط خارجی رویکردها و ابزارهای متغیر---

صادقی، سعید، عسکرخانی، ابومحمد (۱۳۹۰) بررسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید، مجله سیاست خارجی؛ سال بیست و پنجم، شماره چهارم، زمستان.

صفویه، سمانه السادات، حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۵) چیستی دیپلماسی فرهنگی در منظومه اندیشه‌های رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی؛ تهران: آذر ماه.

عظیمی، کیومرث، چلونگر، محمد علی (۱۳۹۱) «پراکندگی فرق مذاهب تشیع در کردستان، مجله شیعه‌شناسی، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز.

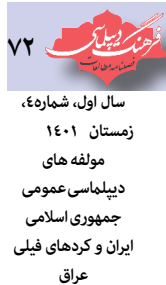
علی پور، سید محسن (۱۳۸۸) عراق و امنیت در خلیج فارس فصلنامه مطالعات خاورمیانه؛ سال شانزدهم، شماره دوم، تابستان.

درخشه، جلال، غفاری، مصطفی (۱۳۹۰) دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام؛ فرصت، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها، فصلنامه مطالعه فرهنگ-ارتباطات؛ سال دوازدهم، شماره شانزدهم، زمستان.

درویشی، فرهاد، حاجی هاشمی،- (۱۳۹۵) بررسی تطبیقی عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران و عربستان در خاورمیانه (۲۰۰۱-۲۰۱۵)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام؛ سال پنجم، شماره بیستم، زمستان.

قربی، سیدجواد، جعفری، علی اکبر (۱۳۹۳) برجستگی منابع قدرت نرم ایران مطالعه موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجله پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی؛ سال سوم، پاییز و زمستان.

قربی، سیدجواد، جعفری، علی اکبر، «منابع قدرت نرم در سیاست‌های کلی نظام، مورد کاوی سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره نوزدهم، تابستان، ۱۳۹۵.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
مؤلفه‌های
دیپلماسی عمومی
جمهوری اسلامی
ایران و کردهای فیل
عراق

قرخلو، مهدی (۱۳۸۲) تحکیم همبستگی ملی با تاکید بر عناصر جغرافیایی فرهنگی در ایران، مجله پژوهش های جغرافیایی؛ شماره چهل و ششم، زمستان.

کریمی فرد، حسین (۱۳۹۹) پاندمی کرونا: قدرت نرم، نقش و کارکرد رسانه و افکار عمومی با تاکید بر ایران و امریکا، فصلنامه علمی قدرت نرم؛ سال دهم، شماره اول، بهار.

کریمی مله، گرشاسبی، رضا (۱۳۹۷) «باستان گرایی جدید و تأثیر آن بر امنیت فرهنگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیست و یکم، شماره چهارم، زمستان.

کشاورز شکری، عباس (۱۳۹۳) فرصت ها و چالش های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاور میانه؛ تهران: دانشگاه امام صادق.

کندال، عصمت، شریف وانلی م مصطفی نازدار (۱۳۷۰) کردها؛ ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روز بهان.

کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۴) چالش ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم؛ تهران: وزارت خارجه

لطفیان، سعیده (۱۳۹۰)، پندار از تهدید و سیاست های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی؛ سال سوم، شماره اول.

متقی، ابراهیم، «گونه شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۸۹

محرمی، توحید (۱۳۹۶) عراق جدید و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، سازه انگاری به عنوان فرا نظریه روابط بین الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره شصت و پنج، پاییز.

محمدی گهروئی، رسول (۱۳۹۱) بررسی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۵) تاریخ و فرهنگ ایران در دوره انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی؛ تهران: توس

مرادی مقدم، مراد، بصیرت منش، حمید (۱۳۹۸)، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کرد های فیلی شیعه عراق، پژوهشنامه انقلاب اسلامی؛ شماره سی و یکم

مرادی، مقدم مراد (۱۳۸۵)، تاریخ سیاسی و اجتماعی پشتکوه در دوران والیان فیلی،

فصلنامه مطالعات ملی، ۲۵ سال هفتم، شماره یک.

مرادی، مراد، کشتمند، ناهید (۱۳۸۸) اسنادی از طایفه باباپیروند کرد، مجله پیام بهارستان؛ سال دوم، شماره ششم، زمستان.

مقیم، اعظم، امینی، مجید (۱۳۹۱) بررسی نگرش جوانان یزدی نسبت به مولفه های هویت ملی و عوامل موثر بر آن، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان؛ سال سوم، شماره ششم، تابستان.

میر حیدری، مریم السادات، غفوری، محبوبه، بیچرانلو عبدالله (۱۳۹۳) ارزیابی مولفه های هویت ایرانی اسلامی و انقلابی در وب سایت های دانشگاه های دولتی تهران مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی؛ شماره دوم.

نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵) دیپلماسی رسانه ای به مثابه ابزار سیاست خارجی، مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه ای؛ به کوشش محمد سلطانی فر و شهروز امیر انتخابی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک

نیک روش، ملیحه (۱۳۹۲) پایان نامه کارشناسی؛ منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید؛ دانشگاه مازندران.

هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، سازه‌نگاری، از روابط بین‌المللی تا سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی؛ سال هفدهم، شماره چهارم.

هاشم بیگی، معصومه (۱۳۹۱) بررسی حیات سیاسی و اجتماعی ایلات و عشایر پشتکوه، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه لرستان

هنری، فیلد (-) مردم شناسی ایران؛ ترجمه عبدالله فریار، تهران ک کتابخانه ابن سینا

یزدانی، عنایت الله، صادقی، زهرا (۱۳۸۸) تاثیر اشغال عراق توسط امریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی؛ شماره شصت و هشتم، پاییز.

یزدان فام، محمود (۱۳۹۳) دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: مطالعات راهبردی.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
مولفه های
دیپلماسی عمومی
جمهوری اسلامی
ایران و کردهای فیلی
عراق

New technologies and power shift in international relations

Ali Bagherizadeh¹

Ghulam Morteza Khasha²

Mohammad Alam Hammat³

Abstract

During the past eras, the concentration and accumulation of power in the focal points of the world has always determined the type of system that governs the international system. It is of the dynamic nature of the international system. The spread of new technologies in the new era, while changing the hierarchical order of the past, have had a tremendous impact on the movement and spread of power in the field of international politics. From this point of view, the most important and decisive drivers Changes in the field of the international system are new technologies. The purpose of this research is to investigate the impact of new technologies of the 21st century on the transfer of power in the field of the international system. Therefore, the main question of the current research is based on this: what is the impact of new technologies in the 21st century. can have in the transfer of power in the international system. The hypothesis of the article in response to this question is that new technologies in the 21st century, through changes in the sources and tools of power, in addition to the spread of power, cause its transfer, specifically from America and They go to China and Asia in the West. The research findings show that with The change in the field of international politics, due to the development of new technologies, such as: artificial intelligence and the Internet of Things, the way of taking power and the mechanisms of its application have also changed and become more complicated, thus leading to the spread and displacement of power at the level of .international relations

Keywords: Power, transfer of power, new technology, artificial intelligence, Internet of Things

¹Assistant professor and faculty member of Islamic Azad University, Iran, Kerman, Rafsanjan branch

alibagherizadeh424@gmail.com

²Ph.D. student of International Relations, Islamic Azad University, Rafsanjan branch

murtaza.khashi@gmail.com

³Ph.D. student of International Relations, Islamic Azad University, Rafsanjan branch

m.alemhemmat@gmail.com



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
تکنولوژی های نوین
و جایبایی قدرت
در روابط بین الملل

تکنولوژی‌های نوین و جابجایی قدرت در روابط بین‌الملل

علی باقری زاده^۱

غلام مرتضی خاشع^۲

محمد عالم همت^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۵

چکیده

رقابت کشورهای بزرگ جهت برتری در فناوری‌های نوین، همواره نقشی کلیدی در سلسله مراتب قدرت آنان در روابط بین‌الملل داشته است. در این بین گسترش تکنولوژی‌های نوین در قرن ۲۱، ضمن تغییر نظم سلسله مراتبی گذشته، تأثیر شگرفی بر جابجایی قدرت در دنیای روابط بین‌المللی برجای گذاشته است. هدف از نگارش این پژوهش واکاوی تأثیر تکنولوژی‌های نوین قرن بیست و یکم در جابجایی قدرت بین‌المللی است. بر این اساس سوال اصلی پژوهش این می‌باشد که تکنولوژی‌های نوین در قرن ۲۱ چه تأثیراتی می‌توانند بر جابجایی قدرت در نظام بین‌الملل داشته باشند؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای حاصل گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با تغییر عرصه سیاست بین‌الملل، به دلیل توسعه تکنولوژی‌ها نوین همچون: هوش مصنوعی و اینترنت اشیا نحوه برداشت از قدرت و مکانیسم‌های اعمال آن نیز متحول و پیچیده‌تر شده است به نحوی که منجر به انتشار و جابجایی قدرت در سطح روابط بین‌الملل می‌شود.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
تکنولوژی‌های نوین
و جابجایی قدرت
در روابط بین‌الملل

واژگان کلیدی: قدرت، جابجایی قدرت، تکنولوژی نوین، هوش مصنوعی، اینترنت اشیا.

۱ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، کرمان، واحد رفسنجان
نویسنده مسئول

alibagherizadeh424@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان

com.mail@khashi.murtaza

۳ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان

m.alemhemmat@gmail.com

تحولات امروز در رابطه با پدیده قدرت و جابجایی، چرخش قدرت جهان یا انتقال مرکز ثقل قدرت جهانی مورد توجه متفکران مختلفی قرار داشته است. برخی این اتفاق را در آینده نزدیک پیش‌بینی می‌کنند و برخی با تأکید بر دلایلی این مسئله را به‌زودی محقق نمی‌دانند. اولین جابجایی قدرت در قرن پانزدهم و با قدرت گرفتن کشورهای غربی در دنیا همراه بود. این جابجایی، علم و تکنولوژی جدید، تجارت، سرمایه‌داری و انقلاب‌های کشاورزی و صنعتی را پدید آورد؛ دومین جابه‌جایی در قدرت که در سال‌های پایانی قرن نوزدهم پدید آمد، حاصل قدرتمند شدن ایالات متحده آمریکا در جهان بود. آمریکا پس از صنعتی‌شدن توانست به قدرتی بزرگ‌تر از حاصل جمع تمامی کشورهای قدرتمند دنیای آن زمان تبدیل شود. در بیست سال اخیر موقعیت آمریکا به‌عنوان تنها ابرقدرت جهانی هیچ‌گاه به خطر نیفتاده است. در زمان ابرقدرت بودن آمریکا، اقتصاد جهانی رشدی بی‌سابقه را شاهد بود و این رشد نیرویی است که باعث سومین جابجایی قدرت در جهان گردیده است.

با تغییر عرصه سیاست بین‌الملل، به دلیل توسعه تکنولوژی‌ها، نحوه برداشت از قدرت و مکانیسم‌های اعمال آن نیز متحول و پیچیده‌تر شده است. در برداشت‌های سنتی روابط بین‌الملل، قدرت مفهوم تک‌بعدی فرض و بیشتر بر قدرت اجباری و ساختاری تأکید می‌شد و تأثیر تکنولوژی نیز بر قدرت محدود بود و تنها نقش ابزاری داشت. اما تأثیر تکنولوژی‌های نوین قرن ۲۱ بر مفهوم قدرت، بسیار عمیق و گسترده‌تر است و زمینه دگرگونی عمیق و گسترده را در مفهوم قدرت فراهم کرده است. گسترش تکنولوژی‌های نوین قرن ۲۱، سبب گردید که علم و توانایی‌های دانش بشری به بخشی از قدرت در عرصه بین‌المللی تبدیل شده و از سوی دیگر باعث تحول و تغییر بر شیوه کاربرد اشکال دیگر قدرت گردد.

در این راستا جنگ سرد دیجیتال، عنوانی است که به تنش بین آمریکا و چین بر اساس مؤلفه فن‌آوری به‌ویژه در حوزه ارتباطات اشاره دارد و توسط شرکت‌های تحت حاکمیتشان تقویت می‌شود. آغاز این جنگ به جنگ تجاری آمریکا و چین در سال ۲۰۱۸ برمی‌گردد. تحریم گسترده شرکت‌های فناوری چینی همچون هواوی، باعث شد تا چین به سمت فناوری‌های پیشرفته‌تر همچون G5 حرکت کند. گسترش این فناوری با نظارت چین به بیش از ۸۰ کشور آمریکای لاتین، آسیایی، آفریقایی و اروپایی و عدم موفقیت آمریکا برای ممانعت کشورهای متحد در استفاده از این فناوری تحت نظارت پکن، سبب شد تا واشنگتن برای مبارزه با چین به دنبال بومی کردن G5 و توسعه آن است. این جنگ سرد دیجیتالی تا جایی پیش رفت که آمریکا از سال ۲۰۱۸ تاکنون، چین را به‌عنوان رقیب استراتژیک خود تعریف کرد.

۷۹-۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

مصنوعی و آینده حملات گروه‌های تروریستی تکفیری، (شیرودی، محمد، همتی، مجید، سیاه‌پوش، ابراهیم، ۱۳۹۹: ۲۸-۱)، نویسندگان عنوان داشته‌اند: بین قدرت‌های بزرگ تحقیقات و پروژه‌های زیادی جهت دست‌یابی به هوش مصنوعی و بهره‌وری از آن خصوصاً در عرصه نظامی صورت گرفته است. به نحوی که باعث گسترش و رشد تسلیحات نظامی گردیده است که پهبادها و بمب‌های هدایت‌شونده را می‌توان از نتایج آن در این عرصه دانست. در مقاله‌ای تحت عنوان «اهمیت و جایگاه فناوری برتر در راهبرد سیاست خارجی چین در قبال اسرائیل (شیخ الاسلامی، محمدحسن، زواره، مهدی سلامی، فلاحی برزگی، مهرداد، ۱۳۹۸: ۱۲۸-۹۳)»، بیان گردید: سالهای اخیر میان چین و اسرائیل شاهد همکاری‌های زیادی در بخش علمی-فناورانه بوده‌ایم. با توجه به موارد فوق، و این مسئله که از سوی کاخ سفید تحریم‌ها و محدودیت‌های فراوانی جهت استفاده کشور چین به تکنولوژی‌های جدید اعمال گردیده، سیاست دسترسی و کسب تکنولوژی‌های جدید، از جمله حیاتی‌ترین و مهم‌ترین استراتژی چین در قبال اسرائیل محسوب می‌گردد. همان‌گونه که مشخص است آثار معرف شده به تأثیر تکنولوژی‌های نوین قرن ۲۱ در جایجایی قدرت در عرصه بین‌الملل نپرداخته‌اند و همین امر، وجه نوآوری این پژوهش است که آن را از آثار پیشین متمایز می‌سازد.

در خصوص جابه‌جایی قدرت جهانی بحث‌های متفاوتی ارائه شده است. برخی این اتفاق را در آینده نزدیک پیش‌بینی می‌کنند و برخی این مسئله را به‌زودی محقق نمی‌دانند. «اولین جایجایی قدرت در قرن پانزدهم و با قدرت گرفتن کشورهای غربی همراه بود. این جایجایی، جهانی که ما اکنون می‌شناسیم را پدید آورد؛ علم و تکنولوژی جدید، تجارت، سرمایه‌داری و انقلاب‌های کشاورزی و صنعتی. این دگرگونی در معادلات قدرت همچنین به تحمیل اراده سیاسی کشورهای غربی بر دنیا منجر شد. دومین جابه‌جایی در قدرت که در سال‌های پایانی قرن نوزدهم پدید آمد، حاصل قدرتمند شدن ایالات متحده آمریکا در جهان بود. آمریکا پس از صنعتی‌شدن توانست به قدرتی بزرگ‌تر از تمامی کشورهای قدرتمند دنیای آن زمان تبدیل شود. در بیست سال اخیر موقعیت آمریکا به‌عنوان تنها ابرقدرت جهانی هیچ‌گاه به خطر نیفتاده است. در زمان ابرقدرت بودن آمریکا، اقتصاد جهانی رشدی بی‌سابقه را شاهد بود و این رشد نیرویی است که باعث سومین جایجایی قدرت در جهان گردیده است و ما در حال تجربه سومین جایجایی قدرت در جهان هستیم» (زکریا، ۱۳۸۸: ۹)؛ (Zakariya, 2008: 9). معادله جدید قدرت در دنیا بیش از آن‌که حاصل کم شدن قدرت آمریکا در سطح جهان باشد، ناشی از قدرت گرفتن دیگر کشورهاست.

به گمان «کینگ» جهان اول در حال از دست دادن کنترل خود بر اقتصادش

بنابراین، مهم‌ترین و قدرتمندترین منبع آشوب در سیاست جهانی را تکنولوژی می‌داند (Rusenau, 1990: 17-18).

هر چند بسیاری از اندیشه‌ورزان به نقش تاثیرگذاری تکنولوژی بر جابجایی قدرت در روابط بین‌الملل اشاره کرده‌اند، اما چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه‌های سوزان استرنج می‌باشد. استرنج خواستار تمرکز بیشتر به تکنولوژی است و معتقد است فهم ساختار اقتصاد سیاسی جهانی بدون توجه به تغییرات تکنولوژیک نوین مقدور نیست. او تکنولوژی را یک فرم از دانش می‌داند که تولید، مالکیت و کنترل آن در کانون اقتصاد سیاسی بین‌الملل قرار دارد. استرنج تلاش می‌کند با بسط دادن ابعاد مختلف قدرت و استوار ساختن بنیاد قدرت هژمونیک بر ساختارهای چهارگانه (مالیه، تولید، امنیت، علم و تکنولوژی)، مفهوم‌پردازی‌های کلاسیک از سرشت قدرت، ساختار و اعمال قدرت هژمونیک در نظام بین‌الملل را توسعه دهد.

به گمان استرنج بین بسیاری از تحولات ساختاری در سیاست جهانی با تحولات ساختاری اقتصاد سیاسی بین‌الملل رابطه درهم‌تنیده‌ای وجود دارد. او در رابطه با ماهیت تحولات ساختاری اقتصاد سیاسی بین‌الملل، به بین‌المللی شدن تولید، شکل‌گیری شرکت‌های فراملی تولید و تجارت، تحول در تکنولوژی و نقش آن در کاهش هزینه‌های تولید و تجارت اشاره می‌کند. استرنج همچنین به تأثیر این تحولات در دگرذیسی نقش و جایگاه دولت در ساختارهای جدید قدرت و لزوم تعامل آن با بازیگران جدید از جمله شرکت‌ها می‌پردازد. نکته مهم در سامان‌فکری استرنج این است که به نظر او بازیگرانی که تکنولوژی و ابزار را در اختیار دارند نقش مؤثری در کنترل محیط اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌نمایند.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
تکنولوژی‌های نوین
و جایگاهی قدرت
در روابط بین‌الملل

امروزه دولت‌ها به‌جای رقابت بر سر قلمرو، بر سر سهمشان از بازارهای اقتصاد جهان به رقابت باهم می‌پردازند. در نتیجه، اولویت‌های آن‌ها از سیاست دفاعی و خارجی دور به سیاست تجاری و صنعتی نزدیک شده است. آن‌ها اکنون ناگزیرند مرجعیت و اقتدار دیگر بازیگران را هم بپذیرند. «اقتدار دولت به سمت واحدهای بالاتر، پایین‌تر و هم‌تراز دولت نشت کرده است. حتی در برخی مسائل به نظر می‌رسد که این اقتدار به‌جای دیگری منتقل نشده بلکه صرفاً دود شده و به هوا رفته است» (Strange, 1995: 56). استرنج دلیل این امر را عمدتاً آهنگ دگرگونی فناوری در ساختار تولید می‌داند. از نظر وی پیشرفت فناوری هم‌چنان سرعتی دارد که حجم سرمایه لازم برای تولید کالاها و خدمات رقابت‌پذیر را نمی‌توان تنها با تکیه بر فروش داخلی فراهم ساخت. این دگرگونی نه تنها هویت بازیگران درگیر در اقتصاد بین‌الملل، بلکه طیف چانه‌زنی‌های دولت‌ها و شرکت‌ها را نیز پیچیده‌تر ساخته است.

یکی از گرایش‌های دردرساز این است که با رقابت دولت‌ها بر سر کسب سهم بیش‌تری از بازارهای جهانی از طریق پیشکش کردن مشوق‌هایی به شرکت‌های خارجی تا در قلمرو آن سرمایه‌گذاری و محصولات را تولیدکننده توانایی آن‌ها برای مالیات گیری و تنظیم بازارها رو به افول است و این روند، دشواری‌های مدیریت اقتصاد جهانی را دوچندان می‌سازد. همه این‌ها نتیجه دگرگونی‌های ساختاری پدید آمده در سرنوشت قدرت است که اگر خودمان را به تحلیل روابط میان دولت‌ها محدود سازیم، نمی‌توانیم آن‌ها را درک کنیم. قدرت از دولت‌ها به بازارها منتقل شده است و این پدیده لزوماً در سیمای انتقال قدرت میان دولت‌ها نمود نمی‌یابد (استرنج: ۱۳۶۸)؛ (Strange, 1989).

استرنج عقیده دارد بین بسیاری از تحولات ساختاری در سیاست جهانی با تحولات اقتصاد سیاسی در حوزه‌ی بین‌الملل ارتباط پیچیده وجود دارد. استرنج در خصوص سرشت تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری اقتصاد سیاسی، به دگرگونی نقش دولت و لزوم تعامل آن با شرکت‌های چند ملیتی، جهانی شدن پدیده تولید، ظهور شرکت‌های فراملی در عرصه تجارت و تولید، متحول شدن تکنولوژی و فناوری‌های نوین و تاثیر آن در پایین آمدن هزینه‌های تولید اشاره می‌کند. وی بر آن است کسانی که تکنولوژی و ابزار را در اختیار دارند نقش مهم‌تری در کنترل محیط اجتماعی و اقتصادی دارند.

۳- تاریخچه تعامل تکنولوژی و قدرت در قرن ۲۱

از آغاز جنگ سرد، تحقیقات دفاعی ایالات متحده منجر به فناوری‌هایی مانند اینترنت، واقعیت مجازی، اتصال داده‌ها، موقعیت‌یابی جهانی، موشک، کنترل از راه دور، امواج مایکروویو، رادار، موقعیت‌یابی جهانی، رایانه‌های شبکه‌ای، ارتباطات بی‌سیم و نظارت ماهواره‌ای گردید. بهره‌برداری بعدی از این فناوری‌ها توسط بخش خصوصی منعکس‌کننده یک انتخاب سیاست آگاهانه توسط اکثر دولت‌های غربی بود که عبارت بود از ارتقای فناوری‌های منشعب از تحقیقات دفاعی به اقتصاد گسترده‌تر به‌عنوان راهی برای تولید ثروت. هنگامی که فناوری ایجاد شد، بخش مدنی و تجاری در انطباق و تغییر قابلیت‌های جدید مهارت نشان داد. تفاوت اساسی بین نوآوری در بازار نظامی و غیرنظامی آن این بود که در دومی، نرخ بالای مصرف منجر به نوآوری محصول و فرآیند توسط شرکت‌ها شد. در نتیجه، ارائه‌دهندگان فناوری مدنی به‌طور فزاینده‌ای رهبری انقلاب اطلاعات را بر عهده گرفتند. با توجه به این پویایی جدید، قدرت نظامی به‌طور فزاینده‌ای بر دانش فنی موجود در اقتصاد گسترده‌تر متکی بود. این روند ظهور شرکت‌های نظامی خصوصی را در دوران پس از جنگ سرد تسهیل کرد و منجر شد که دولت‌های غربی به‌طور فزاینده‌ای قراردادهای فرعی تأمین امنیت داخلی و خارجی را به بخش خصوصی واگذار کردند.

با این حال، علیرغم پایان جنگ سرد، دولت‌های غربی همچنان به نوآوری‌های تکنولوژیکی و ادغام آن در سلاح‌های پیچیده‌تر تمایل داشتند. در این بین جنگ اول خلیج فارس، قدرت تکنولوژی‌های نوین را در یک جنگ متعارف برای همگان آشکار کرد. «ناظران از تغییر پارادایم در هدایت جنگ و انقلابی در امور نظامی (RMA) ناشی از پیشرفت تکنولوژی صحبت می‌کنند. در کامپیوتر و ارتباطات. به‌طور متناقضی، کاهش هزینه‌های دفاعی و تدارکات، انگیزه تکیه بر فناوری در جنگ را تشدید کرد، زیرا ارتش‌های کوچک‌تر به دنبال ضربه‌های بزرگ‌تری برای جبران کمبود نیروی خود بودند» (Schmitt, 2013:4).

در دهه ۱۹۹۰، نوآوری تکنولوژیک در فنون جنگ به دولت این امکان را داد که به استفاده از زور به‌عنوان ابزار سیاست ادامه دهد، به‌ویژه در مواردی که اجماع سیاسی روشنی در مورد اقدام نظامی وجود نداشت. در مجموع، «دولت همچنان امنیت خود را از منشور پیشرفت تکنولوژیک می‌دید؛ و این به‌نوبه خود به حفظ (MIC) در آن دوره کوتاه بین پایان جنگ سرد و شروع «جنگ علیه ترور» کمک کرد» (Allhoff, 2013:353).

«در خلال جنگ‌های موسوم به «تویوتا» مانند جنگ‌های داخلی چاد، این نکته به اثبات رسید که گاهی ممکن است نیروها با استفاده از خودروهایی غیرنظامی (تجاری) و مجموعه‌ای از سلاح‌های سبک و باکیفیت پایین‌تر بتوانند یک نیروی مستحکم مکانیزه را زمین‌گیر نمایند» (پیترز، ۱۹۹۳: ۴۳)؛ (Pe-ters, 1993: 43) به عقیده جان پیترز با گذر زمان تأثیر فناوری بر توان نظامی کشورها بی‌ارزش و گاهی خطرناک می‌شود. به‌عبارت‌دیگر فناوری هیچ‌گاه اثر مثبت و دائمی بر قابلیت نظامی ندارد. ارمغان فناوری جنگ‌افزارهای پیچیده است که از بیم این‌که دشمن به مدل‌های پیشرفته‌تر و یا ضد آن‌ها دست پیدا نکند باید همواره در حال تغییر و تکمیل باشند (پیترز، ۱۹۹۳: ۴۹)؛ (Pe-ters, 1993:49)

۳-۱- رقابت کشورها در رابطه با هوش مصنوعی

در عصر کنونی استفاده از «هوش مصنوعی» به یک پدیده بسیار حیاتی جهت اعمال قدرت بدل شده است. در این رابطه اکثر کشورها در تلاش هستند تا از این پدیده جهت پیشبرد منافع خود در عرصه بین‌المللی و دفع هرگونه تجاوز و تهدید استفاده بهینه نمایند. در این بین ۳ کشور آمریکا، چین و روسیه جزو برترین کشورها در به‌کارگیری هوش مصنوعی هستند، این کشورها محصولات و تجهیزات دفاعی بسیاری را ساخته‌اند و از آن‌ها استفاده می‌کنند. همه کشورها از اهمیت هوش مصنوعی آگاه‌اند و در این حوزه باهم، به رقابت می‌پردازند برای مثال می‌توان به هواپیماهای بدون

سرنشین، پهپادها و همچنین ربات های انسان نمای پیشرفته اشاره کرد که هم اکنون در حال توسعه در اکثر کشورها می باشند (Kohlbrecher, 2013) بر اساس گزارش های مختلف از سایت های خبری، ایالات متحده روسیه و چین با یکدیگر توافق کردند تا هوش مصنوعی را به یک تکنولوژی استراتژیک در عرصه قدرت ملی تبدیل نمایند. این توافق، می تواند تحول و تغییرات عمده ای در اتخاذ تصمیمات سیاسی، نظامی و امنیت ملی ایجاد کرده، و حتی سیاست های هسته ای را می تواند تحت شعاع خود قرار دهد. (Kohlbrecher, 2013)

دولت چین در این راستا اعلام کرده است که قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ به کشور پیشرو در فناوری هوش مصنوعی تبدیل شود (Ding JFoHI, 2018). چین بیشترین منابع را برای تبدیل شدن به قدرت جهانی هوش مصنوعی دارد و از آمریکا و روسیه سبقت خواهد گرفت. این کشور همچنین تجربه بیشتری در زمینه هوش مصنوعی برای مدیریت مردم دارد، این در حالی است که دو کشور دیگر چین تجربه ای را به دست نیآورده اند و این موضوع امتیاز بزرگی برای چین است (Wanem, Morri, 2019: son). برای مثال کشور چین به کمک تکنولوژی تشخیص چهره، تجزیه اطلاعات چهره و الگوهای رفتاری، جرم و جنایت را کاهش داده و این مثال بدین معناست که این کشور تخصص بیشتری در زمینه ی گسترش و آموزش هوش مصنوعی داشته است. همچنین دانشگاه BEIHANG چین، مرکز پیشروی هواپیماهای نظامی بدون سرنشین و یادگیری عمیق است.

روسیه نیز مانند کشورهای چین و آمریکا در حوزه علوم شناختی حیطة علوم مرتبط با AI (هوش مصنوعی) را دنبال می کند. برنامه ی مدرنیزه سازی نظامی که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد، باعث گسترش و سرمایه گذاری جدید در روسیه در حوزه AI شد. کمیته صنعتی نظامی روسیه قصد دارد تا سال ۲۰۲۵، ۳۰ درصد از تجهیزات راکتیو نظامی را تولید کند (احمدی، جاویدی، ۱۳۹۹: ۱۸)؛ (Ahmadi, Javidi, 2019: 18). بر اساس گفته ها به نظر می رسد که روسیه مایل است تا AI و یادگیری ماشین را به عنوان بخشی از تبلیغاتی اطلاعات، رسانه های اجتماعی و هک های تبلیغاتی به اجرا درآورد (Kuznetsov 2018). دولت روسیه نیز، همانند چین بیشتر تمرکز خود را بر روی به دست آوردن قدرت بیشتر برای توسعه کشور قرار داده است و این نشان می دهد که احتمالاً هوش مصنوعی بیشتر به سمت برنامه های نظامی و اطلاعاتی هدایت خواهد شد.

اگرچه ایالات متحده تاکنون به عنوان مرکز جهانی توسعه پیشرفته AI به رسمیت شناخته شده است اما تا اکتبر سال ۲۰۱۶، در کاخ سفید گزارشی در مورد AI منتشر نشده بود (Weinberger: 2017). با این وجود آمریکا برای رشد بیشتر نیاز به همکاری با چین و روسیه دارد و این همکاری برخلاف روند

سیاسی کشورها خواهد بود. بر اساس بررسی کارشناسان، دولت آمریکا برای رسیدن به اهداف شبه هوش مصنوعی چین و روسیه نیاز خواهد داشت.

۳-۱-۲- رقابت قدرتهای جهانی در فناوری نسل پنجم

مهمترین مزیت فناوری تکنولوژی نسل پنجم (G5) داشتن ویژگی اینترنت اشیاست. به عبارتی دیگر این نوع فناوری باعث ایجاد ارتباط بین انسان و دستگاههای پیشرفته الکترونیکی شده و به گسترش هوش مصنوعی همچون جراحی از راه دور و کنترل از راه دور خودروها و وسایل الکترونیکی خانگی و صنعتی کمک کرده است. اینترنت اشیاء فرصتهای بالقوه عظیمی در بسیاری از حوزههای کاربردی همانند توزیع توان الکتریکی، حمل و نقل هوشمند، کنترل صنعتی، کشاورزی صنعتی، مانیتورینگ محیطی و پیرامونی، خردهفروشی کالا و غیره ارائه می دهد (Atzori, Iera, Morabito, 2010).

فناوری نسل پنجم اینترنت همراه، انقلابی شگرف در نحوه اتصال ما به اینترنت و ارتباطات محسوب می شود. دیر یا زود شبکههای نسل پنجم سراسر این سیاره را در بر گرفته و همه مظاهر فناوری چون تلفنهای هوشمند، هوش مصنوعی، اتومبیلهای بدون راننده و ... را به تسخیر خود درمی آورد. بر اساس پیش بینی «انجمن صنعت فناوری ارتباطات آمریکا» فعال شدن این فناوری فقط در ایالات متحده، سبب ایجاد ۳ میلیون شغل جدید و ۵۰۰ میلیارد دلار رشد اقتصادی خواهد شد. قطعاً این تأثیر بر دیگر مناطق جهان چون آفریقا و جنوب شرقی آسیا بیش از آمار ذکر شده است (<http://tabyincen-ter.ir/38686>).



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
تکنولوژی های نوین
و جایبایی قدرت
در روابط بین الملل

چین و غول مخابراتی بزرگش، هواوی، در پی دستیابی به بالاترین سطح کیفیت ممکن در توسعه فناوری نسل پنجم هستند. این شرکت علی رغم وجود اتهامات متعدد مبنی بر همکاری اطلاعاتی با دولت چین و سرقت دادههای کاربران، در کنگره جهانی موبایل که طی ماه فوریه ۲۰۲۰ در بارسلونا برگزار شد، توانست با ۶۴ کشور برای ارائه خدمات نسل پنجم، به توافق نهایی برسد. حال این تعداد به بیش از ۹۰ کشور رسیده است و بیش از ۶۰ درصد شرکتهای طرف قرارداد با هواوی به کشورهای اروپایی و متحدان نزدیک آمریکا تعلق دارند. دلیل این موفقیت هواوی فقط به ارائه شرایط و خدمات مطلوب جهت توسعه زیرساخت در کشور میزبان و تخصیص اعتبارات کلان بانکی برای اجرای این طرح محدود نمی شود. بی شک دیپلماسی تجاری چین در این زمینه بسیار قدرتمند ظاهر شده است (<http://csri.majazi.ir/news/86762>).

ارائه دهندگان خدمات اینترنت و فعالان حوزه فناوری ایالات متحده،

به منظور رقابت با طرف چینی باید به یک استاندارد جهانی مشترک برای توسعه اینترنت نسل پنجم دست یابند. فعالان چینی این حوزه، زیرساخت های جدید خود را بر روی تأسیسات متعلق به نسل سوم و چهارم توسعه می دهند و همین امر آن ها را قادر به استفاده از برخی زیرساخت های قدیمی نسل ۳ و نسل ۴ می کند. این در حالی است که شرکت های آمریکایی چون «ای. تی اند تی» و «ورایزن»، در نظر دارند که برای توسعه اینترنت نسل ۵، از باندهایی با فرکانس بالا استفاده کنند. چنین رویکردی، نیاز این شرکت ها به سایت های سلولی را نسبت به رقیب چینی تا ۴ برابر افزایش می دهد. ایالات متحده به استاندارد نیاز دارد که به طور گسترده بر استفاده از طیف های فرکانسی میانه متمرکز شود. دولت آمریکا باید زنگ هشدار توسعه فناوری های کوانتومی و پسا کوانتومی را به صدا در آورد. اگر شبکه های نسل پنجم آینده در برابر رایانه های کوانتومی که می توانند به رمزگذاری نامتقارن داده ها نفوذ کنند، مقاوم نباشد، هرگز نمی تواند از مظاهر مختلف فناوری کوانتومی بهره گیرد و با آن منطبق شود. واشنگتن باید غرب و متحدان خود را در مسیر توسعه امنیت کوانتومی رهبری و هدایت کند. به زعم اغلب متخصصان، ایالات متحده نمی تواند بدون برنامه موثر به یک استراتژی کارآمد برای توسعه اینترنت نسل پنجم دست یابد. آینده فناوری نسل پنجم و سایر فناوری های راهبردی، عناصر اصلی قدرت در آینده هستند و ایالات متحده به هیچ وجه قصد ندارد بر نفوذ و قدرت خود در جهان پایان دهد (<https://www.hudson.org/research/15334>).

۴- تکنولوژی های جدید و چرخش قدرت جهانی در روابط بین المللی

پس از فروپاشی نظام دوقطبی، تعدادی از اندیشمندان روابط بین الملل، آمریکا را قدرت بلامنازع و دولت پیشرو یعنی قدرتمندترین دولت جهان معرفی کردند که علاوه بر آن توانایی جهت دهی به هنجارها و رویه های بین المللی را نیز به تنهایی داراست. با این وجود حال همچنان دیگر قدرتهای بزرگ، تلاش خود را برای تغییر این وضعیت ادامه دادند. در آغاز قرن بیست و یکم ما شاهد تغییر اساسی در جهان بودیم: اول، رشد روزافزون جهانی شدن مناسبات اقتصادی و تجاری و فعالیت های فرهنگی بین کشورها را تقویت کرد. دوم، مسائل امنیتی غیر سنتی شامل تروریسم، آلودگی محیط زیست، بلایای طبیعی و امراض فراگیر به طور جدی در سراسر جهان افزایش یافتند و در نتیجه برای حکمرانی جهانی پدیده های جدید مطرح شد. سوم این که چین، هند، برزیل و دیگر کشورهای نوظهور به سرعت رشد یافتند و به تدریج نفوذ بیشتری در امور بین المللی پیدا کردند. سازوکار گفتگو میان گروه هشت و پنج کشور (چین، هند، برزیل، آفریقای جنوبی و مکزیک) در سال ۲۰۰۵ شکل گرفت. به تدریج کشورهای پیشرفته نفوذ قدرتهای نوظهور را درک کردند و

زمینه‌ای را برای مشارکت کشورهای در حال توسعه در امور جهانی فراهم نمودند. در اجلاس واشنگتن در ۲۸ نوامبر ۲۰۰۸ گروه ۲۰ ایفای نقش جهانی خود را آغاز نمود. بنابراین، شکاف بین قدرتهای بزرگ محدودتر شد و وابستگی بین این قدرت‌ها افزایش یافت و رقابت‌ها بین آن‌ها برای بقای در آینده گسترش یافت.

در عصر کنونی جایگاه پیشرو ایالات متحده آمریکا همواره از سوی کشورهای قدرتمند در عرصه جهانی با تهدید روبرو می‌باشد. کشور پهناور چین یکی از این کشورها می‌باشد که ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص آن، شرایط اشغال جایگاه دولت پیشرو در قرن ۲۱ را به این کشور داده و از این رو باعث نگرانی آمریکا به عنوان دولت پیشرو فعلی شده است. در نتیجه کاخ سفید در بازبینی جدید راهبرد دفاعی خود برای قرن ۲۱ را اعلام اعلام کرد. یکی از مهمترین راهبرد مذکور تاکید بر انتقال تمرکز آمریکا از خاورمیانه و خلیج فارس به شرق آسیا و با هدف مهار توان رو به رشد چین در دو حوزه نظامی و اقتصادی بوده است. در این رابطه کشور آمریکا به تدریج شرایط و زمینه‌های حضور موثرتر خود را در منطقه شرق آسیا فراهم می‌کند. این استراتژی آمریکا می‌تواند بستر را جهت سال‌های سخت و تنش‌زا در منطقه مهیا کند. در این بین چین ساعت صفر امپراتوری جهانی خویش را سال ۲۰۲۵ اعلام کرده است (Kennedy, 2015).

۴-۱- فعالیت‌های چین در حوزه فن‌آوری

چین (G5) را در اولویت قرار داده است و آن را به عنوان فن‌آوری مهم طبق برنامه سیزدهم خود توصیف میکند. برای درک سرمایه‌گذاری چین در این زمینه، اهمیت (G5) باید در نظر گرفته شود. این امر باعث افزایش سرعت و پهنای باند شبکه‌های بی‌سیم تا ۴ برابر سریع‌تر از (G4) میشود. این چرخه بسیاری از فناوری‌های کلیدی انقلاب صنعتی چهارم مانند اینترنت اشیا، شهرهای هوشمند، کشاورزی و واقعیت مجازی را تقویت میکند؛ بنابراین، پیامدهای بسیار فراتر از بُعد تکنولوژیک خواهد داشت. به عنوان مثال، در جبهه اقتصادی، (G5) می‌تواند مزیت رقابتی قابل توجهی را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت ایجاد کند. در سطح جهانی، ۱۲/۳ میلیارد دلار خروجی اقتصادی ایجاد می‌کند و ۲۲ میلیون شغل را تا سال ۲۰۳۵ پشتیبانی میکند (Borja Fernandez, 2019).

بر این اساس شرکت چینی هواوی پیشگام پکن در این زمینه بوده است. این شرکت در حال حاضر یک رهبر و نماد پیشرفت‌های چینی در نوآوری و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات است. به نظر میرسد هواوی نقش مهمی در پیشنهاد چین برای تشریح آینده (G5) دارد. این شرکت در حال حاضر فن‌آوری لازم را برای زیرساخت‌های بی‌سیم (G5) در سراسر جهان فراهم میکند و تسلط چین در این زمینه نگرانی‌های هم‌تایان غربی را برانگیخته است.

رشد مداوم سود این شرکت نشان می‌دهد که ایالات متحده نتوانسته به‌طور کامل، روند توسعه سریع هوآوی در سراسر جهان را که به‌طور جدایی‌ناپذیری با سرمایه‌گذاری قابل‌توجه این شرکت در بخش تحقیق و توسعه مرتبط است، سرکوب کند. هوآوی در سال ۲۰۲۱، تا ۱۴۲/۷ میلیارد یوان در بخش تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کرد. این سرمایه‌گذاری با عملکرد چشمگیر در توسعه برنامه‌های (G5) و فضای ابری هوآوی باعث شد هوآوی در فهرست شرکت‌های برتر مخابراتی جهان از رتبه پنجم در سال ۲۰۱۸ به رتبه دوم در سال ۲۰۲۱ جهش کند. (<https://donya-e-eqtesad.com>) در حال حاضر و با در نظر گرفتن اینکه ۲۲۰ میلیون دستگاه هوآوی به سیستم عامل HarmonyOS مجهز شده‌اند، این سیستم عامل به سریع‌ترین سیستم عامل ترمینال تلفن همراه در سطح جهان تبدیل شده است.

آمریکایی‌ها این موضوع را با ترس از انتقال فکری و فن‌آوری و از بین رفتن نفوذ در تعریف استانداردها، به عرصه سیاسی و قضایی رسانده‌اند. در ژانویه گذشته، آمریکا دو کیفرخواست مشتمل بر ۲۳ اتهام جنایی علیه هوآوی و مدیر ارشد آن که در ماه دسامبر در کانادا دستگیر شده بود را منتشر نمود. در این کیفرخواست، ادعا شده که هوآوی تحریم‌ها را نقض کرده و مالکیت معنوی را به سرقت برده است (BorjaFernandez, 2019).

از سوی دیگر چین همیشه به‌جز اپل، دارای اکوسیستم منحصربه‌فرد در فن‌آوری بوده است. اکثر شرکت‌های آمریکایی، به‌ویژه شرکت‌های نرم‌افزاری، شانس زیادی برای رقابت در چین ندارند و به نظر می‌رسد که این روند ادامه خواهد یافت. یک‌روند اساسی برای این چشم‌انداز، این است که چین همه‌چیزهایی را که ساخت چین است تا دو برابر کاهش می‌دهد و از آن به‌عنوان یک پایگاه جدید برای رشد تخصص خود استفاده می‌کند و سپس در سطح جهان گسترش می‌دهد.

از آنجاکه محرک‌های اقتصادی چین با تمرکز بیشتر بر عمودی سازی، به کلیه حوزه‌های فن‌آوری تعمیم می‌یابد، به نظر می‌رسد رقابت برای شرکت‌های خارجی در چین دشوارتر خواهد شد. اولین باری است که می‌بینیم این راهبرد تجاری برای یک کشور و فن‌آوری اختصاصی آن در مقیاس وسیع اعمال می‌شود. چین می‌تواند از (G5)، زیرساخت‌های شبکه، نرم‌افزار اختصاصی خود و سیلیکون سفارشی ساخته‌شده در چین استفاده کند تا در حقیقت سایر نقاط جهان را پوشش دهد (TimBajarin: 2019).

با اجرای منطقی این سناریو، چین می‌خواهد همچنان این فن‌آوری را به سایر نقاط جهان توسعه دهد. اینجاست که تلاش هوآوی برای حذف کردن انحصار اندروید در سطح جهانی جالب خواهد بود. بازارهای انحصاری

وجود دارند که به محض ورود این محصول، این انحصار در آن‌ها از بین می‌رود و بیشتر اروپا و هند در زمره بازارهای کلیدی هستند؛ اما قاره آفریقا یک میدان گسترده است و هوای هم به‌وسیله زیرساختهای شبکه و هم گوشیهای هوشمند، توجهات را به خود جلب کرده است.

رهبران اینترنت چینی مانند شرکت‌های تنسنت و علی‌بابا، ارزش ترکیبی بالغ بر ۱ تریلیون دلار دارند. مبلغ ۲۰۰ میلیارد دلار دیگر برای بایدو و ونت ایزی به‌علاوه سایر شرکت‌های ذکر شده یا ثبت‌نشده مانند میتان و دی‌دی را باید اضافه نمود تا مقیاس بازار چین آشکار شود. روندهای در حال ظهور در چین شروع به شکل دادن به آینده چشم‌انداز فن‌آوری جهانی کمک می‌کند. عناوین فن‌آوری آمریکا در حال حاضر شرکت‌های جهانی هستند؛ اما شرکت‌های چینی به‌تازگی شروع نگاه به خارج می‌کنند. هر دو شرکت علی‌بابا و تنسنت در حال سرمایه‌گذاری مبالغ قابل‌توجهی در هند هستند و فشار بیشتری بر آمازون وارد می‌شود (Duncan Clark, 2018).

۴-۲- سبقت چین از آمریکا در هوش مصنوعی و (G5)

طبق تحقیقی جدید چین در دهه آینده در حوزه فناوری‌های بنیادین قرن بیست و یکم از جمله هوش مصنوعی، فناوری (G5)، علوم کوانتومی، نیمه‌رساناها، فناوری زیستی و انرژی سبز از آمریکا پیشی می‌گیرد. این در حالی است که چین هم‌اکنون جایگاه آمریکا به‌عنوان برترین تولیدکننده فناوری‌های پیشرفته در جهان را نیز به خود اختصاص داده است. پیش‌بینی مذکور از نتایج تحقیق جدیدی به‌نام «رقابت بزرگ چین در مقابل آمریکا در قرن بیست‌ویک» است که توسط دانشگاه هاروارد منتشر شد (<https://donya-e.com>).

امروز صعود سریع چین و به چالش کشیدن سلطه آمریکا بر قله‌های فناوری، توجه این کشور را به خود جلب کرده است. در برخی حوزه‌ها چین هم‌اکنون در رتبه نخست قرار دارد. در برخی دیگر نیز با توجه به مسیر فعلی به نظر می‌رسد چین در دهه آینده از آمریکا جلو بزند. همچنین این پژوهش هشدار می‌دهد احتمالاً چین جایگاه آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و فناوری جهان را از آن خود خواهد کرد. این در حالی است که مقامات اطلاعاتی آمریکا به شرکت‌های فناوری بزرگ درباره همکاری با چین در حوزه‌های هوش مصنوعی، رایانش کوانتومی، علوم زیستی، نیمه‌رساناها و سیستم‌های خودکار هشدار دادند. طبق گزارش دانشگاه هاروارد، چین در زمینه هوش مصنوعی یک رقیب مهم برای آمریکا به‌حساب می‌آید. همچنین این پژوهش اشاره می‌کند در زمینه یادگیری عمیق به‌عنوان مهم‌ترین بستر هوش مصنوعی، تعداد حق امتیازات اختراعات ثبت‌شده چین ۶ برابر آمریکا

است. در حوزه فناوری (G5) تقریباً تمام نشانگرهای موجود از برتری چین در این حوزه پشتیبانی می‌کنند. طبق این گزارش تا پایان ۲۰۲۰ میلادی چین ۱۵۰ میلیون و آمریکا ۶ میلیون کاربر (G5) داشته‌اند. همچنین چین ۷۰۰ هزار و آمریکا ۵ هزار ایستگاه (G5) داشتند. با وجود آنکه چین در تمام این آمار برتر است، اما آمریکا در حوزه تحقیقات و توسعه (G5) قدرت رقابت، استانداردها و اپلیکیشن‌های بیشتری دارد.

در خصوص رایانش کوانتومی و ارتباطات کوانتومی به‌طور سنتی جایگاه برتر به آمریکا تعلق دارد، اما چین در حال پیشرفت در این زمینه است و در برخی موارد نیز حتی از آمریکا جلو زده است. در بخش نیمه‌رسانا نیز پیش‌بینی می‌شود چین به بزرگ‌ترین تولیدکننده این کالا تبدیل شود. با توجه به آنکه حجم مصرف تراشه چین در سطح جهان ۳ برابر شده، تقاضای روزافزون داخلی در این کشور علاوه بر فراهم کردن شرایط بازاری مساعد، انگیزش‌های امنیت ملی لازم برای گسترش بخش نیمه‌رسانا را فراهم می‌کند. در مجموع این واقعیتی غیرقابل‌انکار است که چین پتانسیل لازم برای تبدیل شدن به رهبر نیمه‌رسانای جهان را دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت (<https://www.mehrnews.com/news/5372562/>).

در حال حاضر در یک فرایند منطقی، چین به‌موازات افزایش رشد اقتصادی، توجه زیادی را به ارتقاء صنایع نظامی خویش نموده است. با افزایش بودجه نظامی، این کشور موفق شده تا فن‌آوری‌های بومی کشور را در حوزه‌های دفاعی و نظامی بهبود بخشد. به‌گونه‌ای که نشانه‌هایی مبنی بر ساخت ناوهای هواپیمابر مدرن و نسل پنجم هواپیماهای نظامی به‌وسیله آن به چشم می‌خورد. حتی پنتاگون نیز به روندهای نوسازی نیروهای موشکی چین، ساخت زیردریایی‌های جدید توسط این کشور و افزایش قابلیت‌های سلاح‌های هسته‌ای اذعان کرده است (<https://www.baharnews.ir/news/400208/>).

در عرصه فضایی نیز چین پیشرفتهای زیادی را در سال‌های گذشته تجربه کرده است و همچنان برنامه‌های جاه‌طلبانه‌ای را پیگیری می‌کند. پروژه موقعیت‌یابی «بایدو ۲» با ۳۵ ماهواره از ابتدای سال ۲۰۱۵ کلید خورد. این سامانه چین را از سامانه جی‌پی‌اس آمریکا بی‌نیاز خواهد کرد و می‌تواند به‌عنوان جانشینی برای آن در عرصه موقعیت‌یابی بین‌المللی تلقی شود. چین همچنین برنامه‌ای را برای مدیریت زباله‌های فضایی تدارک دیده چراکه تنها در سال ۲۰۱۴ این کشور ۳۰ ماهواره خود را به دلیل برخورد زباله‌های فضایی از دست داده است. علاوه بر ۱۳۰ ماهواره‌ای که سلطه فضایی چین را در آینده‌ای نه‌چندان دور رقم خواهند زد، این کشور برنامه‌های دیگری نظیر ارسال کاوشگرهایی به مریخ و مشتری، یک ایستگاه فضایی بزرگ، موشک‌های ۱۳۰



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
تکنولوژی‌های نوین
و جایگاهی قدرت
در روابط بین‌الملل

نشان‌دهنده رقابت نزدیک چین و آمریکا در حوزه‌های مختلف تکنولوژی‌های پیشرو و آینده روشن چین در تبدیل‌شدن به رهبر دنیای تکنولوژی است. در زمینه‌های مختلف تکنولوژی‌های پیشرو چین توانسته در اکثر زمینه‌ها، در جایگاهی نزدیک به کشور آمریکا قرار گیرد و حتی در برخی حوزه‌ها مانند بیگ‌دیتا از آمریکا پیش بیفتد.

رشد سریع چین و به چالش کشیدن سلطه آمریکا بر تکنولوژی‌های برتر، توجه این کشور را به خود جلب کرده است. در برخی حوزه‌ها چین هم‌اکنون در رتبه نخست قرار دارد. در برخی دیگر نیز با توجه به مسیر فعلی به نظر می‌رسد چین در دهه آینده از آمریکا جلو بزند. در خصوص رایانش کوانتومی و ارتباطات کوانتومی به‌طور سنتی جایگاه برتر به آمریکا تعلق دارد، اما چین در حال پیشرفت در این زمینه است و در برخی موارد نیز حتی از آمریکا جلو زده است. در بخش نیمه‌رسانا نیز پیش‌بینی می‌شود چین به بزرگ‌ترین تولیدکننده این کالا تبدیل شود.

ایالات متحده به‌منظور مهار چین از کسب تکنولوژی پیشرفته و اساسی برای انقلاب چهارم صنعتی، در پی تشدید همکاری‌ها و ائتلاف‌سازی تکنولوژیکی با متحدان خود است و اعلام کرده که در تلاش است تا با متحدان خود مانند کشورهای اتحادیه اروپا و ژاپن به گسترش توسعه اقتصادی بر اساس اصول حاکمیت ملی و ارزش‌های بازار آزاد بپردازد. بنابراین، دولت‌ها و به‌خصوص قدرت‌های بزرگ، نقش تکنولوژی را در برتری صنعت نظامی مهم تلقی می‌کنند. از آنجاکه پایداری توسعه اقتصادی و برتری صنعت نظامی از عوامل بنیادی قدرت برتر جهانی است، از این جهت، میان ایالات متحده و چین رقابت جدی بر سر داشتن تکنولوژی برتر شکل گرفته و نتیجه آن روی نظم بین‌المللی آینده تعیین‌کننده خواهد بود.

با این حال به گمان برخی‌ها، جابجایی قدرت در دنیا بیش از آن‌که حاصل کم شدن قدرت آمریکا در سطح جهان باشد، ناشی از قدرت گرفتن دیگر کشورهاست. جهان جدید ناشی از حرکت مثبتی است که در بیست سال اخیر در زمینه تکنولوژی‌های نوین در دنیا شاهد بوده‌ایم. در این بین چالشی که برای قدرت آمریکا در قرن ۲۱ وجود دارد این است که گرچه آمریکا از جهت تجهیزات نظامی مشکلی ندارد، ولی روزبه‌روز مسائلی که خارج از کنترل آمریکاست افزایش می‌یابد. بازیگران جدیدی به همان ساختار قدیمی افزوده شده‌اند. آسیا در حال به پا خاستن است. البته این فقط آسیا نیست که در حال پیشرفت است. فعالیت‌های اقتصادی و اعتمادبه‌نفس سیاسی در آمریکای لاتین و حتی آفریقا رو به رشد است. بازیگران غیردولتی نیز روزبه‌روز قدرتمندتر می‌شوند.

منابع فارسی

احمدی، خدابخش، جاویدی، نصرالدین. (۱۳۹۹). کاربردهای علوم شناختی در علوم نظامی - مطالعه مروری، مجله طب نظامی دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۱۲-۲۶.

استرنج، سوزان. (۱۳۶۸). داستان‌هایی از جزیره متروک: عملکردهای مختلف در اقتصاد سیاسی بین الملل. اطلاعات سیاسی - اقتصاد.

برجعلی، محمد، جعفری، محمد، کردی، ناهید. (۱۳۹۹). نقش فناوری‌های نوین ارتباطی در جایابی قدرت در نظام بین‌الملل، دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره: ۱۶، شماره: ۲ صص ۳۶۱-۳۸۶

بزرگترین طرح زراد خانه چین، بهار نیوز ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ قابل دریافت در سایت:

[/https://www.baharnews.ir/news/400208](https://www.baharnews.ir/news/400208)

پیترز، جان. (۱۹۹۳). معماری نظامی آمریکا، ترجمه، سید حسین محمدی نجم، انتشارات دوره عالی جنگ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

تکنولوژی اینترنت نسل پنجم؛ بستر جدید رقابت‌های جهانی، ۹ مهر ۱۳۹۹ قابل دریافت در سایت:

<http://tabyincenter.ir/۳۸۶۸۶/>

چین در هوش مصنوعی و ۵G از آمریکا جلو می‌زند، دنیای اقتصاد، تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰ قابل دریافت در سایت:

<https://donya-e-eqtasad.com>

چین در هوش مصنوعی و ۵G از آمریکا جلو می‌زند، خیرگزاری مهر ۲۰ آذر ۱۴۰۰، قابل دریافت در سایت:

<https://www.mehrnews.com/news/5372562/>

چشم‌انداز مبهم رقابت تکنولوژیک چین و آمریکا، دنیای اقتصاد، ۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ قابل دریافت در سایت:

<https://donya-e-eqtasad.com>

زکریا، فرید. (۱۳۸۸). جهان پسا آمریکایی، ترجمه، احمد عزیزی، انتشارات هرمس.

شیرودی، محمدسجاد، همتی، سجاد، سیاه‌پوش، ابراهیم. (۱۳۹۹). هوش مصنوعی و آینده حملات گروه‌های تروریستی تکفیری، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، دوره: ۳، شماره: ۹ صص ۱-۲۸

شیخ الاسلامی، محمدحسن، زواره، مهدی سلامی، فلاحی بُرژکی، مهرداد. (۱۳۹۸). اهمیت و جایگاه فناوری برتر در راهبرد سیاست خارجی چین در قبال اسرائیل، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۹۳-۱۲۸



سال اول، شماره ۴،

زمستان ۱۴۰۱

تکنولوژی‌های نوین

و جایابی قدرت

در روابط بین الملل

عبودیت، عماد، شریفی، صدر، منصوره. (۱۴۰۱). راهکارهای حمایت از نسل های سه گانه حقوق بشر در پرتو ظهور فناوری هوش مصنوعی، فصلنامه مطالعات بین المللی، دوره ۱۹، شماره ۳

کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه، و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌های)، ترجمه، احد علیقلیان و افشین خاک‌باز، تهران: طرح نو.

نیاز راهبردی آمریکا به کسب برتری در توسعه 5G منتشر شده در تاریخ ۷ مهر ۱۳۹۸ سایت پژوهشکده فضای مجازی قابل بازیابی در لینک زیر:

<http://csri.majazi.ir/news/۸۶۷۶۲>

Allhoff, F. Nicholas ,G. Evans, A, H. (2013). Eth- ics and War: just War The-ory in the stpuubblshr 21 Routldge: p 388

Atzori, L. Iera, .A. Morabito, G. (2010). The Internet of Things: A survey,” .Computer Networks, 2010, doi:10.1016/j.comnet.05.010

Arthur Herman. America Needs to Win the Battle for 5G Supremacy. Avail-able at:<https://www.hudson.org/research/15334-america-needs-to-win-the-battle-for-5-g-supremacy>

Borja, .F.(2019).China and 5G: The Future of technology . <http://global Risk .In SIGHTS.COM/2019/03/China- American-5G-Technology>

Duncan, C. Chinai, s.(2018). Shoping the Future OF global tech. www.ft.com/Content/5dffdf2-f6f9-11e7-a4c9-bbdefa4

Ding, Y. (2010). Major Trends in the World Situation, Foreign Affairs Spring . , p.22

Ding, J.(2018).pdf^o UoOUhwfoauw -cuDCA -D. Deciphering China’s AI dream.<https://www.wired.com/story/for -superpowers - artificial -intelligence ./-fuels -new -global -arms -race>

King, R. (2010). The Return of History and the end of Dreams, Alfred A. .Knopf

Kohlbrecher, S. Romay, A. Stumpf. A, Gupta. A, Von Stryk. O, Bacim. F.(2013). Human-robot teaming for rescue missions: Team ViGIR’s approach to the DARPA Robotics Challenge Trials;32(3):352

Kennedy, S. (2015). Made in China 2025, Center for Strategic and Interna-tional Studies. Available at: <http://csis.org/publication/made-china-2025>

Kuznetsov SO, Osipov GS, Stefanuk VL.(2018). Artificial Intelligence: 16th Russian Conference, RCAI, Moscow, Russia, September 24 -27, 2018, Pro-



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
تکنولوژی های نوین
و جایابی قدرت
در روابط بین الملل

ceedings: Springer; 2018

Lin, J. & Singer, P.W. (2015A). China Shows Off Its Deadly New Cruise Missiles. Popular Science. Available at: <http://www.popsci.com/china-shows-its-deadly-new-cruise-missiles> (accessed on October 23, 2015)

Rosenau, J. (1990). Turbulence in World Politics, London: Harvester-Wheat-sheaf. Strange, S (1988). States and Markets, London: Pinter

Strange, S. (1995). Rethinking structural change in the International Political Economy: state, firm and Diplomacy, in Global Political Economy, Richard Stubs and Geoffrey Underhill (eds), Canada, Cataloging in Publication data

Smith, M. (2013). Autonomous Weapon System and International Humanitarian law. A Reply to the Critics, Harvard National Security Journal

Sandera, B. (2003). Informational Meta-Technologies, International Relations and Genetic Power", in Rosenau and Singh, Op. Cit. pp 91-112

Tim, B. China, s. (2019). Efforts to Control Their Technology Future and Its Far Reaching Impact, www.forbes.com/sites/TIM.bajarin//Chinas-Efforts-to-control-Their-technology-Future-and-its-Far-reaching-Impact/#228ba9d-2fa84

Weinberger, S. (2017). The imagineers of war: the untold history of DARPA, the Pentagon agency that changed the world: Knopf

Allhoff, F. Nicholas, G. Evans, A, H. (2013). Ethics and War: just War Theory in the 21st Century, Routledge: p 388

Atzori, L. Iera, A. Morabito, G. (2010). The Internet of Things: A survey, Computer Networks, 2010, doi:10.1016/j.comnet.05.010

Ahmadi, Khodabakhsh, Javidi, Nasreddin. (2019). Applications of cognitive sciences in military sciences - a review study, Journal of Military Medicine, (Volume 22, Number 1, pp. 12-26. (In Persian)

Arthur Herman. America Needs to Win the Battle for 5G Supremacy. Available at: <https://www.hudson.org/research/15334-america-needs-to-win-the-battle-for-5-g-supremacy>

America's strategic need to gain superiority in the development of 5G, published on October 7, 2018, the site of the virtual space research institute <http://csri.majazi.ir/news/86762>. (In Persian) can be retrieved in the following link.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
تکنولوژی های نوین
و جایگاهی قدرت
در روابط بین الملل

Ambiguous prospect of technological competition between China and America, World Economy, 3 May 2022, available at: <https://donya-e-eqtasad.com>.
(In Persian)

Borja, F. (2019). China and 5G: The Future of technology. <http://globalrisk.com>
.In SIGHTS.COM/2019/03/China- American-5G-Technology

Barjali, Mohammad, Jafari, Mohammad, Kurdi, Nahid. (2019). The role of new communication technologies in the transfer of power in the international system, Political Knowledge Quarterly, Volume: 16, Number: 2, pp. 361-386.
(In Persian)

Castells, Manuel. (1980). Information Age: Economy, Society, and Culture (Emergence of Networked Society), translated by Ahed Aliqlian and Afshin
(In Persian). Khakbaz, Tehran: New Design

China's biggest armory plan, Bahar News, May 7, 1402, available on the
(<https://www.baharnews.ir/news/400208>). (In Persian: site)

China is ahead of the US in artificial intelligence and 5G, World Economy, publication date: 20/09/1400, available at: <https://donya-e-eqtasad.com>. (In Persian)

China is ahead of America in artificial intelligence and 5G, Khaigari Mehr In)20 Azar 1400, available at: <https://www.mehrnews.com/news/5372562>
(Persian)

Duncan, C. Chinai, s. (2018). Shopping the Future OF global tech. www.ft.com/content/5dfffdf2-f6f9-11e7-a4c9-bbdefa4

Ding, Y. (2010). Major Trends in the World Situation, Foreign Affairs Spring . , p.22

Ding, J. (2018). pdf UoOUhwfoauw -cuDCA -D. Deciphering China's AI dream. <https://www.wired.com/story/for-superpowers-artificial-intelligence-fuels-new-global-arms-race>

Eboudit, Emad, Sharifi, Sadr, Mansoura (1401). Strategies to support three generations of human rights in the light of the emergence of artificial intelligence technology, International Studies Quarterly, Volume 19, Number 3. (In Persian)

Fifth generation internet technology; The new platform of global competi-



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
تکنولوژی های نوین
و جای بجایی قدرت
در روابط بین الملل

[Peters, John \(1993\). American Military Architecture, translated by Seyyed Hossein Mohammadi Najm, High War Publications, Islamic Revolutionary .\(In Persian\) .Guard Corps](http://tabyincen-itions, 9 Mehr 2019, can be downloaded on the website .(ter.ir/38686.(In Persian</p></div><div data-bbox=)

King, R. (2010). The Return of History and the end of Dreams, Alfred A. Knopf

Kohlbrecher, S. Romay, A. Stumpf. A, Gupta. A, Von Stryk. O, Bacim. F.(2013). Human-robot teaming for rescue missions: Team ViGIR's approach to the DARPA Robotics Challenge Trials;32(3):352

Kennedy, S. (2015). Made in China 2025, Center for Strategic and International Studies. Available at: <http://csis.org/publication/made-china-2025>

Kuznetsov SO, Osipov GS, Stefanuk VL.(2018). Artificial Intelligence: 16th Russian Conference, RCAI, Moscow, Russia, September 24 -27, 2018, Proceedings: Springer; 2018

Lin, J. & Singer, P.W .(2015A). China Shows Off Its Deadly New Cruise Missiles. Popular Science. Available at: <http://www.popsci.com/china-shows-its-deadly-new-cruise-missiles> (accessed on October 23, 2015

Rosenau, J. (1990). Turbulence in World Politics, London: Harvester-Wheat-sheaf. Strange, S (1988). States and Markets, London: Pinter

Strange, S. (1995). Rethinking structural change in the International Political Economy: state, firm and Diplomacy, in Global Political Economy, Richard .Stubs and Geoffrey Underhill (eds), Canada, Cataloging in Publication data

Strange, Susan. (1989). Stories from the deserted island: different functions in .(international political economy. Political-economic information .(In Persian

Smith, M. (2013). Autonomous Weapon System and International Humanitarian law. A Reply to the Critics, Harvard National Security Journal Futures

Sandera, B.(2003). Informational Meta-Technologies, International Relations .and Genetic Power", in Rosenau and Singh, Op. Cit. pp 91-112

Shiroudi, Mohammad Sajad, Hemmati, Sajjad, Siahposh, Ibrahim. (2019). Artificial Intelligence and the Future of Attacks by Takfiri Terrorist Groups, Quarterly Journal of South West Asian Studies, Volume: 3, Number: 9, pp.



سال اول، شماره ۴،

زمستان ۱۴۰۱

تکنولوژی های نوین

و جایابی قدرت

در روابط بین الملل

.(1-28.(In Persian

Sheikhul-Islami, Mohammad Hassan, Zawareh, Mehdi Salami, Falahi Barzoki, Mehrdad. (2018). The importance and position of superior technology in China's foreign policy strategy towards Israel, International Relations Studies .(Quarterly, Year 12, Number 48, pp. 128-93.(In Persian

Tim, B. China,s.(2019).Effort,s to Control Their Technology Future and Its Far Reaching Impact, www.forbes.com/sites/TIm.bajarin//Chinas-Efforts-to-control-Their-technology-Future-and-its-Far-reaching-Impact/#228ba9d-2fa84

Weinberger, S. (2017). The imagineers of war: the untold history of DARPA, the Pentagon agency that changed the world: Knopf

Zakaria, Farid. (1388). Post-American World, translation, Ahmad Azizi, Hermes Publications .(In Persian)



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
تکنولوژی های نوین
و جای بجایی قدرت
در روابط بین الملل

India's foreign policy in Afghanistan; Emphasizing Afghanistan's role in securing India's national interest ((2001-2013

Sayed Amir Niakoe¹

Abdollah Khavari²

Abstract

After the events of September 11, 2001, India-Afghanistan relations took on new dimensions and India needed to reconsider its foreign policy in Afghanistan. Given the situation in Afghanistan, this country is of particular importance to India, and India has in recent years tried to achieve some of its goals through Afghanistan. Afghanistan's strategic position gives Pakistan the opportunity to limit Pakistan's influence and control, and in addition Afghanistan is a bridge between India and Central Asia so that India can access the region through Afghanistan and achieve its various goals. This study seeks to answer the question of what is the foreign policy of India in post-Taliban Afghanistan and what is the role of Afghanistan in securing India's national interests? The research hypothesis is that in order to achieve its national interests, India first seeks to integrate with Afghanistan by helping to develop and rebuild Afghanistan, and then set the country as a bridge to Central Asia in order to secure its economic and political interests by gaining the trust of the Afghan parties. to evaluate the hypothesis, Zaharnas relational framework theory has been used. this research is descriptive - analytic and has been used to collect resources from the library method.

Key words: India, Afghanistan, Foreign Policy, National Interests, Convergence.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

1Faculty member of Guilan University
niakoe@gmail.com

2Phd student in international relations-Guilan university
mihan0093@gmail.com

سیاست خارجی هند در افغانستان؛ با تأکید بر نقش افغانستان در تأمین منافع ملی هند

(۲۰۱۳-۲۰۰۱)

سید امیر نیاکویی^۱

عبدالله خاوری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳

چکیده

بعد از تحولات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روابط هند و افغانستان ابعاد جدیدی پیدا کرد و نیازمند این بود تا هند در سیاست خارجی خود در افغانستان بازنگری داشته باشد. با توجه به موقعیت افغانستان، این کشور از اهمیت ویژه‌ای برای هند برخوردار بود و هند نیز طی این سال‌ها سعی داشت تا برخی اهداف خود را از طریق افغانستان به نتیجه برساند. موقعیت استراتژیک افغانستان فرصت تحدید نفوذ و مهار پاکستان را به هند داده و علاوه بر آن افغانستان به عنوان پلی ارتباطی بین هند و آسیای مرکزی محسوب می‌شد به طوری که هند می‌توانست از طریق افغانستان به این منطقه دسترسی داشته و به اهداف مختلف خود دست یابد. این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤال است که سیاست خارجی هند در افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۱۳) بر چه استراتژی استوار بود و افغانستان چه نقشی در تأمین منافع ملی هند داشت؟ فرضیه مقاله این است که هند برای دستیابی به منافع ملی خود ابتدا از طریق کمک به بازسازی افغانستان به ایجاد همگرایی با افغانستان پرداخت و سپس با جلب اعتماد طرف‌های افغانستانی، این کشور را به عنوان پلی برای رسیدن به آسیای مرکزی برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود در نظر گرفت. برای ارزیابی فرضیه تحقیق نیز از نظریه چارچوب رابطه‌های زاهارنا استفاده شده است. این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و برای گردآوری منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)،

واژگان کلیدی: هند، افغانستان، سیاست خارجی، منافع ملی، همگرایی

۱ دانشیار و هیئت علمی دانشگاه گیلان

com.gmail@niakoeec

۲ دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

com.gmail@mihan0093

مقدمه

سرزمین و مردم افغانستان دارای پیشینه طولانی در ارتباط با هند هستند. این کشور به عنوان دروازه‌های برای ورود به شبه قاره هند منظور می‌شده است. هند نیز بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حضور فعال و همکاری جویانه نسبت به این کشور داشت، تا جایی که تا پایان دهه اول قرن جدید، حدود ۳ میلیارد دلار کمک بلاعوض به افغانستان نمود (Bajoria, 2009). می‌توان هدف هند از این سیاست را تأمین منافع ملی خود دانست چون منافع ملی این کشور به نوع نگاه این کشور به هند گره خورده بود. توسعه و ثبات در افغانستان به صورت مستقیم در کاهش تهدیدات امنیتی در هند مرتبط است چراکه در صورت مهار افراط‌گرایی اسلامی در افغانستان، هند نیز از گزند این نوع تهدیدات در امان است. تحقیقات مشخص کرده که افغانستان به عنوان پناهگاهی امن برای گروه‌های تروریستی بوده و این گروه‌ها می‌توانستند حملاتی را علیه هند طراحی و اجرا کنند. در سطحی کلانتر استدلال شده که «افغانستان برای هند دارای اهمیت استراتژیک است چون هند در منطقه جنوب آسیا به دنبال یک متحد وفادار است. از سوی دیگر افغانستان به عنوان یک عامل توازن بالقوه در رابطه با پاکستان برای هند محسوب می‌شود (Bajoria, 2009) لذا هند توسعه و بازسازی افغانستان را به عنوان یکی از اهداف خود در افغانستان در نظر گرفته و معتقد است علاوه بر اینکه افغانستان باثبات می‌تواند در کاهش تهدیدهای امنیتی برای هند مؤثر واقع شود بلکه نوعی احساس دوستی، مودت و همگرایی بین دو کشور ایجاد خواهد شد که می‌تواند زمینه و مقدمه‌ای برای دیگر اهداف هند باشد.

هند از بدو استقلال خود تا امروز چند مجموعه تحولات را در عرصه سیاست خارجی خود پشت سر گذاشته است. می‌توان اخلاق مداری و نهروئیسم را از اولین اصول سیاست خارجی هند معاصر دانست و سپس واقع‌گرایی و چرخش به عمل‌گرایی اقتصادی را اصول نوین سیاست خارجی این کشور محسوب کرد. طبق اصل عمل‌گرایی اقتصادی، هند یک مجموعه اهداف اقتصادی را پیگیری می‌کند که برای رشد، توسعه و تبدیل شدن این کشور به یک قدرت بین‌المللی لازم است. یکی از این اهداف، ورود هند به آسیای مرکزی است. هند از طریق ورود به این منطقه توانایی قبضه کردن بازارهای این منطقه را به دست آورده و می‌تواند کالاهای خود را در این منطقه به فروش رساند. از طرفی این کشور می‌تواند انرژی‌های فسیلی و سوخت مورد نیاز تأسیسات هسته‌ای خود (اورانیوم) را از این منطقه تأمین کند. علی‌رغم اهداف اقتصادی، هند از این امر می‌تواند برای مهار رقیب استراتژیک



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)،

خود یعنی پاکستان نیز استفاده کند. به طوری که هند با افزایش عمق استراتژیک خود در منطقه آسیای مرکزی، از محاصره شدن توسط پاکستان جلوگیری به عمل آورده و می‌تواند از طریق جغرافیای این محل تحرکات پاکستان را زیر نظر بگیرد. افغانستان می‌تواند در زمینه‌های مختلف، تأمین کننده منافع و اهداف هند در منطقه و حتی فراتر از منطقه باشد. این منافع هم شامل منافع سیاسی بوده و هم منافع اقتصادی را در بر می‌گیرد. باید گفت افغانستان دروازه ورود هند به آسیای مرکزی است چراکه هند از طریق بندر چابهار ایران خود را به افغانستان متصل کرده و از طریق افغانستان به آسیای میانه وارد می‌شود. در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که سیاست خارجی هند در افغانستان (۲۰۱۳-۲۰۰۱) بر چه استراتژی استوار بود و افغانستان چه نقشی در تأمین منافع ملی هند داشت؟ نویسندگان در ابتدا به پیشینه پژوهش و سپس چارچوب نظری پرداخته و در ادامه سیاست خارجی هند در افغانستان طی دو بازه زمانی پیش و پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ را مورد مطالعه قرار داده و نقش افغانستان در تأمین منافع ملی هند در بازه فوق را مورد بحث قرار می‌دهند و در پایان به نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۱. ادبیات پژوهش

در رابطه با سیاست خارجی هند در قبال افغانستان، آثار مختلفی به رشته تحریر درآمده و در آنها سعی شده است که ابعاد و اولویتهای هند در روابط منطقه‌ای و سیاست خارجی این کشور در افغانستان مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. در ادامه برخی از مهمترین آثاری که پیرامون این موضوع نوشته شده مورد بررسی قرار گرفته و تفاوت پژوهش حاضر با آثار فوق بیان میگردد.

نوذر شفیع، شهریار فرجی نصیری و افشین متقی در مقاله‌ای با عنوان رویکرد هند در قبال افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۱۳۹۱) دکترین سیاست خارجی هند را به سه دایره متحدالمرکز تقسیم‌بندی می‌کنند که در آن افغانستان در دایره نخست قرار دارد و لذا این کشور از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی هند برخوردار است. در این اثر استدلال شده که پس از حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان، هند در صدد نفوذ در افغانستان برآمد تا از طریق رویکردهای همکاری جویانه و مشارکت در بازسازی این کشور، نفوذ پاکستان در افغانستان را کاهش داده و به نوعی این کشور را در محاصره سیاسی قرار دهد و خود نیز از طریق گسترش نفوذ به آسیای مرکزی از قرار گرفتن در محاصره چین-پاکستان خارج شود.

در گزارشی تحت عنوان هند و افغانستان: شراکت توسعه که توسط وزارت امور خارجه هند انجام شده، به دیپلماسی عمومی هند در افغانستان بعد از ۲۰۰۱ پرداخته شده است. در این تحقیق اقدامات و عملکرد دولت هند



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

در قبال افغانستان که به عنوان کمک‌های هند به افغانستان معرفی شده ، با استفاده از ادبیات دیپلماسی عمومی تشریح شده است. یکی از نقاط قوت این تحقیق این است که اقدامات هند در افغانستان را با جزئیات آن تشریح کرده است.

سید اکبر سجادی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) به بررسی تطبیقی سیاست خارجی هند و پاکستان در افغانستان از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۶ (۱۳۹۷) پرداخته است. وی استدلال کرده که اکثر حوادث سیاسی در منطقه تحت تأثیر روابط دو کشور هند و پاکستان می‌باشد. از این جهت این دو کشور از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای در افغانستان محسوب شده و در تحولات و قضایای افغانستان نقش اساسی داشته است. در نهایت وی به بررسی نقاط اشتراک و افتراق سیاست خارجی هند و پاکستان در افغانستان پرداخته و اینگونه نتیجه گرفته است که غیر از مسائل اقتصادی و دسترسی دو کشور به منابع انرژی در آسیای مرکزی، سیاست خارجی دو کشور همواره در مسائلی نظیر؛ اختلافات مرزی، مسأله تروریسم و افراط‌گرایی متعارض و ناهمگون بوده است.

راکش سودا^۱ در مقاله تحت عنوان بازتعریف نقش هند در افغانستان که در سال ۲۰۲۱ به رشته تحریر درآمده، اقدامات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هند در افغانستان را طی سالیان اخیر بررسی کرده و در واقع به مطالعه دیپلماسی عمومی هند در افغانستان پرداخته است. وی در این تحقیق، عملکرد هند در افغانستان را مورد قبول دانسته ولی نبود برنامه منسجم برای مدیریت این کمک‌ها را مورد انتقاد قرار داده است.

اگرچه آثار فوق بینش‌های مفیدی را درباره سیاست خارجی هند در افغانستان ارائه می‌دهند ولی با اثر حاضر تفاوت‌های قابل توجهی دارند. وجه تمایز اصلی تحقیق حاضر با دیگر تحقیقات انجام شده در این است که نویسندگان در این تحقیق برای بررسی سیاست خارجی هند در افغانستان از نظریه چارچوب رابطه‌ای زاهارنا^۲ استفاده کرده‌اند، امری که در تحقیقات پیشین نامشهود است و می‌تواند به عنوان نوآوری تحقیق در نظر گرفته شود.

۲. چارچوب نظری: چارچوب رابطه‌ای زاهارنا

یکی از نظریه‌های مورد استفاده برای تبیین دیپلماسی عمومی، نظریه ارتباطات است. تأکید اصلی طرفداران این نظریه بر مبادلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. آنان معتقدند که افزایش ارتباطات و



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

1Rakesh Sood

2 zaharna

مبادلات کشورها، همبستگی آنان را گسترش داده و این امر در نهایت، منجر به همگرایی می‌شود (محمدی و احمدی، ۱۳۹۷: ۲۵۹). ارتباطات، سنگ‌پایه و زمینه اولیه تمدن بشری است. هر مقدار جوامع از سادگی به سوی پیچیدگی و پیشرفت حرکت می‌کنند ارتباطات نیز شکل پیچیده‌ای به خود می‌گیرد (دادگران، ۱۳۹۴: ۳۰-۲۹). این فرایند نیازمند احترام متقابل بوده و بدون آن، ارتباطی موفق تحقق پیدا نمی‌کند (کول، ۱۳۷۶: ۵۶-۵۵). حوزه ارتباطات به کلی از حوزه سیاست و روابط بین‌الملل جداست اما این دو حوزه متفاوت بسیار درهم تنیده بوده و می‌توان بسیاری از مواردی که مربوط به روابط بین‌الملل هست را از طریق نظریه‌های ارتباطات تجزیه، تحلیل و بررسی کرد (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۷۳). برای تبیین نظریه ارتباطات نیز می‌توان از نظریه چارچوب رابطه‌ای زاهارنا استفاده کرد.

زاهارنا در توضیح این نظریه، مشارکت را بر نمایش مقدم دانسته و آن را یک فرآیند می‌داند. فرآیندی که در آن علاوه بر تولید داده‌ها، باعث ایجاد پیوندهایی میان مخاطبین و حامیان می‌گردد (شاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۸) یعنی ابتدا اشتراکات و منافع متقابل عامه مردم و پیام‌رسان مشخص می‌شود، سپس شیوه‌های پیوند دادن آن‌ها با یکدیگر از طریق اشکال ارتباطی تعیین می‌شود (ستوده آرانی و ولویان، ۱۳۹۱: ۱۶۶). همچنین در این نظریه بیشتر از اینکه بر محتوای پیام توجه شود به بافت پیام توجه شده و به دنبال بساختن ساختارهای اجتماعی است که در نهایت باعث تحقق اهداف سیاسی می‌شود (شاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۸). چارچوب رابطه‌ای ریشه در این دیدگاه در مورد ارتباطات دارد که از مفهوم مودت در ارتباطات آیینی، تمرکز بر رفتار و بی‌توجهی به پیام و توجه جمع‌گرایانه به هم وابسته به انسجام و همگونی اجتماعی را مورد تأیید قرار می‌دهد. در این چارچوب، دیپلماسی عمومی بر شناسایی و ایجاد روابط تمرکز دارد (Zaharna 2009:247). در این فرایند ایجاد ارتباط، در درجه نخست ابزاری برای بهبود تصویر و سیاست‌گذاری‌های ملی نیست، بلکه به عنوان هدفی است که به ایجاد یک فضای بین‌المللی بهتر کمک می‌کند. در این روش عامه مردم به عنوان مشارکت‌کننده تلقی می‌شوند. ویژگی اصلی این فرایند کم‌رنگ بودن قاعده بازی با حاصل جمع صفر است. در این فرایند ایجاد ارتباط به عنوان یک ابزار صرف در جهت ارتقای تصویر و خط مشی‌های ملی نیست. اکثر روش‌های مورد استفاده در این فرآیند به هماهنگ‌سازی گرایش دارند نه کنترل. همچنین رابطه تعاملی میان کنشگر و افکار عمومی هدف در رأس اهداف این فرآیند است. طبق این نظریه، هدف از اعمال سیاست خارجی مبتنی بر دیپلماسی عمومی، کمک به نزدیکی بیشتر ملت‌ها به یکدیگر است به طوری که گرچه در مراحل اولیه هدف از اعمال این روش خدمت به منافع ملی نیست ولی در نهایت با توجه به اقدامات و نیات کنشگر در نزدیک کردن ملت‌ها و انسان‌ها به یکدیگر، این



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

امر موجب ایجاد تصویر مثبت خواهد شد (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۸۴-۱۸۲). این رویکرد زود بازده نیست اما منافع پایداری را برای اعمال کننده ایجاد خواهد کرد (شاد و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۸). نظریه چارچوب رابطه‌ای دربردارنده توزیع مناسب و متقارن فرصت‌ها برای طرفین است به گونه‌ای که افراد برای هرگونه تفکر، نگرش و خواسته‌ای آزاد بوده، بتوانند پیشنهادات خود را مطرح کرده و هرگونه پیشنهادی را رد کنند و در نهایت بتوانند یکدیگر را متقاعد و قانع سازند (بشیر، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

مؤلفه‌های نظریه چارچوب رابطه‌ای را می‌توان طبق میحث ذیل دسته‌بندی کرد: مؤلفه‌های لایه اول: این لایه عمدتاً متمرکز بر سطح فردی است.

۱. برنامه‌های مبادله آموزشی (تبادل استاد-دانشجو): این برنامه‌ها جزء لایه اول قرار می‌گیرد. اینگونه برنامه‌ها دارای سابقه طولانی است. برای مثال وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا در قالب برنامه بورسیه فولبرایت، دانشجویان آمریکایی را به دیگر کشورها فرستاده و دانشجویان خارجی را برای تحصیل به آمریکا دعوت می‌کند. هدف از این برنامه هم درک متقابل اعلام شده است (zaharna,2009: 93).

۲. دیدارهای سران کشورها: دیدار سران کشورها نشانگر اهمیت رابطه میان کشورهاست. مدت زمان این دیدارها، سخنرانی در محافل گوناگون، کنفرانس‌های مطبوعاتی مشترک، نحوه میزبانی و ... نیز در شدت و تأثیر روابط و دوستی تأثیرگذار است (zaharna,2009: 93-94).

مؤلفه‌های لایه دوم: در این لایه فعالیت‌ها از حالت فردی خارج شده و به طرح‌ها و برنامه‌های دربرگیرنده نهادها، گروه‌های گسترده و جوامع ارتقا پیدا می‌کند.

۱. مؤسسات فرهنگی و آموزش زبان: فرهنگ از منابع مهم قدرت نرم هر کشوری به شمار می‌رود که می‌تواند برای جذب دیگران مورد استفاده قرار گیرد (جمالزاده، ۱۳۹۲: ۸۱-۸۰). اینگونه مؤسسات نیز برای به نمایش گذاشتن و اشاعه فرهنگ کشورها تأسیس شده‌اند. این مؤسسات سابقه طولانی دارند برای مثال می‌توان شورای بریتانیا و مؤسسه کنفوسیوس را از جمله این مؤسسات دانست (zaharna,2009:94).

۲. پروژه‌های کمک توسعه‌ای: این پروژه‌ها در راستای ایجاد و حفظ روابط و دوستی بین کشورها از اهمیت بالایی برخوردار بوده و در دو مرحله به ایجاد روابط و حفظ دوستی بین کشورها کمک می‌کند. در مرحله اول این پروژه‌ها که به نیت کمک ارائه می‌شود قلب‌های افکار عمومی و کشور کمک



گیرنده را به سمت خود جذب می‌کند. در مرحله دوم؛ افراد دخیل در این پروژه‌ها از دو کشور، با یکدیگر آشنا شده و زمینه برای گسترش روابط فراهم می‌شود (zaharna, 2009: 94-95).

مؤلفه لایه سوم: شامل راهبردهای شبکه‌سازی در حوزه سیاست‌گذاری و ائتلاف‌سازی می‌شود.

اینگونه فعالیت‌ها که در جهت کسب نظرات موافق دیگر کشورها در حوزه‌ای خاص به شمار می‌رود به مهارت‌های دیپلماتیک مثل مذاکره، میانجیگری و طرفداری نیاز دارد. در این لایه کنشگر نیاز دارد تا سطح بالایی از تعامل با کنشگران دولتی و غیردولتی داشته باشد تا به منظور رسیدن به یک هدف بتواند اجماع نظرات را دریافت کند (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

۳. سیاست خارجی هند در افغانستان

۳-۱. سیاست خارجی هند پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

سرزمین و مردم افغانستان دارای پیشینه طولانی در ارتباط با هند هستند. این کشور به عنوان دروازه‌ای برای ورود به شبه قاره هند منظور شده است. هند با توجه به شرایطی که داشته، حکومت وقت نجیب الله در کابل را حکومتی خوب و مناسب می‌دانسته ولی به دلیل پاره‌ای از مسائل این حکومت بیش از ۴ سال دوام نیاورده و سکان حکومت به دست مجاهدین افغانستان افتاد. آنان نیز به دلیل اختلافات زیادی که در میان داشته به جنگ‌های داخلی پرداخته و سرانجام طالبان با حمایت‌های خارجی مناطق وسیعی از جمله کابل را به تصرف خود درآوردند. (آقاجری و کریمی، ۱۳۹۴: ۷۴) با سقوط حکومت مجاهدین به رهبری برهان‌الدین ربانی و شروع حکومت طالبان در افغانستان، موقعیت هند در این کشور رو به حاشیه رفت، هند نیز برای تقویت جایگاه خود از گروه‌های مخالف طالبان به حمایت پرداخت و به برقراری ارتباط و تجهیز آن‌ها اقدام کرد. هند توان دفاعی اتحاد شمال که متشکل از گروه‌هایی با اقوام مختلف بود را به وسیله تجهیزات جنگی پیشرفته و مشورت‌های نظامی تقویت کرد (Bajoria: 2009). هند در زمینه درمان زخمی‌های اتحاد شمال نیز اقدام به ایجاد یک بیمارستان در مرز افغانستان و تاجیکستان نمود و از پزشکان هندی در این امر کمک گرفت (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۳۴). با حادث شدن اتفاقاتی مثل حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان در ۲۰۰۱، فرصت مناسبی برای هند جهت نفوذ دوباره و تاثیرگذاری در این کشور فراهم شد. هند با حمایت و پشتیبانی از آمریکا برای حمله به افغانستان توانست بار دیگر در عرصه افغانستان به عنوان یکی از بازیگران عمده نقش ایفا کند. افرادی که در رأس حکومت



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

افغانستان قرار گرفته بودند از روابط نزدیکی با هند برخوردار بودند چون آن‌ها از اعضای اتحاد شمال محسوب می‌شدند. ژنرال دوستم و دکتر عبدالله عبدالله از جمله این افراد بودند. رییس جمهوری جدید افغانستان - کرزی - هم تحصیلات خود را در دانشگاه هیمچل پرادش هند به پایان رسانده بود. همه این عوامل هند را به سوی افغانستان و کسب موقعیت برتر در این کشور سوق می‌داد (Bajoria, 2009). در این بخش از تحقیق وارد مبحث سیاست خارجی هند در افغانستان پساتالبان می‌شویم. سپس طبق نظریه چارچوب رابطه‌ای زاهرنا، همگرایی بین دو کشور هند و افغانستان را مورد بررسی قرار می‌دهیم. برای تطبیق نظریه مذکور بر سیاست خارجی هند در افغانستان، سیاست خارجی این کشور را به سه لایه تقسیم کرده و به بررسی جداگانه هر کدام از این لایه‌ها پرداخته شده است به طوری که هر چه روابط دو کشور در هر لایه مثبت باشد، نشان از تحقق ایجاد همگرایی بین دو کشور هند و افغانستان دارد.

۲-۳. سیاست خارجی هند پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

راهبرد کلان هند، جهان را به سه حوزه تقسیم می‌کند. در اولین حوزه، همسایگان نزدیک هند قرار داشته و این کشور در صدد کسب موقعیت هژمونی است تا به وسیله آن بتواند از حضور قدرت‌های دیگر در این منطقه جلوگیری کند. حوزه دوم منطقه وسیع‌تری از همسایگان هند را در برمی‌گیرد که آسیا و کشورهای حاشیه اقیانوس هند را شامل می‌شود. در این محیط موازنه قوا با سایر بازیگران و تأمین منافع ملی، خط مشی هند را شکل می‌دهد. حوزه سوم تمام سطح دنیا را در بر گرفته و هدف هند کسب جایگاه قدرت بزرگ و ایفای نقش کلیدی در صلح و امنیت بین‌المللی است. افغانستان به عنوان نقطه هدف هند در حوزه نخست قرار می‌گیرد لذا این کشور از اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی هند برخوردار است (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۸). افغانستان در محیط پیرامونی هند واسطه‌ای برای مقابله با سایر قدرت‌ها محسوب می‌شود. به علاوه بستری برای نفوذ هند در آسیای مرکزی نیز می‌باشد. در چنین شرایطی هند با درک جایگاه افغانستان در صدد گسترش همکاری با این کشور است. این کشور بدین وسیله قادر خواهد بود که از طریق اتحاد راهبردی با افغانستان الگوی امنیتی هندمحور در منطقه تحت نفوذش را تقویت نماید. از طرفی حضور در افغانستان و سرمایه‌گذاری در این کشور زمینه را برای نفوذ هند در آسیای مرکزی و خاورمیانه از راه زمینی فراهم می‌آورد (سجادی، ۱۳۹۷: ۳۶). نویسندگان عقیده دارند که به طور کلی می‌توان ادعا کرد افغانستان برای هند نقش میان‌بر، یا به نوعی یک پل ارتباطی با خاورمیانه و آسیای مرکزی را ایفا می‌کند و هر چقدر بتواند در این میان‌بر سرمایه‌گذاری کند، چندین برابر آن را از راه تجارت با این



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)

مناطق در مدت کوتاهی به دست می آورد. همچنین در توازن قدرت بین هند و پاکستان، این افغانستان است که می تواند با گرایش به سمت هر کدام از این بازیگران، شرایط را به نفع وی تغییر دهد. هند با علم بر این موضوع تمام تلاش خود را برای جلب اعتماد دولت افغانستان معطوف مینمود.

۱-۲-۳. لایه اول

*دیدار سران کشورها

پس از سرنگونی حکومت طالبان در افغانستان، بلافاصله هند حکومت موقت افغانستان را به رسمیت شناخته و هیأت های دیپلماتیک خود را در بخش های مختلف این کشور تأسیس کرد. ساتیندرلامبا^۱ فرستاده ویژه هند در افغانستان در نوامبر ۲۰۰۱ از کابل دیدن کرده و دفتر همکاری های هند-افغانستان را در کابل تأسیس کرد (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۶). هند در ۲۲ دسامبر همین سال مقرر دیپلماتیک خود را تا سطح سفارتخانه ارتقاء داد و پس از مدتی کنسولگری های هند در شهرهای جلال آباد، هرات، قندهار و مزارشریف بازگشایی گردید. بلافاصله پس از روی کار آمدن دولت موقت در افغانستان، بازدیدهای متقابل مقامات هند و افغانستان از کشورهای یکدیگر آغاز گردید. در همین راستا حامد کرزی (رییس جمهور)، ژنرال دوستم (از رهبران نظامی و جهادی)، یونس قانونی (وزیر کشور)، دکتر عبدالله (وزیر خارجه)، محمد قسیم فهیم (وزیر دفاع) سه ماه پس از تشکیل دولت موقت از هند دیدار کردند. در ملاقات دکتر عبدالله و واجپای نخست وزیر هند در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱، طرفین روی مباحثی با محوریت افغانستان بحث و گفتگو داشتند) آقاجری و کریمی، ۱۳۹۴: ۷۹). همچنین طی سال های ۲۰۱۳-۲۰۰۱ حامد کرزی که ریاست جمهوری افغانستان را به عهده داشت ۱۳ سفر رسمی به هند داشت که نشان دهنده روابط ویژه بین دهلی نو و کابل بود. وزیر خارجه وقت هند-ناتوار سینگ در ۱۵ فوریه ۲۰۰۵ از کابل دیدن کرد و بخش جراحی بیمارستان ایندیرا گاندی که توسط هند ساخته شده بود را تحویل مقامات افغانستان داد (نجفی، ۱۳۹۵: ۹۹). مانموهان سینگ^۲ نخست وزیر هند هم در ۲۸ اگوست ۲۰۰۵ اولین سفر رسمی خود را به افغانستان داشت و طی آن موافقت نامه های همکاری در عرصه های بهداشتی، کشاورزی و آموزش و پرورش به امضای مقامات ارشد دو کشور رسید. در دوم آوریل ۲۰۱۱ مانموهان سینگ نخست وزیر وقت هند دومین سفر خود به کابل را انجام داد و طی سخنرانی در پارلمان افغانستان بر دوستی و روابط تاریخی دو کشور تأکید کرد. وی همچنین قول کمک ۵۰۰ میلیون دلاری دیگری را به افغانستان داد.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)

سفرهای یازدهم تا سیزدهم کرزی به هند طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۳ رخ داد که نتایج مثبتی برای طرفین داشت. از جمله این نتایج امضای سند همکاری‌های استراتژیک و همکاری‌های دفاعی و تجهیز نیروهای نظامی افغانستان، بین کابل-دهلی بود (سجادی، ۱۳۹۷: ۵۵). دیدارهای سران دو کشور و دفعات سفرهای این مقامات، نشانگر اوج رابطه دوستانه بین دو کشور بود که در نهایت می‌توانست منجر به همگرایی بین دو کشور شود.

* برنامه‌های مبادله آموزشی (تبادل استاد-دانشجو)

آموزش در سطوح عالی یکی از بخش‌هایی است که در آن هند سرمایه‌گذاری بزرگی برای افغانستان انجام داد. این کشور سالانه تعداد زیادی بورسیه‌های تحصیلی را تحت عنوان ICCR و ITEC برای دانشجویان افغانستان اختصاص می‌دهد. هند به عنوان کشوری نامدار در عرصه آموزش و تحصیلات عالی از یک طرف و هزینه پایین برای زندگی از طرف دیگر، مقصد تحصیلی اکثر جوانان و محصلان افغانستانی است. صدیق سحر، مسئول تحصیلی سفارت افغانستان در هند-دهلی نو با اذعان به اینکه هر سال بر تعداد متقاضیان تحصیل در هند افزوده می‌شود اعلام کرد که در سال ۲۰۱۲ تعداد ۷۰۰۰ دانشجوی افغانستانی در هند مشغول به تحصیل بوده‌اند (روزنامه هشت صبح، ۱۳۹۹). طاهر قادری سرپرست سفارت افغانستان در دهلی نو پایتخت هند طی مصاحبه ای اعلام کرد که بر طبق توافق با دولت هند قرار شده تعداد بورسیه‌های تحصیلی هند برای افغانستان از ۱۰۰۰ سهمیه در سال به ۲۵۰۰ سهمیه در سال افزایش پیدا کند (روزنامه اطلاعات روز، ۱۳۹۹). به طور کلی، هند یکی از مقاصد اصلی دانشجویان افغانستانی برای تحصیل به شمار می‌رود. بورسیه‌های رایگان این کشور برای این دانشجویان و اشتراک در برخی فرهنگ‌های منطقه‌ای باعث این علاقه‌مندی شده است. از طرف دیگر سطح بالای دانشگاه‌های هندی نیز باعث شده تا دانشجویان افغانستانی به تحصیل در این کشور مشتاق باشند. البته به قدرت رسیدن مجدد طالبان در سال ۲۰۲۱ به طور کلی بر جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشور از جمله مسایل آموزشی، تحصیل بانوان و روابط خارجی تاثیر گذاشته که بررسی آن مجال دیگری را می‌طلبد.

۲-۲-۳. لایه دوم

* کمک‌های توسعه‌ای

کشور هند یکی از همسایگان افغانستان است که پس از تشکیل حکومت رسمی در افغانستان آمادگی خود را برای ارائه کمک‌های همه جانبه به این کشور اعلام داشت و عنوان پنجمین کشور کمک کننده به افغانستان را به



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند در افغانستان: با تاکید بر نقش افغانستان در تامین منافع ملی هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

خود اختصاص داد. (Bibi: 2018) این کشور در کنار تأمین مایحتاج افغانستان بیشتر تلاش خود را در زمینه خودکفایی افغانستان انجام میداد. بخش اعظم این کمک‌ها مربوط به پروژه‌های توسعه‌ای و بازسازی افغانستان بود. این کمک‌ها در بخش‌هایی نظیر؛ پروژه‌های عمرانی شهری و غیر شهری، تجهیز و حمایت از پروژه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و کمک برای تأسیس کارخانجات بود. در ذیل به برخی از این فعالیت‌ها اشاره می‌شود.

یکی از فعالیت‌های عمده و حیاتی هند در افغانستان ساخت سد برای نگهداری، آبیاری و تولید برق در افغانستان است. تعداد ۳ سد بزرگ توسط هند در افغانستان ساخته شده یا در حال ساخت است که سدهای سلما در هرات، سد کمال خان در نیمروز و سد شاه توت در کابل از جمله این سدها می‌باشند. هرکدام از این سدها قابلیت‌های مختلفی داشته و علاوه بر تأمین نیازهای آشامیدنی و آبیاری در زمینه تولید برق نیز مؤثر واقع می‌شوند چرا که افغانستان از مشکل نبود و یا کمبود برق رنج می‌برد و بخش زیادی از برق مورد نیاز خود را از کشورهای همسایه تأمین می‌کند. طبق گزارشات در صورت بهره برداری کامل از این سدها نه تنها مشکل برق در اکثر نقاط کشور حل می‌شود بلکه افغانستان می‌تواند به نقاط مجاور منطقه‌ای که سد تأسیس شده برق انتقال دهد. برای مثال سد شاه توت توان ذخیره سازی ۱۴۷ میلیون متر مکعب آب را داشته و می‌تواند برای دو میلیون نفر از شهروندان کابل آب آشامیدنی و بهداشتی تهیه کند. علاوه بر آن حدود ۴۰۰ هکتار زمین کشاورزی بوسیله این سد آبیاری خواهد شد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵). سد کمال خان نیز توانایی ذخیره ۵۲ میلیون متر مکعب آب را داشته و می‌تواند ۸۰۰ هزار هکتار زمین را آبیاری کند. در زمینه تولید برق نیز این سد توانایی تولید ۹ مگاوات برق را خواهد داشت (خبرگزاری شفقنا ۱۳۹۶). باید گفت افغانستان کشوری است که در یک موقعیت استراتژیک به عنوان یک شاهراه حیاتی قرار گرفته است و می‌تواند نقطه اتصالی بین چین و هند و اتصال این نقاط به دیگر نقاط جهان از جمله آسیای مرکزی باشد. در این رابطه و با توجه به اهمیت این موضوع هند بخش دیگری از کمک‌های خود به افغانستان در بخش بازسازی را به جاده سازی در این کشور اختصاص داده است. باید گفت نبود مرز زمینی مشترک بین دو کشور و محدودیت‌هایی که پاکستان برای صادرات هند به افغانستان از طریق خاک خود ایجاد کرده است از دلایل اصلی تصمیم هند به ساخت این بزرگراه است.

بزرگراه زرنج-دلارام یکی از پروژه‌های جاده سازی هند در افغانستان است. این پروژه با سرمایه‌گذاری حدود ۸۵ میلیون دلار و طول ۲۱۸ کیلومتر در غرب افغانستان ساخته شده است و زرنج در ولایت زابل افغانستان را به دلارام در ولایت فراه متصل کرده و از طریق سیستان و بلوچستان در ایران به بندر



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

چابهار متصل می‌گردد (Ganguly, 2012: 4). این بزرگراه باعث شده تا مسیر چابهار به آسیای میانه ۱۵۰۰ کیلومتر نزدیکتر شود (نیاکویی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۳۹) درباره بندر چابهار هم می‌توان گفت هند سرمایه‌گذاری زیادی روی توسعه بندر چابهار انجام داده است زیرا این بندر هند را به بازارهای اوراسیا وصل می‌کند (Drishti.com, 2019). با احداث و راه‌اندازی بزرگراه زرنج-دلارام این امکان در کشور افغانستان به وجود آمد که کالاها از شهرهای اصلی افغانستان و از طریق زمینی به سمت مرزهای ایران ارسال و از آنجا به چابهار و برعکس منتقل شوند. این بزرگراه، افغانستان محصور در خشکی را به شاه‌رگ حیاتی ارزشمندی تبدیل کرده است. در گذشته راه دستیابی افغانستان به دریا از طریق پاکستان و از مسیر پیشاور به سمت بندر کراچی بود که عبور از این جاده از مسیر پاکستان مشکلاتی را برای افغانستان ایجاد می‌کرد. پاکستان اغلب ارسال کالاهایی که برای بازسازی افغانستان ارسال شده بود را به تأخیر می‌انداخت. اما اکنون بزرگراه زرنج-دلارام گزینه جدید و مناسبی برای افغانستان محسوب می‌شود (دهقان و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۹). کشور هند از طریق این جاده می‌تواند محصولات و کالاهای خود را به افغانستان رسانده و در آنجا به فروش برساند. همچنین هند می‌تواند از طریق این جاده به کشورهای آسیای مرکزی متصل شده و با به دست‌گیری بازارهای پر تقاضای این کشورها بخشی از محصولات خود را در این منطقه بفروشد و متقابلاً انرژی مورد نیاز خود (گاز و اورانیوم) را از این منطقه تأمین کند.



سال اول، شماره ۴،
 زمستان ۱۴۰۱
 سیاست خارجی هند
 در افغانستان: با تأکید
 بر نقش افغانستان
 در تأمین منافع ملی
 هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)،

نقشه شماره ۱: مسیر ترانزیت هند به آسیای مرکزی

در راستای بازسازی مکان‌های مهم و تاریخی و ساخت مدارس و دانشگاه‌ها در افغانستان، کشور هند نقش مهمی ایفا نمود. ساختمان جدید پارلمان افغانستان در شهر کابل با کمک مالی هند، به هزینه بالغ بر حدود ۲۵۰ میلیون دلار ساخته شد (سجادی، ۱۳۹۷: ۵۸). دیگر اقدامات و فعالیت‌های هند در عرصه

سیاست خارجی در افغانستان را می‌توان تیتروار به شکل ذیل عنوان کرد:

- اهداء سه هواپیمای ایرباس به شرکت هواپیمایی افغانستان و آموزش پرسنل و ارائه پشتیبانی و تعمیر و نگهداری هواپیما
- اهداء ۲۷۴ اتوبوس به سرویس حمل و نقل عمومی، ۱۰۱ وسیله نقلیه کاربردی (حمل زباله، آب پاش، آبرسان و بولدوزر) برای شهرداری کابل و ۳۰۰ وسیله نقلیه برای ارتش افغانستان
- ساخت سردخانه ۵۰۰۰ تنی در قندهار
- تحویل بیسکویت‌های غنی شده با پروتئین جهت تغذیه کودکان افغانستانی
- تأمین ۶۹ تن دارو و وسایل پزشکی برای ولایات کابل، مزار شریف، شبرغان و هرات و قندهار
- تجهیز بیمارستان ایندیرا گاندی در کابل
- تأسیس چاپخانه پیشرفته در کابل و ساخت ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی
- اعزام ۵ کارشناس ارشد بانکداری برای بازسازی ساختار بانک ملی افغانستان
- تأمین ۱۰۰۰ دستگاه چرخ خیاطی برای توانمندسازی زنان روستایی (Price, 2013: 5-6).



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱).

به طور کلی، هند از جمله همسایگان افغانستان است که طی سالیان حکومت جمهوری در افغانستان، برای رشد و توسعه افغانستان فعالیت‌های مهمی را انجام داد. همانطور که مطالعه شد، اقدامات هند در امور آموزشی و بازسازی در افغانستان چشمگیر بوده و این کشور در بسیاری از پروژه‌های حیاتی و مهم مثل جاده سازی، سدسازی، بازسازی اماکن مهم و حیاتی و انتقال برق، کمک‌های بلاعوضی را در اختیار افغانستان گذاشت و مردم افغانستان نیز نسبت به دولت و مردم هند احساس مودت و دوستی دارند. به جرأت می‌توان گفت هند یکی از بازیگرانی بود که نقش عمده‌ای در بازسازی افغانستان ایفا نمود. در لایه دوم نیز مشاهده میشود که ما شاهد افزایش روابط و همکاری دو کشور هستیم.

۳-۲-۳. لایه سوم

* نقش هند در عضویت افغانستان در سارک

یکی از اصلی‌ترین بسترهای شکل‌گیری سازمان همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا (سارک) تجربه مشترک کشورهای این منطقه در مورد استعمار و حضور نیروهای بیگانه است (وٹوقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۹). ایده اصلی تشکیل

سازمان همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا توسط ضیاء الرحمن رییس‌جمهور وقت بنگلادش در دهه ۸۰ میلادی ارائه گردید (وٹوقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۰). پیشنهاد عضویت افغانستان در سارک در سال ۲۰۰۵ توسط هند مطرح شد و در نهایت افغانستان در چهاردهمین اجلاس سران سارک در سال ۲۰۰۷ به عضویت رسمی این سازمان درآمد (موسی زاده، ۱۳۸۷: ۳۲۸). باید توجه داشت که افغانستان جدای از همکاری‌های اقتصادی و تجاری با مسائل امنیتی مواجه است. تروریسم، فقر و بیسوادی در کشورهای عضو سارک مشهود است اما این مسائل در افغانستان برجسته‌تر می‌باشد. زمینه‌های فقر و بی سوادی در افغانستان باعث شده تا تروریسم از این کشور به دیگر نقاط از جمله هند گسترش پیدا کند بنابراین همکاری‌ها از طریق اتحادیه سارک ضروری می‌نماید. با عضویت افغانستان در سارک، هند خواهان سهم فعالانه‌تری برای هر دو کشور در سیاست‌های منطقه‌ای بود. به ویژه اینکه دو کشور در این اتحادیه در بسیاری از موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی مواضع مشترک داشتند. حوزه‌های مهم همکاری شامل مبارزه با تروریسم، همکاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای و آموزش‌های فنی بود که برای هر دو کشور مهم و حیاتی به نظر می‌رسید.

۴. نقش افغانستان در تأمین منافع هند

هند به طور کلی می‌تواند از طریق افغانستان به مجموعه‌ای از اهداف سیاسی و اقتصادی نیل پیدا کند. در این بخش از تحقیق به نقش افغانستان در تأمین منافع هند پرداخته می‌شود. هند با توجه به منافع ملی خود (اقتصادی و سیاسی) و نقش افغانستان در تأمین این منافع، وارد بازی افغانستان شد تا بتواند با جلب اعتماد طرف افغانستانی خود را به اهداف خود نزدیک کند. از جمله اهداف سیاسی که هند در قالب منافع ملی خود در افغانستان گنجانده است، گسترش عمق استراتژیک خود به آسیای مرکزی و فرار از محاصره توسط پاکستان است. اهداف اقتصادی هم استفاده از بازار آسیای میانه و تأمین انرژی مورد نیاز هند است. در ذیل به این اهداف پرداخته می‌شود.

۱-۴. اهداف سیاسی-امنیتی

- محاصره سیاسی پاکستان: یکی از اصول اساسی در سیاست خارجی هند، اصل محاصره سیاسی است که از مکتب کاتیلیا سرچشمه می‌گیرد. مکتب کاتیلیا معتقد است همسایگان به عنوان دشمن مفروض می‌شوند و دشمن مستقیم همسایه به عنوان دوست تلقی می‌شود. پاکستان از بدو استقلال به عنوان دشمن و رقیب استراتژیک هند در منطقه محسوب شده و روابط نه چندان دوستانه افغانستان با پاکستان در نیز باعث می‌شود که طبق اصل کاتیلیا از دوستان هند به حساب آید. ورود هند به منطقه آسیای مرکزی عمق



استراتژیک این کشور را تا آسیای مرکزی گسترش داده و از محاصره‌اش توسط ائتلاف چین-پاکستان جلوگیری می‌کند. همچنین هند می‌تواند از طریق پایگاه‌های نظامی‌اش در آسیای میانه یعنی کشورهای ازبکستان و تاجیکستان، به هرگونه تهدید امنیتی در مرزهای بی‌ثبات افغانستان و پاکستان واکنش دهد و پاکستان را از دو طرف افغانستان و آسیای مرکزی در شمال غرب و مرزهای شرقی پاکستان با هند در شرق، تحت فشار قرار دهد. همچنین این پایگاه یک قابلیت بسیار مهم برای وارد کردن نیروهای ویژه به داخل صحنه جنگ با دشمن در زمانی که یک حالت اضطراری به وجود آید به هند می‌دهد به طوری که در زمان درگیری، هند می‌تواند از پشت به پاکستان حمله کند (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۲-۱۲۹). در واقع افغانستان وزنه سنگینی در موازنه قوای بین هند و پاکستان محسوب می‌شود و نفوذ بیشتر هر یک از این بازیگران در افغانستان منجر به افزایش عمق استراتژیک و در نتیجه غلبه بر حریف می‌شود.

- تحدید نفوذ پاکستان: حادثه ۱۱ سپتامبر و تحولات افغانستان بهترین فرصت را برای هند به وجود آورد تا بتواند پاکستان را هرچه بیشتر در انزوا قرار دهد. یکی از اهداف اساسی هند از اعمال سیاست خارجی‌اش در افغانستان این بوده که با مهار پاکستان از حضور نیروهای پاکستانی در افغانستان بکاهد و مانع از شکل‌گیری یک دولت رادیکال در افغانستان شود (موسوی شفایی و اسکندری، ۱۳۹۵: ۱۱۴) و به نوعی افراط‌گرایی اسلامی را در افغانستان کاهش دهد. پاکستان با آموزش و حمایت نیروهای بنیادگرا در افغانستان از آن‌ها برای عملیات علیه هند در کشمیر استفاده می‌کند. بسیاری از جنگجویان کشمیری از مجاهدین افغانستان در زمان جنگ با شوروی الهام گرفته و با هند می‌جنگند (سجادی، ۱۳۹۷: ۳۷). پاکستان به عنوان کشوری بی‌ثبات محیطی امن برای رشد این پدیده و تروریسم بوده است. در این میان وجود مدارس مذهبی افراطی در پاکستان نیز بی‌تأثیر نبوده است. بر اساس آمار تعداد مدارس مذهبی افراطی پاکستان بیش از ۱۲۱۵۳ باب مدرسه در سراسر کشور با بیش از ۲۵۲/۵۴۹/۱ دانش‌آموز مشغول به تحصیل می‌باشد (صراف یزدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۱). شواهد نشان داده بسیاری از تروریستانی که در افغانستان هستند، در پاکستان آموزش دیده و به واسطه پاکستان، تمویل و تجهیز می‌شوند. بر اساس گفته‌های مقامات افغانستانی، حتی تعداد زیادی از این تروریست‌ها تبعه پاکستان هستند. همانطور که در متن پیشین گفته شد برخی از جنگجویان کشمیری از افراد طالبان در افغانستان الگو برداری کرده و به خرابکاری در کشمیر تحت کنترل هند می‌پردازند که این موضوع حساسیت زیادی برای هند دارد.

-مقابله با تروریسم: هند همواره نگران گسترش تروریسم در منطقه تحت تسلط



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

خود بوده است و پاکستان را منشأ این تروریسم معرفی کرده است (احمدی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). به عقیده نگارنده ترس هند از نفوذ افراط‌گرایی اسلامی از افغانستان به کشمیر یکی از عواملی است که باعث شده تا هند سیاست خارجی فعالی را در تقابل با پاکستان در افغانستان در پیش بگیرد چرا که طبق گزارشات، هند بعد از افغانستان و عراق سومین کشور قربانی تروریسم در جهان است (ایرنا، ۱۳۹۷/۷/۱). برای مثال در سال ۱۹۹۶ با انفجار قطار مسافری ۳۳ نفر کشته شدند. در سال ۱۹۹۸ در شهر کویماتور هند ۱۲ بمب منفجر شد و ۵۸ کشته بر جای گذاشت. در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ به پارلمان هند حمله شد. در سال ۲۰۰۳ نیز بر اثر انفجار بمبی مقابل هتل تاج محل هند بیش از ۵۰ نفر کشته شدند. در جولای ۲۰۰۶ هفت بمب در قطار برون شهری منفجر شده و باعث کشته شدن ۲۰۰ نفر و زخمی شدن بیش از ۷۰۰ نفر شد (جعفری و توحیدی، ۱۳۹۷: ۳۰). بنابراین طی سال‌های گذشته، هند تمام تلاش خود را برای تبدیل شدن دوباره افغانستان به پناهگاه گروه‌های تروریستی به کار گرفته است (Krishnan M: 2019).

۲-۴. اهداف اقتصادی

-تأمین انرژی: این کشور با رشد مستمر اقتصادی سه دهه اخیر خود به یک قدرت نوظهور تشنه انرژی و خواهان گسترش حوزه نفوذ در محیط پیرامونی خویش به ویژه در آسیای مرکزی تبدیل شد. هند به عنوان یک قدرت آسیایی با درک اهمیت تعامل در سیاست خارجی و ادغام در اقتصاد سیاسی جهانی از یک سو و نیاز روزافزون آن به تأمین انرژی، مواد اولیه بازار، صدور کالا، خدمات و نیروی کار در چارچوب یک «سیاست راهبردی معقول ملی» مبتنی بر اصل متنوع‌سازی منابع انرژی، توجه به ظرفیت‌های بکر آسیای مرکزی، پیوند و ارتباطات عمیق با مناطق مذکور را در دستور خویش قرار داده است. ذخایر قابل توجه نفت و گاز و برخی مواد معدنی غیر نفتی از جمله اورانیوم، و رقابت اقتصادی با چین از عمده دلایل مهمی است که بر سیاست‌های دهلی‌نو در حوزه آسیای مرکزی تأثیر گذاشته است (میبدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷-۲). این کشور سالیانه مقادیر زیادی سنگ اورانیوم از قزاقستان وارد می‌کند (Menon & Rajiv: 2019). شرکت‌های نفتی هند برای نخستین بار در مجاورت قزاقستان در دریای خزر در طرح‌های اکتشاف و استخراج نفت سرمایه‌گذاری کرده‌اند و با توجه به اینکه ترکمنستان چهارمین دارنده ذخایر گاز جهان است (www.emerald.com: 2017) دهلی‌نو سعی کرده است از این فرصت برای تأمین انرژی گازی استفاده کند بطوریکه در سال ۲۰۱۳ پس از ژاپن، کره جنوبی و چین، هند چهارمین واردکننده گاز شناخته شده است (Wallace: 2014). همچنین این کشور سومین مصرف‌کننده ذغال سنگ در جهان به شمار می‌رود. (Sachdeva, 2010: 125) در زیر جدول تولید و



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

مصرف نفت هند به نمایش گذاشته شده است:

جدول ۲: میزان تولید و مصرف نفت هند از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵

سال	تولید (هزار بشکه در روز)	مصرف (هزار بشکه در روز)
۱۹۹۰	۶۶۰.۰۰۰	۱.۱۶۸.۰۰۰
۱۹۹۵	۷۰۳.۰۰۰	۱.۶۵۵.۰۰۰
۲۰۰۰	۶۴۶.۰۰۰	۲.۱۴۷.۰۰۰
۲۰۰۵	۶۶۵.۰۰۰	۲.۵۵۰.۰۰۰
۲۰۱۰	۷۵۱.۰۰۰	۳.۳۰۵.۰۰۰
۲۰۱۵	۷۶۱.۰۰۰	۳.۶۶۰.۰۰۰

(ظهیری نژاد، ۱۳۹۷: ۹۷)



سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند در افغانستان: با تأکید بر نقش افغانستان در تأمین منافع ملی هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)

- تجارت: میزان تجارت هند با کشورهای آسیای مرکزی در ابتدای شروع ارتباطات، میزان ناچیز ۵۰۰ میلیون دلار بوده است اما از زمان به قدرت رسیدن نرندرا مودی در هند (۲۰۱۴)، این مقدار رو به افزایش گذاشته است. به طوری که می‌توان عنوان کرد تبدلات تجاری بین طرفین به مقدار ۵۰۲۵،۷۹ میلیون دلار در ۲۰۱۷ رسید (مبیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶). برای باز کردن موضوع و فهم بهتر، مناسبات هند با ۴ کشور آسیای مرکزی (تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان) را بررسی می‌کنیم:

قزاقستان: این کشور بزرگترین شریک تجاری و محل سرمایه‌گذاری هند در آسیای مرکزی است و حجم مبادلات تجاری آن‌ها در سال ۲۰۱۸ فقط ۱/۲ میلیارد دلار بوده است. حجم صادرات قزاقستان مقدار ۹۵۴،۰۸ میلیون دلار و حجم صادرات هند نیز ۷۸/۲۴۲ میلیون دلار بوده است. مناسبات دو کشور در زمینه‌های تجاری، فرهنگی و نظامی افزایش داشته است. باید گفت هند بیشتر از صادرات به قزاقستان، از این کشور واردات انرژی داشته است به طوری که در ۲۰۱۶ هند هزار تن اورانیوم از قزاقستان وارد کرد. (Embassy of India, Nur-Sultan:2018)

قرقیزستان: مبادلات تجاری بین دو کشور در ۲۰۱۶ مقدار ۲۸ میلیون دلار بوده

که میزان صادرات هند ۲۷ میلیون دلار و صادرات قرقیزستان فقط ۱ میلیون دلار بوده است. دو کشور طی تفاهمی خواهان گسترش روابط دو جانبه و همکاری در بخش‌های مختلف بوده‌اند. در راستای گسترش روابط، در سفر نرندرا مودی نخست وزیر هند به قرقیزستان در سال ۲۰۱۹م انجمن تجاری هند-قرقیزستان پایه گذاری شده و مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار برای حمایت از برنامه‌های توسعه‌ای در این کشور از طرف هند منظور گردید. همچنین طرفین معاهده منع مالیات مضاعف را که به عنوان سدی در برابر تجارت دو کشور عمل می‌کرد امضا کردند (Gupta,2020: 26).

تاجیکستان: سران دو کشور طی بازدیدهایی که از کشورهای یکدیگر داشتند، تفاهم نامه‌های همکاری و استراتژیک را امضا کردند. صادرات اصلی هند دارو، پوشاک، لوازم جانبی، صنایع دستی، ماشین‌آلات و گوشت و فرآورده‌های گوشتی و صادرات تاجیکستان به هند شامل؛ آلومینیوم، مواد شیمیایی آلی، روغن گیاهی، خشکبار و پنبه بوده است. حجم تجارت دو کشور نوسانات زیادی را پشت سر گذاشته است به طوری که با شروع تجارت گسترده بین طرفین در سال ۲۰۰۵م میزان صادرات هند به تاجیکستان مقدار ۱۲/۱۳ میلیون دلار بوده است و در سال ۲۰۱۴م این مقدار به اوج خود یعنی مقدار ۵۵/۱۳ میلیون دلار رسیده ولی بعد از این روند نزولی داشته به طوری که در سال ۲۰۱۹م به مقدار ۱۴/۲۰ میلیون دلار رسیده است (Embassy of India, Dushanbe: 2020).



سال اول، شماره ۴،

زمستان ۱۴۰۱

سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)،

ترکمنستان: علاوه بر مشارکت دو کشور هند و ترکمنستان در پروژه تاپی، میزان صادرات هند به این کشور مقدار ۷۳/۲۹ میلیون دلار بوده است و واردات آن هم به ۴۶،۰۹ میلیون دلار می‌رسیده است. اقلام صادراتی هند به ترکمنستان شامل؛ دارو، ماشین‌آلات و تجهیزات فنی، گوشت و محصولات گوشتی، کالاهای پلاستیکی، منسوجات، کالاهای چرمی و ... بوده است. وجود ذخایر عظیم و مهم هیدروکربن در ترکمنستان و نیاز هند به این ماده می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای توسعه بیشتر این همکاری‌ها باشد (What Is India, Com:2007).

نویسندگان معتقدند، هند برای رسیدن به اهداف متصور خود در آسیای مرکزی هنوز راه طولانی دارد و ضرورت برنامه‌ریزی برای افزایش بازیگری در این منطقه نمایان می‌باشد. میزان ناچیز و اندک مبادلات تجاری بین هند و کشورهای مذکور نیز مهر تأییدی است بر این مدعا. همچنین حضور بازیگر قدرتمندی مثل چین در این منطقه کار هند را با چالش مواجه کرده است و هند برای رسیدن به اهداف خود پیش از هر چیز دیگری باید در تقابل با چین، راه حل اصولی و پر بازده داشته باشد.

نتیجه‌گیری

هند از ابتدای ورود به افغانستان، همکاری و مشارکت را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داد و در زمینه‌های گوناگون اقدام به توسعه و بازسازی افغانستان کرده است و در این راه حدود ۳ میلیارد دلار را به مصرف رساند و به این ترتیب در صدر لیست کشورهای کمک‌کننده به افغانستان قرار گرفت. حوادث و تحولات ۱۱ سپتامبر در ۲۰۰۱ فرصت مناسبی برای هند فراهم کرد تا از این تحولات به نفع خود استفاده کند. ورود هند به عرصه افغانستان علاوه بر کمک به این کشور برای توسعه و بازسازی، شامل اهداف و مقاصد سیاسی و اقتصادی نیز بود. افغانستان سال‌ها به عنوان پناهگاه امنی برای تروریست‌ها شناخته شده بود و حمایت‌های پاکستان از تروریست‌ها نیز نگرانی هند را دو چندان کرده بود. هند از جمله کشورهایی است که برای سال‌های متمادی قربانی تروریسم بوده و بحران کشمیر و وجود افغانستان ناامن نیز بر این مشکلات افزوده بود. تشکیل حکومت رسمی در افغانستان در ۲۰۰۱ این فرصت را برای هند به ارمغان آورد تا با حمایت دولت مرکزی افغانستان نه تنها با تروریسم مقابله کند، بلکه از حضور و نفوذ پاکستان در افغانستان نیز بکاهد. با توجه به تحولاتی که طی سال‌های گذشته در اصول سیاست خارجی هند رخ داده می‌توان ادعا کرد که این کشور از عدم تعهد و جهان‌سوم‌گرایی به سمت عمل‌گرایی اقتصادی حرکت کرده است. گرایش به صنعتی شدن و نیازهای داخلی، هند را به یکی از واردکنندگان و مصرف‌کنندگان بزرگ و عمده انرژی در دنیا تبدیل کرده طوری که این کشور جایگاه چهارم را در این عرصه کسب کرده است. بنابراین هند برای تأمین انرژی مورد نیاز خود به شرکای جدیدی نیاز دارد که در منطقه آسیای مرکزی واقع شده‌اند. این کشورها علاوه بر تأمین انرژی مورد نیاز هند (گاز-نفت و اورانیوم) بازارهای بکری دارند که کالاهای هندی می‌تواند این بازارها را در اختیار خود بگیرد. هند علاوه بر مسائل اقتصادی، مجموعه‌ای از منافع سیاسی را نیز در آسیای مرکزی دنبال می‌کند. حضور و گسترش نقش هند در این منطقه باعث می‌شود که عمق استراتژیک خود را تا آسیای میانه گسترش داده و از حلقه تنگ محاصره پاکستان خارج شود. به علاوه موقعیت جغرافیایی و استراتژیک منطقه مذکور این امکان را به هند می‌دهد تا حتی بتواند به مهار و محاصره پاکستان بپردازد به طوری که از شمال غرب و شرق، پاکستان زیر ذره بین هند قرار می‌گیرد و هرگونه تحرک تهدیدآمیز توسط پاکستان با واکنش سریع هند مواجه می‌شود. موقعیت استراتژیک افغانستان که به عنوان قلب آسیا شناخته می‌شود این امکان را به هند می‌دهد تا به این اهداف نیل پیدا کند. افغانستان به مثابه پلی ارتباطی بین هند و آسیای مرکزی عمل می‌کند به نحوی که هند می‌تواند کالاهای خود را از طریق افغانستان و به صورت زمینی به این منطقه صادر کرده و متقابلاً موارد مورد نیاز خود را از



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۰۱-۲۰۱۳)

همین مسیر تأمین کند.

هند برای رسیدن به این اهداف راه درازی در پیش دارد. به علاوه وجود برخی مشکلات و محدودیت‌ها باعث می‌شود تا حرکت هند کند شود. یکی از این مشکلات وجود مشکلات عدیده امنیتی پیرامون هند است. همانطور که گفته شد هند در همسایگی دو کشور ناامن و بی ثبات پاکستان و افغانستان قرار دارد و به علاوه بحران کشمیر سالهاست به عنوان یک بحران حاد گریبان گیر هند است. ایران نیز به عنوان یکی از همسایگان افغانستان و پاکستان که کیلومترها مرز مشترک با این دو کشور دارد شاهد چنین مشکلاتی بوده است. ایران و هند می‌توانند با همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی و همچنین کمک در امر بازسازی افغانستان و حمایت از دولت مرکزی در این کشور از این مشکلات بکاهند و به صورت مشترک از منافع این امر سود ببرند. وجود رقیبی مثل چین نیز باعث شده تا هند در آسیای مرکزی با یک رقیب قدرتمند روبرو باشد. باید این نکته را نیز مد نظر داشت که چین برخلاف هند دارای مرز مشترک زمینی با کشورهای آسیای مرکزی بوده و همچنین حجم مبادلات تجاری این کشور با کشورهای آسیای مرکزی چندین برابر هند است. بنابراین وجود یک برنامه منسجم میان تمامی ادارات هندی برای فائق آمدن بر این مسأله ضروری می‌نماید. استفاده از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، می‌تواند یکی از راه حل‌های این مشکل باشد. کشور هند می‌تواند با سرمایه گذاری‌های عظیم در این منطقه و همچنین تبادل دانشجو و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی به نوعی افکار عمومی در منطقه هدف را به سمت خود متمایل سازد و از این راه برای رسیدن به مقاصد خود استفاده کند.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱).

منابع

آقاچیری، محمدجواد و کریمی، مرتضی (۱۳۹۴). نقش بازیگران منطقه‌ای در فرایند دولت سازی افغانستان در دوران طالبان و پساتالبان. پژوهشنامه روابط بین الملل، شماره سی ام، تابستان، صص ۵۷-۱۰۴.

بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳). دگرگونی سیاست خارجی هند: از جهان سوم گرایی به عمل گرایی اقتصادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۹۶-۱۶۱.

پورااحمدی میبیدی، حسین و قوام، عبدالعلی و خانی جوی آبادی، محمود (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی سیاست خارجی هند و راهبردهای پیوند و ارتباط آن با آسیای مرکزی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۸، تابستان، صص ۱-۳۲.

جمالزاده، ناصر (۱۳۹۲). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

دادگران، سید محمد (۱۳۹۴). مبانی ارتباطات جمعی، تهران: انتشارات فیروزه.

دهقان، یدالله و یزدانی، عنایت الله و کاظمی، مهدی (۱۳۹۷). بررسی نقش و جایگاه افغانستان در روابط استراتژیک ایران و هند، دو فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دهم، شماره ۳۴، بهار و تابستان، صص ۱۶۶-۱۴۷.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵). اصول و مبانی روابط بین الملل ۲، تهران: انتشارات سمت.

سبحانی، مهدی، (۱۳۸۹). رفتارشناسی رویکردهای جدید در سیاست خارجی هند، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره سوم، پاییز، صص ۶۷۶-۶۵۵.

سجادی، اکبر (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی سیاست خارجی هند و پاکستان در افغانستان از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۶. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

سیمبر، رضا و بهرامی مقدم، سجاد و زیبایی، مهدی (۱۳۹۴). سیاست خارجی هند، رشت: اداره چاپ و انتشارات دانشگاه گیلان.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱).

شفیعی، اسماعیل و عیدوزایی، نعیم (۱۳۹۲). نقش حمایت خارجی در احیای طالبان در افغانستان، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز، صص ۱۲۶-۹۱.

شفیعی، نوذر و فرجی نصیری، شهریار و متقی، افشین (۱۳۹۱). رویکرد هند در قبال افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با نگاه به ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۵۲-۱۲۵.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن، و حامد نوری (۱۳۹۶). دیپلماسی عمومی (جلد ۱)، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.

صراف‌یزدی، غلامرضا و نجاتی، جواد و صبری، محسن (۱۳۹۰). ساختار قدرت در پاکستان و علل ناپایداری سیاسی آن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره شانزدهم، پاییز، صص ۹۰-۶۳.

ظهیری نژاد، مهناز (۱۳۹۷). تحول در سیاست خارجی هند، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کول، کریس (۱۳۷۶). کلید طلایی ارتباطات، ترجمه محمدرضا آل یاسین، تهران: انتشارات هامون.

کولایی، الهه و واعظی، طیبه (۱۳۹۱). تحول در سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره اول، بهار، صص ۲۷۴-۲۴۷.

کهرازه، یاسر (۱۳۹۹). دیپلماسی اقتصادی و مناسبات استراتژیک توسعه‌ای؛ نمونه هند، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، بهار، صص ۶۲-۳۳.

مجته‌دزاده، پیروز و احمدی‌پور، زهرا و حسین‌پور پویان، رضا (۱۳۸۹). بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیک روابط در شبه قاره هند، دو فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، شماره پنجم، زمستان، صص ۷۸-۵۵.

محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم (۱۳۹۷). امکان سنجی همگرایی ایران-پاکستان با تأکید بر گزینه رقیب هند، دو فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دهم، شماره ۳۴، بهار و تابستان، صص ۲۷۶-۲۵۵.

موسوی شفایی، مسعود و اسکندری، سعیده (۱۳۹۵). راهبرد موازنه‌گرایی هند

در تعامل با ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیستم، تابستان، صص ۹۷-۱۲۱.

موسی زاده، رضا (۱۳۸۷). سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نشر میزان.

نجفی، جعفرحسین (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه سیاست خارجی هند و پاکستان در قبال افغانستان (۲۰۱۴-۲۰۰۱)، پایان‌نامه لیسانس، دانشگاه غرjestان، کابل، افغانستان.

نورمحمدی، مرتضی و فصیحی دولت‌شاهی، محمدعارف (۱۳۹۷). کاربست نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای در تحلیل مسائل و الگوهای روابط در جنوب آسیا، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره دهم، شماره دوم، زمستان، صص ۱۵۳-۱۸۹.

نیاکویی، سیدامیر و بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳) روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره اول، بهار، صص ۱۶۰-۱۲۳.

وثوقی، سعید و فلاحی، احسان و حیدری، قربانعلی (۱۳۹۳). تبیین جایگاه افغانستان به عنوان کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای با تأکید بر منطقه آسیای جنوبی و نقش هندوستان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۷، پاییز، صص ۱۷۷-۱۴۹.

یزدان فام، محمود (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره چهلهم، بهار، صص ۲۷۶-۲۴۷.

خبرگزاری ایرنا. ۱۳۹۷. هند سومین کشور آسیب‌دیده از تروریسم در جهان است. قابل دسترسی در <http://www.irda.ir/news/83041014>

خبرگزاری تسنیم. ۱۳۹۵. فشار پاکستان و تعویق ساخت ۱۲ سد روی دریاچه کابل توسط اشرف غنی. قابل دسترسی در <http://fa.com.tasnimnews.www://https://23/03/1395/news>

خبرگزاری شفقنا. ۱۳۹۶. اهمیت اقتصادی بند کمال خان در حوزه جنوب غرب. قابل دسترسی در <http://FA.com.shafaqna.af//https://194902>

روزنامه اطلاعات روز. ۱۳۹۹. دیپلماسی افغانستان؛ چند روایت فراتر از «کابلی» قابل دسترسی در <https://www.etilaatroz.com/117990/afghan-diplomacy-a-few-narrations-beyond-kabuli-vala>



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تأکید
بر نقش افغانستان
در تأمین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

روزنامه هشت صبح. ۱۳۹۹. شرایط و چگونگی زندگی دانشجویان در هند. قابل دسترسی در <https://facts-and-thoughts-india-in-study/af.am/>

Arun, Sahgal & Vinod Anand. 2010. "Strategic Environment in Central Asia and India." in Nirmala Joshi (Ed.) Reconnecting India and Central Asia, Singapore: Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program. Available From: <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/Monographs/1004Joshi-V-Strategic.pdf>

Bibi, Zeenat. 2018. "India's Public Diplomacy in Afghanistan and Implications for Pakistan." The Modern Diplomacy, Available From: <https://modern-diplomacy.eu/2018/05/04/indias-public-diplomacy-in-afghanistan-and-implications-for-pakistan/>

Delinic, Tomislav & Pandey, Nishchal. 2014. "Afghanistan in SAARC: Towards Deeper Engagement." Kathmandu, Nepal: Centre For Asian Studies. Available From: <https://www.files.ethz.ch/isn/169382/afghan-conference-CSAS-KAS-policy-paper.pdf>

Drishitias.com. 2019. "India Central Asia Relations." Available From: <https://www.drishitias.com/pdf/1599962170-india-central-asia-relations.pdf>

Embassy of India, Dushanbe, Tajikistan. 2020. "India-Tajikistan Bilateral Relations." Available From: <https://www.eoidushanbe.gov.in/page/bilateral-relations-and-visits/>

Embassy of India, Nur-Sultan, Kazakhstan. 2018 "India-Kazakhstan Relations." Available From: <https://www.indembaстана.gov.in/docs/15759602511.pdf>

Ganguly, Sumit. 2012. "India's Role in Afghanistan." Barcelona: CIDOB Policy Research Project. Available From: https://www.cidob.org/en/content/download/56589/1454678/version/4/file/OK_SUMIT%20GANGULY.pdf

Gareth Price. 2013. "India's Policy towards Afghanistan." The Chathamhouse.org, Available From: https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/public/Research/Asia/0813pp_indiaafghanistan.pdf

Gupta, Arvind. 2020. "India-Central Asia Relations." New Delhi: Vivekananda International Foundation. Available From: <https://www.vifindia.org/sites/default/files/Annual-Report-20-21.pdf>

Mea. 2009. "India and Afghanistan: A Development Partnership." Publication by ministry of external affairs. Available from: https://mea.gov.in/Uploads/PublicationDocs/176_india-and-afghanistan-a-development-partnership.pdf



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

Menon, Rhea & Rajiv, Sharanya.2019. “**Realizing India’s Strategic Interests in Central Asia.**” The Carnegie India, Available From: <https://carnegieindia.org/2019/12/01/realizing-india-s-strategic-interests-in-central-asia-pub-80576/>

Rakesh sood. 2021. “**Redefining India’s role in Afghanistan.**” Available From: <https://www.orfonline.org/research/redefining-indias-role-in-afghanistan/>

Sachdeva, Gulshan. 2010. “**Regional Economic Linkages.**” In Nirmala joshi (Ed.) Reconnecting India and Central Asia, Singapore: Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program, Available From: <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/Monographs/1004Joshi-VII-Linkages.pdf>

Wallace, Rechar. 2014. “**India’s Quest for Energy in Central Asia.**” The Diplomat.com, Available From: <https://thediplomat.com/2014/08/indias-quest-for-energy-in-central-asia/>

What Is India.Com. 2007. “**Indo-Turkmenistan Relations.**” Available From: https://www.whatisindia.com/issues/turkmeni/indo-turkmeni_info.html

Krishnan M , Sethu. 2019. “**India-Afghanistan Relations – Everything you need to know.**” Available From: <https://www.clearias.com/india-afghanistan-relations>

Bajoria , jayshree. 2009. “**India-Afghanistan Relations.**” Available From: <https://www.cfr.org/backgrounder/india-afghanistan-relations>

www.emerald.com.2017.” **Turkmenistan cannot sell more gas despite new find.**” Available From: emerald.com/insight/content/doi/10.1108/OX-AN-DB220904/full/html

Zaharna,R.S.(2009).”**Mapping Out a Spectrum of Public Diplomacy**” in Nancy Snow & Philip M.Taylor (Ed.). Routledge Handbook of Public Diplomacy, New York: Published in association with the USC Center on Public Diplomacy at the Annenberg School based at the University of Southern California.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
سیاست خارجی هند
در افغانستان: با تاکید
بر نقش افغانستان
در تامین منافع ملی
هند (۲۰۱۳-۲۰۰۱)

The Zionist regime and Iranophobia strategy

mohammad pourghorban¹

Abstract:

Iran and its strategies in the West Asian region, especially after the victory of the Islamic Revolution, have always been the focus of other countries and nations, especially the countries of the West Asian region. In the meantime, the Zionist regime, as a country that has the greatest conflict of interests with the Islamic Republic of Iran, has always paid special attention to its movements and strategies in the region and at the international level, and has not spared any efforts to weaken and destroy it. Supporting the axis of resistance, paying special attention to the Palestinian issue, supporting liberation movements, and not recognizing the Zionist regime as an independent country are some of the things that always pit Iran and the Zionist regime against each other. Taking advantage of soft power and using the media space can be considered as one of the main activities of the Zionist regime and its regional and international supporters to attack Iran. Perhaps Iranphobia can be considered one of the tools of the Zionist regime in this soft war. A strategy that has been effective at times and has been able to deal blows to Iran's international and regional image. This research seeks to analyze and investigate the impact of Iran-phobia on the strategy of the Zionist regime in the region. This research was carried out in a descriptive and analytical way, and library and internet sources were used in doing it

Keywords: Zionist regime, West Asia, strategy, Iranophobia



1-Assistant Professor of International Relations, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Karaj, Iran
(mhpor@yahoo.com)

رژیم صهیونیستی و راهبرد ایران هراسی

محمد پورقربان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

چکیده:

رژیم صهیونیستی به عنوان کشوری که بیشترین تضاد منافع را با جمهوری اسلامی ایران داشته است، همواره توجه ویژه‌ای به تحرکات و راهبردهای آن در منطقه و سطح بین‌الملل داشته است و از هیچ کوششی برای تضعیف و تخریب آن دریغ نکرده است. حمایت از محور مقاومت، توجه ویژه به مسئله فلسطین، حمایت از جنبش‌های آزادیبخش و عدم به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی به عنوان کشوری مستقل از مواردی هستند که ایران و رژیم صهیونیستی را همواره در مقابل یکدیگر قرار میدهند. بهره گرفتن از قدرت نرم و استفاده از فضای رسانه‌ای را میتوان جزو عمده فعالیت‌های رژیم صهیونیستی و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن برای ضربه زدن به ایران قلمداد کرد. شاید بتوان ایران‌هراسی را یکی از ابزارهای رژیم صهیونیستی در این جنگ نرم دانست. راهبردی که در برخی مواقع موثر واقع شده و توانسته ضرباتی را به وجهه بین‌المللی و منطقه‌ای ایران وارد کند. رژیم صهیونیستی همواره کوشیده است با بهره‌گیری از ایران هراسی و ایجاد یک دشمن ساختگی در منطقه غرب آسیا، راهبردهای خود را در منطقه تعریف و پیش ببرد. سوال این پژوهش بر این پایه استوار است که ایران هراسی چه تاثیری بر راهبرد رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا داشته است؟ فرضیه پژوهش به این نکته میپردازد که رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از ایران هراسی راهبرد عادی سازی روابط در غرب آسیا را در پیش گرفته است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده و در انجام آن از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بهره گرفته شده است.

واژگان کلیدی: ایران هراسی، راهبرد، غرب آسیا، رژیم صهیونیستی



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
رژیم صهیونیستی و
راهبرد ایران هراسی

۱- استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی،

کرج، ایران

در جنگ جهانی دوم، صهیونیست‌ها با دامن زدن به داستان هولوکاست بر شتاب و مشروعیت مهاجرت یهودی‌ها به فلسطین افزودند. افزایش یهودی‌ها در فلسطین منجر به افزایش درگیری آنها با ساکنان عرب فلسطین میشد تا جایی که انگلیس مهاجرت یهودی‌ها را محدود کرد. اما صهیونیست‌ها، که در دوران جنگ به ابرقدرت جدید، آمریکا نزدیک شده بودند، توانستند قبل از پایان جنگ دوم جهانی حمایت کشورهای اروپایی، آمریکا، انگلیس و حتی شوروی را جلب کنند و تشکیل رژیم صهیونیستی را در شورای ملل متحد به تصویب برسانند. ساعت ۱۲ شب ۱۴ می ۱۹۴۸ رژیم صهیونیستی اعلام موجودیت کرد و ده دقیقه بعد آمریکا آن را به رسمیت شناخت و انگلیس نیروهایش را از فلسطین خارج کرد تا بر قیمومیت خود بر فلسطین پایان دهد (فقیه زاده گرجی و اسلامی، ۱۳۹۶: ۲۵۳).

رژیم صهیونیستی از ابتدای تاسیس تاکنون به دلیل اختلاف‌های زیاد با همسایه‌های عرب خود برای برقراری روابط با کشورهای غیر عرب در غرب آسیا تلاش کرده است. انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه ناظران سیاسی غرب و شرق، منبع الهامی برای مسلمانان جهان و جهان اسلام تلقی میشد. این انتظار وجود داشت که رهبران ایران تلاش خواهند کرد با تکیه بر ایده‌ی صدور انقلاب اسلامی که امام خمینی (ره) نیز بدان تصریح داشت، با منافع جهان ماتریالیست به معارضة برخیزند. از نظر امام خمینی (ره)، معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار بشوند و همه دولت‌ها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی میکنند نجات بدهد^۱ (فیرحی، ۱۳۹۵: ۱۹۸).

پس از انقلاب اسلامی ایران و به دلیل ماهیت ایدئولوژیک آن، رویکرد دولت ایران نسبت به رژیم صهیونیستی کاملاً تغییر کرد. دوستی و روابط ایران با وقوع انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از تقریباً ۳۰ سال به پایان رسید. این در حالی است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه، دولت رژیم صهیونیستی پیشبینی وقوع این واقعه را نموده بود. این مسأله هنگام مسافرت ژنرال داوید ایودی فرمانده نیروی هوایی اسرائیل به تهران در ۵ آبان ۱۳۵۷ به خوبی مشاهده شد. این در حالی است که در آغاز سال ۵۷ بیش از ۱۵۰۰ خانواده رژیم صهیونیستی ایران را ترک کردند.

اما به رغم مهاجرت تعدادی از یهودیان ایرانی به رژیم صهیونیستی، هنوز ۵۰ هزار یهودی در ایران باقی مانده بودند. در دی ۱۳۵۷ که محمد رضا شاه به کلی در رفع بحران ناتوان شده بود، سپهبد ربیعی و طوفانیان به ژنرال شکف پیشنهاد کردند که با موشه دایان^۱ یا وایزمن^۲ به تهران بیایند. روز ۲۲ بهمن که انقلاب ایران به پیروزی رسید، سفارت رژیم صهیونیستی در تهران مورد حمله قرار گرفت و تظاهرکنندگان پرچم رژیم صهیونیستی را آتش زدند. ۳۳ شهروند رژیم صهیونیستی برجای مانده هم در ۲۹ بهمن از ایران خارج شدند و بدین گونه دفتر همکاری دو کشور بسته شد (مهدوی، ۱۳۹۳: ۴۵۸).

در مجموع و از دیدگاه رهبران انقلاب، ایران تأسیس اسرائیل در بیتالمقدس و حمایت استراتژیکی آمریکا و غرب از این دولت، کانون اصلی مناقشه بین اسلام و غرب در منطقه است (فیرحی، ۱۳۹۵: ۲۰۲). در مجموع رخداد انقلاب اسلامی در ایران، ضدیت آشکار آن با رژیم صهیونیستی، نظر امام خمینی (ره) که رژیم صهیونیستی را غده‌های سرطانی تشبیه کردند و خواستار حذف آن شدند، همچنین فعالیت‌های هسته‌های ایران که از سوی غرب و به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی و علیه رژیم صهیونیستی برآورده شده است، سبب شکل گرفتن اقدام‌هایی جهت رویارویی با ایران، از سوی رژیم صهیونیستی شد (کولایی و رضازاده، ۱۳۹۲: ۱۱).

۱- ایران هراسی

ایران هراسی در معنای ترس مفرط و غیرعقلانی از ایران خصوصاً با بزرگنمایی تهدید ایران هسته‌های کاربرد دارد. ایران هراسی نخستین بار در جریان مذاکرات صلح مصر و رژیم صهیونیستی در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد میلادی ظهور یافت. رژیم صهیونیستی برای متقاعد ساختن افکار عمومی خود مبنی بر اینکه صلح با اعراب امکان‌پذیر است، نیازمند یک تهدید خارجی بود تا جایگزین تهدید کشورهای عربی کند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و مخالفت با قرارداد صلح کمپ دیوید فرصت طلایی برای دولتمردان رژیم صهیونیستی بود تا از ایران تصویری تهدیدآمیز ارائه کنند. به عبارت دیگر، ایران هراسی، پروژه راهبردی است که براساس آن، ایران به عنوان تهدیدی بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی مطرح و به عنوان یک متغیر مزاحم و بازیگر اخلاقی در نظام بین الملل به تصویر کشیده میشود. این رویکرد از سوی ایالات متحده آمریکا و صهیونیسم بین الملل با هدف به

1-Moshe Dayan

2-Chaim Weizmann

حاشیه راندن جمهوری اسلامی ایران دنبال می شود (عابدی، ۱۳۹۸: ۱).

موضوع ایران هراسی اما در زمره موضوعاتی است که با گذشت زمان، تأثیری روزافزون را در سیاستگذاران رژیسم صهیونیستی، بالاخص در حوزه سیاست خارجی و منطقه ای، پیدا کرده است. اگر نگاهی به این سیاست در سالهای اولیه پیروزی انقلاب تاکنون انداخته شود، مشخص خواهد شد که ایران هراسی در گفتمان رژیسم صهیونیستی، رشد و تأثیری روزافزون داشته و در مواردی، مبدل به یکی از اساسیترین ابزارهای آن در راستای نیل به اهداف خود، در منطقه و یا فرامنطقه، گشته است. استفاده ابزاری از ایران هراسی در سیاست خارجی رژیسم صهیونیستی به میزانی در یک دهه گذشته افزایش یافته است، که مقامات رژیسم صهیونیستی برای پیشبرد اهداف خود مجبور به بزرگنمایی روزافزون خطر ایران هستند. این بزرگنمایی و اغراق بیش از اندازه، منجر به اعتراض شدید برخی مقامات و تحلیلگران رژیسم صهیونیستی نیز شده است (ذاکریان و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۸).

عمده افراد در رژیسم صهیونیستی بر این مسئله اتفاق نظر دارند که ایران در بیش از یک دهه گذشته در صدر فهرست دشمنان بوده است. رژیسم صهیونیستی به تهدید ایرانی، به عنوان تنها تهدیدی برای موجودیت و آینده خود مینگرد. ایران آخرین تهدید استراتژیک برای رژیسم صهیونیستی در همه زمینهای امنیتی به شمار میرود. برنامه هستهای ایران و گسترش نفوذ این کشور در خاورمیانه و محور شیعه که از جنوب به خلیج فارس و از شمال تا بندر لاذقیه میرسد، تهدیدی استراتژیک برای رژیسم صهیونیستی هستند. ایران همچنین مهمترین کشور حامی جنبش های حماس، جهاد اسلامی و حزب الله است که همگی کمر به نابودی رژیسم صهیونیستی بستهند (کاسپیت، ۱۳۹۷: ۱).

مقامات رژیسم صهیونیستی همواره به تهدید ایران بُعدی منطقه ای و بین المللی میدهند که همگی در راستای سیاستهای جلب حمایت جهانی و ایجاد جبهه ضدایرانی علیه برنامه هسته ای ایران، تقویت ایران هراسی و شکستن محور مقاومت ضد رژیسم صهیونیستی به رهبری ایران است (نیکو و سویلمی، ۱۳۹۶: ۱۵۸). طبق سند امنیت ملی رژیسم صهیونیستی در سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ رژیسم صهیونیستی قصد دارد با مطرح کردن پروژه ایران هراسی، در راهبرد منطقه ای جدید خود علاوه بر بسیج کردن ظرفیت غرب، به ویژه آمریکا، برای جلب حمایت بی دریغ از این رژیسم خصوصاً اعراب خلیج فارس و مشخصاً عربستان سعودی ارتباط برقرار کرده و از این طریق علاوه بر تهدید

1-Ben Caspit

فضای ضد ایرانی در غرب آسیا، توافق و رضایت عملی اعراب را علیه جمهوری اسلامی ایران با خود همراه کند (ذاکریان و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۷).

از این جهت میتوان گفت که «ایران یکی از مهمترین داراییهای استراتژیک رژیم صهیونیستی به شمار میرود. طی چند سال اخیر شمار فزاینده تماسهای پنهانی رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و مسلمان منطقه و جهان را شاهد بودهایم و این در حالی است که رژیم صهیونیستی با هیچ یک از این کشورها روابط دیپلماتیک ندارد. این ابراز علاقه ناگهانی بین رژیم صهیونیستی و شماری از کشورهای عربی به تدریج به سمت روابطی جدی پیش می رود و اینها همه به لطف ایران است. تهدید شیعه و گسترش نفوذ ایران به سمت غرب، به نگرانی عمده بسیاری از رهبران منطقه تبدیل شده است. رژیم صهیونیستی به عنوان تنها واکنش به ترس از بازسازی امپراطوری پارسی به این میدان جنگ کشیده شده است. بنیامین نتانیاھو، نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی به طور فعالانه از وضعیت موجود برای تقویت موقعیت رژیم صهیونیستی به عنوان یک پایگاه دفاعی منطقه ای و آهنربایی برای جذب همه آنهايي که از ایران میترسند، استفاده میکنند» (کسپیت، ۱۳۹۷: ۱). شاید بتوان عنوان نمود که «یکی از اشخاصی که بیشترین تلاش را در راستای نهادینه سازی ایران هراسی در سیاستگذاریهای رژیم صهیونیستی و تغییر سیاستها و راهبردهای منطقه ای و فرامنطقه ای آن در این قاب و قالب انجام داد، کسی نیست جز بنیامین نتانیاھو. بنیامین نتانیاھو پس از پیروزی در انتخابات عمومی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۹ سیاست خارجی این کشور را به میزان زیادی تغییر داد، به طوری که تلاش دولتمردان رژیم صهیونیستی بر خروج از انزوا و دوستی با کشورهای عرب منطقه، متمرکز شد. خصوصاً در دور دوم نخست وزیری او، یعنی در سال ۲۰۱۳ انگیزه وی برای گسترش مسأله ایران هراسی چند برابر شد و حتی رژیم صهیونیستیها را هم تشویق به گسترش ایران هراسی کرد. (Bergman, 2018: 654)

نتانیاھو در مدت تصدی پست نخست وزیری رژیم صهیونیستی، بارها و بارها در جریان حضور در مجامع بین المللی، مسأله ایران هراسی را مطرح کرده است. «در حقیقت مقامات رژیم صهیونیستی و شخص نتانیاھو در تلاش بودند تا شرایط را بیش از پیش برای ایران خطرناک کنند و به دو هدف مهم خود یعنی انزوای حداکثری ایران و ائتلاف گسترده و فراگیر منطقه ای با کشورهای عرب منطقه، علیه ایران، دست یابند. آنچه که تحت ایران هراسی نامیده میشود، بر بستر برخی واقعیتهای در منطقه و وارونه نمایی برخی دیگر شکل گرفته تا در پرتو آن هزینه قدرتیابی و نفوذ منطقه ای و فرامنطقه ای جمهوری اسلامی ایران به گونهای افزایش یابد که برهم خوردن هرگونه توازن

قوایی بر علیه رژیم صهیونیستی، غیر ممکن شود (شریعتینیا، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

۲- عوامل مؤثر بر گسترش ایران‌هراسی

این عوامل که به چند بخش تقسیم می‌شوند در گسترش ایران‌هراسی نقش عمده‌ای دارند. دسته اول عوامل ماهیتی هستند که در راستای گسترش ایران‌هراسی تأثیرگذار می‌باشند و دسته دوم ناشی از فعالیت‌های ایران یا عوامل تاکتیکی در منطقه می‌باشد و دسته سوم عوامل راهبردی مؤثر در این حوزه می‌باشند. عوامل ماهیتی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۲-۱- عوامل ماهیتی

الف- سیاست خارجی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، مشخص بود که سیاست خارجی کشور نیز دچار تحولاتی عمیق خواهد شد. بنیان و خمیرمایه انقلاب ایران، از امری دینی و مذهبی نشأت گرفته بود و تأثیر مذهب در سیاست‌گذاری و تعیین خط مشی آینده کشور، تأثیری بسزا بود. ایجاد تعادل میان ایدئولوژی و پراگماتیسم در سیاست خارجی ایران، سابقه‌ای طولانی دارد و شاید بتوان عنوان کرد که مستمرترین مشکل سیاست خارجی کشور بوده است (Ramazani, 2004: 549).



سال اول، شماره ۴،

زمستان ۱۴۰۱

رژیم صهیونیستی و

راهبرد ایران‌هراسی

این مشکل، در فردای پیروزی انقلاب اسلامی، به شکلی دیگر خود را بازتولید نمود. تأثیر اسلام و اسلام‌گرایی و همچنین تبلور آن در انقلاب و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان، خود را در سیاست خارجی و تغییرات بنیادین آن نشان داد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر چندین اصل استوار است که در عرصه بین‌المللی راهنمای رفتار و کنش سیاست‌گذاری‌های خارجی قرار می‌گیرند. بر اساس اسناد رسمی، به ویژه قانون اساسی، بیانات امام خمینی (ره) و عملکرد رفتاری دولتهای مختلف جمهوری اسلامی، به خصوص پس از سقوط دولت بنی‌صدر، میتوان عنوان نمود که اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی عبارتند از: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، استکبارستیزی، ظلم‌ستیزی، عدالتخواهی، حمایت از مستضعفان و محرومان، حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان، همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل، تعهد به قراردادهای و تعهدات و قوانین بین‌المللی^۱.

۱- اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تعریف رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از دشمنانی که باید از صفحه روزگار محو شود، از دستیابی ایران به فناوریهای هستهای بیم داشت. نکته قابل توجه این است که رژیم صهیونیستی توانست از این مساله استفاده نموده و بار دیگر ایران را به عنوان تهدیدی وجودی برای رژیم صهیونیستی بازنمایی کند که اگر به فناوریهای هستهای دست یابد، با توجه به شعارها و مشی این کشور در مقابل رژیم صهیونیستی، دست به نابودی آن خواهد زد. عدم اطلاع رسانی غنیسازی ایران به آژانس بین المللی انرژی اتمی، منجر به تحریک و ایجاد سوالات فراوانی در سراسر جهان شد و همین امر، عامل گسترش پروژه ایران هراسی توسط رژیم صهیونیستی در جهان شد. رژیم صهیونیستی برای مدتها عنوان کرد که ایران به دنبال دستیابی به سلاح اتمی است و در صورت کسب آن، به رژیم صهیونیستی حمله خواهد کرد. تأکید و تصویرسازی های مکرر از هولوکاست و ایجاد ارتباط ناخودآگاه میان هولوکاست و امکان رخ دادن دوباره کشتار یهودیان، از جمله تصویرسازی ها و بازنمایی هایی بود که هم اذهان جهانیان را تحریک مینمود و هم «ایران هراسی» را بسط و گسترش میداد. این موضوع تا به امروز نیز یکی از اصلترین موارد سخنرانیهای مقامات بلندپایه رژیم صهیونیستی در مجامع بین المللی است. البته باید به این نکته اشاره کرد که از سال ۲۰۱۲ میلادی، رژیم صهیونیستی روند ترور دانشمندان هستهای ایران را آغاز کرد که در کتاب «برخیز و اول تو بکش» به آن اشاره شده است (ضرغامی خسروی، ۱۳۹۹: ۷۶).

اما حتی این مسأله را نیز درقاب و قالب دفاع از خود در برابر «احتمال نابودی نزدیک»، بازنمایی کرده است. رژیم صهیونیستی در اکثر مواقع که به دنبال کاهش نفوذ ایران و افزایش فشار بر این کشور است، مساله حمله قریب الوقوع ایران به رژیم صهیونیستی را برجسته نموده و از این مسیر، اقدام به نیل به اهداف خود مینماید. نکته قابل توجه برای تشخیص استفاده ابزار رژیم صهیونیستی از برنامه اتمی ایران و هراس افکنی از آن در جهان این است که هنگامی که برجام میان ایران و قدرتهای جهان منعقد شد و برنامه هستهای ایران، تحت نظارت مستمر آژانس بین المللی انرژی اتمی درآمد و بر اساس گزارشهای متعدد آژانس، ایران به شرایط آن پایبند بوده و آن را نقض نکرده است، مقامات رژیم صهیونیستی بیشترین مقاماتی در جهان بودند که به مخالفت با این معاهده پرداخته و خواهان لغو آن شدند. برجام، یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین ابزارهای پروژه ایران هراسی رژیم صهیونیستی را از دست آنان گرفته بود و این برای پروژه ایران هراسی رژیم صهیونیستی، امری بسیار مضر تلقی می شد. بنابراین تمام تلاش خود را انجام داد تا برجام فروپاشد و بار دیگر بازنمایی برنامه اتمی ایران در قالب پروژه ایران هراسی، آغاز

گردد. از این منظر، برنامه هسته‌های ایران نیز ضلع دیگری از پروژه ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی را تشکیل داده است.

ب- امضای توافق برجام

یکی از نکاتی که بیش از پیش باید به آن توجه داشت تصویب برجام از سوی کشورهای موسوم به ۵+۱ است. یعنی موضوعی که بشدت باعث خشم رژیم صهیونیستی و تلاش برای گسترش ایران‌هراسی شد. این در حالی است که در سال ۲۰۱۸ میلادی دونالد ترامپ رئیس جمهوری وقت آمریکا برخلاف کشورهای اروپایی که خواستار ادامه برجام بودند، این توافق را به ضرر آمریکا عنوان کرد و بارها در نطق‌های انتخاباتی قبل و پس از انتخابات ۲۰۱۶ در این مورد سخنرانی کرد که این مساله باعث خوشنودی رژیم صهیونیستی شد (برزگر، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

البته مخالفت و موضع خصمانه رژیم صهیونیستی نسبت به برجام از زمان علنی شدن مذاکرات هسته‌ای تا پذیرش برجام از سوی بنیامین نتانیاهو بارها تکرار شد. توافق بد که به موجب آن ایران سریعتر به سوی هسته‌های شدن پیش می‌رود و امنیت رژیم صهیونیستی، منطقه و جهان را تهدید میکند، محور ثابت اظهارات نتانیاهو علیه توافق هسته‌ای بوده است (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۶۰). پس از ناکامی تلاش‌های رژیم صهیونیستی در راستای رد توافق هسته‌ای در کنگره آمریکا، خطوط جدیدی به خط مشی سیاسی این کشور وارد شد، که به صورت آشکار در دیدار نتانیاهو از آمریکا بازتاب یافت. نقطه کانونی این خط مشی جدید، پذیرش ناگزیرانه تصمیم کاخ سفید و تلاش برای مدیریت تنش‌ها در چند ماه باقیمانده دولت اوباما بود، به ویژه که شکاف ایجادشده میان یهودیان آمریکا در پی مواضع مختلف آنها در مورد توافق هسته‌ای ایران و رویارویی آنها در قالب یهودیان وفادار به دولت اوباما و یهودیان هواخواه رژیم صهیونیستی، ضرورت بیش از پیش ایجاب میکرد، بازسازی روابط این دو را، هرچند به صورت ظاهری و سطحی البته این روند با تلاش برای دستیابی به امتیازات نظامی و نیز لابی با نخبگان سیاسی همسو با رژیم صهیونیستی در نهادهای مختلف آمریکا به ویژه کنگره برای مانع تراشی در اجرای برجام همراه بوده است (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

۲-۳- عوامل راهبردی

الف- حمایت گروه‌های جهادی

یکی از چالش‌های رژیم صهیونیستی تشکیل نیروی مقاومت لبنان، موسوم

به حزب الله، و حمایت جمهوری اسلامی از آن است. اگرچه حزب الله در سال ۱۹۸۵ رسماً اعلام موجودیت کرد، اما می توان گفت که حزب الله لبنان به عنوان یک اندیشه و تفکر از سال ۱۹۸۲ شکل منسجم به خود گرفته و از جریان های سیاسی- اسلامی است که از اندیشه های امام موسی صدر نشأت گرفته است. اما بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ به رهبری امام خمینی (ره) این جریان قدرت و شدت بیشتری گرفت تا ساختاری به مراتب قدرتمندتر از سازمان مادر یعنی جنبش امل در صحنه سیاسی لبنانی نمود پیدا کند. دوره و زمان تاسیس حزب الله نیز بسیار قابل توجه است. این حزب در اوج مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران رژیم صهیونیستی که نیمی از لبنان را به اشغال خویش در آورده و تا بیروت هم پیشروی کرده بودند، توانست با ادامه مبارزه تا سال ۲۰۰۰ میلادی تقریباً تمامی خاک لبنان را آزاد کند (ضرغامی خسروی، ۱۳۹۹: ۷۸).

میتوان گفت که با قدرتمندتر شدن حزب الله لبنان و جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ که بنا بر اعتقاد رژیم صهیونیستی اولین رویارویی مستقیم بین ایران و رژیم صهیونیستی هم بود، تلاش رژیم صهیونیستی برای گسترش ایران هراسی هم شروع شد. (Freilich, 2018: 451) حماس، از دیگر گروه های مبارز و مخالف با رژیم صهیونیستی است. حماس مخفف واژه حرکت مقاومت اسلامی از احزاب اسلامگرای سیاسی- نظامی فلسطینی است که در حال حاضر کنترل نوار غزه را در دست دارد. این گروه از سال ۲۰۰۶ اکثریت کرسی های پارلمان فلسطین را در اختیار گرفته است. حماس در سال ۱۹۸۷ در جریان انتفاضه اول از سوی شیخ احمد یاسین و محمود طه به عنوان شاخه فلسطینی و به منظور آزاد کردن فلسطین از اشغال رژیم صهیونیستی و برقراری یک دولت اسلامی در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه بنیانگذاری شد. وجه تمایز حماس با دیگر سازمانها و گروه های فلسطینی در پیش گرفتن مکتب اسلام به عنوان راه پیروزی و رهایی فلسطین و تلاش به منظور آزادی و اتحاد و یکپارچگی و برپایی حکومت اسلامی در فلسطین است. رژیم صهیونیستی سالهاست که جمهوری اسلامی ایران را به حمایت همه جانبه از حماس متهم کرده است و حتی در گزارش شورای امنیت ملی رژیم صهیونیستی به طور آشکار بر لزوم مقابله با جمهوری اسلامی ایران از طریق دامن زدن به ایران هراسی تأکید جدی شده است (ضرغامی خسروی، ۱۳۹۹: ۷۹). تعبیر غده سرطانی به رژیم صهیونیستی از طرف امام خمینی (ره) و طرح شعار نابودی رژیم صهیونیستی چالش جدی را پیش روی صهیونیست ها قرار داد و به حرکت فلسطینیها شتاب بیشتری بخشید (بیکمی، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

ب- حضور در سوریه

سوریه مهم‌ترین متحد ایران در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود که همزمان با دیگر کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ شاهد وقوع اعتراض‌های ضدحکومتی بود. حضور نیروهای ایرانی، و همچنین نیروهای مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران، در سوریه از همان ابتدای آغاز جنگ داخلی در سوریه، منجر به حساسیت شدید رژیم صهیونیستی در این رابطه شد. بنابراین، ضلع دیگری نیز به پروژه ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی در منطقه اضافه شد و آن نقش ایران در سوریه و جنگ‌های مشابه منطقه ای بود. رژیم صهیونیستی را باید به عنوان یکی از بازیگران صحنه داخلی و بحران سوریه دانست. بازیگران دیگری همانند عربستان و قطر نیز تلاش دارند تا روندهای جدید سیاست منطقه ای را تحت تاثیر شکل بندیهای قدرت جهانی سازماندهی نمایند (متقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷).

بازنمایی‌های رژیم صهیونیستی گاه به گونهای بود که بسیاری از مردم جهان در این توهم غوطه‌ور میشدند که مسئولیت تمام خرابیها و مصیبت‌های ایجاد شده در سوریه و جنگ‌های منطقه ای خاورمیانه، با ایران است. رژیم صهیونیستی با مطرح کردن نام ایران، سعی دارد تا نفوذ منطقه ای تهران را کاهش دهد، در این خصوص با نگاهی به تحولات سوریه این مسأله را میتوان درک کرد. اکنون با بازگشت کشورهای عربی به سوریه برنامه جدی برای ایجاد فاصله میان دمشق و تهران شکل گرفته است تا این کشورها بتوانند در میدان دیپلماسی و سیاست خارجی بستر کاهش حضور ایران را در سوریه شکل دهند و از آن طرف رژیم صهیونیستی نیز سعی دارد در بعد تحولات میدانی، حضور ایران را تحتالشعاع قرار دهد (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۹). این احساس همچنین از پاسخ محدود ایالات متحده به موضع ایران در سوریه نیز سرچشمه میگیرد. بدین معنا که رژیم صهیونیستی میبایست به تنهایی با ایران و نیروهای نیابتی آن در منطقه مقابله کند، مسالهای که خطر وقوع مقابله بین رژیم صهیونیستی و محوری که توسط ایران رهبری میشود را افزایش میدهد. یکی از ساز و کارهای کارگزاران امنیتی رژیم صهیونیستی را باید ایجاد بحرانهای حاشیهای برای افزایش جدال اسلامگرایان با یکدیگر و با کارگزاران جبهه مقاومت دانست (متقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۵).

در سال ۲۰۲۰ نگاهها در رژیم صهیونیستی به برنامه‌های ایران برای مرحله پس‌اداعش و به ویژه برنامه ایجاد منطقه نفوذ مستقیمی در امتداد مرزهای ایران تا دریای مدیترانه و نیز تقویت جبهه نظامی علیه سوریه و لبنان بود. براساس ادعای دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در خصوص برنامه‌های ایران، نقش‌های تقویت نفوذ در سوریه و جبهه نظامی علیه رژیم صهیونیستی، شامل ایجاد پایگاه‌های نظامی طولانی مدت و ارتش نیابتی دائمی، علاوه بر

نیرو‌هایی در عراق و لبنان، و برپایی تاسیسات نظامی برای ساخت موشک‌های دقیق در سوریه و لبنان، میشود (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۹).

نگرانی‌های رژیم صهیونیستی، اول از تلاش ایران برای برپایی راهی زمینی در مرکز غرب آسیا، یعنی از ایران تا عراق، سوریه، و دریای مدیترانه است. دوم، جمهوری اسلامی برای ایجاد موجودیت نظامی و اقتصادی طولانی مدت در سوریه با موافقت رسمی نظام اسد تلاش میکند. و نگرانی سوم، آن است که ایران برای ساخت یگان مسلح بزرگی تلاش میکند تا به عنوان جزئی از محور مقاومت مطرح باشد. رژیم صهیونیستی تمام این تحرکات را تهدیدی استراتژیک برای خود میدانند که در صورت تحقق، سوریه به متحدی دائمی برای ایران تبدیل میشود، مسائلهای که به تعمیق ریشه‌های ایران در این کشور منجر میشود، ایرانی که متعهد به نابودی رژیم صهیونیستی شده است و میتواند بدین طریق سوریه را به جبهه‌های نظامی علیه رژیم صهیونیستی مبدل نموده و احتمال برخورد‌های مستقیم بین ایران و رژیم صهیونیستی را افزایش دهد. اما مقابله با نفوذ ایران در منطقه تحت عنوان جلوگیری از حضور سازمان یافته ایران در سوریه با حملات هوایی و موشکی به مراکز مربوط به سپاه قدس در آن کشور شکل گرفته است. بنا به ادعای خودشان بیش از دویست هدف نظامی ایرانی در سوریه را نابود کرده‌اند، تا بنا بر ادعای خود جلوی ارتباط زمینی از تهران تا بیروت را گرفته و زنجیره حمایت تسلیحاتی ایران از مقاومت را سد کند (ملائک، ۱۳۹۶: ۸۸).

۳- ائتلاف منطقه ای رژیم صهیونیستی

به دلیل اینکه پروژه ایران‌هراسی یک پروژه فراگیر و گسترده است، به همین دلیل رژیم صهیونیستی تحرکات جدی را در عرصه منطقه ای و فرامنطقه ای آغاز کرده است. اگر چه روابط دوستانه رژیم صهیونیستی با آمریکا پس از تاسیس آن آغاز شده است، اما مشاهده میشود که رژیم صهیونیستی برای گسترش ایران‌هراسی بیش از پیش در صدد جلب کمک‌های بیشتر از آمریکا است. در مورد دوستی رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی هم باید گفت که رژیم صهیونیستی برای نیل به اهداف بلند مدت خود در راستای گسترش ایران‌هراسی و انزوای ایران تلاش میکند تا دوره جدیدی از روابط سیاسی و اقتصادی را با کشورهایی مانند عربستان در زمان ولیعهدی بن سلمان آغاز کند. روزنامه ی‌دی‌عوت آهارونوت به نقل از منابع اطلاعاتی فاش کرد که محمد بن سلمان عربستانی با مقامات رژیم صهیونیستی دیدارهایی داشته است و مقامات رژیم صهیونیستی نیز اسم رمز «پسر» را برای او انتخاب کرده بودند (رستمی و تارا، ۱۳۹۷: ۱۳۳) به بیانی دیگر عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی

را به صورت نوعی رابط میان خود و آمریکا میبیند (امامزاده فرد، ۱۳۹۰: ۱۷۱).

۴- نقش آمریکا

روابط رژیم صهیونیستی و آمریکا یک رابطه خاص محسوب میشود. پیوند دوستانه مستمر با رژیم صهیونیستی و حساسیت به چالش‌های امنیتی آن از مهمترین ویژگی‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بوده است، به طوری که در طول حیات رژیم صهیونیستی، آمریکا بارها نقش خود را به صورت ستون بنیادین امنیت رژیم صهیونیستی ایفا نموده است (درج، ۱۳۹۸: ۱۱۰). از همین روی به اعتقاد صاحب‌نظران سیاسی یکی از مهمترین دلایل کاهش محبوبیت ایالات متحده در میان مردم جهان، حمایت همه جانبه و بی چون و چرای این کشور از رژیم صهیونیستی است (حسنخانی و صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲). به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، تمایل به گسترش ایران‌هراسی از دوره اوباما به دوره ترامپ با یک چرخش کاملاً واضح مواجهه شده است. به عنوان مثال، آمریکا با ایجاد تنش در منطقه و پرورش دادن پروژه ایران‌هراسی در منطقه سوده‌های کلانی میبرد و از طرف دیگر با تفرقه افکنی بین ایران و کشورهای عربی در منطقه به صورت کوتاه مدت و بلند مدت در فکر تامین اهداف و امنیت رژیم صهیونیستی است. در رابطه با تامین امنیت رژیم صهیونیستی به این روش یعنی با تفرقه افکنی در سوریه، یمن، عراق و میان سعودی و ایران، قصد تامین امنیت ملی رژیم صهیونیستی را دارد (آبشناس، ۲۰۱۹: ۱).



نکته مهمتر آنست که پس از مین گذاری نفت کش‌ها در خلیج فارس و همچنین حملات موشکی به پالایشگاه آرامکو در سند امنیت ملی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۰ به صراحت عنوان شده است که در راستای انزوای ایران از تشکیل ائتلاف دریایی با مشارکت کشورهای مختلف حمایت میکنند و مقامات رژیم صهیونیستی بارها در این مورد با دولت ترامپ به گفتگو پرداختند (ضرغامی خسروی، ۱۳۹۹، ۸۱).

۵- توجه به کشورهای عربی

با ادامه تلاش رژیم صهیونیستی برای ارتباط برقرار کردن با کشورهای عربی، شرایط برای گسترش ایران‌هراسی مهیا شده است. رژیم صهیونیستی که از سال ۱۹۴۸ میلادی درگیر نبرد و مخاصمه با کشورهای عربی است، قصد دارد تا برای نیل به اهداف خود در راستای ایران‌هراسی به شرایط قبل پایان دهد. این مساله یک چرخش آشکار در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی

است. مقامات رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۷ با یکی از ژنرال‌های بازنشسته ارتش سعودی در هتل شاه داود دیدار کردند، که این دیدار از سال ۱۹۴۸ بی‌سابقه بود. این تغییر سیاست در میان سایر کشورهای عربی هم دیده شد، به طوری که در ماه ژانویه هم وزیر انرژی رژیم صهیونیستی با یکی از مقامات امارات متحده عربی دیدار و گفتگو کرد و دو طرف در مورد تاسیس یک مرکز تجاری رژیم صهیونیستی در ابوظبی به توافق رسیدند. این تغییر سیاست ناشی از آن است که مسائل استراتژیک و مهمی برای این کشورها و رژیم صهیونیستی پدید آمده است که عبارتند از امنیت، انرژی و مشارکت در منابع طبیعی، البته بسیاری از این مسائل در پشت صحنه رخ می‌دهد. در سال ۲۰۱۸ وزیر جنگ وقت رژیم صهیونیستی در مصاحبه با رسانه‌های عربی متذکر شد که رژیم صهیونیستی تمایل دارد تا اطلاعات خود را در زمینه‌های مختلف از جمله تبادل اطلاعات امنیتی برای مواجهه با ایران با کشورهای میانه رو عرب را در میان بگذارد. در واقع، یکی از دلایلی که رژیم صهیونیستی قصد دارد از انزوا خارج شود، فشارهای آمریکا بر این کشور و همچنین کشورهای عربی است. رژیم صهیونیستی یکی از محافظه‌کارترین کشورهای خاورمیانه است. باید سرانجام بتواند این محافظه‌کاری را پایان دهد و با اعراب سنی دوست و متحد شود. (Shinkman, 2018: 1)

نتیجه‌گیری

بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شعارهایی که توسط انقلابیون داده شد و اهداف و آرمانهای انقلاب که توسط رهبران انقلاب مطرح گردید، نقطه آغازی بر تقابل میان ایران و رژیم صهیونیستی گردید. این تقابل که به جنگ نرم و جنگ نیابتی در برهه‌هایی سوق پیدا کرد، راهبردهایی را از طرف هر دو جناح در پی داشت که شاید بتوان مهمترین راهبرد رژیم صهیونیستی، متحدان غربی و منطقه‌ای آن را، ترویج ایران‌هراسی در منطقه و سطح بین‌الملل دانست. این راهبرد بیشتر از ابزارهای رسانه‌ای سود میبرد و میتواند جای دروغ و واقعیت را تغییر دهد و موضوع را آنطور که میخواهد به جامعه نشان دهد.

رژیم صهیونیستی با توجه ویژه به سمت کشورهای غرب آسیا و به خصوص کشورهای عربی، سعی در ایجاد روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری با این کشورها نموده است و با تکیه بر برخی موارد از جمله توانمندی هسته‌ای، قدرت موشکی، نفوذ منطقه‌ای و ... ایران، سعی در القاء قصد سوء ایران در منطقه و در ارتباط با کشورهای این حوزه دارد تا بتواند سدی در مقابل افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید. این رژیم همواره سعی در خطرناک جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران و اقدامات آن در سطح منطقه

داشته است. تا آنجا که حتی حضور در برخی جنگها به صورت مستشاری و دفاع از مردم آن کشور را مداخله در امور داخلی کشورها عنوان نمودند.

مجموع این اقدامات که به ایران هراسی موسوم است، نیازمند یک استراتژی منسجم و هدفمند در حوزههای رسانه ای و جنگ نرم از سوی ایران است. استفاده از تبیین در حوزههای حساس و مورد توجه و حساسیت دیگر کشورها مخصوصاً کشورهای منطقه غرب آسیا و همچنین تقویت نهادهای اطلاع رسانی و رسانه ای از مواردی است که در جهت خنثی نمودن این رویکرد موثر خواهد بود. اعتقاد دست اندرکاران و سیاست گذاران کشور به این نکته که در میانه یک جنگ نرم تمام عبار قرار داریم، ایران را در پیشبرد این هدف یاری خواهد نمود.

منابع

آبشناس، شیوا (۲۰۱۹). پروژه عظیم ایران هراسی، مصاحبه با دکتر کمال دهقانی فیروزآبادی، اسپوتنیک

احمدی خوی، امیر رضا (۱۳۹۷). آرمان‌های راهبردی و عملگرایی تاکتیکی در سیاست خاور میانه ای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱

امام زاده فرد، پرویز، (۱۳۹۰). سیاست اسرائیل و عربستان سعودی در قبال یکدیگر در دهه های اخیر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره شانزدهم، ۱۸۸ - ۱۶۹

احمدی، وحیده (۱۳۹۵). راهبرد رژیم صهیونیستی در مورد بروجام، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۹، شماره ۷۱

برزگر، کیهان (۱۳۹۸). تحولات اخیر جهان عرب، موازنه قوا و گروه بندی های منطقه ای جدید در خاور میانه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۴، شماره ۳

بیکی، مهدی، (۱۳۸۹). تهدیدات رژیم صهیونیستی برای خاورمیانه، پژوهش های منطقه ای، شماره ۳، ۱۵۶ - ۱۳۰

جوانشیری، امیرصدرا (۱۳۹۸). مقایسه نقش لابی رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ با تاکید بر توافق هسته ای با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال ۱۶، شماره ۶۱

حسن خانی، محمد و صادقی، محمد مسعود، (۱۳۹۲). تحلیل هزینه - فایده ی راهبرد حمایت همه جانبه از رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۶

خسروی ضرغامی، سمیرا و ذاکریان، مهدی و برزگر، کیهان و کاظمی وند، سید علی اصغر، (۱۳۹۹). تاثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه ای جدید رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال ۱۶، شماره ۴

درج، حمید (۱۳۹۸). تبیین جایگاه راهبردی رژیم صهیونیستی در سیاست تسلیحاتی آمریکا در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال ۱۶، شماره ۶۱

رستمی، فرزاد و تارا، علیرضا، (۱۳۹۷). تحلیل روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در سایه توافق هسته ای ایران، فصلنامه سیاست جهانی، دوره هفتم،



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
رژیم صهیونیستی و
راهبرد ایران هراسی

شماره دوم، ۱۴۲ - ۱۱۵

زراعتی، مجتبی (۱۴۰۰). پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان، بررسی نقش سیاست خاورمیانه ای روسیه در مدیریت تعارض رابطه بین ایران و عربستان

شریعتی نیا، محسن (۱۳۸۸). ایران هراسی، دلایل و پیامدها، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم

عابدی، سجاد (۱۳۹۸). پروژه ایران هراسی، روزنامه اعتماد، <http://www.etemad-newspaper.ir/fa/main/detail/136956>

فیرحی، داود، (۱۳۹۵). آسیای میانه، ایران و اسلام، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، بهار ۱۳۹۵، ۲۰۹ - ۱۸۹

فقیه زاده گرجی، حامد و اسلامی، محسن، (۱۳۹۶). هویت یهود و تکوین موجودیت سیاسی رژیم صهیونیستی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره دوم، ۲۷۱ - ۲۴۱

قاسمپور، غفور (۱۴۰۱). پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان، تبعات صلح رژیم صهیونیستی با کشورهای حاشیه خلیج فارس بر روابط منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۰

کولایی، الهه و رضازاده، حبیب، (۱۳۹۲)، نقش ایران در گسترش روابط جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره دهم، ۳۷ - ۹

کاسپیت، بن (۱۳۹۷). ایران هراسی، دارایی استراتژیک رژیم صهیونیستی، دیپلماسی ایرانی، irdiplomacy.ir/fa/news/1980372

ملائک، سیدمحمدحسین (۱۳۹۶). دیپلماسی، امنیت و اشراف اطلاعاتی در روابط ایران و رژیم صهیونیستی، سایت دیپلماسی ایرانی

متقی، ابراهیم و کوه خیل، مرجان و موسی پسندی، علی اصغر، (۱۳۹۳). نقش بازیگران منطقه ای در رادیکالیزه شدن نیروهای اجتماعی خاورمیانه، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۲، ۶۷ - ۳۵

نیکو، حمید و سویلی، مرتضی (۱۳۹۶). جایگاه برنامه هسته ای ایران در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره ۳۷



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
رژیم صهیونیستی و
راهبرد ایران هراسی

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۹۳). سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی، تهران:
نشر پیکان، چاپ دهم

سایت دیپلماسی ایرانی

Shinkman, Paul D. (2017). Secret Israeli_Arab Entente Blocking Peace?, US News, 23June, at:http://www.realcleardefense.com/2017/05/23/secret_israeliar-ab_entente_blocking_peace_293321.html

D. (2018). Israeli National Security, Oxford: Oxford Press Freilich, Charls

s Foreign Policy,*Ramazani, Rouhollah (2004). Ideology and Pragmatism in Iran The Middle East Journal, Vol. 58, No. 4, Winter

Random House Press Caspit, :Bergman, Ronen (2018). Rise and kill first, New York Ben (2019), Israel Worried Iran Might Attack Soon, The AlMonitorat:<https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2019/10/israel-netanyahu-iran-war-generalsolei-mani-saudia-us-trump.html>



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
رژیم صهیونیستی و
راهبرد ایران هراسی

Trust-Building Based on Relational Power in International Relations

Arsalan Ghorbani¹

Mahdi Ansari²

Abstract

The international system as a network with intermingled relationship is the platform for the evolution of the concept of power and its formation among multiple actors. This network is not integrated and the conflict of interests in it has resulted in diverse networks. While assuming that all the actors in the field of international relations are in an incongruous domino process, it should be acknowledged that relational power is a reciprocal process and can lead to the formation and correlation of balanced or unbalanced trust-building networks. The result will be symmetric or asymmetric interdependence. Power is the ability to organize relationships to maintain the process of empowerment. In this regard, the interaction or conflict between the structure and the agent is important as the main characteristic in the strength of the relationship, which results in trust or distrust within the trust network. . The main question of the present article is why and how relational power leads to trust-building in relations between actors in the international arena? In response to this question, the research came to the conclusion that relational power has an effect on trust-building by emphasizing the basic factors of Shareability, exchangeability, active mutual interaction of the structure and agent and Self-activity has influenced trust building between actors It leads to increased trust between actors within the trust network. This research was done on the basis of library sources and .the research method is explanatory-constitutive

Key Words: Relational Power, Trust-building, Trust Network, Agent

structure

1-Professor in International Relations, Kharazmi University
(Arsalagh@yahoo.com)

2-Ph.D. Candidate in International Relations, Kharazmi University
(Smahdiansari@gmail.com)



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
اعتمادسازی بر اساس
قدرت رابطه ای در
روابط بین الملل

اعتمادسازی بر اساس قدرت رابطه‌ای در روابط بین‌الملل

ارسلان قربانی شیخ‌نشین^{۱*}

مهدی انصاری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹

چکیده

نظام بین‌الملل به عنوان یک شبکه با رابطه در هم آمیخته و بستر تحول مفهوم قدرت و شکل‌گیری آن بین بازیگران متکثر است. این شبکه یکپارچه نبوده و تعارض منافع در آن منتج به شبکه‌های متنوع شده است. در عین مفروض قرار گرفتن این موضوع که همه بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل در فرآیند دومینویی نامتجانس قرار دارند، باید ادعان داشت قدرت رابطه‌ای یک فرآیند دوسویه است و می‌تواند به شکل‌گیری و همبستگی متوازن و یا نامتوازن شبکه‌های اعتمادسازی منجر شود که نتیجه آن وابستگی متقابل متقارن و یا نامتقارن خواهد بود. قدرت توانایی سازماندهی روابط برای حفظ فرایند هم‌توانمندی است. در همین راستا تعامل یا تعارض میان ساختار و کارگزار به عنوان مشخصه اصلی در قدرت رابطه‌ای اهمیت می‌یابد که نتیجه آن اعتمادسازی یا بی‌اعتمادی در درون شبکه اعتماد است. سوال اصلی مقاله حاضر این است که چگونه قدرت رابطه‌ای، منجر به اعتمادسازی در روابط بین بازیگران در عرصه بین‌المللی می‌شود؟ در پاسخ به این سوال، پژوهش به این نتیجه رسید که قدرت رابطه‌ای با تأکید بر عوامل اشتراک‌پذیری، مبادله‌پذیری، تعامل متقابل فعال ساختار و کارگزار بر اعتمادسازی تأثیر گذاشته و منجر به افزایش اعتماد بین بازیگران در درون شبکه اعتماد می‌شود. این پژوهش بر مبنای منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و روش پژوهش تبیینی-تکوینی است.

کلیدواژه: قدرت رابطه‌ای، اعتمادسازی، شبکه اعتماد، ساختار- کارگزار.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
اعتمادسازی بر اساس
قدرت رابطه‌ای در
روابط بین‌الملل

۱- استاد تمام روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Arsalangh@yahoo.com

۲- کاندیدای دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Smahdiansari@gmail.com

اعتماد^۱ و اعتمادسازی^۲ از جمله چالش‌هایی است که روابط بین‌الملل همواره با آن مواجه بوده است. با توجه به ماهیت قدرت در عرصه روابط بین‌الملل، چالش تصویر مسالمت‌آمیز داشتن از خود و دشمن دانستن دیگری، عامل اساسی در بی‌اعتمادی است. همین مسئله عاملی است که موجب شکل‌گیری شبکه‌های اعتماد^۳ در درون شبکه بی‌اعتمادی^۴ در روابط بین‌الملل است. به این معنا که تصویر مسالمت‌آمیز داشتن از دیگری موجب شکل‌گیری این شبکه‌ها می‌شود. شبکه‌های اعتماد در روابط بین‌الملل، روابط مستحکم بین بازیگران سطح نظام است که در آن منابع ارزشمند و سرمایه این بازیگران در معرض خطر قرار می‌گیرد (تیلی، ۱۳۹۰: ۳۸). در مجموع، آنچه بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل برای خود به عنوان منافع^۵ تعریف می‌کنند، در برخی مواقع منتج به تضاد منافع شده و موجب بی‌اعتمادی و شکل‌گیری صف‌بندی‌ها می‌شود و در مقابل منافع مشترک زمینه را برای تشکیل شبکه اعتماد فراهم می‌کند.

وقتی اعتمادسازی منجر به نهادینه شدن مجموعه‌ای از قوانین و شیوه‌های جدید می‌شود، روابط بازسازی شده می‌تواند احتمال درگیری‌های مسلحانه را با تعریف مجدد انتظارات، دولت‌ها را به سمت مدیریت روابط به شیوه‌هایی غیز نظامی سوق می‌دهد (Macintosh, 1996: 33-34). این قوانین و شیوه‌های جدید باید در راستای هم‌توانبخشی کارگزار و ساختار باشد. تحمیل قوانین منجر به تحدید آنها و در نهایت نظم جدید می‌شود.

مقصود از قدرت چیست؟ به دلیل عدم ظرفیت الگوهای سنتی قدرت، لاجرم نیازمند کاربست الگوی جدیدی در فهم پویایی سیاست جهانی را فراهم می‌کند که به آن الگوی کوانتومی قدرت^۶ گفته می‌شود. به تقلید از الگوی کوانتومی علوم اجتماعی و نت، دینامیک و پویایی^۷



1-Trust

2-Trust-Building

3-Trust Network

۴- : Mistrust Network. نظام بین‌الملل به عنوان یک شبکه بی‌اعتمادی مورد نظر این پژوهش است و در چارچوب نگاه واقع‌گرایی (آنارشیک بودن) تعریف می‌شود. به منظور تبیین درست مسئله، عنوان می‌کنم که شبکه‌های اعتماد در درون شبکه بی‌اعتمادی شکل می‌گیرد.

5-Interest

6-Power Quantum Algorithm

7-Dynamics

بود.

با این همه، قدرت یک فرآیند دوسویه است و می‌تواند به شکل‌گیری و همبستگی متوازن و یا نامتوازن شبکه‌های اعتمادسازی منجر و نتیجه آن وابستگی متقابل متقارن و یا وابستگی متقابل نامتقارن خواهد بود. فراتر از ویژگی‌های ساختار و کارگزار و عوامل موقعیتی در نظام، قدرت توسط تعاملات با دیگران فعال و محدود می‌شود. روابط و ائتلاف‌هایی که ایجاد می‌شود، می‌توانند منبع اصلی حمایت، مشاوره، اطلاعات و منابع باشند. در این معنا، قدرت توانایی سازماندهی روابط برای حفظ فرایند هم‌توانمندی است. در عین حال شبکه نظام بین‌الملل به عنوان شبکه غیریکپارچه، به دلیل تعارض یا عدم اشتراک ساختار- کارگزار زمینه‌تکثر شبکه‌ها را فراهم کرده است. در برخی مواقع شاهد شکل‌گیری شبکه‌های بی‌اعتمادی در روابط بین‌الملل هستیم. به عبارتی تعارض ساختار و کارگزار به عنوان مشخصه اصلی در قدرت رابطه‌ای اهمیت می‌یابد که نتیجه آن شبکه‌های بی‌اعتمادی در درون شبکه است. این ارتباط منتج به اعتمادسازی یا بی‌اعتمادی و در نهایت شکل‌گیری شبکه اعتماد و شبکه‌های بی‌اعتمادی می‌شود.

مسئله این است که قدرت رابطه‌ای چگونه می‌تواند منجر به اعتمادسازی شود و ارتباط این دو چیست؟ در جهت پاسخ به این سوال، سوالات فرعی دیگری نیز ذهن پژوهشگران را به خود معطوف داشته که زمینه‌ساز پاسخ دقیق‌تر به سوال اصلی است. آیا هر نوع از شبکه منجر به شکل‌گیری قدرت رابطه‌ای متوازن^۱ و وابستگی متقابل متقارن^۲ می‌شود؟ ملاحظات اساسی در شبکه‌های اعتماد جهت تضمین بقای آن کدام‌اند؟ ابزارهای اصلی جهت اعتمادسازی در روابط بین‌الملل و در نهایت اینکه موانع اساسی در برابر آن کدامند؟ در همین راستا هدف پژوهش حاضر تمرکز بر نقش متقابل ساختار- کارگزار به عنوان عناصر فعال در درون شبکه اعتماد است که در نتیجه روابط آن دو شاهد اعتمادسازی یا بی‌اعتمادی در درون شبکه اعتماد هستیم.

روش بررسی در این مقاله توصیفی- تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. در راستای تقویت فرضیه اصلی خود توجه به موارد تاریخی و نمونه‌های موفق شبکه‌های اعتماد و نحوه تعامل میان بازیگران دخیل در این شبکه‌ها، جایگاه قدرت رابطه‌ای بین بازیگران در درون این شبکه‌ها و نهایتاً عوامل بی‌اعتمادسازی که منجر به فروپاشی این

- 1-Balanced Relational Power
- 2-Symmetric Interdependence

شبکه‌ها می‌شوند را مورد توجه قرار می‌دهیم. در این مقاله ضمن توجه به مفهوم اعتماد و بی‌اعتمادی^۱، به منظور ایجاد یک بنیان نظری در زمینه اعتمادسازی بر مبنای قدرت رابطه‌ای، موضوعات مهم اعتمادسازی، تدابیر اعتمادساز و موانع اصلی اعتمادسازی بین بازیگران درگیر در قدرت رابطه‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

رویکردها به مفهوم اعتماد در روابط بین‌الملل

مفهوم اعتماد و اعتمادسازی در روابط بین‌الملل از جمله مفاهیمی در علم روابط بین‌الملل هستند که منابع محدودی در مورد آنها به شکل علمی و نظام‌مند نگاشته شده است. تنها در دهه ۲۰۰۰ بود که محققان روابط بین‌الملل شروع به تحقیق در مورد چپستی اعتماد به شکلی علمی و نظام‌مند کردند؛ اینکه چگونه می‌توان آن را مطالعه کرد و چگونه در روابط بین دولت‌ها عمل می‌کند. اعتماد و بی‌اعتمادی در روابط بین‌الملل اثر اندرو کید (Kydd, 2005) و کتاب اعتمادسازی: غلبه بر بی‌اعتمادی در تعارضات بین‌المللی اثر آرون هافمن (Hoffman, 2006) و مقاله مفهوم‌سازی اعتماد در روابط بین‌الملل اثر دیگر هافمن (Hoffman, 2002) آثار مهمی در توسعه مفهوم اعتماد در روابط بین‌الملل بودند.

مفهوم اعتماد متضمن تمایل به وابستگی به طرف دیگری با امنیت معقول بدون کنترل بر طرف دیگر است (Falcone, and Munin-dar and Tan, ۲۰۰۶: 34). در همین زمینه یان روزیکا و وینسنت کیتینگ در مقاله خود با عنوان جهانی شدن: پژوهش در مورد اعتماد و روابط بین‌الملل تقسیم‌بندی سه‌گانه روش نظریه‌پردازی در زمینه اعتماد در روابط بین‌الملل را پیشنهاد کردند. راه‌های مختلفی برای تعریف مفهوم اعتماد وجود دارد: می‌توان آن را به‌عنوان یک پدیده عقلانی^۲، یک مکانیسم روان‌شناختی^۳، یا به‌عنوان یک مفهوم سازه‌انگارانه^۴ تعریف کرد که همین موضوع -روش‌های متفاوت و متنوع تعریف مفهوم اعتماد- بر معیارهای مورد نظر در اعتماد میان دولت‌ها تأثیر می‌گذارد (Ruzicka, and Keating, 2015: 12).

اعتماد به عنوان یک پدیده عقلایی، خود را در قالب ریسک‌پذیری و در معنای منافع‌محوری مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به عبارتی این



- 1-Miśtruśt
- 2-Rational Process
- 3-Psychological Mechanism
- 4-Constructivist Concept

موضوع در این رویکرد مورد توجه است که آیا یک اقدام منافع‌محور به نفع بازیگران هست یا خیر. همسو دیدن منافع نکته کلیدی در این نگرش است؛ به عبارتی در این رویکرد رفتار بازیگر دیگر برای اقدام متقابل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و معیاری برای اعتماد است. هاردین معتقد است اعتماد، دادن اختیار به دیگری برای تأثیرگذاری بر منافع فرد است. اعتماد در این رویکرد در معرض خطری است که دیگری از قدرت اختیار سوء استفاده کند (Hardin, 1993: 507). نگاه هرج‌ومرج گونه به نظام بین‌الملل و فقدان سیستم‌های اجرایی مؤثر مانع بزرگ همکاری در این نگرش است. در این رویکرد تقلب، اطلاعات ناکافی و هزینه‌های بالای تبادل‌ات عوامل اصلی احتیاط بین بازیگران هستند. انتقاد جدی بر اینکه اعتماد از طریق رویکرد عقلایی به شکلی کامل قابل احصاء است، موضوع هستی‌شناختی آن است که افراد را خودمختار، خودگرا و دارای تفکر استراتژیک متمرکز می‌داند (Rathbun, 2011: 247-248).

مفهوم اعتماد به عنوان یک مفهوم سازه‌انگانه، نقش قوانین و هویت‌هاست. نقطه تمرکز اصلی در این رویکرد این موضوع است که دیگری آنچه را که درست است انجام داده است (Hollis 1998, 10). مطالعه اعتماد از منظر سازه‌نگاری به این معناست که تمرکز نه تنها بر معانی و تفاسیر مشترک^۱، بلکه بر نحوه نمایش آنها در سیاست بین‌الملل در مورد اعتماد است. اساساً، برای اینکه اعتماد بین دو کنشگر منطقی ایجاد شود باید به بازیگر دیگر این برداشت نسبی را داشته باشد که همکاری توسط بازیگر دیگر به شکلی متقابل مورد پذیرش قرار خواهد گرفت.

مفهوم اعتماد به عنوان یک پدیده روان‌شناختی بر احساساتی تأکید می‌کند که تصمیم‌گیری را چه به صورت فردی یا جمعی شکل می‌دهند. باربر اعتماد را به عنوان یک حالت روانی^۲ بین دو یا چند بازیگر تعریف می‌کند که در آن انتظارات مثبت در مورد انگیزه‌ها و مقاصد^۳ آنها وجود دارد. باربر اعتماد را به عنوان انتظار عمومی از رفتار خوب از سوی دیگرانی که کنترلی بر آنها نداریم، توصیف می‌کند (Barber, 1983). به عقیده کید اعتماد این باور است که طرف مقابل همکاری متقابل را به بهره‌برداری یک‌جانبه^۴ از همکاری ترجیح می‌دهد؛ در حالی که بی‌اعتمادی این باور است که طرف مقابل بهره‌برداری یک‌جانبه از همکاری را به دو‌جانبه بودن و جبران آن ترجیح می‌دهد. به عبارت

- 1-Interpretation
- 2-Psychological State
- 3-Motives and Intentions
- 4-Unilateral Exploitation

دیگر، قابل اعتماد بودن، نسبت به یک بازیگر خاص و در یک زمینه خاص، ترجیح دادن برگرداندن نتایج همکاری آنها به جای بهره‌برداری یک‌جانبه از آن است (Kydd, 2005: 6). این تعریف بیش از تعریف‌های دیگر می‌تواند در ارتباط با مقاله حاضر مورد توجه قرار گیرد. چراکه مفهوم قدرت رابطه‌ای را به نحوی مطلوب در خود منعکس می‌کند. در عین حال چند نکته اساسی در تعریف کید از اعتماد وجود دارد؛ اول اینکه به صراحت رابطه بین اعتماد و قابل اعتماد بودن را تعریف می‌کند. دوم اینکه اعتماد را منتج به یک اقدام معنادار دانسته و عکس‌العمل بازیگر دیگر را در آن دخیل می‌داند. سوم این موضوع که اعتماد زمینه‌ای است، یعنی بین بازیگران خاصی در زمینه خاصی اعمال می‌شود. در نهایت اینکه اعتماد یک عامل تعیین کننده میان امید (باور) به همکاری و بهره‌برداری یک‌جانبه است.

در مجموع باید عنوان کرد که در هر سه رویکرد مورد نظر نسبت به موضوع اعتماد، میتوان شاهد ارتباط بین بازیگران و توجه به قدرت رابطه‌ای بود. هر سه رویکردهای عقلایی، سازه‌نگارانه و یا رواشناختی در درون خود با قدرت رابطه‌ای مرتبط هستند. این تعریف کید از اعتماد به جهت توجه به حوزه باور در کنار حوزه عملکردی، پیوند آن را با قدرت رابطه‌ای بیان می‌کند. به عبارتی زمانی که یک شبکه اعتماد بین بازیگران ایجاد می‌شود، بازیگران در پی اقدام معنادار در این شبکه و باور به یکدیگر در آن باقی خواهند ماند و مشارکت فعال خواهند داشت. در غیر اینصورت شبکه اعتماد دچار گسست شده و حتی عاملی در جهت نفوذ شبکه‌های بی‌اعتماد خواهد بود.

باید این نکته را نیز مورد توجه قرار داد که وقتی بحث از اعتماد در روابط بین‌الملل می‌شود، سطوح مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرند: اعتماد بین رهبران، اعتماد در چارچوب داخلی، اعتماد بین نهادها و ادارات دولتی و همچنین اعتماد به ساختار حکمرانی چندجانبه. در همین راستا، در هر یک از این روابط نگرش‌های متفاوت نسبت به اعتماد -عقلانی، سازه‌نگارانه و روان‌شناختی- وجود داشته و با آنها در ارتباط است.

با این همه اعتماد از جمله مسائلی است که به دشواری قابل دسترسی است. در همین جهت مسئله اصلی اعتماد مبتنی بر چهار دلیل است. اول اینکه احتمال پیامدهای منفی، خطر یا عدم اطمینان همواره وجود دارد. دوم اعتماد با مقوله وابستگی متقابل گره خورده است. با این وابستگی بازیگران خود را در معرض آسیب قرار می‌دهند. سوم، موضوع اعتماد با امنیت نسبی پیوند عمیقی دارد که یک احساس عاطفی است

و در روابط بین دولت‌ها هیچ‌گاه به امنیت مطلق تبدیل نمی‌شود؛ چرا که باید دوست و دشمن موقتی و منافع خودی دائمی تعریف شوند. نهایتاً اینکه اعتماد بر مبنای اعتماد شکل می‌گیرد و مبتنی بر بازدارندگی نیست (Falcone, and Munindar and Tan, ۲۰۰۶: ۳۵).

قدرت رابطه‌ای در روابط بین‌الملل

قدرت به عنوان یکی از مفاهیم پیچیده در روابط بین‌الملل یا به عنوان هدف نگریده شده است و یا ابزاری برای دستیابی به سایر اهداف تعریف شده است. قدرت در ادبیات گذشته روابط بین‌الملل به معنای توانایی یک بازیگر در اجبار یا اقناع بازیگر دیگر یا کنترل محیط انسانی و غیر انسانی خلاصه می‌شد (Russett, Starr, and Kinsella 2006: 104). همچنین در همین راستا و در چارچوب سنتی سه رویکرد اصلی برای مشاهده و اندازه‌گیری قدرت وجود دارد: (۱) کنترل بر منابع، (۲) کنترل بر بازیگران، و (۳) کنترل بر رویدادها و نتایج (کیوان حسینی، ۱۴۰۰: ۸۶).

از نیمه قرن نوزدهم قدرت رابطه‌ای مورد توجه اندیشمندان روابط بین‌الملل قرار گرفت. بالدوین^۱ با نقد رویکرد سنتی به قدرت که آن را به عناصر قدرت ملی تقلیل داده آغاز و در مقابل مدعی است که برداشت رابطه‌ای، قدرت را به عنوان رابطه‌ای واقعی یا بالقوه در نظر می‌گیرد که در پی آن رفتار یکی باعث تغییر رفتار دیگری می‌شود. این رفتار شامل باورها، نگرش‌ها، ترجیحات، عقاید، انتظارات، عواطف و یا زمینه عمل است. قدرت در تعامل بازیگران شکل گرفته و آن را نمی‌توان دارایی یک بازیگر خاص دانست (کیوان حسینی، ۱۴۰۰: ۸۹).

در نگاه بارنت و دوال، از چهار گونه قدرت وجود دارد: قهرآمیز^۲، نهادی^۳، ساختاری^۴ و مولد^۵ (Barnett and Duvall, 2005: 43). هر یک از این انواع قدرت به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط هستند. همه به طور همزمان عمل می‌کنند و با یکدیگر در تلاقی هستند. قدرت قهرآمیز که به کنترل یک سوژه توسط یک سوژه دیگر در تعاملات اجتماعی اشاره دارد. قدرت ساختاری شکل‌گیری سوژه‌ها در بافت و بستر اجتماع به گونه‌ای که آنان در رابطه مستقیم با یکدیگر قدرتمند می‌شوند. قدرت نهادی تعاملات

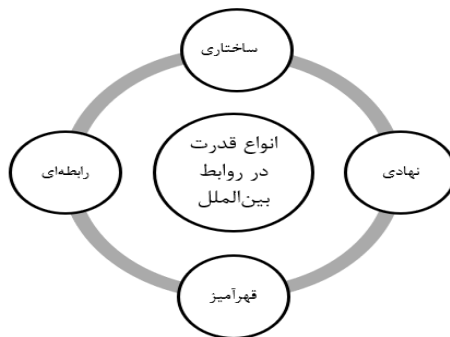


سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
اعتمادسازی بر اساس
قدرت رابطه‌ای در
روابط بین‌الملل

- 1-Baldvin
- 2-Compulsory Power
- 3-Institutional Power
- 4-Structural Power
- 5-Productive Power

اجتماعی گسترده که سوژه‌ها به طور غیرمستقیم یکدیگر را کنترل می‌کنند و در نهایت قدرت سازنده یا مولد که به ساخت متکثر سوگیری در نظام‌های معنایی و دلالت می‌پردازد. توجه این دو بر روابط اجتماعی به عنوان بستر شکل‌گیری و قوام رابطه قدرت محور، مؤید جلوه‌ای از قدرت رابطه‌ای است. در فضای تمرکز بر نظام معنایی و دلالت از نافذیت بیشتری برخوردار شده و قدرت به عنوان کالایی تولید شده در بستر روابط اجتماعی است که تأثیراتی دارد که به بازیگران امکان تعیین شرایط خود را می‌دهد (کیوان حسینی، ۱۴۰۰: ۸۹-۹۰).

در تقسیم‌بندی دیگری از نظر منبع قدرت میتوان آن را به سه گونه کارگزاری^۱، ساختاری و رابطه‌ای^۲ تقسیم کرد. اگر منبع قدرت کارزار باشد، قدرت کارگزاری است که شامل قلمرو یک دولت-ملت، نیروهای نظامی، ثروت اقتصادی یا رهبری می‌شود. موضوعی که در ادبیات سنتی قدرت بیشتر نمایان بوده و بر توانایی کارزار برای تأثیرگذاری بر نتایج یک رویداد و رفتار و شرایط دیگران تعریف می‌شود. در این چارچوب قدرت در روابط بین‌الملل به معنای توانایی یک دولت برای کنترل، یا حداقل تأثیرگذاری بر دیگر دولت‌ها یا نتایج رویدادها است (Griffiths and O'Callaghan 2006: 253). البته قدرت کارگزاری صرفاً به قدرت مادی محدود نمی‌شود و قدرت نرم یا غیر اجبارآمیز که مرتبط با ارزش است را دربر می‌گیرد (Nye, 2004: 5). توزیع توانایی‌ها یا ایده‌ها در نظام بین‌الملل یک موضوع ساختاری تلقی می‌شود که بر رفتار بازیگران تأثیر می‌گذارد.



-
- 1-Agential Power
 - 2-Relational Power

قدرت همواره وابسته به بستر است (نای، ۱۳۹۳: ۱۷). ارتباط متقابل پدیده‌ها عامل اصلی تحول قدرت است. آنچه مقصود ما در این پژوهش است، قدرت رابطه‌ای به معنای روابط بین ساختار و کارگزار و به عبارتی تعامل ساختار-کارگزار به عنوان یک منبع مهم قدرت است. به عنوان مثال، وابستگی متقابل پیچیده^۱ به عنوان یک رابطه بین‌الذنهانی، منبعی برای قدرت است (Qin, 2012: 273). هنگام اندازه‌گیری قدرت، عنصر قدرت متقابل و هم‌توان بخشی در رابطه ساختار- کارگزار عنصری است که نادیده گرفته شده است.

امروزه قدرت با عنوان تأثیرگذاری متقابل^۲ یا روابط بین بازیگران به عنوان یک منبع قدرت معرفی می‌شود که با مفهوم قدرت رابطه‌ای تناسب دارد. این تغییر در نتیجه یک عامل اساسی رخ داد: تغییرات فراتکنولوژیکی در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی که بازیگران را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرد. این نزدیکی هم به عنوان فرصت و هم به عنوان تهدید بروز کرد. در نتیجه این تغییر، بازیگران در عرصه بین‌الملل به سوی تشکیل شبکه‌های اعتماد رفتند که نمونه آن در شرایط امروزی سازمان‌های متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی در ماهیت نظامی- امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مذهبی هستند.

در عین حال تغییرات تکنولوژیکی از طریق شتاب در تغییرات نهادی- بنیادی، تعاملات روابط بین‌الملل، تغییر مفاهیم در روابط بین‌الملل و تقویت افکار عمومی بر قدرت تأثیر گذاشته‌اند. در نتیجه ما شاهد ظهور انواع مختلفی از قدرت در روابط بین‌الملل هستیم. قدرت اجتماعی^۳، قدرت معنایی، قدرت فرهنگی، قدرت نرم^۴ و هوشمند^۵ از جمله این موارد است.

قدرت رابطه‌ای به دلیل ماهیت دینامیک، با تأکید بر عوامل اساسی اشتراک‌پذیری^۶، مبادله‌پذیری^۷، تعامل متقابل فعال^۸ و خودخلاقیتی^۹ بر اعتمادسازی تأثیر گذاشته و منجر به افزایش اعتماد بین بازیگران در



۱۵۵
سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
اعتمادسازی بر اساس
قدرت رابطه‌ای در
روابط بین‌الملل

- 1-Complex Interdependence
- 2-Mutual Efficacy
- 3-Social Power
- 4-Soft Power
- 5-Smart Power
- 6-Shareability
- 7-Exchangeability
- 8-Active Reciprocity
- 9-Self-activity

درون شبکه اعتماد می‌شود. این نوع از قدرت وجهی از قدرت مادی و غیرمادی است که می‌تواند وجوه مختلفی از جمله تولید قدرت در ساختارها را دربرگیرد.

مهم‌ترین مفهوم در قدرت رابطه‌ای مفهوم هم‌توانبخشی است. دو یا تعدادی از بازیگران در درون یک شبکه اعتماد قرار گرفته و عنصر هم‌توانبخشی عاملی اساسی در حفظ این شبکه است. در غیر اینصورت شاهد تزلزل و فروپاشی شبکه اعتماد خواهیم بود؛ در عین اینکه بازسازی و بازتوانبخشی^۱ شبکه اعتماد متزلزل نیز ممکن است.

اعتمادسازی براساس قدرت رابطه‌ای در روابط بین‌الملل

اشتراک‌پذیری، مبادله‌پذیری، خودخلاقیتی و در مجموع باز و نامحدود بودن و افزایش از طریق بهره‌برداری از جمله اصولی است که قدرت رابطه‌ای از طریق آن بر اعتمادسازی یاری می‌رساند. لاجرم زمانی که از قدرت رابطه‌ای صحبت می‌شود، از نوعی شبکه به هم‌پیوسته سخن به میان می‌آید که بازیگران در تلاشند اعتماد دیگری را جلب و استحکام بخشند. در کنار این یکی از ویژگی‌های اساسی قدرت رابطه‌ای توازن یا احساس مشترک^۲ در این رابطه است. ممکن است در درون شبکه‌های اعتماد بازیگران با یکدیگر تبادل داده‌ها یا منافع را داشته باشند؛ اما این ارتباط می‌تواند در سطحی نامتوازن قرار داشته باشد.

در راستای تقویت پایستگی^۳ در شبکه اعتماد، سه شرط اساسی باید در کنار یکدیگر قرار گیرند: اول جستجوی جمعی برای اطلاعات و طبقه‌بندی داده‌ها که تلاش همه‌جانبه در درون شبکه اعتماد را می‌طلبد؛ دوم دانش و استعداد بازیگران درگیر در شبکه اعتماد است که نیازمند نهادسازی در درون شبکه اعتماد است؛ و سوم انطباق فرایند پایستگی است که تعامل میان بازیگران را تسهیل کرده و ساختار جریان اطلاعات را از پیچیدگی خارج می‌کند. مشخص است که هر سه عامل بر نوعی رابطه و فرایند هم‌توان‌بخش تأکید دارند. ابزارهایی که در ذیل قدرت رابطه‌ای در راستای اعتمادسازی به کار گرفته می‌شوند.

در عین حال، پیچیدگی‌هایی در فرایند پایستگی در درون شبکه اعتماد وجود دارد که می‌توان آنها را اینگونه بیان کرد: عدم تشخیص نوع



سال اول، شماره ۴،

زمستان ۱۴۰۱

اعتمادسازی بر اساس

قدرت رابطه‌ای در

روابط بین‌الملل

1-Rehabilitation

2-Common Sense

3-Stickiness

ارتباط از جهت افقی^۱ یا عمودی بودن^۲ در درون شبکه؛ برای نمونه شبکه اعتماد امنیتی با شبکه اعتماد بهداشتی دو نوع ارتباط را نشان می‌دهد که در مورد اول عمودی و در مورد دوم ارتباط بین بازیگران افقی است. البته به دلیل ماهیت بی‌سری^۳ در نظام بین‌الملل این نوع ارتباط بیش‌تر مورد نظر است. اما در شبکه‌های اعتماد سلسله‌مراتبی، وضعیت متفاوت است. مشکل دوم عدم تمایل به همکاری و رقابت درونی بازیگران دخیل در شبکه به جای تأکید بر پروژه هم‌توانبخشی است. رقابت برای تأثیرگذاری بیشتر یا عدم اشتراک مناسب داده‌ها بین بازیگران از جمله این نوع از مسئله است. مشکل سوم انطباق یا تضاد بیش از حد میان بازیگران دخیل در شبکه اعتماد است. همراهی با دیگران بدون نقد آراء یا اختلافات غیر اصولی و فراواقعیت بین بازیگران زمینه فروپاشی شبکه اعتماد است. بازیگران دخیل در شبکه اعتماد منافی را از این شبکه دریافت می‌کنند که اگر آنها با تعارض مواجه شوند، از شبکه خارج خواهند شد.

اینکه بازیگران به چه دلیلی همچنان در این شبکه باقی می‌مانند، صرفاً مربوط به منافع موقتی است که حاصل می‌شود؛ اما آنچه می‌تواند موجب تحکیم رابطه بازیگران درون شبکه شده و شبکه را حفظ کند، ارتباط متوازن^۴ یا حداقل فرض تعادل^۵ در این ارتباط است که قدرت رابطه‌ای در روابط میان بازیگران بر آن مبتنی است. بنابراین یکی از اصول اساسی در قدرت رابطه‌ای که می‌تواند اعتمادسازی را تسهیل کرده و به بقای شبکه اعتماد کمک کند، ارتباط واقعی متوازن و یا فرض تعادل است^۶. نکته اساسی دیگر در این رابطه، استمرار^۷ در ارتباط متوازن است. تعامل باید استمرار داشته باشد تا نتیجه دهد. همتایان را باید در کشورهای هدف پیدا کرد. در کنار یک روابط خوب سیاسی با تک تک شرکای خارجی، باید اعتمادسازی نزد همه عوامل تأثیرگذار را به وجود آورد. همچنین لازم است دولت‌ها ظرفیت نهادی برای اجرای توافقات را فراهم نمایند.



1-Horizontal

2-Vertical

3-Anarchical System

4-Balanced Relationship

5-Balancing Assumption

۶- متوازن بودن رابطه به معنای یکسان بودن قدرت نبوده، بلکه ارتباط متقابل مؤثر در جنبه‌های مختلف قدرت را دربر می‌گیرد. بازیگران مختلف در عرصه روابط بین‌الملل، در عرصه‌های مختلف با برقراری تعادل در رابطه، به ارتباط مؤثر بین خود ادامه می‌دهند.

7-Continuity

اعتماد را می‌توان از طریق گفتگو شکل داد؛ اما همواره خطر سوءتفاهم و احتمال فریب دادن عامدانه دیگری با کلمات وجود دارد. اقدامات نیز در محیط خصمانه می‌تواند مورد تفسیر اشتباه قرار گیرد. به همین جهت اعتمادسازی در مورد اقدامات نیازمند تلاش و پایداری در دست‌یابی به هدف و تداوم کاربرد تدابیر مورد نیاز است (زنگنه، ۱۳۹۷). تدابیر اعتمادسازی به دلیل اینکه بر قدرت رابطه‌ای تأکید دارند و از طریق قدرت رابطه‌ای منجر به اعتمادسازی می‌شود، مورد توجه هستند.

امروزه سازمان ملل از این مفهوم، استفاده گسترده‌تری می‌کند و به تدابیر اعتمادسازی غیرنظامی نیز می‌پردازد و این مفهوم را مشتمل بر اقداماتی که با هدف کاهش یا حذف ریشه‌های بی‌اعتمادی، ترس، تنش و خصومت بین دولت‌های مدرن اتخاذ می‌شود، می‌داند. به طور کلی این تدابیر شامل عمل متقابل در حوزه عملیاتی^۱ و کلامی^۲، ارسال نشانه‌های^۳ اعتمادسازی، دینامیک‌های ارتباطات بین فردی^۴ هستند (Wheeler, 2012: 7). تأکید این بازوی اداری نهادهای بین‌المللی، نشان‌دهنده اهمیت عناصر غیرمادی قدرت در تعامل میان کارگزاران با هنجارها است. خاطرنشان می‌شود که تعامل میان ساختار-کارگزار (نهادهای سازمان ملل در کنار نقش آفرینی بازیگران) عامل تداوم قدرت رابطه‌ای است.

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این مورد، ارتباطات راهبردی میان کشورها و تنظیم موافقت‌نامه‌های امنیتی است. این مورد زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که بازیگران دخیل برداشت کنند که دو کشور در حال تقویت یکدیگر هستند. از جمله در شرایط جنگی، ارتباطات نظامی و نقل و انتقالات سلاح بین این بازیگران نمونه بارزی از یک شبکه امنیتی دارای میزان بالایی از اعتماد است. تدابیر اعتمادسازی جهت شکل‌گیری شبکه اعتماد به عنوان یکی از راه‌های اصلی در جهت ورود به فرایند قدرت رابطه‌ای است. هر چند این تدابیر برای استفاده در سطح جهانی توسعه یافته است، اما مفهوم تدابیر اعتمادسازی، ابزاری سیاسی-نظامی در خدمت دیپلماسی و دارای ریشه در محیط سیاسی اروپا بوده است. در دوران جنگ سرد، تدابیر اعتمادسازی با هدف پیش‌گیری از تهاجم ناگهانی، غیرمنتظره و گسترده نظامی یکی از طرف‌ها شرق یا غرب و تقویت ثبات به کار برده شد. بعد از بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ نیاز به اعتمادسازی بین



1-Operative

2-Verbal

3-Signal

4-Interpersonal Communicative Dynamics

طرف‌ها آشکارتر شد. در قاره اروپا سازمان امنیت و همکاری اروپا^۱ نقش محوری در ابتکارهای اعتمادسازی از طریق سند نهایی هلسینکی^۲ در سال ۱۹۷۵ ایفا کرد. این سند، نمونه مشخصی از تدابیر اعتمادسازی است. همچنین فعالیت‌های چین در تاسیس کنفرانس تعامل و اعتمادسازی آسیا نمونه دیگری فعالیت نهادی در حوزه اعتمادسازی است.

همچنین در یک تقسیم‌بندی کلی تدابیر اعتمادسازی نهادی مشتمل بر شش مورد است؛ آنچه در مورد این تدابیر اهمیت دارد، تعامل متوازن ساختار- کارگزار است.

الف) تدابیر اعتمادسازی سیاسی^۳: هدف راهبردی این دسته از تدابیر، شکل‌گیری اعتماد بین طرف‌ها به منظور یافتن راه‌حل‌های سیاسی برای یک اختلاف یا منازعه است تا طرف‌ها بتوانند تمرکز بیشتری بر مذاکرات روند صلح و سازش داشته باشند یا چشم‌انداز سیاسی گسترده‌ای را ترسیم کنند (زنگنه، ۱۳۹۷). میانجیگری دبیر کل سازمان ملل متحد، خاویر پرز دکوئیار^۴ در جنگ ایران و عراق، مرجعیت دیپلماسی چینی در حل و فصل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سال ۲۰۲۳ از نمونه‌های تدابیر اعتمادسازی سیاسی است. مهمترین نمود تدابیر اعتمادسازی سیاسی، مسئله شناسایی یک دولت و گشایش مراودات دیپلماتیک و یا بازگشایی سفارتخانه است. در عین حال، در شرایط امروزی هم می‌توان به تلاش‌های دیپلماتیک برخی از کشورها از جمله قطر و چین و دبیر کل سازمان ملل متحد جهت اعتمادسازی در رابطه با برنامه جامع اقدام مشترک^۵ اشاره کرد. زمانی که برخی از کشورهای از جمله چین و روسیه نسبت به اعلام حمایت از برنامه جامع اقدام مشترک و مسئول دانستن ایالات متحده آمریکا اعلام مواضع می‌کنند، از تدابیر اعتمادسازی سیاسی بهره می‌گیرند. همچنین بکارگیری نیروهای صلح سازمان ملل متحد در مناطق جنگی صلح‌سازی^۶، برقراری روابط دیپلماتیک، اعلامیه‌ها و تلاش‌های دیپلماتیک از جمله تدابیر سیاسی هستند که در چارچوب قدرت رابطه‌ای به ابزاری برای اعتمادسازی تبدیل می‌شوند. هدف اصلی این دسته از تدابیر، شکل‌گیری اعتماد بین طرف‌ها به منظور یافتن راه حل‌های سیاسی برای یک اختلاف یا منازعه است تا طرف‌ها بتوانند



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
اعتمادسازی بر اساس
قدرت رابطه‌ای در
روابط بین الملل

1-[Organization for Security and Co-operation in Europe](#)

2-Helsinki Final Act

3-Political Trust-Building Measures

4-Javier Felipe Ricardo Pérez de Cuéllar

5-Joint Comprehensive Plan of Action

6-Peace-building

تمرکز بیشتری بر مذاکرات روند صلح و سازش داشته باشند یا چشم‌انداز سیاسی گسترده‌ای را ترسیم کنند.

ب) تدابیر اعتمادساز امنیتی^۱: هدف این دسته از تدابیر، مشخص کردن تفاوت بین رفتارهای با نیت تهاجمی و فعالیت‌های نظامی عادی، به منظور اجتناب از وخامت ناخواسته اوضاع است (زنگنه، ۱۳۹۷). برخی از رفتارها در حوزه نظامی و امنیتی از جمله افزایش تعداد نیروها و برگزاری مانور نظامی در مرز کشورها می‌تواند به عنوان تهدید برداشت شود؛ اینگونه اقدامات می‌تواند منجر بی‌اعتمادی شده و شبکه اعتماد موجود را با خطر مواجه کند. این بی‌اعتمادی می‌تواند به سطحی برسد که منجر به شکل‌گیری شبکه بی‌اعتمادی و رقیب شود. در مقابل برقراری روابط امنیتی از جمله موافقت‌نامه‌های امنیتی در سطوح راهبردی خود عاملی به عنوان اعتمادسازی است. موافقت‌نامه امنیتی چندجانبه بین کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، موافقت‌نامه امنیتی هلسینکی میان کشورهای اروپایی، جامعه امنیتی اروپا و همچنین موافقت‌نامه‌های دوجانبه میان آلمان و شوروی در خلال جنگ دوم جهانی (که بعدها توسط هیتلر زیر پا گذاشته شد)، ژاپن و ایالات متحده آمریکا و موافقت‌نامه آوردن صلح به افغانستان یا توافق‌نامه دوحه از جمله این تدابیر هستند. در عین حال همکاری‌های سایبری نیز از نمونه‌های جدید تدابیر اعتمادساز بین کشورها هستند.



سال اول، شماره ۴،

زمستان ۱۴۰۱

اعتمادسازی بر اساس

قدرت رابطه ای در

روابط بین الملل

ج) تدابیر اعتمادساز اقتصادی^۲: این گروه از تدابیر، بر تلاش‌های اقتصادی مشترک تمرکز دارند. گشودن مسیرهای تجارت می‌تواند موجب کاهش تنش و بهره‌مندی طرف‌ها شود و اغلب به عنوان اولین گام در همکاری بین طرف‌های دچار اختلاف و منازعه در نظر گرفته می‌شود (زنگنه، ۱۳۹۷). این تدابیر می‌تواند دولت‌ها و جوامع را از طریق همکاری اقتصادی با یک دیگر پیوند دهد و موانع بی‌اعتمادی را رفع کند. در جهان پر رقابت امروزی، عوامل اقتصادی می‌تواند نقش مهمی در تعیین روابط اقتصادی بین دولت‌ها و جوامع ایفا کند. به ویژه آن که وابستگی متقابل اقتصادی می‌تواند روابط نزدیک و مفید را تحکیم بخشد. بازیگرانی که وارد چنین روابطی می‌شوند به ندرت رفاه اقتصادی خود را به مخاطره می‌اندازند. تجارت فرامرزی همچنین بنیانی را برای گفتگو و همکاری در جهت حل مشکلات فراتر از حوزه اقتصادی فراهم می‌کند. تأکید بر راه‌های ارتباطی بین‌المللی تجاری مانند یک کمربند- یک جاده^۳ از طرف چین

1-Security Trust-Building Measures

2-Economic Trust-Building Measures

3-One Belt- One Road Initiative

که کشورهای متعددی را در بر گرفته است، از نمونه‌های تدابیر اعتمادساز بین‌المللی است. همچنین سازمان‌های چندجانبه همچون بانک جهانی^۱ یا سازمان تجارت جهانی^۲، سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه^۳ نمونه‌های نهادی تدابیر اعتمادساز اقتصادی هستند که بر قدرت رابطه‌ای تأکید دارند.

(د) تدابیر اعتمادساز محیط زیستی^۴: این گروه از تدابیر، بر فعالیت‌های مرتبط با مدیریت منابع مشترک و چالش‌های محیط زیستی تمرکز می‌کنند. می‌تواند شامل برنامه‌ریزی مبتنی بر همکاری و واکنش‌های مشترک به بلایای طبیعی و انسانی یا مدیریت منابع طبیعی مشترک باشد. تدابیری که تمرکز فرامرزی دارند، اگر وابستگی متقابل را در نظر داشته باشند و انگیزه‌های مشخصی برای همکاری ارائه دهند، می‌توانند کارکرد اعتمادسازی داشته باشند (زنگنه، ۱۳۹۷). تأکید بر قواعد تنظیمی توسعه پایدار در برنامه محیط زیست ملل متحد^۵، توافق‌نامه پاریس، توکیو و دیگر توافق‌نامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی زمینه اعتمادسازی را فراهم می‌کنند.

(ه) تدابیر اعتمادساز اجتماعی و بشردوستانه^۶: چنین تدابیری، به افراد تحت تأثیر کمک می‌کند و نشانه‌ای برای قصد تغییر وضعیت موجود است. این تدابیر مشتمل بر شبکه گفتگوها و فعالیت‌های مردمی و پروژه‌های مشترکی می‌شود که توانایی شکل‌دهی به فهم و سازش متقابل را دارند. گفتگو بین نخبگان و روزنامه‌نگاران، پروژه‌های نگارش کتاب یا مقاله مشترک، کنفرانس‌های آکادمیک، پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، تبادل استاد و دانشجو، تعامل بین گروه‌های مختلف جوامع مدنی، توافق در مورد عبور شهروندان از مرز، ارتقای تسهیلات سفر اتباع کشورهای دیگر، گشایش مرزها، خدمات حمل و نقل بین قلمروهای دو کشور و برقراری و گسترش زیرساختارهای ارتباطاتی از جمله نمونه‌های چنین تدابیری است (زنگنه، ۱۳۹۷). دیپلماسی ماسک، نیم‌افراشته کردن پرچم، کمک‌های بشردوستانه بین دولت‌ها یا حضور فیزیکی در این راستا از جمله دیگر موارد است. ارسال کمک‌های بشردوستانه چین به کشور جمهوری اسلامی ایران و یا بالعکس در دوره شیوع کرونا یا نیم‌افراشته کردن پرچم کشور

- 1-World Bank
- 2-World Trade Organization
- 3-Asia-Pacific Economic Cooperation
- 4-Environmental Trust-Building Measures
- 5-United Nations Environment Program
- 6-Social and Humanitarian Trust-Building Measures

در سرتاسر آمریکا به دلیل ترور آبه شینزو، نخست‌وزیر ژاپن نمونه‌های این نوع از تدابیر است (Das, 2022).

و) تدابیر اعتمادساز فرهنگی: هدف این گونه تدابیر، نمایش توجه حکومت‌ها به فرهنگ‌ها و رسوم سنتی است. چنین تدابیری بر خودداری از قوانین سرکوب‌کننده زبان‌ها یا مذاهب، احترام به رهبران فرهنگی و رسوم محلی، حساسیت به حفظ یادبودهای مورد توجه گروه‌های قومی و مذهبی مشتمل هستند (زنگنه، ۱۳۹۷). ارتباطات دانشگاهی، برگزاری هفته‌های فرهنگی و جشنواره‌های بین‌المللی از جمله ابزارهای تدابیر اعتمادساز فرهنگی مبتنی بر قدرت رابطه‌ای هستند. در عین حال به کارگیری یونسکو به عنوان یک کرسی چندجانبه بین‌المللی به منظور گفت‌وگوی تمدن‌ها و ادیان زمینه را در جلوگیری از برخورد تمدنی هانتینگتون^۲ (Huntington, 1997) فراهم کرده و با تأکید بر رابطه و قدرت رابطه‌ای می‌تواند منجر به اعتمادسازی بین گروه‌های فرهنگی و دینی متفاوت شود.

در مجموع باید ارتباط بین تدابیر در حوزه‌های مختلف را در نظر داشت و این که اعتمادسازی در یک بخش بر عادی شدن شرایط در بخش دیگر نیز اثرگذار است. این تدابیر می‌توانند به ارتقاء ثبات و اعتماد کمک می‌کنند.

بازیگران در زمان ورود به یک رابطه، معیارهای قدرت و بازیگر دیگر را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این ارزیابی در سطوح مختلف قدرت یعنی قدرت اقتصادی^۳، قدرت نظامی^۴، قدرت اجتماعی^۵، قدرت نرم^۶ و قدرت هوشمند^۷ انجام می‌گیرد که هر کدام با معیارهای ویژه‌ای سنجیده می‌شوند. به عنوان مثال قدرت اقتصادی با میزان تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، میزان سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، میزان شرکا و توانمندی آنها و میزان تسلط به بازارهای جهانی سنجیده می‌شود. همچنین قدرت نظامی با اجزای قدرت نظامی شامل تعداد لشکر، تسلیحات، سازمان نظامی، آموزش، تجهیزات، آمادگی نیروها و روحیه سنجیده می‌شود.



سال اول، شماره ۴،

زمستان ۱۴۰۱

اعتمادسازی بر اساس

قدرت رابطه‌ای در

روابط بین‌الملل

1-Cultural Trust-Building Measures

2-Clash of Civilizations

3-Economic Power

4-Military Power

5-Social Power

6-Soft Power

7-Smart power

یکی از ملزومات اساسی که از طریق آن قدرت رابطه‌ای می‌تواند منجر به اعتمادسازی شده و یا شبکه‌های اعتماد را تحکیم ببخشد، هم‌توان‌بخشی است. به این معنا که بازیگران فعال در شبکه این برداشت را داشته باشند که بازیگر دیگر در حال تقویت قدرت آن است و در عین حال برای قدرت‌های دیگر درگیر در شبکه این احساس را ایجاد می‌کند (Jervis, 1976). برداشت یا ادراک از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که در فرآیند اعتمادسازی و هم‌توان‌بخشی مورد تأکید در قدرت رابطه‌ای است. بدون برداشت درست از نیات بازیگر دیگر اقدام جهت اعتمادسازی معنایی نخواهد داشت.

در عین اینکه فرآیند هم‌توان‌بخشی در این ارتباط به چشم می‌خورد، مهم‌ترین مقوله در ارتباط میان اعتماد سازی و قدرت رابطه‌ای را باید در همین موضوع جستجو کرد. قدرت رابطه‌ای به این دلیل که بر هم‌توان‌بخشی تأکید می‌کند، عامل اصلی در اعتمادسازی و استحکام شبکه‌های اعتماد است. در عین حال برخی بزنگاه‌های تاریخی زمینه را برای شکل‌گیری و یا تقویت این شبکه‌ها فراهم می‌کند.

شبکه امنیتی دسته‌جمعی^۱ اروپا و آمریکا در قالب ناتو مثال بارز این مقوله است. با شروع جنگ اوکراین و شکل‌گیری دو بلوک در این جنگ، شاهد تقویت ناتو و شکل‌گیری شبکه اعتماد بین بازیگران در بلوک غرب هستیم. ریشه این مسئله را می‌توان اجماع بر سر مقابله با قدرت چالشگر نظم بین‌المللی بیان کرد. قدرتی که نسبت به موقعیت ژئوپلیتیکی خود احساس خطر کرده و به کشور همسایه و کشوری که در آستانه عضویت در شبکه اعتمادی قرار داشت که تهدیدی علیه روسیه بود^۲، حمله نظامی کرده است. با این همه حمله روسیه به اوکراین یک بزنگاه تاریخی برای استحکام شبکه اعتماد بین بازیگران دخیل در این جنگ است. کشورهای غربی با ارسال تسلیحات و کمک‌های گوناگون به اوکراین و به یکدیگر به دنبال هم‌توان‌بخشی و تحکیم شبکه اعتماد در قالب شبکه اعتماد ناتو هستند. این در حالی است که پیش از این به دلیل اقدامات ترامپ، ناتو توان خود را تا حدود زیادی از دست داده و به دلیل بیان خروج از ناتو این



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
اعتمادسازی بر اساس
قدرت رابطه‌ای در
روابط بین‌الملل

1-Collective Security Network

۲- دلایل متعددی برای حمله روسیه به اوکراین مطرح می‌شود. اول و مهم‌تر از همه تلاش اوکراین برای عضویت در ناتو و تهدید ژئوپلیتیکی روسیه در برابر آن نهاد. دوم ترس روسیه از موج دموکراسی‌خواهی به سمت شرق و تهدید امنیت هستی‌شناسی روسیه. سوم تلاش روسیه برای تقابل با غرب و هژمونی لیبرال دموکراسی و احیای وجهه امپراتوری شوروی؛ چهارم به دلایلی که مربوط به شخص رهبران می‌شود و به دنبال باقی گذاشتن میراثی از خود در تاریخ هستند و در نهایت به دلایل ژئوپلیتیکی و حساسیت دسترسی روسیه به آسیای میانه.

شبکه اعتماد را متزلزل کرده بود.

موانع اصلی اعتمادسازی در قدرت رابطه‌ای

در کنار راهکارهای اعتمادسازی بین کارگزاران فعال در درون ساختار، محدودیت‌ها و موانعی وجود دارند که ممکن است قدرت رابطه‌ای و تعامل فعال میان ساختار-کارگزار را تحت تأثیر غیرسازنده قرار داده و منجر به شکل‌گیری شبکه‌های بی‌اعتمادی شوند. این موانع عبارتند از:

الف) معمای امنیتی: در پارادایم واقع‌گرایی، اعتماد یا بهتر است بگوییم فقدان اجتناب‌ناپذیر آن بین دولت‌ها، همیشه نتیجه منطق بدیهی نظام بین‌الملل و معمای امنیتی است. از این منظر، معمای امنیتی مهم‌ترین مانعی است که بازیگران در اعتمادسازی با آن مواجه هستند. این نظریه متعارف اعتباری برای اعتماد به دلیل وجود یک سیستم خودیاری آنارشیک در نظام بین‌الملل قائل نیست؛ جایی که دولت‌های دارای منافع شخصی در غیاب یک مکانیسم اجرایی متمرکز به دنبال به حداکثر رساندن قدرت نسبی هستند. جان هرتز به عنوان فردی که این نظریه را معرفی کرد، این مفهوم را اینگونه تعریف می‌کند (Herz, 1950). از آنجایی که هیچ‌کس نمی‌تواند در چنین دنیایی از واحدهای رقیب احساس امنیت کامل کند، رقابت قدرت رخ می‌دهد و دور باطل امنیت و انباشت قدرت در جریان است. در همین راستا باترفیلد معتقد بود که جنگ سرد به دلیل عدم اعتماد و اطمینان طرف‌ها به یکدیگر آن وضعیت را ایجاد کرده بود (Butterfield, 1951: 21). به اعتقاد رابرت جرویس^۱ معضل امنیتی زمانی به وجود می‌آید که دولت‌ها اقداماتی را انجام می‌دهند تا خود را ایمن کنند، اما در نهایت بازیگران دیگر را ناامن می‌کنند (Jervis, 1978: 66). معضل امنیتی ممکن است به عنوان عدم اطمینان اجتناب‌ناپذیر توسط دولت‌ها در مورد نیات کسانی که قابلیت و توانایی ضربه و آسیب به آنها را دارند، تعریف شود (Booth and wheeler, 2008: 5).

این موضوع زمانی مطرح می‌شود که دولت‌ها اقداماتی برای تأمین امنیت خود انجام دهند، اما این اقدامات باعث شود دیگر بازیگران احساس ناامنی کنند. معمای امنیت، موجب معضل تفسیر و معضل واکنش می‌شود. افراد مسئول سیاست‌های امنیتی باید تصمیم بگیرند که آیا اقدامات بازیگر مقابل به ویژه رفتارهای نظامی آن- دارای ماهیت صرفاً دفاعی است یا مقاصد تهاجمی نیز دارند. مرحله بعد این است که تصمیم‌گیران مشخص سازند که چگونه واکنش نشان دهند. اگر معما

1-Security Dilemma

2-Robert Jervis

واکنش مبتنی بر بدگمانی نابجا در مورد انگیزه‌ها و مقاصد دیگر بازیگران باشد و تصمیم‌گیران واکنش نظامی داشته باشند، خطر شکل‌گیری سطح قابل توجهی از خصومت متقابل وجود خواهد داشت؛ یا اگر واکنش مبتنی بر اعتماد نابجا باشد، خطر آسیب‌پذیری در مقابل اجبار طرف مقابل با مقاصد خصمانه شکل خواهد گرفت. حتی اگر دولت‌ها در مورد مقاصد فعلی دیگران اطمینان داشته باشند، تضمینی در مورد توسعه مقاصد تهاجمی در آینده وجود ندارد (Wheeler, 2012: 3).

عنصر بدگمانی مهم‌ترین عنصری است که بر شبکه‌های اعتماد ضربه وارد می‌کند و در نتیجه بازیگران به جای موضوع هم‌توان‌بخشی به سوی رقابت قدرت و رقابت تسلیحاتی حرکت می‌کنند. نتیجه این مسئله نیز بی‌اعتمادی و دوری از شکل‌گیری شبکه اعتماد است. مسئله‌ای که منطقه خاورمیانه را نیز درگیر خود کرده است.

ب) تصویر دفاعی و مسالمت‌آمیز داشتن از خود^۱

طبیعی است که همه کشورهای نسبت به فعالیت‌های خود نگرشی مثبت و مسالمت‌آمیز دارند. کشورهای دارای سلاح هسته‌ای، این تسلیحات را برای دفاع از خود و نظم بین‌المللی می‌دانند و دیگران را به ممنوعیت دسترسی به آنها هدایت می‌کنند (Wheeler, 2012: 4). روسیه حمله به اکرین را به دلیل حرکت ناتو به سمت شرق و تهدید موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی خود می‌داند و ایالات متحده که روزی اکرین را به سمت خلع سلاح برد، هم‌اکنون اقدام روسیه را نقض حاکمیت سرزمینی اکرین و در خطر بودن نظم بین‌المللی می‌نامد. صدور اعلامیه‌ها در راستای محکومیت دیگران در روابط دوجانبه یا استفاده از نهادهای چندجانبه -از جمله مجمع عمومی سازمان ملل یا شورای جهانی حقوق بشر- در محکومیت بازیگر دیگر از نمونه‌های بارزی است که مانعی در برابر اعتمادسازی است.

پ) نمادگرایی مبهم^۲

این مفهوم به پیچیدگی تمایز بین تسلیحات تهاجمی و تدافعی اشاره دارد. حتی اگر دولت‌ها مدعی شوند که تسلیحات آن‌ها تنها برای دفاع از خود به کار برده می‌شود، دیگران این نگرانی را دارند که چنین قابلیت‌هایی ممکن است با هدف تهاجمی استفاده شوند. این مسأله در رابطه با ویژگی کاربری دو گانه فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای نیز مطرح می‌شود (Booth and Wheeler, 2008: 154). شبکه‌های اعتماد زمینه کاهش بی‌اعتمادی را

1-Peaceful or Defensive Self-images

2-Ambiguous Symbolism

فراهم و تعامل میان ساختار- کارگزار را افزایش خواهد داد.

ت) بنیادگرایی ایدئولوژیک^۱

بنیادگرایی ایدئولوژیک ذهنیتی است که موقعیت دشمن را بر اساس هویت سیاسی تعیین کرده و سیاست‌های اعمالی طرف مقابل از اهمیت کمتری برخوردار است. مشکل اینجاست که به دلیل معمای امنیتی، مشخص نیست که آیا رفتار خصمانه دیگران به دلیل ترس آنهاست یا اینکه نیت تهاجمی دارند. در همین راستا ادعاهایی که در زمینه ارتباط میان هند و پاکستان و جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا مطرح می‌شود، بیشتر جنبه ایدئولوژیک دارند (Wheeler, 2012: 5).

ث) ساختارهای غیردموکراتیک^۲

این موضوع از بحث‌های ایمانوئل کانت برگرفته شده است. کانت معتقد است کشورهایایی که فرهنگ سیاسی دموکراتیک و ساختارهای دموکراتیک را در خود پرورش می‌دهند، در صورت اختلاف منافع، از سازوکارهای مسالمت‌آمیز برای حل و فصل بهره می‌گیرند. در چارچوب قدرت رابطه‌ای همین امر صادق است. در شرایطی که ساختارهای غیردموکراتیک بر تعامل ساختار- کارگزار حاکم باشد، اعتمادسازی درون شبکه تحدید شده و قدرت رابطه‌ای را مختل خواهد کرد. این به معنای این نیست که ساختارهای غیردموکراتیک نمی‌توانند به شبکه‌های اعتماد ایجاد کنند. همانگونه که تاریخ جنگ اول و دوم نشان داده است. اما این شبکه‌ها به دلیل ماهیت یکجانبه قدرت و تأکید بر قدرت قهرآمیز (مادی و معنایی)، دوام نداشته و فرومی‌پاشند. دموکراسی‌زدایی با این مؤلفه زمینه بی‌اعتمادی را فراهم می‌کند. در مقابل ساختارهایی که به الگوهای دموکراتیک تأکید دارند، اعتمادسازی را به عنوان راه پیشینه‌سازی منافع جهت نیل به همکاری می‌بینند. به همین جهت باید عنصر اعتماد در درون شبکه‌های اعتماد را به عنوان عنصر پایه‌ای برای ساختارهای دموکراتیک دانست.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله تأکید بر نقش قدرت رابطه‌ای بر اعتمادسازی در درون شبکه اعتماد بود. اعتماد به طور گسترده‌ای به عنوان یک جزء

1-Ideological Fundamentalism

2-Non-democratic Structure

کلیدی از تعامل انسانی و سازمان سیاسی شناخته شده است. با این حال، علی‌رغم نگرانی اصلی آن با رابطه بین بازیگران در سطح کل و همچنین در سطح فردی، مطالعه اعتماد و نقش و ماهیت آن در تاریخ صد ساله روابط بین‌الملل تا حدود زیادی نادیده گرفته شده است. به گونه‌ای که مطالعات آکادمیک در این زمینه بیشتر به سال‌های بعد از ۲۰۰۰ برمی‌گردد.

قدرت رابطه‌ای به عنوان شاخصه‌ای از الگوی کوانتومی قدرت که به شکلی منسجم در آراء بالدوین مورد توجه قرار گرفت، بر اهمیت عناصر قدرت مادی و سخت مانند نیروهای نظامی، ثروت اقتصادی، جمعیت و اندازه ارزش‌های اساسی اذعان دارد؛ در عین حال بر این نکته تأکید می‌کند که قدرت معنایی مانند هنجارها، الگوهای رهبری و گفتمان به همان اندازه دارای اهمیت هستند. همچنین اینکه منابع قدرت را می‌توان در ساختارها، اعم از مادی یا معنایی، مورد توجه قرار داد. با این حال، این شکل از قدرت بر وجود شکل متفاوتی از قدرت به عنوان یک منبع در هر شبکه‌ای تأکید دارد که توسط بازیگران برای اعمال نفوذ و دستیابی به نتایج مطلوب استفاده شده است و آن، روابط بین بازیگران است.

در این مقاله در راستای تقویت فرضیه اصلی، به شبکه‌های اعتماد و نحوه تعامل میان بازیگران دخیل در این شبکه‌ها، جایگاه قدرت رابطه‌ای بین بازیگران در درون این شبکه‌ها و نهایتاً عوامل بی‌اعتمادسازی که منجر به فروپاشی این شبکه‌ها و تأثیر بر قدرت رابطه‌ای می‌شوند، اشاره کردیم. به نظر می‌رسد قدرت رابطه‌ای به دلیل ماهیت دینامیک آن (الگوی کوانتومی قدرت)، با تأکید بر عوامل اساسی اشتراک‌پذیری، مبادله‌پذیری، تعامل متقابل فعال و خودخلاقیتی بر اعتمادسازی تأثیر گذاشته و منجر به افزایش اعتماد بین بازیگران در درون شبکه اعتماد می‌شود.

دولت‌ها در نتیجه رفتار خود موانعی را در درون ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل جهت اعتمادسازی ایجاد می‌کنند. رقابت تسلیحاتی در نتیجه معمای امنیتی، تخطئه دیگری و دفاع از خود، نمادگرایی مبهم، بنیادگرایی ایدئولوژیک و ساختارهای غیردموکراتی که خود را در سیاست خارجی در مسیر بی‌اعتمادی نشان می‌دهد، همگی منجر به بی‌اعتمادی، فروپاشی شبکه‌های اعتماد و حتی شکل‌گیری شبکه بی‌اعتمادی می‌شود.

به منظور اعتمادسازی در روابط بین‌الملل تدابیر خاصی بین دولت‌ها حکمفرماست. تدابیر اعتمادسازی سیاسی، تدابیر اعتمادسازی امنیتی، تدابیر اعتمادسازی اقتصادی، تدابیر اعتمادسازی اجتماعی و بشردوستانه و در نهایت تدابیر اعتمادسازی محیط زیستی مواردی هستند که دولت‌ها به

آن توجه دارند. نکتهٔ اساسی اینجاست که در هر یک از این تدابیر تعامل میان کارگزاران و ساختار و هم‌توانبخشی در درون شبکهٔ شکل گرفته در نتیجهٔ این تدابیر، مهمترین موضوع است.



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
اعتمادسازی بر اساس
قدرت رابطه ای در
روابط بین الملل

منابع

- زنگنه، حمید (۱۳۹۷). چپستی و چگونگی اعتمادسازی در روابط بین‌الملل. رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۳۲۰، سال سی و دوم.
- کیوان حسینی، اصغر (۱۴۰۰). اثرپذیری مطالعات بین‌المللی قدرت از برداشت رابطه‌محور، سیاست جهانی، دوره ۹، شماره ۱.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۵). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
- نای، جوزف (۱۳۹۳). آینده قدرت، ترجمه محمد حیدری و آرش فرزاد، تهران: فرزاد.
- Andrew H. Kydd (2005). **Trust and Mistrust in International Relations**. Princeton University Press
- Baldvin, d (2013). Power and International Relations in Walter Carl-naes, Thomas Risse and Beth a Simmons, **Handbook of international Relations**, thousand oaks, CA: Cage Publication, pp 273-297
- Barber, Bernard (1983). **The Logic and Limits of Trust**. Rutgers University Press
- Barnett, Michael, and Duvall, Raymond (2005). **Power in International Politics**. UK: Cambridge University Press
- Booth, Ken and Wheeler, Nicholas (2008). **The Security Dilemma: Fear, Cooperation and Trust in World Politics**. UK: Palgrave Mac-Millan
- Butterfield, Herbert (1951). **History and Human Relations**. London: Collins
- Das, Dipanecta (2022). Biden Orders US Flag to Fly At Half-mast Until July 10 To Honour Ex-Japan PM Abe Shinzo. **Republicword.com**. Retrieved from: [Biden orders US flag to fly at half-mast until July 10 \(to honour ex-Japan PM Shinzo Abe \(republicworld.com\)](https://www.republicworld.com/news/biden-orders-us-flag-to-fly-at-half-mast-until-july-10-to-honour-ex-japan-pm-shinzo-abe)
- Hart, Jeffrey (2009). Three approaches to the measurement of power in international relations. **International Organization**. V 30. Issue 2
- Herz, John H. (1950). Idealist Internationalism and the Security Dilem-



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
اعتمادسازی بر اساس
قدرت رابطه ای در
روابط بین الملل

.(ma. **World Politics**. V 2 (2

Hoffman, A.M. (2002). 'A conceptualization of trust in international relations'. **European Journal of International Relations**. V 8

Hoffman, A.M. (2006). **Building trust: Overcoming suspicion in international conflict**. Albany, State University of New York Press

Jervis, Robert (1976). **Perception and Misperception in International Politics**. Princeton: Princeton University Press

Keating, V. and Ruzicka, J. (2014). 'Trusting relationships in international politics: No need to hedge'. **Review of International Studies**. V 40

Macintosh, James (1996). **Confidence building in the arms control process: a transformation view**. Ottawa: Department of Foreign Affairs

Mirzafarjouyan, Zahra (2020). China to send new humanitarian aid shipments to Iran: envoy. **Mehrnews.com**. Retrieved from: [China to send new humanitarian aid shipments to Iran: envoy - Mehr News Agency](#)

Qin, Yaqing (2006). **A Relational Theory of World Politics**. United Kingdom: Cambridge University Press

Rathbun, B.C. (2011). 'Before hegemony: generalized trust and the creation and design of international security organizations'. **International Organization**. V 65(2

Rino Falcone, and Munindar, Singh, and Tan, Yao-Hua (2006). **Trust in Cyber-Societies: Integrating the Human and Artificial Perspectives**. Springer

World Politics: .(Russett, Bruce, Harvey Starr, and David Kinsella (2006). **The Menu for Choice**, 8th Edn. Belmont: Wadsworth/Thomson Learning

Went, Alexander (2015). **Quantum Mind and Social Science: Unifying Physical and Social Ontology**, UK: Cambridge University Press

Went, Alexander and Der Derian, James (2022). **Quantum International Relations: A Human Science for World Politics**, Oxford University Press

Wheeler, Nicholas (2012). Trust-Building in International Relations. **South building**. V 4, No. 2-Asian Journal of Peace



سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۴۰۱
اعتمادسازی بر اساس
قدرت رابطه ای در
روابط بین الملل



Quarterly Scientific journal

Scientific Journal on Culture of Diplomacy Studies (SJCDS)

First year, number 4, winter 1401

The state of cultural relations between Iran and Kyrgyzstan with emphasis on cultural dialogue

Tahereh Jahanparvar; Mohammadali Rabbani

Investigating the influencing factors in the convergence and divergence of Afghanistan and Pakistan and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran

Ehsan KhademiBahabadi

The components of public diplomacy of the Islamic Republic of Iran and the Kurds of Fili Iraq

Ali Reza Zargar; Ali Molaee; Mohammadreza Rafiee

New technologies and power shift in international relations

Ali bagherizadeh; gholam mortaza khashi; Mohammad alemhemmatlpsum

India's foreign policy in Afghanistan (2001-2013); Emphasizing Afghanistan's role in securing India's national interest

Abdollah Khavari; Sayed Amir Niakoe

The Zionist regime and Iranophobia strategy

Mohammad Pourghorban

Trust-building Based on Relational Power in international relations

Mahdi Ansari; Arsalan Ghorbani Sheykhneshtin